





اخبار هیأت رزمندگان اسلام

۴ اخبار هیأت‌های رزمندگان اسلام سراسر کشور در ماه گذشته

۶ به مناسبت سالگرد عملیات والفجر ۸ نگاهی انداخته‌ایم به ابعاد مختلف این عملیات مهم دوران دفاع مقدس
والفجر ۸؛ عملیات منحصر به فرد

۸ گفتوگو با مسئول هیأت شهدای گمنام ولایت رزمندگان اسلام استان تهران
آستان شهدای گمنام قطب فرهنگی شده است



ویژه‌نامه شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها

۱۰ دلایل بر عصمت حضرت زهرا سلام الله علیها چیست؟
حتی دور از خطا

۱۲ مروری کوتاه بر زندگی بانوی دو عالم
بانوی خوبی‌ها

۱۴ هادی جانفدا، شاعر آیینی کشور از ضعف‌ها و قوت‌های اشعار فاطمی می‌گوید
شعر فاطمی ز آینده انقلاب اسلامی

۱۶ چند شعر ناب فاطمی از شاعر نام آشنا «حاج علی انسانی»
چند شعر ناب فاطمی از شاعر نام آشنا «حاج علی انسانی»

۱۸ نگاهی تاریخی به ماجرای روز به آتش کشیدن خانه حضرت زهرا سلام الله علیها
روز واقعه

۲۰ گفت‌وگو با حجت الاسلام والمسلمین محمد لطفی نیاسر، مدیر کل صدا و سیما
استان قم
الگوی برای تغییر زندگی

۲۲ ۱۰ کتاب برای شناخت بیشتر حضرت زهرا سلام الله علیها
در ستایش بانوی دو عالم

۲۴ چرا حضرت زهرا سلام الله علیها وصیت کردند که ایشان را شایسته غسل و کفن کرده
و به خاک بسپارند؟
پنهان از چشم دشمنان

۲۶ بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره حضرت زهرا سلام الله علیها
چند کلام در باب عظمت یک بانو

۲۸ پاسخ به چند سؤال برای آشنایی بیشتر با فضایل حضرت زهرا سلام الله علیها
بانویی که فرشته‌ها با او سخن می‌گفتند



هیأت



هیأت رزمندگان اسلام ماهنامه فرهنگی-مذهبی

سال دوازدهم- شماره ۱۱۸- بهمن ۱۳۹۶- قیمت ۶۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:
هیأت رزمندگان اسلام

رئیس شورای سیاستگذاری:
حجت الاسلام والمسلمین اسماعیل سعادت نژاد

مدیر مسئول:
محمدصادق آهنگران

جانشین مدیر مسئول:
حجت الاسلام والمسلمین عبدالرحمان سفیدی امین

سر دبیر: محمد امین ایمانجانی

جانشین سر دبیر: امیر حسین صالحی
دبیر تحریریه: دانیال معمار
تحریریه:

فاطمه صناعی، زهرا مهاجری، طاهره ایمانی، مرضیه یوسفی، وحید فراهانی،
اعظم سادات هراتی، الهام مرادی، مهدی واعظی، محمد مجد
امیر حسین بکائیان، صدرا صدوقی، الهام سادات کاظمی، سعیده محمدی
مریم شاه کلا، سیما خوشرو، مهدی پیر زمان، احمد سیفی، سجاد شیرافکن
عاطفه جعفری و زینب محبوبی، عباس بخشی، مسعوده فراهانی

مدیر هنری: مهدی سلامی
تصویرسازی جلد: محمد علی حلیمی
صفحه آرایی: سونا خرامان
اینفوگرافیک: مهدی سلامی
ویراستاری: مهدی واعظی
عکس: حسین جهانی

نشانی:

تهران، میدان فاطمی، نیش خیابان فلسطین و زرتشت، پلاک ۵۵۴، واحد ۵

تلفن و نامبر: ۸۸۹۶۰۴۳۰-۸۹۷۸۰۳۱۳

نشانی اینترنتی: www.eheyat.com



سبک زندگی

- ۵۰ با دعا و انواع آن بیشتر آشنا شوید
مثل یک سلاح برای مومنان
- ۵۲ گفت و گویی با حاج غلامرضا سازگار پیر غلام آستان اهل بیت علیهم السلام
خود اهل بیت روزی ما را می دهند
- ۵۶ چیزهایی که باید درباره یکی از گناهان کبیره را بیج بدانید، درباره غیبت
در گوشی های شیطان
- ۵۸ گفت و گو با حجت الاسلام کدخدا رستم پیرامون وظایف منبری ها و جایگاه منبر
منبری ها باید تاریخ را به مقتضای زمان تفسیر کنند
- ۶۰ در کنار هیأت ها و مراسم های عزاداری می توانید خودتان هم مقتل خوانی کنید
خودمان روضه بخوانیم
- ۶۲ آیت الله مددوحی، عضو سابق مجلس خبرگان رهبری:
هیچ جای دنیا ظرفیت هیأت های ما را ندارد
- ۶۴ حجت الاسلام ثمری کارشناس مذهبی:
مادحین و ذاکرین در کلام و رفتار خود مراقبت کنند



نشست سخنرانان

- ۶۸ حجت الاسلام والمسلمین دکتر رفیعی:
به اصول زندگی حضرت زهرا عمل کنیم
- ۶۹ حجت الاسلام والمسلمین حیدری کاشانی:
خانواده علوی فاطمی و تربیت مهدوی
- ۷۰ حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی:
چطور در منبرها تفسیر بگوییم؟
- ۷۲ حجت الاسلام والمسلمین باقرزاده:
زوایای زندگی حضرت زهرا باید روشن شود
- ۷۴ حجت الاسلام والمسلمین پناهی مقدم:
نکاتی درباره بحث نقد معصوم
- ۷۶ حجه السلام والمسلمین صفدری:
خیلی ها با حقایق قرآن آشنا نیستند



نگاهی به اوضاع منطقه در ماه گذشته

- ۷۷ سوریه؛ دخالت نظامی ترکیه
- ۷۸ آفریقا؛ به دنبال جایگاه در سیاست بین الملل
- ۷۹ شبه جزیره کره؛ کشایش مذاکره میان دو کره
- ۸۰ اسرائیل؛ تهدید موشکی حزب الله



ویژه نامه چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی

- ۳۰ اعلامیه ها، مهم ترین رسانه انقلاب بود، رسانه ای که دست به دست می چرخید
این برگه های تاریخ ساز
- ۳۲ قدم به قدم با امام از فرودگاه تا مدرسه رفاه در روز ۱۲ بهمن ۵۷
مسیر سر نوشت انقلاب
- ۳۴ وقتی که به واسطه اختناق موجود، دست انقلابیون از اشاعه تفکرشان کوتاه بود،
دیوار نوشته ها نقش مهمی ایفا می کردند
دیوارهای انقلابی
- ۳۶ منبرهای سخنرانی رسانه ای در دست روحانیون
قیام با واژه ها
- ۳۸ علیان نژاد، پژوهشگر انقلاب، از نوارهای انقلاب و انقلابیون در دهه پنجاه می گوید
داشتن این نوارها عواقب سنگینی داشت
- ۴۰ نیم نگاهی به فیلم هایی که انقلاب را، موضوع اصلی خودشان قرار دادند
نگاتیوهای معترض
- ۴۲ با کتاب های خاطره و شعر دوران وقوع انقلاب اسلامی بیشتر آشنا شوید
خاطره بازی با انقلاب
- ۴۴ مرور سریع مهم ترین اخبار و عکس هایی که در روزنامه کیهان
روزهای انقلاب چاپ می شد و به دست انقلابیون می رسید
تیرهای داغ عکس های داغ
- ۴۶ از سال ۴۲ تا سال ۵۷، اتفاق هایی در بعضی از مسیرها افتاده است که سرانجامش،
پیروزی انقلاب بوده: اتفاقاتی که این مسیرها را، ماندگار کرده
مسیرهای انقلاب؛ مسیرهای آزادی
- ۴۸ رسالت نوارهای صوتی در مبارزات انقلاب چه بود و چگونه رد و بدل می شدند؟
نوارهایی که پا داشتند روح داشتند



اخبار هیأت‌های رزمندگان اسلام سراسر کشور در ماه گذشته

برخوار جشن میلاد حضرت زینب سلام‌الله علیها

زهرافنده، مدیر هیأت پیروان عترت شهرستان برخوار اعلام کرد: مراسم جشن ولادت حضرت زینب سلام‌الله علیها همراه با سخنرانی حجت الاسلام مطلبی و مولودی خوانی و مدیحه‌سرایی مداحان منطقه و برگزاری مسابقه فرهنگی و اهدا جوایز به نفرات برتر و زینب‌نام‌ها و تقدیر از پرستاران فعال هیأتی در شهرستان برخوار اجرا شد.

همچنین قناد در جمع خواهران در مراسم ولادت حضرت زینب سلام‌الله علیها با اشاره به رشادت‌ها و رسالت آن بزرگوار در کربلا آن حضرت رانه تنها پرستار امام سجاد علیه السلام بلکه پرستار و محافظ قیام حسینی دانستند؛ بدینگونه که روز به روز به شاگردان مکتب حسینی و زینبی افزوده می‌شود. بانویی چون زینب رانی‌نگریم که در کمال شجاعت و عزت نفس و تدبیر در کنار امام زمان خویش به یک قیام ملی اقدام نموده و در مدرسه عالم و مکتب جهان عملا فضائل اخلاقی را به جهانیان می‌آموزد. این خواهر و برادر با هم قیام کرده و حرکت هر کدام مکمل دیگری بود، یعنی اگر پیام زینب سلام‌الله علیها نبود استعمارگران قیام حسین علیه السلام را محو می‌کردند.

کرج برگزاری عزاداری برای حضرت معصومه سلام‌الله علیها

مراسم وفات حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها در هیأت فاطمیون رزمندگان غرب کرج برگزار شد. قرائت قرآن کریم و حدیث شریف کساء توسط سرکار خانم ابراهیمی، سخنرانی سرکار خانم شیرازی در ارتباط با صفات حضرت معصومه سلام‌الله علیها، مداحی سرکار خانم گودرزی و پذیرایی در ایستگاه صلواتی از برنامه‌ای این مراسم بود.

داراب برپایی جشن حضرت زینب سلام‌الله علیها

جشن میلاد حضرت زینب سلام‌الله علیها در حسینیه شهدای گمنام با سخنرانی سرکار خانم صادقی با موضوع شخصیت‌شناسی حضرت زینب سلام‌الله علیها و ارتقاء آستانه صبر در زندگی برگزار شد. مولودی خوانی مداحان از دیگر برنامه‌های این مراسم بود.

رشت اهدای کمک هزینه سفر کربلا

جشن بزرگ میلاد حضرت زینب سلام‌الله علیها با سخنرانی سرکار خانم دکتر مهدوی و مولودی خوانی برادر عارفی در شهرستان رشت برگزار گردید. اهداء کمک هزینه سفر کربلا و کارت هدیه به شرکت کنندگان از دیگر برنامه‌های این مراسم بود.

کردکوی تجلیل و تقدیر از پرستاران نمونه

مراسم میلاد حضرت زینب سلام‌الله علیها در هیأت رزمندگان اسلام پیروان عترت کردکوی برگزار شد. مراسم میلاد حضرت زینب سلام‌الله علیها با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سیدرضا طاهری و مداحی حجت الاسلام والمسلمین اویسی فراتی در شهرستان کردکوی استان گلستان برگزار شد. تجلیل و تقدیر از پرستاران نمونه از دیگر برنامه‌های این مراسم بود.

سلطانیه تقدیر از بانوان شهرستان سلطانیه

میلاد حضرت زینب سلام‌الله علیها و روز پرستار در فاطمیه شهرستان سلطانیه برگزار گردید. در این مراسم از تعدادی از بانوان تقدیر به عمل آمد و جوایزی اهدا گردید.

ورامین معاینه پزشکی ۳۰۰ نفر

۷ پزشک متخصص چشم و اپتومتر و ۵ پزشک متخصص داخلی، عمومی و اطفال از پزشکان بیمارستان بقیه الله الاعظم، عوامل بهداری سپاه و خیریه حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با حضور در هیأت رزمندگان اسلام ورامین؛ ۳۰۰ بیمار را مورد معاینه پزشکی قرار دادند.

جشن قامت دختران بی بضاعت

برگزاری اولین جشن قامت دختران ۹ ساله بی بضاعت در جوار حرم با صفای حضرت معصومه سلام‌الله علیها به همت هیأت پیروان عترت شهرستان ورامین برگزار شد. این مراسم توسط واحد خواهران هیأت رزمندگان اسلام و با همکاری مؤسسه خیریه بشارت مهر برگزار شد. در این مراسم ۷۲ دختر ۹ ساله به همراه مادران خود شرکت داشتند. اهدای چادر نماز، سجاده و کیف بهمه‌ار جادر و همچنین زیارت مسجد مقدس جمکران از دیگر برنامه‌های این مراسم بود.

سمنان قرآن خوانی کنار مزار شهدا

جلسه هفتگی هیأت عاشقان ثارالله رزمندگان اسلام استان سمنان با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین اکرمی در گلزار شهدای امامزاده یحیی علیه السلام و با قرائت یک حزب قرآن کریم و حدیث شریف کساء انجام شد.

دزفول راهیابی به مرحله نهایی بهترین کتاب دفاع مقدس

یک افتخار دیگر در عرصه ادبیات دفاع مقدس برای پایتخت مقاومت دزفول قهرمان توسط یکی از فرزندان این دیار همیشه استوار رقم خورد. کتاب زندگی نامه سردار سرفراز شهید اسلام حاج عظیم محمدی زاده به مرحله پایانی هفدهمین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس در بخش زندگینامه به قلم سرکار خانم سلیمانی از خادمین هیأت رزمندگان اسلام و گروه روایتگران شهدای دزفول، راه پیدا کرد. مجموعه هیأت رزمندگان اسلام کسب این موفقیت را به تمامی فرهیختگان عرصه دفاع مقدس و به ویژه سرکار خانم سلیمانی تبریک عرض کرده و از درگاه خداوند تعالی برای ایشان آرزوی سلامتی داشته و سعادت روز افزون خواستار است.

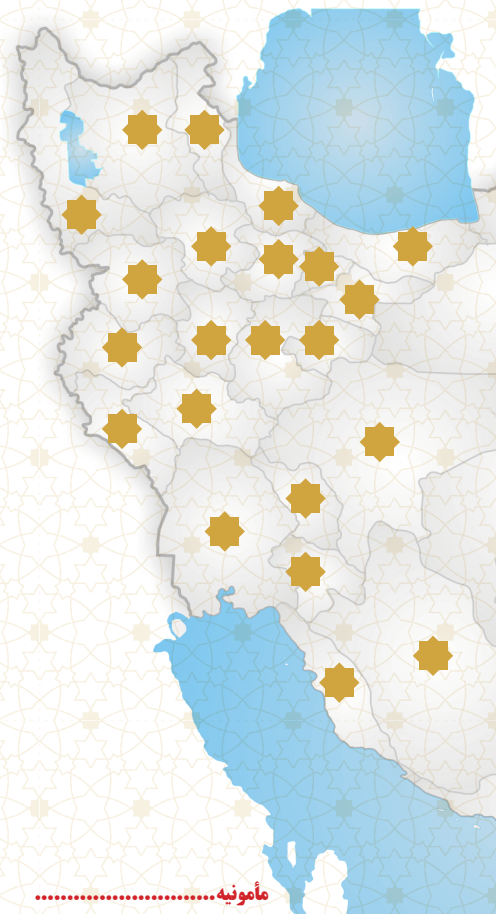
دیداری برای بیان برنامه‌های نوجوانان و جوانان

سید عزیزالله پژوهیده، مدیر اجرایی هیأت رزمندگان و محمد دباغ، مسئول واحد نوجوانان و جوانان دزفول با حجت الاسلام والمسلمین رضا پناهیان مسئول واحد نوجوانان و جوانان عاشورایی هیأت رزمندگان اسلام دیدار کرد. در این دیدار که در شهرستان دزفول انجام گرفت، سید عزیزالله پژوهیده و محمد دباغ گزارشی از برنامه‌های هیأت رزمندگان اسلام شهرستان دزفول بخصوص واحد نوجوانان و جوانان بیان کردند.

هیأت

تکریم همسر جانباز ۷۰ درصد

دیدار مسئولین و اعضای هیات پیروان عترت و جوانان عاشورایی با حضور شهردار و اعضای محترم شورای اسلامی شهر و تجلیل و تکریم از همسر جانباز ۷۰ درصد؛ کاووس امانی در سالروز میلاد حضرت زینب سلام الله علیها برگزار شد. همچنین تکریم پرستاران درمانگاه مهرید به مناسبت میلاد با سعادت حضرت زینب سلام الله علیها و بزرگداشت روز پرستار توسط اعضا و مدیران هیات پیروان عترت و جوانان عاشورایی هیأت رزمندگان اسلام شهرستان بهارستان با حضور شهردار و اعضای شورای اسلامی این شهرستان از دیگر برنامه های ماه گذشته بود.



برگزاری جشن میلاد

برگزاری مراسم جشن میلاد حضرت زینب سلام الله علیها با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی و ذاکر اهل بیت علیهم السلام استاد ولی الهی، به همت واحد عترت هیات رزمندگان اسلام شهرستان مأمونیه و با همکاری حوزه بسیج در پایگاه های ترکیه ۳ و ۴ و ۸ انجام شد.

اشکفتک.....

روخوانی قرآن همراه با سخنرانی

مراسم جشن ولادت حضرت زینب سلام الله علیها به همت هیات جوانان و نوجوانان عاشورائی رزمندگان اسلام اشکفتک همزمان با برگزاری جلسه هفتگی، بعد از تلاوت و روخوانی کلام الله مجید با سخنرانی و خواندن اشعاری در وصف حضرت زینب سلام الله علیها انجام شد. در ادامه جناب آقایان کربلایی حمیدرضا رئیسی و کربلایی مهدی توسلی به مولودی خوانی پرداختند.

اهدای جوایز به صاحبان نام زینب

مراسم جشن ولادت حضرت زینب سلام الله علیها با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین مهدوی (مسئول معاونت تعلیم و تربیت سپاه حضرت ابوالفضل علیه السلام استان لرستان) در حسینیه شهرستان ازنا برگزار شد. مولودی خوانی و اهداء جوایز به صاحبان نام زینب از دیگر برنامه های این مراسم بود.

یادواره شهدای شهرستان

پارس آباد

برگزاری مراسم شهادت امام حسن عسگری علیه السلام و یادواره شهدای شهرستان پارس آباد با حضور فرماندهان نظامی و انتظامی، مسئولین هیات رزمندگان اسلام و مردم شهیدپرور در محل مسجد جامع برگزار گردید.

تهیه جهیزیه برای نوجوانان نیازمند

به مناسبت سالروز میلاد امام حسن عسگری علیه السلام تهیه اقلام جهیزیه با همکاری واحد خواران پیروان عترت هیات رزمندگان اسلام آذربایجان شرقی به نوجوانان نیازمند در یکی از روستاهای شهرستان هوراند اهداء شد.

بازدید از هیات رزمندگان استان یزد

بازدید مدیر ستاد مرکزی هیات رزمندگان اسلام (آقای مداحی) به همراه مدیر امور استان های ستاد مرکزی (آقای حبیب زاده) از هیات رزمندگان استان یزد صورت گرفت. در این بازدید، جلساتی با هیات امناء هیات رزمندگان اسلام استان با حضور فرمانده محترم استان، مدیر صدا و سیما استان، مسئول شورای شهر یزد و تنی چند از مسئولین استان برگزار شد. همچنین جلسه ای با مدیران هیات های شهرستان ها و مدیران پیروان عترت و نوجوانان عاشورایی و مداحان برتر استان تشکیل گردید. در این جلسات پس از تبادل نظر و گزارش شهرستان ها تصمیماتی جهت تقویت و پیشبرد برنامه های هیات رزمندگان اسلام استان اتخاذ شد.

ثبت نام بازدید

از مناطق عملیاتی جنوب

هیات رزمندگان اسلام شهرستان لنجان از بین مردم شهید پرور و غیور لنجان برای اعزام به مناطق عملیاتی جنوب ثبت نام می کنند.

پیروان عترت هیات رزمندگان اسلام شهرستان لنجان از خواران جهت اعزام به مناطق عملیاتی جنوب از تاریخ ۹۶/۱۲/۲۲ لغایت ۹۶/۱۲/۲۶ به همراهی خانواده های معزز شهید محسن حججی و شهید ابراهیم هادی ثبت نام می کنند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانید با شماره ۰۹۹۰۲۸۲۹۶۰۷ خانم میریادگاری تماس حاصل فرمائید. هزینه سفر مبلغ ۸۰۰۰۰ تومان است و اولویت با کسانی خواهد بود که تاکنون به مناطق عملیاتی سفر نکرده باشند.

برگزاری نشست استانی مدیران

نشست استانی مدیران هیات نوجوانان و جوانان عاشورایی استان خوزستان، روز چهارشنبه ۴ بهمن ۹۶ با حضور حجت الاسلام والمسلمین حاج احمد پناهیان، مدیر هیات نوجوانان و جوانان عاشورایی هیات رزمندگان اسلام در اهواز برگزار شد. در این نشست که در محل قرارگاه کربلا برگزار شد، ابتدا سردار مواساتی، جانشین قرارگاه کربلا و مسئول هیات رزمندگان شهرستان بهبهان ضمن عرض خیر مقدم، با یادآوری عظمت این مکان و شهادت بزرگی که در این قرارگاه جنگ نظامی آن روز را بر نامهربانی و فرماندهی می کردند، تأکید کرد شما نیز در سنگر فرهنگی جای آن عزیزان نشستاید و جنگ امروز نیز کمتر از جنگ آن روز نیست. در ادامه مدیران هیات های نوجوانان عاشورایی ۱۵ شهرستان حاضر در همایش (هویزه، بهبهان، دزفول، بخش مرکزی، حمیدیه، ماهشهر، رامهرمز، اندیمشک، خرمشهر، امیدیه، شوشتر، لالی، هندیجان، آبادان و اهواز) گزارشی از عملکرد خود ارائه کردند. حجت الاسلام حاج احمد پناهیان، مدیر نوجوانان و جوانان عاشورایی هیات رزمندگان اسلام نیز در این نشست صمیمی، ضمن تذکر این نکته که گزارشات بایستی حول محور میثاق ۱۴ ماده ای ما در پایان همایش سراسری امسال در مشهد داده شود، بر توجه جدی به برنامه هایی که به طور خاص مورد توجه رهبر معظم انقلاب هستند (مثل اردوهای جهادی، اردوهای راهیان نور، تشکیل هیات اندیشه ورز و رصدگر و...) تأکید ویژه کردند. ایشان خطاب به مدیران هیات نوجوانان و جوانان عاشورایی استان خوزستان افزودند: همانطور که افراد طرف مقابل شما در فتنه اخیر جریان سازی کردند و گاه با تعدادی مدو، یک شهر و حتی استان را درگیر کردند، شما هم باید در طرف مقابل و در جهت مثبت بتوانید با همین تعداد کم در سطح شهرستان و استان جریان سازی کنید. حجت الاسلام پناهیان، همچنین با تأکید بر توجه به اردوهای راهیان نور، گفتند: درست است که خوزستان خودش منطقه عملیاتی است، اما نوجوانان امروز که در آن فضا نبوده اند! حال که از همه استان ها در اردوهای راهیان نور شرکت می کنند، نباید این حرکت در خود استان خوزستان کمرنگ شود. ایشان کلاس های باشکوه و پر رونق قرآن را از دیگر سرمایه های معنوی استان خوزستان شمردند و به هیات های نوجوانان و جوانان عاشورایی پیشنهاد دادند به طور ویژه در این زمینه سرمایه گذاری کنند. مدیر نوجوانان و جوانان عاشورایی هیات رزمندگان اسلام، ضمن تأیید گله های هیات شهرستان ها مبنی بر کمبود بودجه و امکانات و با یادآوری مشکلات مالی ستاد مرکزی در شرایط کنونی، گفتند: حسینیه های فعلی ثارالله و هیات رزمندگان سراسر کشور را جوانان هم سن و سال شما در آن سال ها کلید زده اند و به اینجا رسانده اند. ایشان با یادآوری بیانات حضرت آقا به سردار نجات مبنی بر «کارستان» بودن تشکیل این هیات نوجوانان و جوانان عاشورایی، اظهار داشتند: حال نوبت شما جوان هاست که در خودتان، انجام کارهای بزرگ را ببینید و کارهای بزرگتر از قبل را کلید بزنید. جناب آقای زکی پور، مدیر اجرایی هیات رزمندگان استان خوزستان نیز در این نشست با تأکید بر تأثیر و جایگاه خاص هیات رزمندگان در مسائل مختلف استان خوزستان و شهر اهواز، هیات نوجوانان و جوانان عاشورایی شهرستان ها را نیز به فعالیت بیشتر و شرکت و تأثیرگذاری در امور شهرستان خود با همکاری نهادهای دیگر تشویق کردند. در پایان حجت الاسلام والمسلمین آلبوعطیوی به عنوان مسئول جدید نوجوانان و جوانان عاشورایی استان خوزستان معارفه و از زحمات جناب آقای هادی توکل در این مسئولیت تقدیر به عمل آمد.

فرماندهی عملیات چگونه صورت گرفت؟

در این عملیات فرماندهی واحد و اجرای عملیات توسط یک سازمان، جایگزین روش مرسوم در عملیات‌های گذشته شد و سپاه و فرمانده آن به طراحی و برنامه‌ریزی عملیات پرداختند و ارتش با پشتیبانی هوایی، دفاع ضد هوایی و به کارگیری هوانیروز و توپخانه به عملیات کمک کرد. سپاه پاسداران با تشکیل قرارگاه خاتم‌الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هدایت و اجرای عملیات را با دو قرارگاه عملیاتی کر بلا و نوح بر عهده داشت. چهار قرارگاه فرعی با مأموریت‌های جداگانه تشکیل شدند و قرارگاه قدس نیز به سه تیپ امام رضا علیه‌السلام، ۷ سیدالشهدا و ۸ العنبر مأموریت تک پشتیبانی در محور بوارین را بر عهده گرفت.

پیشینه‌ای در عملیات‌های خیبر و بدر

پیشینه عملیات والفجر ۸ و فتح فاو به همت نیروهای سپاه پاسداران را باید در دستاوردهای تجربی، روشی، سازمانی و اندیشه‌ای عملیات‌های خیبر و بدر جست و جو کرد. قبل از عملیات خیبر و بدر، سپاه تجربه عملیات آبی خاکی نداشت و پس از ورود سپاه به هور الهویزه و حدود ۲۷ ماه فعالیت درون آب‌های راکد هور و هوا، تست عملی و ذهنی فرماندهان با قایق و غواص و نیز آموزش و عادت و انطباق پذیری عبور از - فرماندهان و رزمندگان با زندگی و جنگ در آب سبب شد که سیر تکاملی راهبردی عملیاتی، یعنی در ذهن فرماندهی عالی سپاه جا باز کند و تجربه استفاده از قایق و آشنایی با ابزارهای غواصی - اوروئود به فرماندهان سطوح مختلف و رزمندگان، این امکان را داد که پرسیک ترین اقدام دوران جنگ را رقم بزنند. عملیات فاو در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۴ کلید خورد و حدود ۹ ماه بعد در ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ در ساعت ۲۲:۱۰ توسط فرمانده کل سپاه با قرائت رمز عملیات به این شرح، صادر شد: «بسم الله الرحمن الرحيم. لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم. قاتلوهم حتی لا تكون فتنة. یا فاطمه الزهرا، یا فاطمه الزهرا، یا فاطمه الزهرا.»

به مناسبت سالگرد عملیات والفجر ۸ نگاهی انداخته‌ایم به ابعاد مختلف این عملیات مهم دوران دفاع مقدس

والفجر ۸؛ عملیات منحصر به فرد

هیات

عملیات والفجر ۸ اوج خلاقیت و برنامه‌ریزی فرماندهان در اندیشه دفاعی و نظامی برآمده از انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. ویژگی‌های منحصر به فرد و تأثیرات مهمی که این عملیات در روند جنگ عراق و ایران بر جای گذاشت از ابتکار عمل و طراحی ویژه از نکات حائز اهمیت است که این عملیات را نسبت به سایر عملیات‌ها در جنگ تحمیلی علیه ایران متمایز ساخته است. این عملیات در میان رویدادها و عملیات‌های دوران دفاع مقدس؛ جایگاه مهم و برجسته‌ای دارد؛ چنانچه اقدامات قبل و بعد خود را معنا و جهت بخشیده است. می‌توان گفت: این عملیات به لحاظ پیچیدگی، تفکر و اندیشه رهبری، با هیچ یک از عملیات‌های جمهوری اسلامی ایران و عراق در دوران جنگ تحمیلی قابل مقایسه نیست. به مناسبت سالگرد اجرای این عملیات، در این دو صفحه نکاتی برای آشنایی با ابعاد مختلفش بیان شده است.

ویژگی‌های منطقه عملیاتی چه بود؟

انتخاب منطقه رأس البیشه و فاو تا کارخانه نمک برای اجرای عملیات بعنوان زمین عرصه نبرد نیز بدلیل عدم توان در قدرت نظامی، تسلیحات و تجهیزات ارتش عراق، از دیگر نکات ابتکاری در عملیات والفجر ۸ است. منطقه عملیاتی فاو از سه طرف در آب محصور بود. انتخاب منطقه‌ای که سه طرف آن برای حمله دشمن قابل استفاده نباشد، یک خلاقیت به شمار می‌رفت و نشان می‌داد که فرماندهان سپاه در انتخاب زمین، هدف استراتژیک و منطبق بر توان نظامی ایران، دارای مهارت هستند. رودخانه اروند که ابتکار و خلاقیت عملیات محسوب می‌شد، کانون دلهره و نگرانی نیز بود. وجود حالت جزر و مد، ورود آب از خلیج فارس به داخل رودخانه و ورود آب رودخانه به خلیج فارس، لزوم شناخت و تسلط بر موقعیت‌های مختلف آب بویژه در حالت جزر که حدود ۳ ساعت در روز آب چندین متر از سطح کاهش می‌یافت و می‌بایست به انتظار حالت مد نشست همگی دشواری‌هایی بود که عبور از رودخانه اروند را امری محال نشان می‌داد. نتیجه چنین دیدگاهی در دشمن نیز، غافلگیری ارتش عراق بود و آنچه به این غافلگیری عمق بخشید دو ابتکار فرماندهان سپاه یعنی مبادرت به عملیات فریب در منطقه هور الهویزه که دو عملیات بزرگ خیبر و بدر در آن انجام شده بود و بر اثر تجمع و ستون کشی، ارتش عراق را به این گمان انداخته بود که ایران عملیاتی در این منطقه در پیش خواهد داشت و دوم اجرای تک پشتیبانی در جزیره ام‌الرصاص که بدلیل داشتن موقعیتی استراتژیکی ذهن فرماندهان عراقی را به خود منعطف و از فاو منحرف می‌نمود.

اهداف عملیات والفجر ۸ چه بود؟

عملیات والفجر ۸ به لحاظ موقعیت جغرافیایی در شمال خلیج فارس و منطقه فاو، از اهداف سیاسی نظامی و ویژه‌ای برخوردار بود. حضور نظامی ایران در فاو، نشانگر بی‌ثباتی حکومت بغداد و ناتوانی ارتش عراق به شمار می‌رفت. مهمترین هدف‌های سیاسی نظامی این عملیات؛ تصرف فاو، تسلط بر اروندرود، تهدید بندر ام‌القصر، هم‌مرزی با کویت، مسدود کردن راه ورود عراق به خلیج فارس، تأمین خور موسی و امکان تردد کشتی‌ها به بندر امام خمینی (ره) و انهدام سکوها و پرتاب موشک عراق در منطقه فاو بود. لذا فرماندهان سطوح مختلف حدود ۷۲۲ روز وقت صرف کردند تا دقیق ترین عملیات نظامی دفاع مقدس انجام گیرد. موفقیت عملیات والفجر ۸ که در پی طراحی و برنامه‌ریزی مناسب حاصل شد، افق جدیدی در جنگ گشود که در روند آتی جنگ در ابعاد گوناگون مؤثر افتاد.

غواصان
در روز اول
عملیات؛
ساحل اروند
عملیات
والفجر ۸



اجرای عملیات چگونه صورت گرفت؟

چگونگی شکستن خط، موضوعی مهم بود و عبارتی طی کردن دیگر مراحل و تحقق اهداف مورد نظر در گرو عبور از رودخانه اروند و شکستن خط عراق در حاشیه ساحل غربی این رودخانه بود. در طراحی عملیات مسئولیت شکستن خط به غواص ها واگذار شد. در طراحی عملیات ورود به شهر فاو، منتفی و تصمیم گرفته شد که لشگرهای ۷۲ کربلا و ۱۴ ثارالله از شمال و جنوب شهر، آن را دور بزنند و خود را به پایگاه موشکی، جاده ام القصر و جاده استراتژیک برسانند و از آن جابه تدریج وارد شوند و در صورت مقاومت احتمالی به پاک سازی آن بپردازند. با این حال، همان روز اول رزمندگان وارد شهر و مسجد آن شدند، زیرا مردم در شهر حضور نداشتند. دفاع ضد هوایی، یکی از شروط موفقیت عملیات و حفظ پیروزی محسوب می شد. به همین دلیل، از نیروی هوایی ارتش خواسته شد که سایت هاوک را در منطقه ایجاد کند. اما سایت در صورت روشن و فعال شدن در معرض حمله گروهی هواپیماهای عراقی و انهدام قرار می گرفت. برای مصون ماندن سایت از حملات احتمالی، افسران نیروی هوایی ارتش تصمیم گرفتند سایت را خاموش کنند و فعال شدن آن را منوط به اعلام سایت مستقر در امیدیه بدانند و با اعلام آن سایت، سایت مستقر در منطقه را روشن کنند تا به شلیک مبادرت ورزد. این تاکتیک و ابتکار عمل مؤثر افتاد و ۱۲ هواپیمای عراقی در آسمان عملیاتی فاو سرنگون شد. برای فرماندهان و مدیران ستادی مبهم بود که چگونه وسایل سنگین مهندسی شامل لودر، بلدوزر، گریدر، کمپرسی و تجهیزاتی چون توپ و تانک و خودرو، جیب ۴۲۳، جیب تاو و سایر نیازهای از این دست را به آن طرف رودخانه منتقل کنند. در برنامه ریزی چنین فرض شد که از صبح روز عملیات، دستگاه های مهندسی، لودر و بلدوزر و دستگاه های پشتیبانی، با قرار گرفتن روی دوش و بار و بلند بکرافت از ماهشهر و از داخل خلیج فارس به اروندرود برود و در فاو تخلیه شود. برای این انتقال به شناسایی نیاز بود. علاوه بر این، برای اتخاذ روش مناسب به منظور حمله و هجوم به دشمن، به شناسایی پشتیبانی هم نیاز بود. به هر حال، با شناسایی مسیر ماهشهر به اروندرود و انتخاب نقطه بی مناسب به عنوان ساحل برای پیاده کردن دستگاه ها و نیز پذیرش ریسک خطر بمب باران هوایی دوشه ها و بارها در خلیج فارس؛ این اقدام بزرگ انجام شد. تا حدود دو ماه پس از شروع عملیات که هنوز روی رودخانه اروند پل نصب نشده بود - به همین سختی و با همین وسعت، پشتیبانی های سنگین و سبک از منطقه عملیاتی انجام شد - نصب پل روی رودخانه از روز اول عملیات به طور جدی پی گیری شد. پس از روز هاشم که کوبی درون رودخانه، پل بعثت روی رودخانه اروند نصب شد. نصب پل با امکانات آن زمان، توانایی های محدود علمی، تجربی و در زمانی کوتاه، اقدامی خارق العاده و بزرگ به شمار می رفت و بدون شک درون هر یک از این مؤلفه ها ذکر شده، از خلاقیت و ابتکار عمل، طراحی و برنامه ریزی، ده ها متغیر رفتاری، برنامه یی و ابتکاری وجود دارد.

نتایج عملیات والفجر ۸ چه بود؟

جمهوری اسلامی ایران در عملیات والفجر ۸ توانست پیروزی های چشمگیر و مواضع استراتژیک را به دست آورد. پیروزی هایی که بسیار حائز اهمیت و در سر نوشت جنگ بسیار تعیین کننده بود. از جمله ویژگی های مهم عملیات همانطور که شرح آن ذکر شد: غافلگیری و فریب، موقعیت زمین، آتش توپخانه، دفاع ضد هوایی، عبور غواصان از اروند و شکستن خط و وحدت فرماندهی بود. پیروزی های ایران در این عملیات، بازتاب گسترده ای در محیط بین المللی و منطقه ای داشت. در فرایند بیش از ۲۲ روز نبرد گسترده که صحنه واقعی رویارویی نیروی نظامی و ماشین جنگی حزب بعث عراق با توان قوای ایرانی بود، ایران بر سواحل شمالی خور عبدالله در شبه جزیره فاو (شهر فاطمیه) مسلط و راه ورود عراق به خلیج فارس بسته شد. در مجموع؛ آزادسازی و تصرف ۹۴۷ کیلومتر مربع شامل: سرزمین خودی در اروندرود، ساحل خلیج فارس در خور عبدالله، منطقه آبی آزاد شده و تصرف شده در خلیج فارس و خشکی تصرف شده از دشمن؛ از دستاوردهای این عملیات بود. همچنین بیش از ۲۷ فروند هواپیما و چرخ بال، صد ها دستگاه تانک، نفربر و خودروی نظامی، توپ صحرایی، توپ ضد هوایی و ناوچه موشک انداز منهدم شد و ده ها دستگاه تانک و نفربر، ۸۷ دستگاه خودرو، ۷ عراده توپ صحرایی، ۷ عراده توپ ضد هوایی، ۳ دستگاه رادار موشک و ۳۴ دستگاه مهندسی از میان تجهیزات ارتش عراق به غنیمت قوای ایران درآمد.

عملیات
والفجر ۸
حسین خرازی،
فرمانده
لشکر ۴۱ امام
حسین
هنگام صحبت با
غواص ها



گفتوگو با مسئول هیأت شهدای گمنام ولایت رزمندگان اسلام استان تهران آستان شهدای گمنام قطب فرهنگی شده است

در شماره پیشین ماهنامه فرهنگی - مذهبی هیأت رزمندگان اسلام گزارشی از حضور هیأت شهدای گمنام ولایت در مناطق زلزله زده کرمانشاه منتشر شد. در این خصوص گفت و گویی کوتاه و صمیمانه با حسن رستگار، مسئول هیأت شهدای گمنام ولایت رزمندگان اسلام انجام دادیم. او در این گفت و گو پیرامون فعالیت های این هیأت در ایام اربعین حسینی و نیز اعزام خادمین به مناطق سرپل ذهاب نکاتی مطرح کرده است.



همچنین ستاد امداد رسانی جهت جمع آوری کمک های مردمی در آستان شهداء گمنام مستقر شد و با توجه به نیازسنجی از منطقه بین روستائیان تقسیم شد. هم اکنون هم خادمینی از ستاد اربعین و تعدادی از دانشجویان در مناطق حضور دارند.

نزدیک به ۳۰ میلیون تومان کمک نقدی مردمی جمع آوری شده که با توجه به شرایط فعلی که ساخت سرویس های بهداشتی و حمام همچنان در دستور کار قرار گرفته است؛ تا امروز ۳۰۰ سرویس ساخته و اقامتی نظیر آبرگرفته های برقی به منطقه وارد شده است.

نقش هیأت رزمندگان اسلام به عنوان یک مجموعه عظیم فرهنگی در پیشبرد اهداف فرهنگی و همچنین نهادینه سازی منویات مقام معظم رهبری (دامت بر کاته) در جامعه چیست؟
خواهشمندم به عنوان صحبت پایانی چنانچه نکته ای مدنظر هست، بفرمائید.

آستان مقدس شهدای گمنام صرفاً اختصاص به برنامه هایی که از سمت ما، انجام می گیرند، ندارد. ارتباط ما با هیأت های دیگر انجام شده؛ برخی از هیأت ها و دانشگاه ها با هماهنگی در این مکان برنامه برگزار می کنند. تمامی فعالیت ها به معجزه حضور شهدای گمنام در این آستان و در پناه هیأت رزمندگان اسلام انجام می شود. از طرفی ظرفیت این مکان با توجه به جمعیتی که از مردم در برنامه ها شرکت می کنند بالا است؛ پتانسیل این منطقه بیش از پیش بایستی دیده بشود. آستان مقدس شهدای گمنام ولایت برای برگزاری برنامه های بزرگ از جمله پخش زنده دعای ندبه، دعای کمیل با حضور مداحان و سخنرانان برتر اعلام آمادگی می کند.

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه در این منطقه دانشگاه قرار گرفتند. از ۴ طرف دانشگاه خواجه نصیر، دانشگاه امام حسین علیه السلام، دانشگاه آزاد، دانشگاه سازمان آب. این منطقه بیش از اینکه هم اکنون در فعالیت است جای رشد دارد.

در بحث فرهنگی، واقعیت این است که بایستی هیأت ها از سمت ستاد مرکزی تغذیه شوند. بایستی انتظارات و نیاز جامعه از سمت ستاد به هیأت ها اعلام بشود، ضعف ها شناسایی شوند، ما هم در بحث آسیب شناسی این منطقه اقداماتی انجام دادیم، ما اعلام آمادگی می کنیم هم از نظر علمی قادر به پاسخگویی هستیم، هم از نظر معنویت مکان. حضور این شهداء در این آستان مقدس یک معجزه است. این مکان افراد را به خود جذب می کند. که ان شاء الله به حول و قوه الهی تمام تلاش و ظرفیت خودمان را در آنچه مربوط به دغدغه فرهنگی، جنگ نرم و نفوذ می شود، بکار بگیریم.

به صورت نقدی و پرداخت وام و یا توزیع اقلام انجام می شود.

خادمین هیأت شهدای گمنام ولایت بعد از دریافت پیام مقام معظم رهبری (دامت بر کاته) پیرامون کمک رسانی عموم مردم به مناطق زلزله زده کرمانشاه و سرپل ذهاب و بلافاصله پس از خدمت رسانی به زائرین حضرت سیدالشهداء علیه السلام در ایام اربعین به مناطق زلزله زده اعزام شدند؛ ابتداء راجع به فعالیت های خادمین در ایام اربعین و سپس حضور در مناطق زلزله زده توضیح بفرمائید.

خادمین هیأت شهدای گمنام در ایام اربعین حسینی در عمود ۷۵۳ در خدمت زائرین اباعبدالله الحسینی علیه السلام بودند. برنامه های منسجم و منظمی برای حضور در ایام اربعین در سال ۹۶ با توجه به بررسی های صورت گرفته و براساس نیاز از ابتدای سال ۹۵ انجام شد. جلساتی پیرامون برنامه ها از حدود ۴۵ روز قبل از حضور انجام گرفت. اقداماتی برای جمع آوری نذورات مردمی و برنامه ریزی هایی برای خادمینی که به دو شکل ثابت (۷۰ نفر) و موقتی (۶۰ نفر) همکاری داشتند، صورت گرفت. اساس برنامه ریزی های صورت گرفته در موبک بر مبنای اقدامات فرهنگی بود. از جمله اقامه نماز جماعت در هر سه نوبت، قرائت زیارت عاشورا بعد از نماز صبح، بیان مسائل شرعی بین نماز، سخنرانی و مرثیه سرایی بعد از نماز، ختم قرآن کریم که روزانه ۱۰ ختم قرآن انجام گرفت، توزیع اقلام فرهنگی تأمین شده از ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام، پاسخ به مسائل شرعی در غرفه فرهنگی توسط مبلغین روحانی و همچنین برگزاری نماز با همکاری دو موبک از موبک های عراقی که در مجاورت موبک هیأت شهدای گمنام ولایت بودند بسیار باشکوه انجام می شد. مستندسازی و تهیه عکس و فیلم از فعالیت های موبک، تبلیغات محیطی و پذیرایی از زائرین، پخش کلیپ شناخت و معرفت اهل بیت علیه السلام بر گرفته از کتاب انسان ۲۵۰ ساله مقام معظم رهبری (دامت بر کاته)، برپایی غرفه ماساژ و ایستگاه سلامت مربوط به مراجعات درمانی زائرین، کمک رسانی به موبک های مجاور برای مثال در برپایی چادر و یا امور تاسیساتی، از دیگر فعالیت های انجام شده در موبک کرلا بود. قرارگاه جهادی هیأت شهدای گمنام با هماهنگی صورت گرفته با قرارگاه خاتم سپاه پاسداران در منطقه آغاز به کار کرد. هماهنگی های بسیار مطلوب و شایسته ای با دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام انجام گرفت و دانشجویان این دانشگاه در تمامی روستاها جهت احداث کانکس ها و کمک رسانی به مردم زلزله زده مشغول به فعالیت شدند.

هیأت شهدای گمنام ولایت هیأت رزمندگان اسلام به عنوان یکی از برترین هیأت های استان تهران شناخته شده است. خواهشمندم ضمن معرفی خودتان راجع به فعالیت هایی که در این آستان مقدس انجام می گیرد، توضیح بفرمائید.

حسن رستگار هستم که در هیأت رزمندگان شمال تهران، هیأت رزمندگان شهدای گمنام ولایت، در آستان مقدسی که ۸ شهید گمنام آرمیدند و البته لازم به ذکر است که دو تن از این شهداء امسال از طریق آزمایش DNA شناسایی شدند؛ افتخار همکاری دارم. آستان شهدای گمنام با فعالیت های هیأت رزمندگان اسلام به یک قطب فرهنگی تبدیل شده است تا جایی که ما نام این مکان را قرارگاه فرهنگی نامیدیم. با توجه به جمعیتی که در این منطقه وجود دارد، برنامه های هیأت رزمندگان در تمام ایام سال برگزار می شود، برنامه های مناسبی شهادت و ولادت اهل بیت علیهم السلام، به ویژه در شب های قدر بالای ده هزار جمعیت وجود دارد. برنامه هفته دفاع مقدس هر شب بالغ بر سه هزار نفر جمعیت شرکت دارند. هر ساله یکی از عملیات های دفاع مقدس در این مکان برنامه ریزی می شود. برای ایام تابستان مبلغین روحانی برای خانواده ها برنامه ویژه داشتند. هیأت جوانان و نوجوانان، همچنین برنامه هایی برای خواهران به طور ویژه و مشترک انجام می شود.

برای مدرسی که در این منطقه وجود دارند، برنامه های فرهنگی در آستان مقدس شهداء انجام می شود. ما مکان آستان را برای برگزاری برنامه در اختیار دانش آموزان قرار دادیم و ارتباط خوبی در این زمینه وجود دارد. ارتباط همسویی با بسیج، ادارات و ارگان ها برای برگزاری برنامه های فرهنگی وجود دارد. سعی ما در هیأت شهدای گمنام در این بوده که برای برنامه ها سخنرانانی دعوت کنیم که نیازهای روز را در منطقه برطرف کنند.

هیأت رزمندگان اسلام شهداء گمنام ارتباطی با کمیته امداد امام خمینی (ره) در مورد خیریه دارد. برنامه ریزی هایی در زمان بازگشایی مدارس در اول مهر (جشن شکوفه ها) و ایام نوروز داریم. حدود ۱۵۰ نفر از فرزندان خانواده های نیازمند، تحت پوشش خیرین هستند. طی هماهنگی هایی دو بار طی سال امکان ملاقات خیرین با خانواده های تحت پوشش فراهم می شود.

اقلامی برای اهدای جهیزیه داخل کانکس در محل آستان، جمع آوری می شود و با تشکیل جلساتی در کمیته تشخیص، شناسایی های لازم صورت گرفته و در اختیار خانواده های نیازمند قرار می گیرد. کمک ها

هیأت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَخَلِّصْنَا مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ وَخَلِّصْنَا مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ



ویژہ نامہ شہادت
حضرت زہرا | سلام اللہ علیہا

آیه

تطهیر و عصمت حضرت

یک دلیل که شاید مهم‌ترین دلیل باشد و در حدیث کساء هم مطرح شده است همان آیه تطهیر است «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» این آیه شریفه در باره پنج تن آمده است و خداوند اراده کرده است که پلیدی، ناپاکی و خطا را از آنها دور کند. اگر خداوند اراده کرده است که از این پنج تن هیچ کس رجسی نداشته باشد آنها معصوم هستند و حضرت زهرا سلام الله علیها به این دلیل معصوم است.

بصیرت

آیه

مباهله، دلیل معصوم بودن

دومین دلیل معصوم بودن حضرت زهرا سلام الله علیها آیه مباهله است که زمخشری آن را بیان کرده است. در تاریخ صدر اسلام تنها یکبار مباهله انجام شده است. در زمان پیغمبر اسلام صل الله علیه و آله و سلم تنها تهدید به مباهله بوده است. هر کس حضرت زهرا سلام الله علیها را لعن کند؛ مورد لعن خدا قرار می گیرد. یک قاضی اهل سنت در شهر موصل عراق بوده است که به شیعیان گفته بود شما برای چه در زیارت عاشورا بیش از ۳۰ مرتبه بنی امیه را لعن می کنید؟! سهوان ابن عوان گفت: آنچه در زیارت عاشورا آمده است حق است و من در این موضوع مباهله می کنم و دو سه روز روزه گرفتند و به یکدیگر دست دادند. سهوان ابن عوان گفت: خدایا من می گویم باید بنی امیه را لعن کرد و ادامه داد خدایا هر کدام از ما دروغ می گوید عذابی بر ما نازل کن. به محض اینکه آنها دستشان را از یکدیگر جدا کردند، دست قاضی موصل سیاه شد و پس از چند روز به هلاکت رسید و این مورد دیگری است که در آن مباهله انجام شده است. در آیه شریفه «أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءُكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءُكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسُكُمْ» گفته می شود که روح فاطمه زهرا سلام الله علیها با روح رسول اکرم صل الله علیه و آله و سلم یکی است. این به این معناست که پنج تن در یک روح هستند و فاطمه زهرا سلام الله علیها باید معصوم باشد.

دلایل بر عصمت حضرت زهرا سلام الله علیها چیست؟

حتی دور از خطا

کسی که متون وارد در قرآن و سنت شریف در باره اهل بیت علیهم السلام - و از جمله فاطمه زهرا سلام الله علیها - را مورد بررسی قرار دهد جز اقرار به عصمت و بلندی مقام و عظمت ایشان در دوری از گناه و معصیت، راه دیگری در پیش یاف خود نمی بیند. در مورد حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها باید معتقد بود که ایشان صاحب ولایت کبری است یعنی همانطور که باید به ولایت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و امیر المومنین - علی علیه السلام - و حسین علیهم السلام - ایمان داشت، می بایست به ولایت حضرت صدیقه طاهره - سلام الله علیها - نیز همانگونه اعتراف کرد و معتقد بود این نوع دیدگاه جزء عصمت ایشان نمی سازد و اینکه آن حضرت - سلام الله علیها - همچون دیگر ائمه معصومین علیهم السلام - از هر گونه گناه و پلیدی به دور است و حتی به سهو هم دچار نمی شوند. در این دو صفحه سعی شده نگاهی کوتاه به دلایل اثباتی عصمت حضرت زهرا سلام الله علیها انداخته شود.

اوسیده النساء العالمین است

دلیل سوم در این آیه «یا مریم ان الله اصطفاک و طهرک واصطفاک علی نساء العالمین» که در این آیه از چند جهت به عصمت حضرت زهرا سلام الله علیها دلالت می کند. ای مریم خدا تو را برگزیده و مطهر گردانیده و تو برگزیده بر زنان عالم هستی. اهل سنت تعدادی از پیغمبران رازن می دانند در حالی که ما شیعیان تمام پیامبران و امامان را مرد می دانیم و هر کسی پیغمبر باشد، باید معصوم باشد. در روایات فراوان داریم که حضرت زهرا سلام الله علیها بر حضرت مریم از حیث دار و در روایات بیان شده است که شخصیت حضرت زهرا سلام الله علیها از حضرت مریم بالاتر است. در این آیه عنوان می شود که حضرت زهرا سلام الله علیها معصوم است. در تعدادی از روایات نیز شخصیت حضرت زهرا سلام الله علیها را با شخصیت حضرت مریم یکی می دانند. اگر حضرت مریم معصوم است حضرت زهرا سلام الله علیها نیز باید معصوم باشد. حضرت مریم سیده النساء العالمین خودش بوده است و حضرت زهرا سلام الله علیها از ابتدا تا انتهای خلقت سیده النساء العالمین است و حضرت زهرا بر حضرت مریم برتری دارد و دلیل های قرآنی بسیاری بر عصمت حضرت زهرا سلام الله علیها وجود دارد. یکی دیگر از دلایل معصوم بودن حضرت زهرا سلام الله علیها این است که رسول خداصل الله علیه و آله و سلم فرمود: «فاطمه بضعه منی» حضرت زهرا سلام الله علیها بخشی از من است. هنگامی که پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم معصوم است همین که دست و چشم پیامبر نیز معصوم است همین که پیامبر گرامی اسلام کاری را انجام می دهد از حکم خداوند است و فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز جزئی از رسول خداست. اگر دست پیغمبر معصوم است؛ حضرت زهرا نیز سلام الله علیها نیز معصوم است. دلیل دیگر عصمت حضرت زهرا سلام الله علیها این است که خداوند با خشنودی حضرت زهرا سلام الله علیها خشنود می شود و با ناراحتی حضرت زهرا سلام الله علیها غمگین می شود. هیچ دلیلی بالاتر از عصمت نیست برای آنها که اگر کسی هر چه را خدا دوست دارد، معصوم هم دوست دارد و اگر چیزی را دوست ندارد او هم دوست ندارد. در حدیثی آمده است که اگر حضرت علی علیه السلام نبود برای حضرت فاطمه سلام الله علیها کفوی پیدا نمی شد. فاطمه زهرا سلام الله علیها هر گاه می خواهد از دواج کند تنها حضرت علی علیه السلام هم کفو اوست و این دلیلی برای عصمت حضرت علی علیه السلام است. در کتاب های مختلف درباره عصمت حضرت علی علیه السلام مطالب فراوانی نوشته شده است که حضرت علی علیه السلام با حضرت فاطمه سلام الله علیها مساوی است. دلیل دیگر از تفسیر قمی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت زهرا سلام الله علیها «حجت علی الحجت» است. در صلواتی که برای حضرت رسول صل الله علیه و آله و سلم فرستاده می شود ۱۳ معصوم را ذکر می کنند که تمام این ۱۳ معصوم به جز حضرت زهرا سلام الله علیها حجت رب العالمین بودند. به این معنی که ۱۲ امام و رسول اکرم صل الله علیه و آله و سلم حجت خدا بر مردم هستند. کلام حضرت زهرا سلام الله علیها بر امام صادق علیه السلام حجت است و کلام امام صادق علیه السلام بر ما حجت است. کلام فاطمه زهرا سلام الله علیها باید فوق حجت باشد.

ملکه ای

از جانب خداوند

اولین شرط عصمت داشتن یک معصوم این است که ملکه ای درون آن از جانب خداوند متعال وجود داشته باشد که باعث می شود انسان نه تنها گناهی نداشته باشد؛ بلکه هیچ گونه خطا، نسیان و غفلت هم نداشته باشد. اگر فردی در خواب حرفی زد و اشتباه بود معصوم نیست. معصوم کسی است که کلمه اشتباهی از دهانش خارج نشود و هیچ خطا و اشتباهی از او سر نزنند. معصوم نه تنها گناهی نمی کند؛ بلکه خطا هم نمی کند. اگر کسی انسان عادل باشد ممکن است اشتباه کند، اما کسی که معصوم است نه تنها گناهی ندارد؛ بلکه اشتباه هم ندارد. ممکن است امام جمعه خطا کند و سهواً غذایی را بخورد، اما معصوم کسی است که هیچ کدام از آنها در زندگیش وجود ندارد. حضرت رسول اکرم صل الله علیه و آله و سلم در کودکی می خواست با کودکان دیگر به یک مجلس عروسی برود که در آن موسیقی وجود داشت. پیغمبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم می گوید: عصر آن روز خوابم برد و نیمه شب هنگامی که بیدار شدم، عروسی تمام شده بود. معصوم کسی است که از ابتدای کودکی تا آخر عمر هیچ خطایی از او سر نزنند. عادل برای کسی که می خواهد به حرف او عمل کند، حرفش حجت است. وقتی می گوئیم باید از صحبت یک مرجع تقلید اطاعت کنیم یعنی اینکه اطاعت از مرجع تقلید بر مقلدان واجب است. اگر کسی معصوم باشد می گوئیم کلام او کلام خداست. ممکن است مرجع تقلید اشتباه کند، اما خطایی ندارد. آنچه را که امام صادق علیه السلام می گوید: کلام خداست. اطاعت از مرجع تقلید واجب است، اما کلامش کلام خدا نیست. در کتاب های بدلیل مختلف نوشته شده است که حضرت زهرا سلام الله علیها معصوم است اما در هیچ کتابی ندیدیم که دلیل عصمت حضرت زهرا را عنوان کرده باشد.

او

«حور الانسیه» است

یکی دیگر از دلایل آن نحوه ولایت حضرت زهرا سلام الله علیها است که رسول خداصل الله علیه و آله و سلم فرمودند: فاطمه زهرا سلام الله علیها «حور الانسیه» است که اصل آن درختی است از بهشت و حور بهشتی است و چیزی که در بهشت باشد هیچ گاه در آن خطا و اشتباه وجود ندارد. دلیل دیگر آن این است که اهل سنت تمامی صحابه پیامبر را عادل می دانند اما شیعیان تعدادی را عادل و تعدادی را فاسق می دانند. اهل سنت می گویند هر کس پیغمبر را یکبار در عرش دیده باشد پس عادل است. حضرت زهرا سلام الله علیها هم جزء صحابه پیغمبر است و باید سخن حضرت زهرا سلام الله علیها را سخن پیامبر صل الله علیه و آله و سلم بدانیم. هر کس عدالت صحابه را قبول دارد باید عدالت مافوق قدرت صحابه را نیز قبول کند. نتیجه می گیریم که فاطمه زهرا معصومه، مطهره، راضیه و مرضیه است.

مروری کوتاه بر زندگی بانوی دو عالم بانوی خوبی‌ها



آنچه می‌خوانید گزیده‌ای از زندگی نامه نخستین مظلوم ستمدیده اهل بیت رسالت است، سومی‌ن معصومی که آفرینش جهان هستی به برکت وجود مقدس اوست، همانطوری که در حدیث قدسی خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «ای محمد! اگر تو نبودی، جهان با این عظمت را نمی‌آفریدم و اگر علی علیه السلام نبود، تو را نمی‌آفریدم و اگر فاطمه زهراء سلام الله علیها نمی‌بود، شماها را نمی‌آفریدم.»

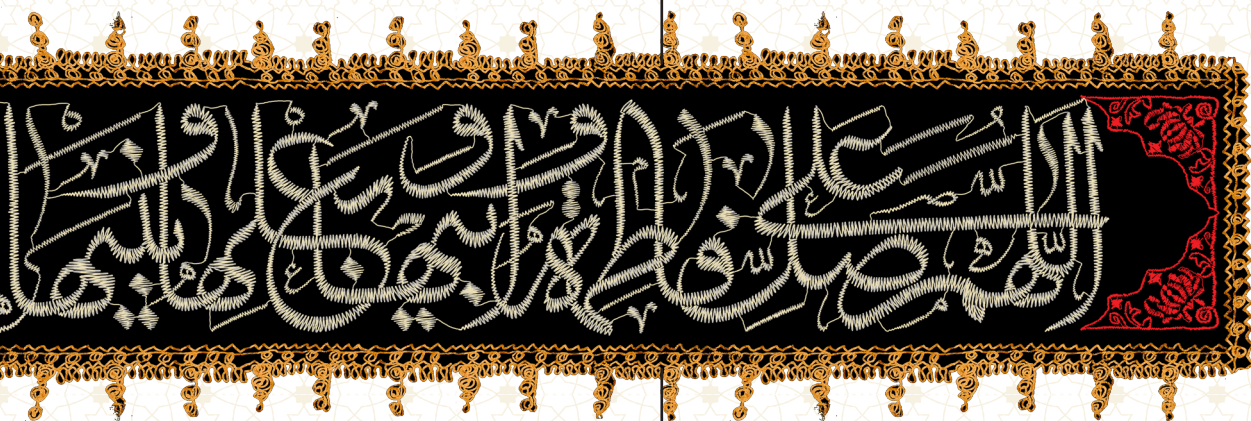
تولد بهشتی

ادامه داد برای امت من بگویند که نور فاطمه قبل از آفرینش زمین و آسمان آفریده شده است. در موقع وضع حمل خدیجه گویند فرشتگان از آسمان به زیر آمدند تا در تولد فاطمه سلام الله علیها او را یاری دهند. فرشتگان او را به دنیا آوردند و در ملحفه سفیدی پیچیدند و به مادرش سپرده و به آسمان باز گشتند. گویند نخستین زانی که پای به بهشت می‌گذارند، حضرت فاطمه سلام الله علیها و حضرت مریم علیها السلام هستند. آنها پاک‌ترین زنان عالم و سرور همه ایشان هستند.

از اینکه نطفه فاطمه ایجاد شود جبرئیل برای من سیبی از بهشت آورد. من آن سیب را خوردم و سپس با خدیجه همبستر شدم و بعد از آن فاطمه سلام الله علیها بدینا آمد. به همین جهت است که هرگاه او را می‌بوسم و می‌بویم از وی بوی بهشت را استشمام می‌کنم. در جایی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود: قبل از اینکه آدم از بهشت هبوط کند، نور فاطمه سلام الله علیها به سیبی تابیدن گرفت و آدم آن را خورد و آن نور بعدها در فرزندش هابیل تجلی کرد. سپس

حضرت فاطمه سلام الله علیها روز بیست جمادی الاخر سال پنجم بعثت در مکه مکرّمه بدنیا آمد. حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره دخترش حضرت فاطمه سلام الله علیها نقل شده است که فرموده: «خلق الله نور فاطمیه ان یخلق الارض و السماء؛ خداوند نور فاطمه را قبل از اینکه زمین و آسمان را بیافریند آفریده است.» حدیثی از پیامبر نقل شده است که از ایشان پرسیدند چرا رفتار محبت آمیزی که با فاطمه سلام الله علیها داری با دیگر فرزندان نداری؟ پیامبر فرمود: قبل

حیات



ازدواج آسمانی

بود، علی را از سکوت فاطمه که در حقیقت نشانه رضایت او بود خبر داد. در مراسمی ساده و دور از هر گونه هیاهو و با نیکوترین کلام، خطبه عقد جاری شد و فاطمه علیها السلام به همسری علی علیه السلام درآمد. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به مردم فرمودند: «شما را گواه می‌گیرم که من طبق سنت پادار اسلام فاطمه را همسر او می‌گردانم. امیدوارم خداوند در بین آنها مهر و محبت قرار داده، پراکندگی شان را سامان دهد و این وصلت را برایشان فرخنده گرداند و از لطف خویش به آنان فرزندان پاک و پاکیزه مرحمت فرماید و نسلشان را سبب رحمت و برکت و گنج علم و حکمت و موجب امنیت ملت اسلام قرار بدهد. از خداوند برای خود و دخترتم و دامادم و شما آموزش می‌طلبم.» سپس علی علیه السلام نیز خطبه‌ای ایراد کرد و دوباره پیامبر آنان را دعا کرد و همه آمین گفتند.

اخلاص هیچ کس به پای او نمی‌رسد. اینک او برای خواستگاری تو آمده است. آیا اجازه می‌دهی به او پاسخ مثبت بدهم؟» مسلم است که فاطمه سلام الله علیها خواستگاران بسیاری داشت. گروهی از مهاجران و انصار و بسیاری از ثروتمندان از جمله عبد الرحمن بن عوف که ثروتمندترین مرد منطقه بود از خواستگاران فاطمه علیها السلام بودند. اما حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که شایسته‌ترین بانوی هستی است به ملاکی جز تقوا و فضیلت، در انتخاب همسر نمی‌اندیشید؛ از این رو وقتی پدر بزرگوارش نظر او را درباره ازدواج با علی علیه السلام جویا شد، سکوت سرپای فاطمه علیها السلام را فرا گرفت و از شرم و حیا هیچ نگفت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم رضایت دخترش را از حالت او دریافت و در حالی که خنده نمکینی بر لبانش نقش بسته

علی علیه السلام سر به زیر انداخته و از نهایت حیا با سرانگشتان خود زمین را لمس می‌کند و از گفتن درخواست خود خجالت می‌کشد تا اینکه رسول خدا سکوت را می‌شکند و از او می‌خواهد درخواستش را بر زبان آورد. علی علیه السلام در حالی که عرق شرم بر جبین مبارکش چون شبنمی بر گل نشسته بود، با خجلت و کم‌رویی و با جملاتی زیبا و سرشار از ادب، فاطمه علیها السلام را از پدرش خواستگاری کرد. وقتی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تقاضای امیر المؤمنان علیه السلام را شنید فرمود: «علی جان! خواسته تو را با فاطمه در میان می‌گذارم و نظرت را پرسیده، به تو جواب می‌دهم.» آنگاه نزد فاطمه سلام الله علیها رفت و فرمود: «دخترم فاطمه، می‌دانسی که من تو را دوست دارم و پسر عمویم علی را هم خوب می‌شناسی، که در فضل و تقوی و صدق و صفا و

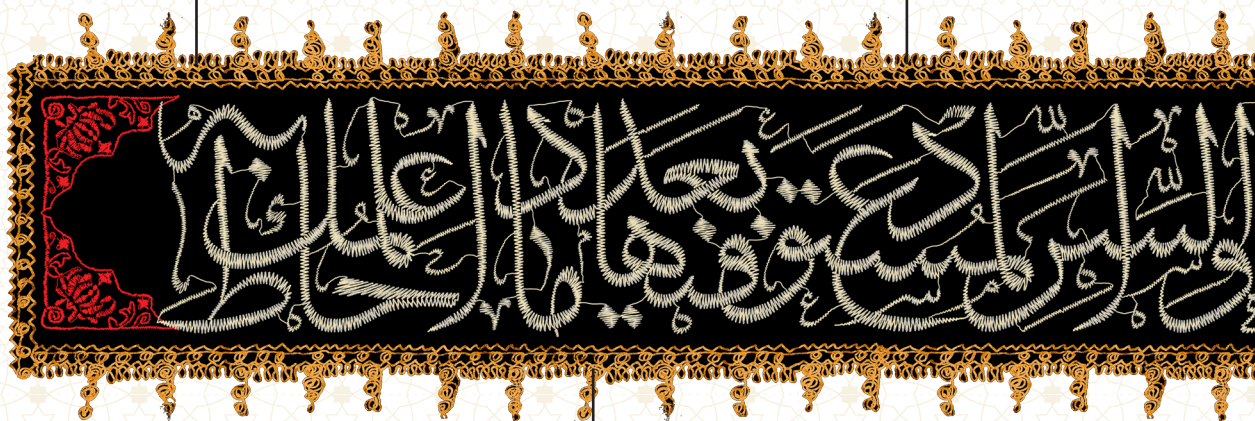
در منزل همسر

فاطمه سلام الله عليها بعد از دومین سال هجرت زندگی مشترک خویش را با علی علیه السلام آغاز کرد که مدت آن را برخی از مورخان قریب به ۹ سال ذکر کرده اند. این زن و شوهر شادی ها و سختی های زندگی را با هم تحمل کردند و بدون آنکه در خلال این ۹ سال کوچکترین اختلافی با هم داشته باشند به زندگی مشترک خویش ادامه دادند. از یک طرف علی علیه السلام افتخار می کرد که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همسر اوست و از طرف دیگر فاطمه سلام الله عليها داشتن چنین شوهر نمونه ای به خود میاهات می کرد. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است: فاطمه که عزیزترین و محبوبترین کسان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود گاهی آنقدر با مشک آب می آورد که سینه اش مجروح می شد و آنقدر با دستان خود آسیاب می کرد که دستانش پینه بسته و خشن شده بود. آنقدر خانه را جارو می زد که لباس هایش خاک آلود بود، آنقدر زیر دیگ را روشن می کرد که جامه هایش سیاه و دود آلود شده و در بعضی از روزها بسیار لاغر و ضعیف می نمود.



رحلت پیامبر اکرم

تا هفت روز بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، فاطمه سلام الله عليها از خانه بیرون نیامد، روز هشتم به عنوان زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از خانه بیرون آمد با گریه و ناله به طرف قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رهسپار شد، (از شدت ناراحتی) دامنش بر زمین کشیده می شد، و چادرش بر پاهایش می پیچید، از شدت گریه و ریزش اشک، چشم هایش چیزی را نمی دید، تا کنار قبر آمد، همین که چشمش به قبر پدر افتاد، از حال رفت و خود را به روی قبر افکند، زن های مدینه به سوی او شتافتند، آب به صورتش پاشیدند تا اینکه به هوش آمد، آنگاه صدا به گریه بلند کرد و خطاب به پدر گفت: قوتم رفت، صبرم تمام شد و بی تاب شدم، دشمنم شاد گردید، اندوه جان کاه مرا می کشد، ای پدر بزرگوار تنها و حیران و بی کس باقی ماندم، صدایم گرفت، کمرم شکست، زندگیم دگرگون و تیره شد، بعد از توای پدر، انیسی در وحشت ندارم، و کسی نیست که مرا آرام کند. سپس با ناله جانشوز، این اشعار و گفتار را به زبان آورد و گفت: ای پدر جان حزن من هر روز در مصیبت تو تازه است، و قلبم به خدا قسم، سوزان و دگرگون است، هر روز اندوه من از مصیبت تو زیاد می شود و حزن من از فراق تو هرگز تمام نمی شود.



ماجرای فدک

نمی آورند. به همین جهت کسانی را نزد خلیفه فرستاد و علت را از او پرسید. ابوبکر پاسخ داد: مگر نشنیده ای که پیامبر بارها فرموده بود: نحن معاشر الانبياء لانورث، یعنی ما جماعت پیامبران از خود میراثی باقی نمی گذاریم. هنگامی که این خبر را به حضرت دادند او که در فراق پدر سوگوار بود، آهی از ته دل کشید و سپس خطبه پرشوری خطاب به ابوبکر ایراد کرد.

اطراف خود داشت به دخترش فاطمه سلام الله عليها بخشید. بعد از ماجرای انتخاب خلیفه و خلافت ابوبکر، مسلمانان به گروه های مختلف تقسیم شدن و اختلافاتی در بین ایشان روی داد که بزرگترین آنها قیام مسلمیه کذاب بود که در اواخر عمر پیامبر آغاز شد و ابوبکر به آن خاتمه داد. بعد از این وقایع حضرت فاطمه سلام الله عليها مشاهده کرد که درآمد حاصله از فدک را برای او

فدک دهکده کوچکی از اراضی یهودیان طایفه بنی قریظه بود که در نزدیکی قلعه خیبر قرار داشت. بعد از تسخیر آنجا توسط مسلمانان و اخراج یهودیان از فدک، به تصرف مسلمانان درآمد.

فدک بعد از اینکه به تصرف ایشان درآمد جزء اموال غیر منقول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درآمد و او آن دهکده را که نخلستان بزرگی در





هادی جانفدا، شاعر آیینی کشور از ضعف‌ها و قوت‌های اشعار فاطمی می‌گوید

شعر فاطمی زاییده انقلاب اسلامی

شعر فاطمی از زیر مجموعه‌های شعر ولایی است که در هیأت‌های امروزی روز به روز رشد می‌کند و دل‌های مستمعین بیشتری را با خود همراه می‌کند اما در عین حال به دلیل نوظهور و محل اختلاف بودن جایگاه حساسی است. بر همین مبنا با شاعر آیینی گرانقدر هادی جانفدا به گفت‌وگو نشستیم تا بر ایمان از ضعف‌ها و قوت‌های اشعار فاطمی بگوید.

موازین شعر و ادبیات ندانند، همچنین بر کیفیت فنی اش و به حرف‌هایی که گفته می‌شود، اما باید نوظهور بودن شعر فاطمی را اینجا هم لحاظ کنیم و هیأت خاستگاه عرضه اینگونه شعر هاست. هیأت فضا و رسانه‌ای است که شاعر شعرش را آنجا عرضه می‌کند و فوق‌العاده مؤثر است این مؤثر بودن، همانطور که می‌تواند یک نقطه قوت برای ما باشد، می‌تواند یک نقطه ضعف هم باشد، چون اگر یک شعر ضعیفی یا یک حرفی که در شأن اهل بیت نیست به آن سرعت منتشر شود سرعت تخریب بالاتر می‌رود. پس بله هیأت هم در این فضا تأثیر داشته است ولی هنوز شعر فاطمی با آن چیزی که نقطه آمال و آرزوهای ماست خیلی فاصله دارد.

چرا اکثر اشعار فاطمی در حوزه مرثیه و محدوده شهادت حضرت زهرا است و باقی شئون زندگی ایشان را در بر نمی‌گیرد؟

ادبیات زاییده غم است، شما از همه مردم سؤال کنید بگویند یک بیت شعر بخوانند، شعر غمناک می‌خوانند، حافظ هم نمی‌گوید بیا تا گل برافشانیم و می‌در ساغر اندازیم، می‌گوید من از دیار حبیبی نه از بلاد غریب، اصلاً شیرینی ادبیات به غم است، همه جای دنیا اینگونه است. ادبیات پشگن زدن نیست، انسانی که می‌رود دنبال ادبیات به جست‌وجوی گمشده‌هایش می‌رود، آدمی هم گمشده دارد که غمناک است، ذات ادبیات اینطور است. شاعر وجدان بیدار انسانیت است چون وجدانش بیدار است این بر مبنای فطرت سلیم است، شاعر گیرنده‌ها و سنسورهای او حساستر است و به مطلبی که حساستر است بیشتر می‌پردازد.

عباس صفایی یک شعر دارد که من خیلی دوست دارم می‌گوید: «زستان را بیشتر از هر فصل دیگری دوست دارم، چون تو در صف تئاتر هر چقدر هم لباس بیشتر پوشیده باشی، خودت را بیشتر به من می‌پسبانی» این یک عشق زمینی است، حالا فرض کنید شاعر محبوبش را از دست بدهد، آیا این غم همه خاطرات خوش را تحت تأثیر قرار

خاطر است که شعر فاطمی مویده ۱۵، ۲۰ سال اخیر است و یک شعر نوپایی است. من خیلی اصرار دارم نوپا بودن را بگویم چون نوپا بودن یک جریان در قضاوتش مؤثر است، شما هیچ‌وقت یک کودک را مانند یک مردم عاقل و کامل قضاوت نمی‌کنید چرا که نوظهور بودن در قضاوت مؤثر است. این مدل شعر فاطمی، شعر نوظهوری است و ما همه باید در قضاوت، بررسی، نقد شعر فاطمی این نوجوان بودن شعر را در نظر بگیریم و در ذهن داشته باشیم.

تأثیر هیأت بر ترویج شعر فاطمی چقدر است؟ با توجه به اینکه ما قبل از انقلاب هم مجامع هیأتی داشتیم اما بروز شعر فاطمی بعد از انقلاب اتفاق می‌افتد.

قطعا خیلی مؤثر است، شرایط قبل از انقلاب را نمی‌توانیم با شرایط بعد از انقلاب مقایسه کنیم، مخصوصاً با سال‌های اخیر، با به وجود آمدن رسانه‌های مختلف، رسانه‌های جمعی، سیر تحولات قاعدتاً سریع‌تر می‌شود، یک نفر شاید در زمانی که این امکانات و این رسانه‌ها نبود، یک شعری در مورد اهل بیت می‌گفت و شعر خوبی هم بود، شاید یک‌ماه طول می‌کشید، تا آن شعر به دست مردم بندر عباس برسد، امروز شاید این زمان به زیر ۱ ساعت تقلیل پیدا کرده است، سرعت زیاد تحولات و سرعت زیاد اشاعه اطلاعات، روی خیلی چیزها اثر گذاشت، البته اثرش هم باید بررسی شود، یک جاهایی ضرر کردیم و یک جاهایی به نفع ما بوده است.

هیأت هم همینگونه است، هیأت مهم‌ترین رسانه شیعه است. معارف اهل بیت را شما باید یکی یکی به انسان‌ها انتقال بدهید. اما یک جلسه هیأت که برگزار می‌شود، ۲ هزار نفر، ۱۰۰ نفر، ۵۰ نفر، بدون هیچ ممانعتی در هیأت جمع می‌شوند، حتی افکار عمومی اینها را تشویق هم می‌کند در نتیجه صدر صد به ترویج آنگونه از شعر هم کمک می‌کند، من به این اذعان می‌کنم که ممکن است ادبیات و ادبا از اشعار فاطمی که در هیأت خوانده می‌شود نصفش را هم قبول نداشته باشند و اینها را طبق

بر ایمان از سابقه شعر فاطمی که یکی از پدیده‌های شعر آیینی است بگویند و اینکه از کجا و چگونه شروع شد؟

شعر فاطمی به این معنایی که امروز بین اهالی ادب و اهالی شعر مطرح است، شعر نوظهوری است، البته سنایی، ناصر خسرو و دقیقی طوسی از صدیقه کبری نام برده اند اما نه به این مفهومی که امروز شعر فاطمی می‌دانیم. همچنین سنایی در قصیدهای به نام حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها اشاره می‌کند تا در آنجا تشییع خودش را ابراز کند و از اعتقاداتش بحق سخن می‌گوید که می‌فرماید: «مر مرا باری نکو ناید ز روی اعتقاد / حق زهرا بر دین پیمبر داشتن / آنکه او را بر سر حیدر همی خوانی امیر / کافرم گر می‌تواند کفش قنبر داشتن» در این بیت از اعتقاداتش و از مذهبش به صراحت و شفافیت سخن می‌گوید درست است که این بیت، بیت فاطمی است اما هنوز شعر فاطمی اینجا متولد نشده است و بعد از آن هم ناصر خسرو بسیار به نام شریف خانم حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها و مخصوصاً غصب فدک و قضیه خلافت اشاره می‌کند. شاید این نخستین رگه‌های بیت‌های فاطمی است که در تاریخ وجود دارد. اما آن چیزی که مدنظر ماست مویده بعد از انقلاب است، انقلاب اسلامی همانطور که بر خیلی از شئون زندگی مردم تأثیر گذاشت، در حوزه فرهنگی بر ادبیات تأثیر ویژه‌ای داشت، مضاف بر اینکه خود حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها شخصیتی است که در طول تاریخ قله وجودی ایشان، مه‌آلود و رازآلود بوده است و تقریباً نزدیک ۲۰ سال است که در تقویم‌های رسمی کشور ما روز شهادت ایشان، از رحلت به شهادت تبدیل شده است. چرا که ما از نظر کلامی و از نظر روایی با برادران اهل تسنن بر سر شهادت حضرت زهرا اختلاف داریم.

پیش از این هم در بین شیعیان این اختلاف بود که شهادت ایشان را رحلت می‌دانستند درست است؟

بله این اختلاف در بین شیعیان هم بود. به همین

هیأت



مبارک ایشان که می‌فرماید برای زن هیچ چیز بهتر از این نیست که او نامحرمی را نبیند و نامحرمی او را نبیند، ببینید چقدر حق و حقیقت مهم که حضرت زهرا را از خانه خارج می‌کند و بر شتر می‌نشانند تا با حسن برود در خانه‌ها را بزند بگوید به علی کمک کنید، این باید باشد، همین امروز هم ما باید بگوییم بیایید به علی کمک کنید، همین امروز هم ما باید بگوییم علی تنهاست، این حق طلبی است، همین امروز هم باید بگوییم حق با علی است، ولی این با ایجاد اختلاف و تفرقه متفاوت است و اینجا هنر به کمک ما می‌آید، استعاره‌هایی که در شعر شاعران زیاد است مثلاً شب، ظلمت. این کار هنر است که شما حرفی بزنید که اهلش متوجه شوند و در عین حال گزکی دست کسانی که می‌خواهند بهانه‌ای پیدا کنند و باعث اختلاف بین مسلمانان بشوند ندهید. اصلاً اینجا فرق شاعر با آدم عادی مشخص می‌شود. می‌گوید: «مرد آفرین زنی که خلیلانه می‌شکست بتخانه خلاف خلاف ز شیونش تا کعبه را ز چشم شرافت نیفتد از چشم روزگار معان است مدفنش» شعر آقای خسرو احتشامی؛ این زبان هنر است.

در این سال‌ها شاعری برای اهل بیت و صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیها نوشتید، طبعاً از طرف اهل بیت با کراماتی مواجه شده‌اید که با واضح و آشکار یا در لفافه بوده است. اگر صلاح می‌دانید یکی را که قابل گفتن است برای ما بگویید.

شما وقتی با عشق حرکت می‌کنید لحظه لحظه آن واقعا خاطره است، واقعا همه لحظاتش شیرین است، همین که ما زنده هستیم و داریم نفس می‌کشیم در این شرایط مادی و اقتصادی و فرهنگی واقعا کرامت اهل بیت است. کسی که ماهی یک میلیون تومان حقوق می‌گیرد و ماهی ۴ میلیون تومان هزینه زندگی‌اش است و زندگی می‌کند این به جز کرامت چیست مثلاً اهل بیت به ما کمک کردند و ما خانه داریم، من نه کاسبی بلد هستم و نه تجارت ولی خانه خریدم. خود شاعری یک نوع کرامت است همچنین بحث معنوی‌اش هم این است که همین که نام علی بن ابیطالب می‌آید دل‌مان می‌لرزد، چه معجزه‌ای بالاتر از این؟ حالا مردم دنبال چیزهای عجیب و غریب هستند مثلاً انتظار دارند یک فوت بکنند، یک چیزی پول بشود، نه اینطور اعتقاد نیست.

شعری از هادی جانفدا در رثای حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها **اگر بانو خودت هر بیت را گلچین نمیکردی**

خلافت ننگ مطلق بود تو تمکین نمیکردی
و عصمت را فدای بیعتی ننگین نمیکردی
از آوار ستم شاید قد تو حید خم میشد
اگر تو دستهایت را ستون دین نمیکردی
تو را بی‌خام می‌بینیم؛ زخم مهر بانیه
که از اندوه پر بودی ولی نفرین نمیکردی
سفر پایان سختیهاست این را خوب می‌فهمم
ولی ای کاش وقتش را خودت تعیین نمیکردی
یقیناً باد عالم را به سمت نیستی میبرد
اگر تو با وجود خاک را سنگین نمیکردی
و من از شعرهای مصرعی جایی نمی‌خواندم
اگر بانو خودت هر بیت را گلچین نمیکردی

وجود دارد، آن چیزی که در عموم محافل مذهبی خوانده شده است، به‌نظم با آن مرثیه هنرمندانه فاصله دارد.

به عنوان بحثی که فکر می‌کنم خیلی مهم باشد اینکه بالاخره ما اجرای شهادت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها یک ماجرای است که پرداختن به آن خیلی حساس و خطرناک است و چه شاعر و چه کسی دیگر باید خیلی نکات ریز را هم رعایت کند تا با توجه به جمله مقام معظم رهبری ایام فاطمیه محل اختلاف مسلمین نشود. باید چگونه بود که هم حق را بگوییم و هم از این طرف دچار افتادن در پر نگاه نشویم؟

خیلی این سؤال خوب است. درست است ما اجرای شهادت صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیها جای حساسی است و تقریباً ا میلیون‌ها نفر روی کره زمین هستند که قاتلین حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را مقدس و پیشوا می‌دانند و شما نمی‌توانید این موضوع را به آنها بقبولانید پس باید که حداقل اختلاف درست نکنیم، این اختلاف درست نکنیم به معنای نگفتن حق و حق طلبی نیست، هیچ کس به اندازه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها و امام علی علیه‌السلام برای وحدت مسلمین زحمت نکشیده است، تاریخ این را شهادت می‌دهد، ۷۰ بار رفت به خلیفه دوم کمک کرد ولی ما الگویمان حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها است که در عین حال که نگران وحدت مسلمین است و نمی‌خواهد تفرقه ایجاد شود، در عین حال حق طلبی را تعطیل نمی‌کند، روایت است از وجود

نمی‌دهد؟ اینجا وجود حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها با احدى قابل قیاس نیست، این بانویی که از روز اول مونسش غم بوده، شیرین‌ترین لحظه برای مادر زمانی است که بچه‌دار می‌شود، این لذت را ما هیچ وقت متوجه نمی‌شویم، در آن لحظه گریه می‌کند، رسول الله می‌گوید دخترم برای چه گریه می‌کند؟ می‌گوید کودک دارد با من سخن می‌گوید و سخنانش حزن‌آلود است، چطور می‌شود جز غم چیزی بگوید؟ یا اگر یک چیز دیگری هم می‌گوید باز یک غمی است که همه این شادی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مدتی نمی‌گذرد که رسول خدا از دنیا می‌رود، بالاخره یک حادثه‌ای است که کل عالم هستی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، چطور شعر را تحت تأثیر قرار ندهد؟! جلوتر غصب خلافت و آزارهایی که به خانم رسیده، بالاخره این اتفاقاتی است که تمام زندگی انسان‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد، شهادت صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیها اتفاق عظیمی است که همه چیز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرماید این مصیبتی است که هیچ جایگزینی ندارد و چیزی جای این مصیبت را پر نمی‌کند ولی این حرف هم در عین حال درست است که شهادت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها یکی از ابعاد و جودی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها است، خانم ابعاد و جودی دیگری هم دارد، این هم درست است ولی ما نمی‌توانیم به یک شاعر بگوییم اینطور شعر بگو، مانند اینکه من به مولوی بگویم چرا تو از این تأثیر گرفته‌ای باید می‌آمدی از این تأثیر می‌گرفتی! شاعر خودش دریافت دارد و متأثر می‌شود و براساس تأثراتش شعر می‌گوید.

تا چه حد در حوزه مرثیه به آن لایه‌های مخفی شهادت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را طبق آن چیزهایی که در روایات به دست ما رسیده است، پرداخته است؟

ما در موضع حق طلبی و ظلم‌ستیزی صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیها موفق بودیم، ما وقتی در مورد شعر صحبت می‌کنیم خواه ناخواه توقع هنرمندانه بودن داریم، با اینکه در بُعد مرثیه آثار هنرمندانه‌ای هم در این سال‌ها شکل گرفته است، ولی متأسفانه آنطوری که باید به هیات‌ها راه پیدا نکرده است در مورد عموم صحبت می‌کنیم همیشه مستثنایی در قضیه

چند شعر ناب فاطمی از شاعر نام آشنا «حاج علی انسانی»

بار غم بر شانه‌ها بگذاشتند

می‌آید قطعه‌های بسیار زیبا و ناب است از لسان شاعر خوش سابقه آیینی حاج علی انسانی. این شاعر و مداح نام آشنای اهل بیت علیهم السلام ملقب به محترق الزهرا سلام الله علیها در دوران معاصر به علت قصیده‌ها، مثنوی و غزل‌های خاصش در باب مصیبت‌های حضرت صدیقه شهیده فاطمه الزهرا سلام الله علیها مورد توجه دوست داران اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است. وی اشعار نغزی را در این رابطه به رشته تحریر در آورده که گویای حس دلسوختگان آل الله علیهم السلام است. ابیاتی از مثنوی ۲۶۶ بیتی آینه‌ها و چند غزل مشهور این شاعر آیینی از کتاب «گلاب و گل»، «دل سنگ آب شد»، «جراغ صاعقه» در ادامه آمده است.

فاطمه علیها السلام نزد مسلمانان برترین و والامقام‌ترین بانوی جهان در تمام قرون و اعصار است. فاطمه علیها السلام، صبر لایزال نبوی بود که در هیأت عفتی سر به فلک کشیده، چادر به سر می‌کشید و در کوچه‌های مدینه، در تمام رهگذرهای هستی، حضور خدا را به کائنات، یاد آور می‌شد. در «فرهنگ فاطمی»، هنر شعر جلوه و نمودی روشن و نمایان دارد و نقشی آگاهی بخش ایفا می‌کند. شعر متجلی در فرهنگ فاطمی، شعر «متعهد» است. وقتی از تعهد و مسئولیت در شعر سخن می‌گوییم به مفاهیم بلند و ارزشمندی نظر می‌گستریم که مجموعه آنها، اصل تعهد و مسئولیت در شعر را به تثبیت می‌رساند و در عملکرد شاعران به تسری درمی‌آورد. اشعاری که در ادامه



آه آهای هم‌هان، آهسته تر
می‌برید اسرار را، سر بسته تر
این تن آزرده باشد جان من
جان فدایش، او شده قربان من
هم‌هان، این لیل قدر من است
من هلال از داغ و این بدر من است
اشک من زین گل، شده گلفام تر
هستی‌ام را می‌برید، آرام تر
وسعت اشکم به چشم ابر نیست
چاره‌ای غیر از نماز صبر نیست
چشم من از چرخ، پر کوکب ترست
بعد از امشب روزم از شب، شب ترست
زین گل من باغ رضوان نفحه داشت
مصحف من بود و هجده صفحه داشت
مرهمی خرج دل چاکم کنید
هم‌هان، همراه او خاکم کنید

نیمه شب تابوت را بر داشتند
بار غم بر شانه‌ها بگذاشتند
هفت تن، دنبال یک پیکر، روان
وز پی آن هفت تن، هفت آسمان
این طرف، خیل رسل دنبال او
آن طرف احمد به استقبال او
ظاهر تشییع یک پیکر ولی
باطنا تشییع زهرا و علی
امشب‌ای مه، مهر ورزو، خوش بتاب
تا ببیند پیش پایش آفتاب
دو عزیز فاطمه همراهشان
مشعل سوزان شان از آهشان
ابرها گریند بر حال علی
می‌رود در خاک آمل علی
چشم، نور از دست داده، پا، رمق
اشک، بر مهتاب رویش، چون شفق
دل، همه فریاد و لب، خاموش داشت
مُرده‌ای تابوت، روی دوش داشت
آه، سرد و بغض، پنهان در گلوی
بود با آن عده، گرم گفت و گوی

نه تنها، روز کس بر دیدن زهرانی می‌آید
که بر دیدار چشم خواب هم شب‌هانی می‌آید
به موج اشک من الفت گرفته مردم چشم
چنان ماهی که بیرون از دل دریانی می‌آید
مریز اینقدر پیش چشم زهرا اشک مظلومی
بین‌ای دست حق، دستم دگر بالانی می‌آید
نگوید کس چرا بانو گرفته دست بر زانو
به روی پاستادن دیگر از زهرانی می‌آید
چه می‌بینند حال مادر خود کودکان گویند
که می‌سوزیم و غیر از سوختن از مانعی می‌آید
شما‌ای اهل یثرب می‌شوید آسوده از دستم
صدای ناله زهرا دگر فردانی می‌آید

هیأت

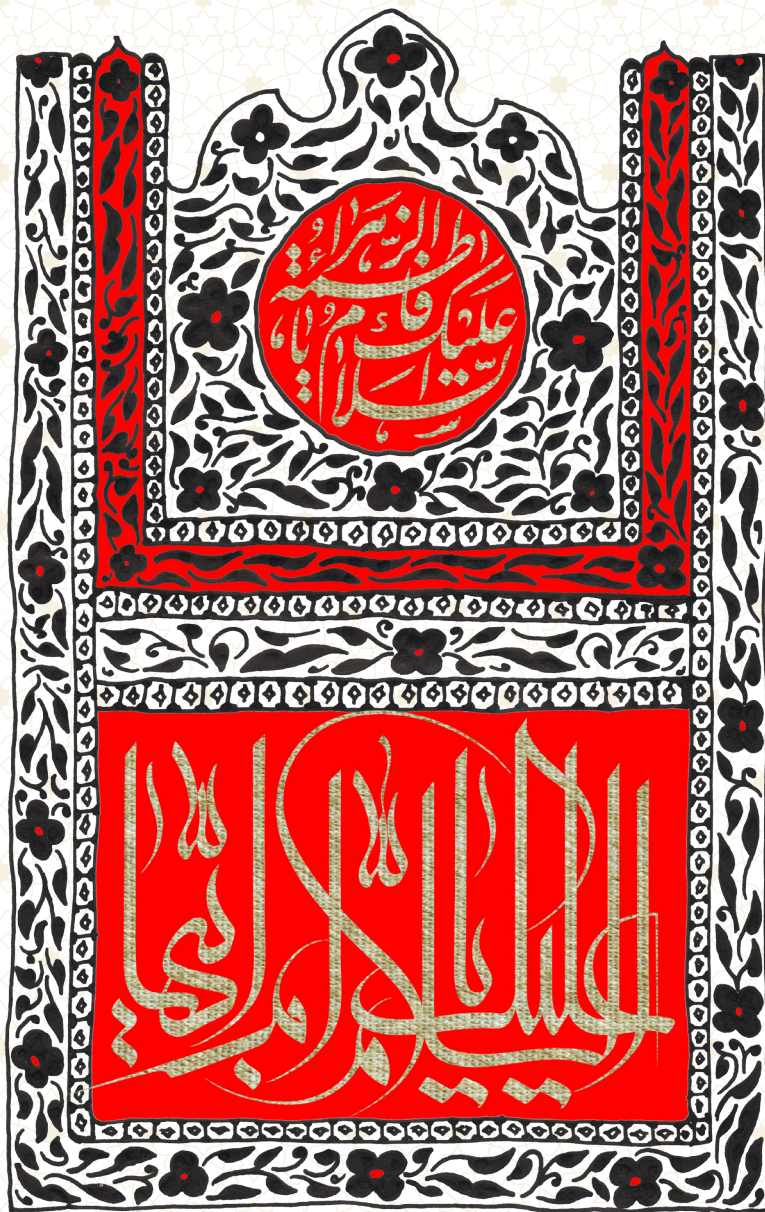


یافتم میقات من پشت در است
حفظ «رب البيت» از حج بر تراست
رمی شیطان کردم از امر جلیل
تا بگیرم کعبه از اصحاب فیل
بسته بودم پشت در احرام خود
رهسپار کردم به مسجد گام خود
سعی کردم تا نماز فاصله
از صفا تا مروه کردم هروله
گفتم او شمع است و من پروانه‌ام
بر نگر دم بی‌علی در خانه‌ام
حج من رخسار حیدر دیدن است
طوف من، دور علی گردیدن است
آنقدر ای قبله بیت الحرام
دور تو گشتم که شد حج تمام





باز هم رو بر این در آوردم
 بهر این آستان، سر آوردم
 گفتم از پافتاده‌ام، گفتند
 رو بر این در بیاور آوردم
 چه جز آلودگی، به همراهم؟
 در حریمی مطهر آوردم
 باغ طاعت ز خشکسالی سوخت
 شاخ بی برگ و بی بر آوردم
 همه جا، تیربار و آتش بود
 لاجرم، رو به سنگر آوردم
 گر چه تر دامنم ز کرده، ولیک
 اشک رادامنی تر آوردم
 هر زمان زد هوای قم به سرم
 گویی از شوق، پر در آوردم
 بر حریمت که باب حاجات ست
 داورم داده، باور آوردم
 از جوار رضا رسیده، سلام
 از برادر به خواهر آوردم
 دل نباشد درون سینه که من
 با خود اسپند و مجمر آوردم
 وز دل خون چکان خود، شب و روز
 دیده‌ای خون فشان تر آوردم
 مرهمی نه، به روی زخم دلم
 پدرم، داغ دختر آوردم
 دست، خالیست لیک با شرم
 حب زهرا و حیدر آوردم
 بیت بیت‌ام به یاد اهل البیت
 یک سبد گل معطر آوردم
 شرم از سوز روز عاشورا ست
 بوی گل‌های پر پر آوردم
 مورم و خوشه چین خرمنشان
 توشه‌ای بهر محشر آوردم



هیات



یافتم میقات من پشت در است
 حفظ «رَبِّ الْبَيْتِ» از حج بر تراست
 رمی شیطان کردم از امر جلیل
 تابگیرم کعبه از اصحاب فیل
 بسته بودم پشت در احرام خود
 رهسپر کردم به مسجد گام خود
 سعی کردم تا نماند فاصله
 از صفا تا مروه کردم هروله
 گفتم او شمع است و من پروانه ام
 بر نگردم بی علی در خانه ام
 حج من رخسار حیدر دیدن است
 طوف من، دور علی گردیدن است
 آنقدر ای قبله بیت الحرام
 دور تو گشتم که شد حج تمام



اظهار درد دل به زبان آشنا نشد
 دل شد ز خون لبالب و این غنچه وان شد
 آن جا از زمان که جدا از تنم شده است
 یکدم سر من از سر زانو جدا نشد
 با آنکه دست دشمن دو بازویم شکست
 دیدی که دامن تو ز دستم رها نشد
 شرمنداهام، حمایت من بی نتیجه ماند
 دستم شکست و بند ز دست تو وان شد
 بسیار دیده‌اند که پیران خمیده اند
 اما یکی چو من به جوانی دو تا نشد
 از ما کسی سراغ ندارد غریب تر
 در این میانه درد ز پلو جدا نشد



یافتم میقات من پشت در است
 حفظ «رَبِّ الْبَيْتِ» از حج بر تراست
 رمی شیطان کردم از امر جلیل
 تابگیرم کعبه از اصحاب فیل
 بسته بودم پشت در احرام خود
 رهسپر کردم به مسجد گام خود
 سعی کردم تا نماند فاصله
 از صفا تا مروه کردم هروله
 گفتم او شمع است و من پروانه ام
 بر نگردم بی علی در خانه ام
 حج من رخسار حیدر دیدن است
 طوف من، دور علی گردیدن است
 آنقدر ای قبله بیت الحرام
 دور تو گشتم که شد حج تمام

نگاهی تاریخی به ماجرای روز
به آتش کشیدن خانه حضرت زهرا سلام الله علیها

روز واقعه

شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها و وقایع پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها در منابع موثق شیعی که در منابع موثق اهل سنت آمده است. آتش زدن در خانه حضرت فاطمه و سیلی زدن به آن حضرت در منابع تاریخی و روایتی شیعه آمده است و برای آن کس که شیعه است، همین مأخذ کافی است. در منابع و مأخذ اهل سنت نیز آمده است و سنی ها می توانند به آن معتقد باشند. برای نمونه به چند روایت از منابع شیعه و اهل سنت در اینجا اشاره می کنیم.

وقتی در را سوزاندند

پس از آنکه کار بیعت گرفتن از مردم تمام شد و علی علیه السلام و عده ای بیعت نکردند، به خانه آن حضرت حمله کردند. در را سوزاندند، علی را به زور بیرون آوردند، حضرت فاطمه سلام الله علیها را تحت فشار در قرار دادند و کار به جایی رسید که محسن او سقط شد. علی را به مسجد بردند ولی بیعت نکرد و آنان گفتند: بیعت نکنی تو را به قتل می رسانیم. روزها و ماه ها گذشت. آنان تصمیم به قتل علی علیه السلام گرفتند و قرار گذاشتند که خالد قتل آن حضرت را به عهده بگیرد. اسماء بنت عمیس از این توطئه آگاه شد و کنیز خود را فرستاد تا آن حضرت را از توطئه آگاه سازد. اصل توطئه چنین بود که وقتی ابوبکر نماز را تمام کرد و سلام گفت، خالد با شمشیر علی علیه السلام را بکشد ولی وقتی نماز ابوبکر تمام شد گفت: ای خالد آنچه را دستور دادم نکن. (بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۰۸ به نقل از اثبات الوصیه)

به روایت اهل سنت

اهل سنت نیز در کتاب های کلامی، تاریخی و حدیثی مسئله آتش زدن در خانه را آورده اند. برای نمونه، به چند روایت اشاره می کنیم.

● بلاذری می گوید: ابوبکر کسی را دنبال علی علیه السلام فرستاد تا بیاید و بیعت کند ولی حضرت علی نیامد. پس از آن عمر بن خطاب در حالی که آتش به همراه داشت، به سوی خانه علی رفت. فاطمه سلام الله علیها، عمر را در خانه ملاقات کرد و گفت: ای پسر خطاب! آیا می خواهی خانه ما را آتش بزنی؟! عمر بن خطاب گفت: بله. (انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۲، تحقیق محمود الفردوس العظم، دار البیظه العربیه)

● ابن عبد ربه می گوید: آنان که از بیعت سرباز زدند عبارتند از: علی علیه السلام، عباس، زبیر و سعد بن عباد، علی، عباس و زبیر در خانه فاطمه سلام الله علیها نشستند. ابوبکر، عمر را فرستاد تا آنها را از خانه فاطمه سلام الله علیها بیرون بیاورد. ابوبکر به عمر گفت: اگر سرباز زدند با آنان بجنگ. عمر به همراه آتش به خانه فاطمه سلام الله علیها آمد تا خانه را بر سر آنان آتش بزند. فاطمه او را دید و گفت: ای پسر خطاب! آیا آمده ای خانه ما را آتش بزنی؟! عمر گفت: بله، مگر اینکه بیعت کنید. (العقد الفرید، ج ۵، ص ۱۲، چاپ مصر، چاپ دوم، تحقیق محمد سعید العربان)

زود بر پیامبر دروغ بستند

ابن قتیبه دینوری آورده است: ابوبکر عمر را به سوی کسانی که بیعت نکردند و در خانه علی علیه السلام تحصن کردند، فرستاد. عمر به خانه علی علیه السلام آمد و صدا زد ولی کسی بیرون نیامد. عمر هیثم خواست و گفت: قسم به آنکه جان عمر در دست اوست، یا بیاید بیرون بیاید و بیعت کنید یا خانه را بر سر آنانکه در آن هستند آتش می زنم. به او گفتند: فاطمه سلام الله علیها در آن است. عمر گفت: و لو فاطمه سلام الله علیها در آن باشد. همه بیرون آمدند، ولی علی بیرون نیامد. عمر نزد ابوبکر رفت و گفت: آیا نمی خواهی از علی که از بیعت سرباز زده بیعت بگیری؟ ابوبکر به قنفذ گفت: برو علی را بیاور. قنفذ آمد و علی به او گفت: چه کار داری؟ قنفذ گفت: خلیفه رسول خدا تو را می خواهد. علی علیه السلام به او گفت: زود بر پیامبر دروغ بستید. قنفذ پیام علی را به ابوبکر رساند. ابوبکر گریه طولانی کرد. عمر گفت: علی را رها نکن. ابوبکر به قنفذ گفت: دوباره نزد علی برو و بگو: با خلیفه رسول خدا بیعت کن. علی علیه السلام گفت: سبحان الله، آنچه را که از آن او نیست برای خودش ادعا کرده است. قنفذ پیام علی را به ابوبکر رساند. ابوبکر باز هم بسیار گریه کرد. پس از آن عمر بر خاست و گروهی با او همراه شدند و به در خانه فاطمه آمدند. در زدند. وقتی فاطمه صدای آنها را شنید، با صدای بلند فریاد کرد: «یا ابتاه» یا «رسول الله» پس از تواز پسر خطاب و پسر ابی قحافه چه ها که نکشیدیم. وقتی که گروه مهاجم گریه فاطمه را شنیدند. در حالی که گریه می کردند برگشتند و دلشان به حضرت فاطمه سلام الله علیها سوخت ولی عمر و عده ای ماندند. علی را بیرون آوردند و گفتند بیعت کن. علی گفت: اگر بیعت نکنم چه می کنید؟ گفتند: به خدا سوگند گردنت را می زنیم.

بخشی از تاریخ که بیان نشد

از سؤالات اساسی در ماجرای آتش زدن خانه حضرت علی علیه السلام و اهانت به آن بزرگوار این است که: آیا چنان که شیعیان می گویند به ساحت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نیز جسارت کردند؟ و بر آن حضرت صدماتی وارد شد که منجر به شهادت او و فرزندش گردید یا خیر؟ برخی از دانشمندان اهل سنت برای حفظ موقعیت خلفا از بازگو کردن این قطعه از تاریخ خودداری کرده اند؛ از جمله ابن ابی الحدید در شرح خود می گوید: «جسارتی را که مربوط به فاطمه زهرا علیها السلام نقل شده، در میان مسلمانان تنها شیعه آن را نقل کرده است. البته برخی از دانشمندان و مورخان اهل سنت، در این بخش، از بیان واقعیات تاریخی شانه خالی کرده اند؛ چنان که سیدمرتضی رحمته الله علیه در این زمینه می گوید: «در آغاز کار، محدثان و تاریخ نویسان از نقل جسارت هایی که به ساحت دختر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده امتناع نمی کردند. این مطلب در میان آنان مشهور بود که مأمور خلیفه با فشار، در را بر فاطمه علیها السلام زد و او فرزندی را که در رحم داشت سقط کرد. قنفذ به امر عمر، فاطمه زهرا علیها السلام را زیر تازیانه گرفت تا او دست از علی بردارد؛ ولی بعدها دیدند که نقل این مطالب با مقام و موقعیت خلفاء سازگاری ندارد؛ لذا از نقل آنها خودداری کردند.»

هیأت

منابع اهل سنت

مقاتل بن عطیه می گوید: «بابکر بعد از آنکه با تهدید و ترس و شمشیر از مردم بیعت گرفت، عمر و قنذ و جماعتی را به در خانه علی و زهرا علیهما السلام فرستاد. عمر هیزم را در خانه فاطمه جمع کرد و در خانه را به آتش کشید، هنگامی که فاطمه زهرا علیها السلام پشت در آمد، عمر و اصحاب او جمع شدند و عمر آنچنان حضرت فاطمه علیها السلام را پشت در فشار داد که فرزندش را سقط کرد و میخ در به سینه حضرت فرو رفت (و بر اثر آن صدمات) حضرت به (بستر) بیماری افتاد تا آنکه از دنیا رفت.»

ابن ابی الحدید نقل کرده است: «ابو العاص، شوهر زینب، دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ از طرف مسلمانان به اسارت گرفته شد؛ ولی بعدا مانند اسیران دیگر آزاد شد. ابو العاص به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وعده داد که پس از مراجعت به مکه، وسائل مسافرت دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به مدینه فراهم سازد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به زید حارثه و گروهی از انصار، مأموریت داد که در هشت مایلی مکه توقف کنند و هر موقع کجاوه زینب به آن جارسید، او را به مدینه بیاورند. قریش از خروج دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مکه آگاه شدند. گروهی تصمیم گرفتند که او را از نیمه راه باز گردانند. جبار بن الاسود (یا هبار ابن الاسود) با گروهی خود را به کجاوه زینب رساند و نیزه خود را بر کجاوه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کوبید. از ترس آن، زینب، کودکی را که در رحم داشت، سقط کرد و به مکه بازگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از شنیدن این خبر سخت ناراحت شد و در فتح مکه (با اینکه همه را بخشید و آزاد کرد) خون قاتل فرزند زینب را مباح شمرد.

ابن ابی الحدید می گوید: «من این جریان را برای استادم ابو جعفر نقیب خواندم، او گفت: وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خون کسی که دخترش زینب را ترسانید و او سقط جنین کرد را مباح شمرد، قطعاً اگر زنده بود خون کسانی را که دخترش فاطمه علیها السلام را ترسانیدند که باعث شد فرزندش (محسن) را سقط کند، حتماً مباح می شمرد.» ابن ابی الحدید می گوید، به استادم گفتم: «آیا از شما نقل کنم آنچه را مردم می گویند که فاطمه بر اثر ترس (و ضرباتی که بر او وارد شد) فرزندش را از دست داد؟» پس گفت: «نه! از طرف من نقل نکن! و همینطور رد و بطلان آن را نیز از طرف من نقل نکن! چون اخبار در این زمینه متعارض است.» این ماجرا، به خوبی نشان می دهد که اخبار موافق با نظریات شیعه در بین روایات اهل سنت نیز وجود داشته است.



منابع شیعه

وَأَبْتَنُكَ...؛ در این هنگام، فاطمه چنان ناله زد، پس فریاد زد: ای پدر بزرگوار! ای رسول خدا! این چنین با عزیز دلت و دخترت رفتار کردند. سپس فریاد کشید: فضا به فریادم برس که فرزندم را کشتند. سپس به دیوار تکیه داد و من او را به کنار زده، داخل خانه شدم. فاطمه در آن حال می خواست مانع (بردن علی) شود، من از روی روسری چنان سیلی به صورت او زدم که گوشواره از گوشش به زمین افتاد... آنچه بیان شد و قلم با صد شرمساری آن را بر صفحه کاغذ آورد، تنها گوشه هایی از ستم هایی است که بر آن بانوی دو جهان رفته است.

... «وقتی در خانه را آتش زدم (آنگاه داخل خانه شدم) ولی فاطمه در خانه را حجاب خود قرار داد و مانع از دخول من و اصحابم شد. با تازیانه آنچنان بر بازوی او زدم که مانند دملج (بازوبند) اثر آن بر بازوی او ماند؛ آنگاه صدای ناله او بلند شد؛ چنان که نزدیک بود به حال او رقت کنم و دلم نرم شود؛ ولی به یاد کشته های بدر و احد که به دست علی کشته شده بودند افتادم، آتش غضبم افروخته تر شد و چنان لگدی بر در زدم که از صدمه آن جنین او (به نام محسن) سقط شد. «فَعَنْدَ ذَلِكَ صَرَخَتْ فَاطِمَةُ صَرْخَةً... فَقَالَتْ يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَكَذَا كَانَ يَفْعَلُ بِحَبِيبَتِكَ

نظر دانشمندان شیعه و روایات نقل شده از سوی آنان چنین است: هنگامی که خواستند علی علیه السلام را به مسجد ببرند با مقاومت فاطمه علیها السلام روبه رو شدند و فاطمه علیها السلام برای جلوگیری از بردن همسر گرامی اش صدمه های روحی و جسمی فراوانی دید که بیان همه آنها از توان زبان و قلم خارج است. فقط به گوشه ای از آن در یک نقل تاریخی اشاره می کنیم؛ وگرنه در این موضوع، نقل های تاریخی فراوان است. خلاصه ماجرا همان است که در نامه خود عمر به معاویه آمده است. در بخشی از آن چنین می نویسد:

گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین
محمد لطفی نیاسر، مدیر کل صدا و سیما استان قم

الگوی برای تغییر زندگی



هیأت

ماه‌های پایانی امسال مصادف با ایام پر برکت فاطمیه است و بعد هم در اسفندماه به ولادت آن حضرت ختم می‌شود. قطعاً ایرانی‌هایی که دلشان مالا مال از عشق اهل بیت علیهم السلام است این روزهایشان را با برکت سیاهی عزای مادر امامت می‌گذرانند. بزرگان دینی ما بارها تأکید کرده‌اند که باید حضرت زهرا (سلام الله علیها)، تبدیل به الگوی برای تغییر در سبک زندگی ما قرار گیرد. با حجت الاسلام و المسلمین محمد لطفی نیاسر، مدیر کل صدا و سیما استان قم در این خصوص گفت‌وگوی کوتاهی انجام دادیم. مهمان ما معتقد است که به برکت آن بانوی مکرم می‌توان فصلی تازه را در سبک زندگی به وجود آورد.

در این ایام چقدر مناسب است دارد تا ما خودمان را به سیره اهل بیت علیهم السلام به ویژه سبک زندگی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نزدیک کنیم؟

ما ایرانی‌ها سر سفره اهل بیت علیهم السلام بزرگ شده‌ایم و به این موضوع هم افتخار می‌کنیم. برای همین مادده فاطمیه را نباید تنها عزای فاطمی بدانیم. یعنی در این ایام مناسب است تا به فکر توسعه فرهنگ فاطمی در جامعه‌مان باشیم. همانگونه که شما به آن اشاره کردید، فرهنگ ایرانی ما در بسیاری از وجوه خود همراهی زیادی با دستورات اعتقادی اسلام دارد. مثلاً مادر فرهنگمان داریم صلح را داریم و سر زدن به بزرگ‌ترها را داریم. در ضمن مثلاً در فرهنگ ما جا افتاده که در مناسبت‌های مختلف قرآن بخوانیم، مثلاً در لحظه تحویل سال یا به شکل روزانه و... حالا اگر به سیره و سبک زندگی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نگاه کنید متوجه این تشابه‌ها می‌شوید. ایشان فرموده‌اند، من در این دنیا ۲ چشم‌روشنی دارم؛ یکی خواندن قرآن و دیگری دیدن روی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. خوب، پس سبک زندگی ما ایرانی‌ها انطباق زیادی با سبک زندگی و فرمایشات حضرت فاطمه زهرا (س) دارد.

اصولاً فرهنگ فاطمی چه سر فصل‌هایی دارد و کدام آداب از زندگی آن حضرت را می‌توانیم



به عنوان یک تغییر رفتار وارد زندگی خودمان کنیم؟
یکی از مسائلی که در سبک زندگی و سنت ایشان ذکر شده این است که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در دیدارهایشان با زنان مدینه سعی می‌کردند حتماً حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بخوانند و نسبت به این موضوع نیز حساسیت خاصی داشتند. حتی ایشان در جایی می‌فرمایند که احادیث پیامبر برابر است با حسن و حسین من آن حضرت با این سخن نکته مهمی را به ما می‌آموزند که توجه بیشتری به احادیث نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داشته باشیم. وقتی به دیدار هم می‌رویم خوب است که ذکر و حدیثی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بیاموزیم و در دورهمی‌هایمان نقل کنیم. سنت دیگر آن حضرت، ادای احترام به کوچک‌ترها به موازات احترام به بزرگ‌ترهاست. همچنین یکی دیگر از سنت‌های حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) توجه ویژه به مهمان است، ایشان اگر غذایی را در خانه آماده می‌کردند و نیازمندی به در خانه‌شان می‌رفت، همان غذای خود و خانواده‌شان را به عنوان صدقه به نیازمند می‌دادند. در همین ایام آخر سال که خیلی‌های خودشان را برای استقبال از نوروز و دید و بازدیدهای آن آماده می‌کنند برخی‌ها، وضع مالی چندان مناسبی ندارند. اگر به دنبال پیاده کردن سیره عملی ائمه اطهار علیهم السلام در زندگی‌مان هستیم این روزها بهترین فرصت برایمان فراهم شده است.

باید یادمان باشد رضایت امامان و پیشوایان ما در این است که بتوانیم خودمان را به آنها نزدیک کنیم و این تنها با انجام دستورات آنها امکان‌پذیر است.

این سبک زندگی می‌تواند شکلی اجتماعی‌تر هم به خود بگیرد؟

بله. مثلاً در زمینه حمایت از ولایت و جایگاه والای آن، ببینید که بی‌بی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) حتی در شدیدترین حالت‌های بیماریشان هم دست از این کار نمی‌کشند. پس چطور می‌شود که ما در خوشی‌هایمان یادمان می‌رود که این مملکت صاحبی هم دارد و باید برای او دعا کنیم! یا نخستین مشکل در زندگی‌مان پیش می‌آید همه چیز را فراموش می‌کنیم. اگر زن و مرد ما در تمام حوزه‌های فردی و اجتماعی سبک زندگی آن حضرت را به عنوان الگو برای خودشان تعریف کنند مطمئن باشید بسیاری از مشکلاتی که الان در جامعه ما دیده می‌شود از بین می‌رود. مسئولان ما نگاه کنند که رفتار آن حضرت با مردم چگونه بوده و همان را مبنای کارشان قرار دهند. این اتفاق سربلندی مملکت ما و روسیاهی آنهاپی را که نمی‌خواهند عظمت اسلام را ببینند در پی خواهند داشت.

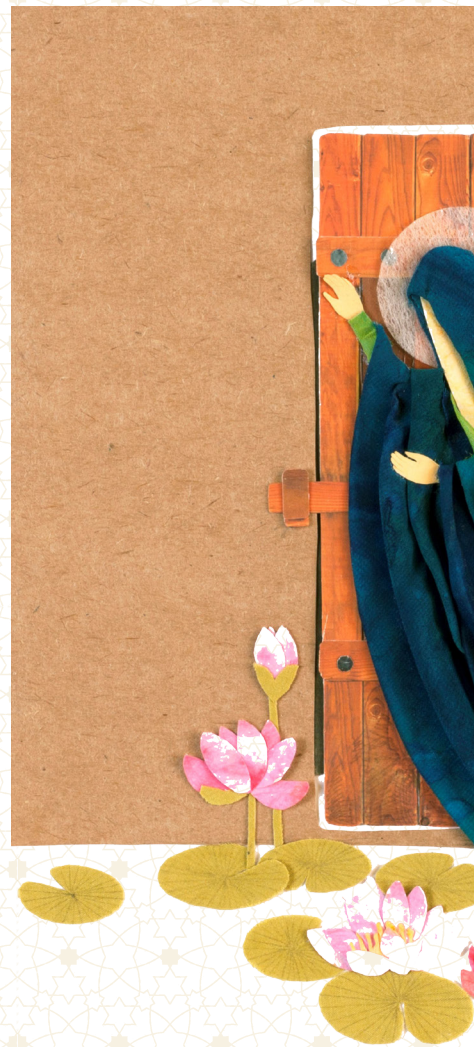
شاید در شناخت مردم نسبت به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) کمی کوتاهی شده باشد، مردم از چهاراهار و روش‌هایی می‌توانند نسبت به سبک زندگی آن حضرت شناخت بیشتری به دست آورند؟
طی سال‌های اخیر کتاب‌های خوبی به بازار آمده است. ما الان چندین دانشنامه داریم که توضیحات کاملی درباره سیره و سبک زندگی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ارائه می‌دهد. به نظر من آخرین دانشنامه نیز در این خصوص مربوط به آیت الله

بزرگان را الگو قرار دهیم

درباره مشکی پوشیدن در فاطمیه

قبل از شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها تا ۳ روز بعد از آن مراسم باشکوهی برگزار می شود و اقشار مختلف مردم هم در آن حضور می یابند تا برای مادر امامت اقامه عزاکند. اما دیگر قبل و بعد از آن مراسمی وجود ندارد. حالا به میزان مشکی پوشیدن مراجع تقلید ما هم نگاه کنید می بینید که آنها هم در پوشششان یک موضوعاتی را رعایت می کنند و اینطور نیست که همیشه لباس مشکی نشان باشد. بالاخره ما دینمان را از این بزرگواران آموخته ایم و باید مطابق آنها رفتار کنیم. آن لباس مشکی که در همان چند روز هم پوشیده می شود باید حکایت از عزاداری ما داشته باشد و نه جلوه گری ما! اگر به همین مسائل به ظاهر ساده توجه نشان دهیم نسل امروز و فردای ما دین را بهتر می فهمد و آن را دوست خواهد داشت. ولی اگر در دستورات دینی که توسط ما پیاده می شود، عمل و دستور نامعقول ببیند از دین زده می شود. بعد، معلوم نیست که بتوانیم پاسخ دین گریزی آنها را بدهیم یا نه. خلاصه اینکه همه کارهایمان را باید براساس سیره اهل بیت علیهم السلام و مطابق با رفتار بزرگان دینمان انجام دهیم، نه اینکه بگوییم من اینطور دوست دارم!»

حجت الاسلام والمسلمین لطفی نیاسر، درباره مشکی پوشیدن در ایام فاطمیه می گوید: «مطابق دستورات اسلامی پوشیدن لباس مشکی در اصل مکروه است، مگر در مراسم عزای اهل بیت علیهم السلام به ویژه شهادت حضرت امام حسین علیه السلام که سفارش هم شده است. در اینجا هم نکته ظریفی وجود دارد و اینکه، برخی ها می خواهند از روی نیت خیر و برای نشان دادن محبت بیشتر به ائمه اطهار علیهم السلام چند دهه سوگواری کنند. واقعا در سیره هیچ وقت نداریم که مثلا در شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها ۴۰ روز عزاداری کنید یا مشکی بپوشید. بله، در روز شهادت و یکی دو روز مانده به آن و یکی دو روز پس از آن همان لباس مشکی را به نشانه عزاداری می پوشیم. اما نمی توانیم انتظار داشته باشیم که همه ۴۰ روز لباس مشکی بپوشند، شکل عزای خودشان بگیرند و نگویند و نهندند! حالا یکی می خواهد اینگونه رفتار کند، نباید خواسته هایش را به دیگران تحمیل کند. اسلام دین اعتدال است و همین راه نجات است. شما نگاه کنید به شیوه رفتار مقام معظم رهبری در چنین روزهایی. در بیت مکرم ایشان، از شب



سطح توقع همسران از یکدیگر

زودتر نگفته بودید تا آن را فراهم کنم. حضرت فاطمه سلام الله علیها نیز پاسخ می دهند که نمی خواستم از شما چیزی بخواهم. چون نمی دانستم که قادر به تأمین و تهیه آن هستید یا نه و برای همین شرمنده شوید. باز هم این یک نکته اخلاقی است که می تواند به یک الگوی رفتاری برای ما تبدیل شود. اگر این سنت در خانواده های ما رواج پیدا کند و سطح توقعات همسران پایین تر بیاید، خیلی از مشکلاتی که در زندگی ها وجود دارد رخت برمی بندد.»

حجت الاسلام لطفی نیاسر، به نکته مهمی در خصوص سطح توقع همسران از یکدیگر اشاره می کند و می گوید: «موضوع دیگری که می تواند در همین روزها مورد توجه قرار بگیرد الگو قرار دادن حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در بحث ساده زیستی است. یک روز حضرت امیرالمومنین علی علیهم السلام به خانه می آیند و سراغ چیزی را می گیرند. خانم فاطمه زهرا سلام الله علیها می فرماید که آن را در خانه نداریم. حضرت علی می پرسند که چرا

ری شهری باشد که مقام معظم رهبری نیز از چاپ آن ابراز خوشنودی کردند. خوب، این دانشنامه ها برای کسانی که می خواهند تحقیقات و مطالعات بیشتر و عمیق تری داشته باشند مناسب است. اما یک پیشنهاد دیگر، کتابی ساده، روشن، دقیق و کم حجم به نام «فرهنگ حضرت فاطمه سلام الله علیها» به قلم مرحوم دشتی است. ما حتی می توانیم این کتاب که حاوی احادیث حضرت فاطمه و ترجمه روان آن است را به دیگران هدیه بدهیم. از سوی دیگر، رسانه های دیداری، شنیداری و مکتوب نیز باید تلاش جدی بکنند تا تعریفی صحیح و روشن از سیره و سبک زندگی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها به مردم ارائه شود.

نقش هیأت های مذهبی را که در این ایام

رونق بیشتری می گیرند را در تبیین سبک زندگی آن حضرت چگونه ارزیابی می کنید؟

هیأت های عزاداری ما می توانند یکی از مبانی پایه های افزایش شناخت نسبت به ائمه معصومین علیهم السلام و بی بی فاطمه زهرا سلام الله علیها باشند. عزاداری بخش مهم و جدایی ناپذیر مادر این هیأت هاست و باید هم این اتفاق در روزهای شهادت معصومین ما رخ بدهد. اما این خوب نیست که ما در یک هیأت جمع شویم و پس از اتمام جلسه درباره سبک زندگی و سیره عملی آن حضرات چیزی یاد بگیریم. اینجاست که خطبای مابعد عنوان کسانی که مسائل اسلامی را در هیأت ها مطرح می کنند پررنگ تر است. باید کاری کنیم که همراه با شور عزای شعور و معرفتیمان نیز ارتقا یابد. این شعور کمک می کند تا زندگیمان نزدیک تر به خواسته های حضرت حجت ابن الحسن الله تعالی فرجه الشریف شود.

کتاب هایی برای معرفی فاطمه سلام الله علیها

متعدد دیگری هم در این زمینه نوشته شده؛ از جمله کتاب «کشتی پهلو گرفته» نوشته سید مهدی شجاعی. کتاب «بیت الاحزان» نیز می تواند در این زمینه مفید باشد که در خصوص تاریخ نگاری زندگی حضرت فاطمه سلام الله علیها بوده و روزهای تولد تا شهادت آن حضرت را ثبت کرده است. همچنین کتابی با عنوان زندگانی فاطمه الزهرا سلام الله علیها نیز به قلم آیت الله ناصر مکارم شیرازی که به بیان سبک زندگی آن حضرت پرداخته است.»

حجت الاسلام محمد لطفی نیاسر چند کتاب را که درباره حضرت فاطمه سلام الله علیها به رشته تحریر در آمده به مخاطبین معرفی می کند. او می گوید: «بزرگ ترها و افراد باسواد فامیل کتاب های بسیار ساده ای مانند «فرهنگ سخنان حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها» نوشته مرحوم حجت الاسلام دشتی را تهیه کرده و هنگام دور هم جمع شدن ها، حدیثی از آن حضرت را برای جمع فامیل بخوانند تا آن شاء الله به برکت حضرت زهرا (س)، زندگی های ما نیز پربرکت شود. کتاب های



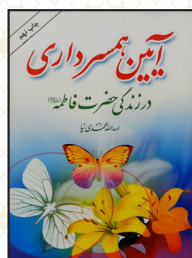
۱۰ کتاب برای شناخت بیشتر حضرت زهرا سلام الله علیها

در ستایش بانوی دو عالم

یک راه آشنایی با بزرگان دینی، مطالعه سیره آنها در کتاب‌های مختلف است. از کتاب‌های تخصصی تاریخی در مورد حضرت زهرا سلام الله علیها تا کتاب‌های رمان و شعر، همه نویسندگان سعی داشته‌اند که به نحوی ارادت خود را به این بانوی بزرگوار اسلام نشان دهند. ایام فاطمیه امسال بهانه‌ای شده است تا تعدادی از کتاب‌های فاخر با محوریت حضرت زهرا سلام الله علیها را معرفی کنیم. در اینجا به معرفی ۱۰ کتاب در این زمینه خواهیم پرداخت.

آیین همسر داری در زندگی حضرت فاطمه سلام الله علیها

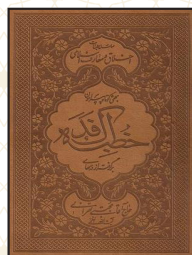
نویسنده: اسدالله محمدی نیا
انتشارات: سیب اکبر



این کتاب با موضوع نحوه زندگی زناشویی و تعاملات داخل خانه حضرت زهرا سلام الله علیها با دیگر اعضای خانه به نگارش درآمده است. نویسنده در این کتاب با بیان احادیثی از ائمه اطهار علیهم السلام و آیاتی از قرآن کریم پیرامون ازدواج و همسر داری تلاش کرده است تا راه تکامل زن و شوهر و چگونگی ایجاد آرامش در خانواده و زندگی موفق را برای آنها به تصویر بکشد. در بخشی از کتاب «آیین همسر داری» درباره «آثار ازدواج در ابتدای جوانی»، آمده است: یکی از راه‌هایی که شیطان می‌تواند انسان را به گناه و آلودگی بکشانند، زنان بی حجاب و بی تقوا هستند. زنانی که با آرایش و ناز و عشوه‌گری دل مردان به‌ویژه جوانان را می‌ربایند و غریزه جنسی آنان را تحریک می‌کنند.

بحثی کوتاه پیرامون خطبه فدک

نویسنده: مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی
انتشارات: مصابیح الهدی

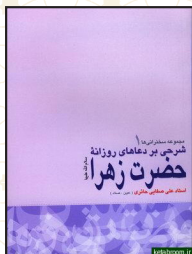


تصاحب «فدک» که قطعه زمین اهدایی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها بود، از وقایع تلخی است که به همراه موضوع نادیده گرفتن جانشینی و خلافت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام جان و روح زهرای مرضیه را می‌آزد، به گونه‌ای که آن بانوی معصوم و دلخسته را به دفاع از فدک، و نیز دفاع از مظلومیت حضرت علی علیه السلام با از دست رفتن مقام و منصب الهی اش وامی‌داشت. فقیه و مرجع آگاه مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی مباحثی را در موضوع فدک تشریح کرده‌اند که به صورت کتابی ارزشمند منتشر شده است.

در مقدمه این کتاب که توسط مؤسسه فرهنگی مصابیح الهدی تنظیم شده است در این باره اینگونه توضیح داده می‌شود: اهمیت این خطبه تا بدانجاست که ائمه اطهار علیهم السلام آن را نقل کرده‌اند و علمای دین بر حفظ و فراگیری آن تأکید داشته‌اند. علمای بزرگوار شیعه در طول تاریخ، اسناد و مدارک این خطبه و شرح‌هایی از آن را تحریر و برای جامعه مسلمین به یادگار نهاده‌اند تا جایی که غیر از ده‌ها کتاب به زبان عربی و فارسی، ترجمه‌هایی از این خطبه به زبان‌های اردو، ترکی و فرانسوی صورت گرفته است.

شرحی بر دعا‌های روزانه
حضرت زهرا سلام الله علیها

نویسنده: استاد علی صفائی حائری
انتشارات: لیلہ القدر



این نوشتار به شرح دعا‌های حضرت زهرا سلام الله علیها در روزهای هفته پرداخته و نشان داده که چطور با توجه به مفردات و ترکیب و روابط و فضایی که جمله‌ها در آن شکل می‌گیرد، روشی به دست می‌آید که زمینه ساز تأمل در همین جملات به ظاهر ساده می‌گردد. و همچنین به مباحثی در زمینه‌های: رحمت، رزق،

شکر، افتقار، غنا و تعفف، فلاح و نجات و صلاح، عبادت و عبودیت، محیط‌ها و موضع گیری‌ها، حفاظت و ستر، هدایت و تقوا، قرب و وجاهت، رویت و لقاء و رضایت و اخلاص و محبت و... پرداخته و زمینه‌هایی را برای تأمل بیشتر فراهم آورده است. روزهای فاطمه سلام الله علیها دست نوشته‌ای است مختصر از مرحوم استاد صفائی حائری و در آن به دو شکل حمایت فاطمه سلام الله علیها از ولی خدا و احقاق حق علی علیه السلام به صورت مختصر و مفید توضیحی آمده است. در قسمت دوم این کتاب به شرحی از خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها در مسجد مدینه (خطبه فدک)، پرداخته شده است. در این قسمت، از زیبایی و قدرت و پیام و ارتباط و انسجام این خطبه، نمونه‌هایی آورده شده و نشان داده شده که تفاوت این خطبه با خطبه‌هایی که از فصحاه و بلغای عرب مثل: صهبان وائل و غیره، نقل می‌کند، چقدر زیاد است و مقایسه‌ها، مع الفارق. البته این قسمت از مجموعه نوارهای ایشان در دهه محرم سال ۱۳۷۸، بعد از پیاده کردن و تحقیق کامل، تهیه و تنظیم و به صورت نوشتاری درآمده که خدمتتان عرضه می‌شود. در این کتاب این عناوین به چشم می‌خورد: روزهای فاطمه، تربیت رسول، وضعیت عرب قبل از بعثت، تحولات بعد از رحلت رسول، فقه فاطمه سلام الله علیها، عوامل اعراض از رسول، انصار در نگاه فاطمه سلام الله علیها، جایگاه گفت‌وگوی تمدن‌ها، فدک از اموال فاطمه سلام الله علیها و...

هیأت

عروسی مهر و ماه: ماجرای ازدواج امیر المؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها

نویسنده: غلامرضا حیدری ابهری
انتشارات: جمال



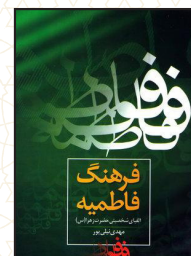
زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها و امیر مومنان علیه السلام چنان درخشان، جذاب و باشکوه است که چهارده قرن همه اندیشمندان را به خود خیره کرده و الگوی آرمانی همه پاکان عالم گردیده است. لحظه به لحظه زندگانی اهل بیت علیهم السلام دیدنی، شنیدنی و درس گرفتنی است. در

این میان خاطره بسیار شیرین ازدواج دو گل پر ثمر خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها و امیر مومنان علیه السلام است. این کتاب با نثری روان و شیوا، شاهد این ماجرای دلنشین را به کام ولایت دوستان می چشاند و آنان را با یکی از جالب ترین قطعات زندگی فاطمه سلام الله علیها و علی علیه السلام آشنا می سازد. آنچه این اثر را از سایر نوشته های همانندش متمایز می سازد شیوایی، زیبایی و غنای تاریخی متن آن است. توجه نویسنده به آثار تربیتی ازدواج حضرت زهرا سلام الله علیها، دیگر امتیاز این کتاب است.

فرهنگ فاطمیه:

الفبای شخصیتی حضرت زهرا سلام الله علیها

نویسنده: مهدی نبیلی پور
انتشارات: مرکز فرهنگی شهید مدرس



نویسنده، ویژگی های اخلاقی و رفتاری و نیز جنبه های مختلف زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها را بر اساس حروف الفبا در کتاب تنظیم کرده است. وی در مقدمه می گوید: «الفبای شخصیتی زهرا سلام الله علیها فرهنگی عظیم و بی انتهاست، لکن به قدر توان، قطره ای از زلال کوثر او را چشیدیم.

آرزوی فاطمی بودن و تلاش برای فاطمی شدن و بسط فرهنگ و مرام فاطمه سلام الله علیها بر زندگی جوان و پیر، زن و مرد ما لازم است. در بخشی از کتاب آمده است: حضرت مجتبی علیه السلام در پنج سالگی هر روز به مسجد می رفت و از کلمات و مواظبی که پیغمبر صلی الله علیه و آله در مسجد بیان می فرمود، همه را به ذهن مبارک خود می سپرد، به خانه می آمد (و به اقتضای ادای حق علم که نشر است) برای مادر بزرگوار خود حرف به حرف بیان می کرد و چون امیر المؤمنین علیه السلام به خانه تشریف می آورد، حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها آنها را برای آن جناب بازگو می کرد. روزی حضرت علی علیه السلام پرسید: ای فاطمه، تو به مسجد حاضر نبودی از کجا این کلمات را فهمیدی؟ گفت: فرزندم حسن هر روز آنچه پدر بزرگوارم بر منبر می گوید، بی کم و کاست به همان ترتیب برایم بیان می کند.

کوثریه (اشعار حضرت فاطمه زهرا)

نویسنده: میر علی محمد نژاد
انتشارات: سنا

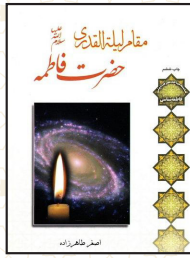


اشعار عربی ترجمه شده به فارسی حضرت زهرا سلام الله علیها در این مجموعه منتشر شده است.

مقام لیلہ القدری

حضرت فاطمه سلام الله علیها

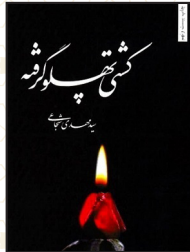
نویسنده: اصغر طاهرزاده
انتشارات: لب المیزان



کتابی که در پیش رو دارید سلسله بحث های استاد طاهرزاده در رابطه با وجه باطنی حضرت زهرا سلام الله علیها است. طاهرزاده با توجه به متون روایی و وقایع تاریخی ما را دعوت می کند که باید از دو منظر به حضرت زهرا سلام الله علیها نظر افکند. یکی نظر به حقیقت باطنی آن حضرت و روایات دقیقی که این بعد از حضرت را معرفی می کند و یکی هم به نقش تاریخی که حضرت سلام الله علیها به خصوص پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایفاء کردند.

کشتی پهلو گرفته

نویسنده: سیدمهدی شجاعی
انتشارات: نیستان



این کتاب اثری جاودان از سیدمهدی شجاعی است. «کشتی پهلو گرفته» شرح حالی است از زبان اهل بیت در سوگ عالم سوز حضرت صدیقه طاهره علیها السلام که با قلمی شیوا، رسا و از دل برآمده بر کاغذ تصویر شده است. اگر این کتاب را نخوانید فاطمیه امسال فرصت بسیار خوبی است که این کتاب را مطالعه کنید.

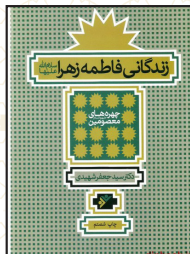
رازهای شعله ور (مجموعه شعر)

نویسنده: زهرا هنرمند قمی
انتشارات: خورشید باران

مجموعه حاضر، حاوی شعرهایی در قالب های چهارپاره، غزل، مثنوی، دوبیتی و رباعی، با مضمون های مذهبی و عارفانه است. برخی از شعرها با توجه به آیات قرآنی سروده شده است. هنرمند قمی در این سروده ها الهامات و احساسات خود را در رابطه با ائمه اطهار علیهم السلام و واقعه عاشورا با زبانی عاطفی به نظم در آورده است. «گفت و گو با خدا»، «رازها»، «قنوت»، «عطر بسم الله الرحمن الرحیم»، «حمایت از ولایت» و «کاروان لاله» از عناوین کتاب ۲۰۴ صفحه ای «رازهای شعله ور» است.

زندگی فاطمه الزهرا سلام الله علیها

نویسنده: سید جعفر شهیدی
انتشارات: دفتر نشر فرهنگ اسلامی



روایت زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها از قلم محقق بزرگ مانند سید جعفر شهیدی قطعاً جذابیت های خاص خود را دارد. این کتاب را از دست ندهید.

برهانی در خشان برای روی گردانی

آن بانوی بزرگوار سپس برای آنکه به مردم گفته نشود که زهرا سلام الله علیها پس از آن به خویشتن بازگشت یا به فلائی پیغام داد که از آنان راضی شده است، وصیت کرد که شبانه دفن شود و از آنجا که میباید ادعا شود که چون دفن شبانه سنت است و ناراحتی حضرت زهرا سلام الله علیها از آنها کم رنگ شود، حضرت زهرا سلام الله علیها وصیت کرد که بر جنازه اش حاضر نشوند و بر پیکرش نماز نگزارند و قبرش پنهان بماند. آنها نیز کوشیدند چند قبر را نبش کنند تا به جنازه حضرت دست یابند و بر او نماز گزارند؛ اما علی علیه السلام مانع آنها شد. در بعضی از منابع آمده: فاطمه سلام الله علیها از علی علیه السلام به خدا و رسولش پیمان گرفت که جزام سلمه، ام ایمن، فضه، حسنین علیه السلام، سلمان، عمار، مقداد، ابوذر و حدیفه کسی بر جنازه حضرت حاضر نشوند؛ اما مخفی ماندن قبر فاطمه سلام الله علیها تا امروز و عدم قدرت احدی بر شناخت دقیق آن محل، برهانی در خشان، بر روی گردانی زهرا سلام الله علیها از آنان است. تمام شواهد تاریخی صحیح و معتبر بر کذب پندار تحریف کنندگان تاریخ و دشمنان حق تأکید دارد.



چرا حضرت زهرا سلام الله علیها وصیت کردند که ایشان را شبانه غسل و کفن کرده و به خاک بسپارند؟

پنهان از چشم دشمنان

فلسفه اصلی مخفی بودن قبر حضرت زهرا سلام الله علیها مربوط می شود به وقایع و جسارت هایی که در آن زمان به آن بزرگوار وارد شده بود. در این زمینه نقل شده است که حضرت زهرا سلام الله علیها زمانی که وقت رحلتشان نزدیک شد و در بستر به حالت احتضار بسر می بردند، حضرت علی علیه السلام بر بالای بسترشان آمدند و بعد از صحبت هایی که با همدیگر کردند، حضرت فاطمه سلام الله علیها اجازه خواستند تا چند وصیت به همسرشان علی علیه السلام کنند. از جمله وصایای حضرت زهرا سلام الله علیها به علی علیه السلام این بود که فرمودند: «ای پسر عمو! اگر تا چند ساعت دیگر از دنیا رفتم، جنازه ام را شبانه تشییع کن و مراسم تشییع مرا اعم از غسل و کفن و نماز خواندن و دفن کردن باید در محیطی مخفی و پنهان انجام دهی و فقط به کسانی اجازه در تشییع دهی که ظلم و جفا نسبت به من روا نداشته اند.»



بیدار کردن افکار خفته مدینه

حال بحث در این است که علت اجازه ندادن حضرت زهرا سلام الله علیها در مراسم تشییع پیکرشان، بیانگر چیست؟ یقیناً حضرت زهرا سلام الله علیها با این کارشان می خواستند بار دیگر همانند جریان «فدک» مبارزه جدیدی را با وصیت نامه سیاسی خویش شروع کنند که ضربه سهمگینی به حکومت وقت وارد سازند. فاطمه اطهر سلام الله علیها با وصیت خویش افکار خفته مردم مدینه را بیدار می ساختند و توجه افکار عمومی را نسبت به پایمال کردن حق خویش جلب می کردند. از امام رضا علیه السلام درباره شیخین سؤال شد. فرمودند: «ما یک مادر نیکوکار داشتیم که وقتی از دنیا رفت، از آنان خشمگین بود. ما راضی نمی شویم تا او از آنان راضی شود.»



دفاع از امامت، نه مسئله شخصی

بدین ترتیب روشن می شود که حضرت زهرا سلام الله علیها آن بانوی مطهره معصوم که خداوند از خشنودی او خشنود می شود و از خشم او خشم می گیرد، با این موضع آگاهانه اش به همگان در تمام تاریخ فهمانید که این قضیه یک مسئله شخصی نبود؛ بلکه قضیه اسلام و دین و تجاوز به حریم خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حق و انسانیت و اسلام مجسم در او بود؛ زیرا هدف از تجاوز به حریم زهرا سلام الله علیها منع وی از دفاع از امامت بود. امامت، قوام دین است و یک تصمیم الهی قاطع و حق امت مسلمان و حق همه انسان ها. زهرا سلام الله علیها پس از آنکه از آن دو اقرار صریح گرفت که تعدی و تجاوز نسبت به او، تجاوز به ساحت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و در نتیجه تجاوز و جسارت به حریم ملکوتی پروردگار است و او حق ندارد که چنین متجاوزی را مورد عفو و گذشت خود قرار دهد و با بیان این جمله که از اینان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شکایت خواهد کرد، آنان را از این حقیقت آگاه کرد؛ آری، زهرا سلام الله علیها پس از این، آن موضع کوبنده خود را اتخاذ کرد.

هیأت





سؤالی که در اذعان عموم شکل گرفت

بدین ترتیب روشن می‌شود که زهرا سلام‌الله علیها حتی مرگ و تشییع جنازه‌اش را وسیله جهاد و مبارزه در راه خدا و برای خدا و دین و در راه توضیح حقایق برای نسل‌ها قرار داد. نتایج این مبارزه از همان لحظه‌های اول آشکار شد. روایت شده: به محض انتشار خبر دفن زهرا سلام‌الله علیها، مردم ناله و فریاد سر دادند و همدیگر را سرزنش کردند. کسی گفت: پیامبران فقط یک دختر در میان شما گذاشت، این دختر می‌میرد و دفن می‌شود؛ ولی احدی از شما، نه در وفات و دفنش حاضر است و نه در نماز بر جنازه‌اش و هیچ کدام قبرش را نمی‌شناسید تا آن را زیارت کنید؟ امیرالمؤمنین علیه‌السلام با عمل به وصیت زهرا سلام‌الله علیها اذهان جامعه را دچار شک و تردید کردند و مشروعیت خلیفه را زیر سؤال بردند و مظلومیت حضرت زهرا سلام‌الله علیها را بیشتر آشکار ساختند و این سؤال را همیشه برای همگان مطرح کردند که چرا قبر زهرا سلام‌الله علیها مخفی مانده است.



تشییع در نیمه شب به همراه یاران

زمانی که حضرت زهرا سلام‌الله علیها از دنیا رفتند، مردم سراسیمه به خانه حضرت زهرا سلام‌الله علیها می‌آمدند و منتظر بیرون آمدن جنازه بودند که علی علیه‌السلام به ابوذر فرمودند: «برو و با صدای بلند اعلام کن که برگردند؛ زیرا تشییع جنازه دختر رسول خدا امشب صورت نمی‌گیرد و به تأخیر افتاده است.» مردم که متفرق شدند، حضرت علی علیه‌السلام با کمک اسما، بدن حضرت را غسل و کفن کردند و در نیمه شب با عده‌ای از نزدیکان و یاران خویش که عبارت بودند از: سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و چند تن دیگر جنازه دختر رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم را شبانه تشییع کردند و شبانه به خاک سپردند و حضرت علی علیه‌السلام قبر حضرت فاطمه سلام‌الله علیها را هم سطح زمین کردند و حتی روایت شده در چند نقطه در بقیع، قبر درست کردند تا دشمنان متوجه نشوند که قبر حضرت فاطمه سلام‌الله علیها کدامیک است. این را مخفی ماندن قبر فاطمه سلام‌الله علیها برای همیشه پنهان مانده است و کسانی هم که حضور داشتند، دیگر بعدها محل اختفای قبر فاطمه سلام‌الله علیها را بیان نکردند.



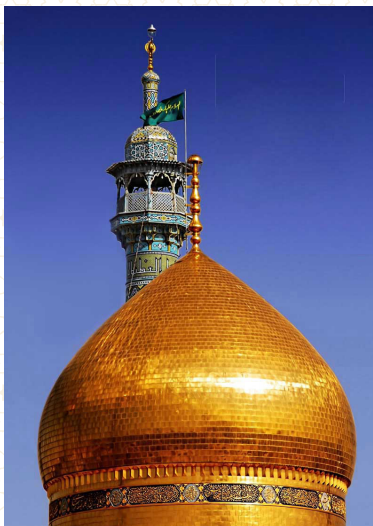
علت مخفی بودن قبر مطهر در روایات

مرحوم شیخ صدوق درباره علت دفن شبانه آن حضرت می‌نویسد: «عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَأَيِّ عِلَّةٍ دُفِنَتْ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام) بِاللَّيْلِ وَلَمْ تُدْفَنْ بِالنَّهَارِ قَالَ لَأَنَّهَا أَوْصَتْ أَنْ لَا يُصَلَّى عَلَيْهَا رَجَالُ الرَّجُلَانِ؛ أَيْ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ صَاحِبِ الْقَدْحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهَا دُفِنَتْ لَيْلًا لِئَلَّا يُصَلَّى عَلَيْهَا مِنْ أَذَاهَا وَمَنْعُهَا مِنْ أَيْمَانِهَا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)؛ عَلَتْ مَخْفَى بُوْدن محل دفن فاطمه سلام‌الله علیها آنگونه که مخالف و موافق نقل کرده‌اند این است که آن حضرت به امیرمؤمنان علیه‌السلام سفارش کرد تا او را شبانه دفن کند تا آنان که او را اذیت کرده و از ارث پدرش محروم کرده بودند، بر وی نماز نخوانند.»



به زیارت حضرت معصومه سلام‌الله علیها بروید

مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) از پدر بزرگوارش، مرحوم حاج سید محمود مرعشی نقل می‌کردند که آن مرحوم در صدد بود که به هر وسیله‌ای که ممکن باشد، محل دفن حضرت زهرا سلام‌الله علیها را به دست آورد، به این منظور ختم مجرب‌ی را آغاز می‌کند و چهل شب آن را ادامه می‌دهد تا در شب چهلیم به خدمت حضرت باقر علیه‌السلام یا حضرت صادق علیه‌السلام شرفیاب می‌شود، امام علیه‌السلام به ایشان می‌فرماید: «علیک بکریمه اهل البیت؛ به دامن کریمه اهل بیت پناه ببرید.» عرض می‌کند: بلی من هم این ختم را برای این منظور گرفته‌ام که قبر شریف بی‌بی را دقیقاً بدانم و به زیارتش بروم. امام علیه‌السلام فرمودند: «منظور من قبر شریف حضرت معصومه سلام‌الله علیها در قم است.» سپس ادامه داد: برای مصالحی خداوند اراده فرموده که محل دفن حضرت فاطمه سلام‌الله علیها همواره مخفی بماند و بنابراین قبر حضرت معصومه سلام‌الله علیها را تجلیگاه قبر آن حضرت قرار داده است. هر جلال و جبروتی که برای قبر شریف حضرت زهرا سلام‌الله علیها مقدر بود، خداوند متعال همان جلال و جبروت را بر قبر مطهر حضرت معصومه سلام‌الله علیها قرار داده است.



چند دلیل مشخص

بنابراین با توجه به مطالبی که عرض شد، علت مخفی ماندن قبر آن حضرت را می‌توان در این موارد خلاصه کرد؛ اینک، دشمنان و غاصبان حق آن مظلومه به قبر آن حضرت دسترسی نداشته باشند تا روزی در صدد نبش آن بزنند. اینک، خود آن حضرت خواستند که شبانه و مخفیانه، دفن شوند که به تبع آن قبرشان مخفی بماند؛ با توجه به محتوای وصیت ایشان در مورد دفن آن حضرت؛ می‌توان گفت که می‌خواستند با این کار، افکار عمومی را بیدار کرده و مردم را نسبت به ظلم حکام زمانشان نسبت به ایشان و علی علیه‌السلام، آگاه سازند. بنابراین این سؤال را که چرا قبر حضرت فاطمه سلام‌الله علیها مخفی ماند؟ برای همیشه در اذهان مردم زنده نگه دارند.

بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره حضرت زهرا سلام الله علیها

چند کلام در باب عظمت یک بانو

رهبر معظم انقلاب بارها در دیدار با گروه‌های مختلف جامعه، درباره عظمت حضرت فاطمه سلام الله علیها و نقش بسیار مهم ایشان در دوره کوتاه زندگی پربرکتشان اشاره کرده‌اند. این در حالی است که معظم له بارها فرموده‌اند که زبان از تجلیل این بانوی بزرگوار قاصر است: «...من حقیقتاً، نه به عنوان تعارف، نه به عنوان یک حرف هزاران بار تکرار شده، واقعاً قاصرم؛ زبان قاصر است، دل قاصر است، ذهن قاصر است که بخواهد از این مقام بلند تعریف و تجلیل کند...». آنچه در این این صفحه می‌خوانید بخشی از بیانات ایشان درباره حضرت زهرا سلام الله علیها و همچنین الگو بودن ایشان برای همه اقشار جامعه است.

رضای او رضای خدا

این موجود انسانی، این دختر جوان، این همه فضیلت، این همه درخشندگی، این همه کبریا و عظمت؛ که کسی مثل پیغمبر وقتی فاطمه زهرا بر او وارد میشد، «قام الیها»؛ نه فقط بلند می‌شد، بلکه بلند می‌شد و به سمت او می‌رفت. یک وقت یکی وارد اتاق می‌شود، شما به احترامش بلند می‌شوید؛ یک وقت کسی وارد اتاق می‌شود، شما با اشتیاق به طرفش می‌روید. اینها مگر شوخی است؟ این بحث پدر - فرزندی نیست. پیغمبر خدا اینجور از فاطمه زهرا تجلیل می‌کند؛ رضای او را رضای خود، رضای خود را رضای خدا؛ سخط او را سخط خود، سخط خود را سخط خدا اعلام می‌کند؛ اینها مقامات فاطمه زهرا است. آن زندگی با امیرالمؤمنین، آن تربیت آن فرزندان، خب، مگر می‌شود درباره این بزرگوار، امثال ما حرف بزنیم؟

کوهی از معرفت

ما این بزرگوار، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را خواسته‌ایم به عنوان الگو میان خودمان مطرح کنیم. یک زن جوان، یک دختر جوان، که زندگی‌اش، زندگی معمولی؛ لباسش، لباس فقرا؛ کارش در خانه جمع و جور کردن بچه‌ها و مدیریت خانه و کدبانویی این خانه کوچک و دستاس کردن است و آن کوه معرفت و دریای عظیم علم و دانش در وجود اوست. شما ببینید تعامل این زن و شوهر چگونه است و دو بزرگ خارج از ابعاد ذهن انسان، چگونه با هم حرف می‌زنند؛ چگونه زندگی می‌کنند؛ چگونه این زندگی الگو و نمونه تاریخ را اداره می‌کنند و چگونه هر کدام نقشی به عهده می‌گیرند! اینها تصادفی نیست.

دختر کارگشای پیامبر

زندگی فاطمه زهرا سلام الله علیها از همه ابعاد، زندگی‌ای همراه با کار و تلاش و تکامل و تعالی روحی یک انسان است. شوهر جوان او دائماً در جبهه و میدان‌های جنگ است؛ اما در عین مشکلات محیط و زندگی، فاطمه زهرا سلام الله علیها، مثل کانونی برای مراجعات مردم و مسلمانان است. او دختر کارگشای پیغمبر است و در این شرایط، زندگی را با کمال سرافرازی به پیش می‌برد: فرزندان تربیت می‌کند مثل حسن و حسین و زینب؛ شوهری را نگهداری می‌کند مثل علی و رضایت پدری را جلب می‌کند مثل پیغمبر! راه فتوحات و غنائم که باز می‌شود، دختر پیغمبر دژهای لذت‌های دنیا و تشریفات و تجملات و چیزهایی را که دل دختران جوان و زن‌ها متوجه آنهاست، به خود راه نمی‌دهد. عبادت فاطمه زهرا، سلام الله علیها، یک عبادت نمونه است.

هیأت



بندگی خدا

ارزش فاطمه زهرا سلام الله علیها به عبودیت و بندگی خداست. اگر بندگی خدا در فاطمه زهرا سلام الله علیها نبود، او صدیقه کبری نبود. صدیق یعنی چه؟ صدیق کسی است که آنچه را می‌اندیشد و می‌گوید، صادقانه در عمل آن را نشان دهد. هر چه این صدق بیشتر باشد، ارزش انسان بیشتر است؛ می‌شود صدیق. این بزرگوار صدیقه کبری است؛ یعنی برترین زن صدیق. این صدیق بودن به بندگی خداست. اگر بندگی خدا نمی‌کرد، صدیقه کبری نمی‌شد. اساس، بندگی خداست.

فاطمه

اسلام درباره زنان چه می‌گوید؟

زن در اوج

در جامعه بشری از دیرباز تاکنون، نظرات و عقاید مختلفی در ارتباط با تفاوت‌های مرد و زن وجود داشته است. متأسفانه اغلب این تفکرات و تئوری‌ها بر مبنای برتری مرد بر زن استوار است و هرگز نگاهی واقع‌بینانه به زن به عنوان نوع بشر نشده است. اما با ظهور اسلام، رسول اکرم صل الله علیه و آله و سلم با رفتار و گفتارش مقام زن را راجح نهاد و با معرفی برترین و والاترین الگوی زن مسلمان به جهانیان - فاطمه زهرا سلام الله علیها - دیدگاه اسلام را نسبت به زن

خود معرفی می‌کند. به راستی وجود همسران با این ویژگی‌ها، برای انسان‌ها که مایه آرامش زندگی است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود و اگر کسی تفکر و تعقل کند متوجه می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگرند و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر هستند و زن است که کانون خانواده را گرم و با نشاط نگه می‌دارد و باعث رشد و کمال انسان می‌شود.

زن و مقام مادری

از دیگر ویژگی‌های ممتاز زنان که سیمایی انسانی و رحمانی به آنها بخشیده، شان و منزلت مادری است.

تبیین کرد. قرآن کریم هم ویژگی‌های منحصر به فردی را برای زنان بر می‌شمارد که برخی از آنها در ادامه آمده است.

زن و ایجاد آرامش

خداوند متعال در آیات متعددی زن را مایه آرامش زندگی معرفی می‌کند: «مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید.»

خداوند متعال در این آیات، آفرینش زنان را که مایه آرامش بخشی به زندگی است را از نشانه‌های



هم زنان درس بگیرند، هم مردان

حالا می‌خواهیم از ایشان درس بگیریم؛ زن‌ها هم درس بگیرند، مردها هم درس بگیرند؛ همه -عالم و جاهل- درس بگیرند. ببینیم درباره این بزرگوار در کلمات ائمه‌ی معصومین، آنچه ذکر می‌شود از مدایح، چه چیزهایی است. در زیارت امام رضا علیه السلام وقتی نوبت به حضرت زهرا می‌رسد برای صلوات -آن زیارتی که سر تا پا صلوات است- می‌گوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ؛ این یک خصوصیت، خب، این خصوصیت خیلی مهمی است؛ البته قابل تأسی نیست؛ همه دختر پیغمبر نمی‌شوند؛ اما انتساب به پیغمبر به صورت دختر او، نشان‌دهنده رفعت مقام است. وَ زَوْجَةُ وَلِيكَ، این هم دومی؛ البته این هم قابل دست‌گیری نیست و همه نمی‌توانند زوجه ولی خدا بشوند؛ اما رفعت مقام، رفعت‌شان و جاه و جلال این بزرگوار را نشان می‌دهد. وَامِ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سِدِّي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ جنبه کاربردی این خصوصیت، بیشتر از آن دو صفت قبلی است؛ جنبه کاربردی تربیت سبطین. سبطینی که «سیدی شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» هستند، مادرشان این بزرگوار است؛ دامان پاکیزه این مادر است که توانسته اینها را تربیت کند. این آن چیزی است که می‌تواند برای ما به عنوان الگو، به عنوان اسوه مطرح بشود. «الطَّهْرَةُ الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ التَّقِيَّةُ التَّقِيَّةُ الرِّضِيَّةُ الرِّضِيَّةُ» که همه اینها کاربردی است؛ طهارت، با سه بیان که البته این سه بیان «طهر»، «طاهر» و «مطهر» تفاوت‌هایی از لحاظ معنا با هم دارند. البته هر سه تعبیر اشاره به طهارت و پاکیزگی است؛ طهارت روح، طهارت دل، طهارت مغز، طهارت دامن، طهارت سرتاسر زندگی. خب این کاربردی است، این برای مادر است؛ باید سعی کنیم خودمان را پاکیزه کنیم، باید تظهير کنیم خودمان را؛ بدون طهارت باطن نمی‌شود به مقامات رسید؛ به حریم ولایت این بزرگوارها هم نمی‌شود رسید؛ طهارت باطن لازم است. طهارت باطن، با تقوا است، با ورع است، با ملاحظه است.

شناخت حضرت فاطمه سلام الله علیها

عظمت فاطمه زهرا سلام الله علیها، در سیره آن بزرگوار آشکار است. یک مسئله این است که ما چه شناختی از فاطمه زهرا سلام الله علیها داریم؟ این یک حرف است. بالآخره دوستان اهل بیت علیهم السلام، در طول زمان، تا آن جا که توانستند سعی کردند به حق دختر پیغمبر، فاطمه زهرا سلام الله علیها معرفت پیدا کنند. چنین هم نیست که کسی خیال کند همانطور که در زمان ما، این بزرگوار این قدر در دل‌ها عزیز و در چشم‌ها شیرین است، همیشه همینطور بوده است. امروز بحمد الله دوران اسلامی است، دوران حکومت قرآن است، دوران حکومت علوی و حکومت اهل بیت علیهم السلام است و آنچه در دل‌هاست، بر زبان‌ها جاری می‌شود. قدیمی ترین دانشگاه اسلامی در دنیای اسلام -مربوط به قرن سوم و چهارم- به نام فاطمه زهرا سلام الله علیهاست. نام دانشگاه معروف «الازهر» در مصر از نام فاطمه زهرا سلام الله علیها گرفته شده است. در گذشته به نام فاطمه زهرا سلام الله علیها دانشگاه تأسیس می‌کردند. حتی خلفای فاطمی که بر مصر حکومت می‌کردند، شیعه بودند. قرن هاست که شیعه سعی کرده به حق این بزرگوار معرفت پیدا کند. این، یک مسئله است.

هیات

قال: ابابک، «ای رسول خدا به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: به مادر، عرض کرد بعد از او به چه کسی؟ فرمود: به مادر، برای سومین بار عرض کرد: بعد از او؟ فرمود به مادر، و در چهارمین بار وقتی این سؤال را تکرار کرد فرمود: به پدرت. نتیجه اینکه، یک زن، نقش عظیمی در ایجاد آرامش و محبت در زندگی و نقش پرورش جنین سالم و تربیت صحیح فرزندان در مسیر الهی، می‌تواند داشته باشد. و به دلیل همین است که اسلام تأکید بر ماندن زن در جایگاه عظیم انسانی‌اش دارد. در تاریخ شاهد آن هستیم که مردان بزرگ جهان، موفقیت‌شان، مرهون پاکي ولادت آنها و تربیت صحیح‌شان توسط مادران

می‌شوند و دوران شیردهی که دوران طولانی مدت شیردهی نیز یکی دیگر از مقاطع پر زحمات دوران زندگی مادران است که در این آیه مورد تأکید قرار گرفته است. مسئله نیکی به پدر و مادر از اصول مهم انسانی است که حتی کسانی که پایبند به دین مذهبی نیستند نیز به طور فطری والدین را محترم می‌شمارند. بنابراین به فرمان خداوند باید در مقابل خدمات بزرگ پدر و مادر نیکی‌های بزرگ و برجسته انجام شود. در حدیث آمده که مردی نزد رسول خداصل الله علیه وآله وسلم آمد و عرض کرد: «مَنْ آتَى؟ قَالَ آمَنَ قَالَ ثَمَّ مَنْ؟ قَالَ: آمَنَ. قَالَ: ثَمَّ مَنْ؟ قَالَ: آمَنَ. قَالَ: ثَمَّ مَنْ؟

خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَوَضِعْنَا الْإِنْسَانَ بِالْذِّئْبِ إِبْخَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا...» «ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و او با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتیش ۳۰ ماه است.» در این آیه لزوم حق‌شناسی در برابر مادر یادآور شده و بر سه محور اساسی تأکید می‌شود: دوران حمل که قرآن کریم در این آیه رنج‌ها و مرارت‌های مادران را در این دوران بیان می‌کند. وضع حمل که براساس این آیه مادران به هنگام وضع حمل نیز سختی و رنج فراوانی را متحمل

پاسخ به چند سؤال برای آشنایی بیشتر با فضایل حضرت زهرا سلام الله علیها

بانویی که فرشته‌ها با او سخن می‌گفتند

کتاب‌ها درباره فضایل حضرت فاطمه سلام الله علیها نوشته شده، اما باز هم بزرگان دینی مادر خصوص شخصیت حضرت زهرا سلام الله علیها می‌گویند که فضایل و مناقب این بانوی بزرگوار بسیار زیاد است و از فکر، عقل و درک ما خارج است. نام حضرت، فاطمه است و صدیقه، طاهره، زهرا و... جز القاب ایشان است که به مناسبت‌ها و فضیلت‌های متفاوت در وصفشان بیان شده است. در زیارت جامعه کبیره که شامل بیان صفاتی درباره اهل بیت علیهم السلام است می‌خوانیم: «لَا أُحْصِي ثَنَاءَكُمْ وَلَا أُلْبِغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَمِنْ الْوُصْفِ قَدْرَكُمْ وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَهَدَاةُ الْأَبْرَارِ وَحُجَجُ الْبَرِّ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُ أَوْ بِكُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثُ: نمی‌توانم ثنای شما را شماره کنم و در امر مداح گفتن قدرت رسیدن به حقیقت شما را ندارم، و در مقام وصف کردن، توانایی بیان منزلت شما در من نیست، و حال آنکه شما نور خوبان و هدایان نیکان و حجت‌های خدای جبارید، خدا با شما آغاز کرد، و با شما ختم می‌کند و به خاطر شما باران فرو می‌ریزد.» اینجا با پاسخ به چند سؤال، ابعاد دیگری از شخصیت این بانوی بزرگوار اسلام را بیان کرده‌ایم.

جایگاه ایشان در میان سایر زنان چگونه است؟

رسول خدا می‌فرماید: «أَفْضَلُ نِسَاءِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ: خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمٌ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ أَسِيَّةُ بِنْتُ مَرْحَمٍ، إِمْرَأَةٌ فَرَعَوْنُ». «برترین زنان اهل بهشت چهار نفرند: خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون». از امام صادق علیه السلام پرسیدند که حضرت مریم را سیده نساء می‌نامند و مادر شما را نیز به همین نام می‌خوانند، آیا آنها در یک مرتبه هستند؟ حضرت فرمودند: «مریم سرور زنان زمان خود بود اما فاطمه سرور همه بانوان جهان از نخستین و آخرین است».

کدام آیات قرآن در شان ایشان نازل شده‌اند؟

آیات متعددی از قرآن در شان حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها نازل شده‌اند از جمله سوره کوثر است. کوثر به معنای خیر کثیر و یا به معنای فرزندان زیاد است. بعد از آنکه دشمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توهین می‌کردند و ایشان را نعوذ بالله، محمد ابتر می‌خواندند، حضرت بسیار ناراحت و متأثر شدند؛ در این هنگام خداوند با نزول سوره کوثر وعده اعطای خیر کثیر را به حضرت دادند و مشخص شد دشمنان ایشان ابتر هستند. سوره مبارکه انسان نیز در شأن حضرت زهرا سلام الله علیها و البته امیرالمومنین علی علیه السلام نازل شده است که: «يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكِيْنَا وَ يَتِيْمًا وَ أُسِيرًا».

نقش ایشان در دفاع از ولایت چیست؟

حضرت زهرا سلام الله علیها حقیقتاً شهیده ولایت است. همچنان که در دفاع از ولایت و امامت مضروب شده و در میان در و دیوار فرزند خود را از دست دادند. حضرت به دلیل رتبه والایشان تنها بانویی بودند که می‌توانستند به عنوان همسر امام علی علیه السلام انتخاب شوند. حدیث دارد که اگر علی علیه السلام نبود، همسری برای زهرا سلام الله علیها پیدا نمی‌شد؛ یعنی تنها کسی که لیاقت همسری حضرت زهرا سلام الله علیها را داشت امیرالمومنین علی علیه السلام بود.

ایشان دارای چه القابی هستند؟

نام حضرت، فاطمه است و صدیقه، طاهره، زهرا و... جز القاب ایشان است که به مناسبت‌ها و فضیلت‌های متفاوت در وصفشان بیان شده است. در این میان، لقب «محدثه» بزرگ‌ترین دلیل بر شأن حضرت است. امام خمینی رحمت الله علیه فرمودند: بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت بسیار ناراحت بوده و گریه می‌کردند و خداوند برای تسکین حضرت، جبریل را می‌فرستادند که برای ایشان سخنرانی کند و در ایام عزاداری حضرت جبریل از تاریخ و سرنوشت فرزندان ایشان گفته و به نوعی تسکین‌دهنده حضرت بودند به همین دلیل به حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها محدثه می‌گویند یعنی کسی که برای او سخنرانی کرده و حدیث می‌گویند. (قول حق این است که حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در رحم مادرش خدیجه سلام الله علیها که بود در فضایی که مادر داشت اورادلداری می‌داد و با او سخن می‌گفت و به همین دلیل در ادامه به او محدثه گفته شده است. در بیت الاحزان شیخ عباس قمی مفصل این قول آمده است) همچنین طبق روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «يَوْمَآ الْمَحْدَثُ فَهُوَ الَّذِي يَسْمَعُ كَلَامَ الْمَلِكِ وَ لَا يَرَى وَ لَا يَأْتِيهِ فِي الْمَنَامِ». «محدث» کسی است که سخن فرشته را می‌شنود اما او را نمی‌بیند و در خوابش هم نمی‌آید. بر این اساس، حضرت بدین خاطر به این نام خوانده می‌شود که ملائکه با حضرت سخن گفته‌اند، چنان که در روایات زیادی آمده است.

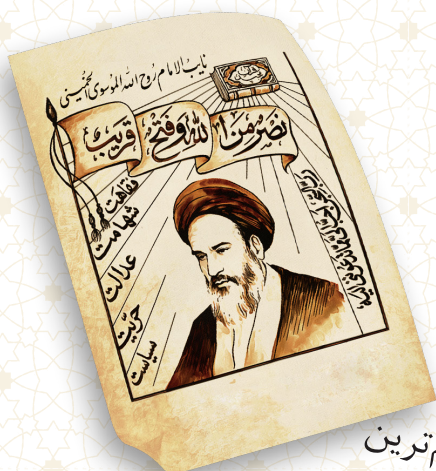
هیأت

۱۳۷

ویژہ نامہ چہلمین سالگرد
انقلاب اسلامی

هیأت





اعلامیه‌ها، مهم‌ترین
رسانه انقلاب بود،
رسانه‌ای که دست
به‌دست می‌چرخید

این برگه‌های تاریخ‌ساز

| مهدی واعظی |

اعلامیه‌ها در تاریخ انقلاب اسلامی ایران نقش مؤثری داشته‌اند. از چگونگی شکل‌گیریشان گرفته تا انتشارشان، از مهم‌ترین‌شان تا اولین‌شان و از تأثیرگذارترین‌شان تا تقلبی‌هاشان همه جریان‌های تاریخی منحصر به فرد و شنیدنی خودشان را دارند که به گفته پژوهشگران تاریخ معاصر ایران برای شرح هر کدام‌شان می‌توان صفحات بی‌شماری را اختصاص داد. اما شما تنها با مطالعه این دو صفحه می‌توانید اسرار زیادی از تأثیر اعلامیه‌ها در شکل‌گیری تاریخ معاصر ایران کشف کنید و در جریان تلاش‌های بی‌شمار مردم انقلابی برای انتشار این برگه‌های تاریخ‌ساز قرار بگیرید.

اعلامیه توسط چه کسانی نوشته می‌شد؟

اعلامیه‌ها توسط افراد معروف نوشته می‌شدند. اعلامیه‌هایی که از طرف امام خمینی رَحمت‌الله‌علیه و دیگر مراجع منتشر می‌شدند از طریق مهر مخصوصشان روی برگه‌ها مشخص می‌شدند. جامعه مدرسین هم از دیگر گروه‌هایی بودند که اعلامیه منتشر می‌کردند که افرادی مثل آیت‌الله مشکینی در آن عضویت داشتند. اعضای جامعه مدرسین از چهره‌های برجسته دینی و سیاسی در کشور بودند، لذا حرف‌هایشان برای مردم حجت تلقی می‌شد. این گروه از جامعیت بیشتری نسبت به دیگر گروه‌ها برخوردار بود و در شهر قم مرکزیت داشت. شهید مطهری، شهید بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله موسوی اردبیلی و... نیز از جمله افرادی بودند که در تهران و شهرستان‌ها به‌عنوان رهبران انقلاب شناخته می‌شدند و سخنرانی‌ها و گفته‌هایشان به‌صورت اعلامیه منتشر می‌شد. تمام اعلامیه‌هایی که در کشور منتشر می‌شد هم راستا با روش امام رَحمت‌الله‌علیه بود. اگر گاهی بعضی از افراد اعلامیه‌هایی منتشر می‌کردند که با روش امام خمینی رَحمت‌الله‌علیه تعارض داشت، آن اعلامیه به سرعت جمع می‌شد و به‌دست مردم نمی‌رسید. شناسایی این دست از اعلامیه‌ها هم کار سختی نبود، چرا که روش امام خمینی رَحمت‌الله‌علیه از همان ابتدا مشخص و واضح بود.

اعتبار اعلامیه‌ها چگونه تأیید می‌شد؟

وقتی اعلامیه‌ای به‌صورت یک تکه کاغذ قرار است بین مردم منتشر شود باید برای مخاطب نشانی از اعتبار داشته باشد. از ۳ طریق اعلامیه‌هایی که به‌دست مردم می‌رسید از لحاظ اعتبار قابل تأیید بود. یکی از این روش‌ها مهری بود که زیر نوشته‌ها می‌خورد. امام خمینی رَحمت‌الله‌علیه و مراجع، نوشته‌های خود را با مهرهای مخصوص به‌خود، تأیید و معتبر می‌کردند. مهر مراجع بین مردم به‌عنوان یک حجت تلقی می‌شد. دومین روش این بود که اعلامیه‌ها باید توسط گروه‌های مورد تأیید انقلاب و مردم چاپ و منتشر می‌شد. گروه‌هایی مثل فریاد اسلام، ندای امام، ندای امت و... گروه‌هایی بودند که به‌دلیل اینکه شناسایی نشوند با اسم‌های مستعاری که بین مردم شناخته شده بود به چاپ و نشر اعلامیه‌ها می‌پرداختند. سومین روش برای مطمئن شدن از اعتبار یک اعلامیه رجوع به پخش کنندگان بود. یعنی مردم با توجه به اعتبار و نام و نشانی که از پخش‌کننده‌ها سراغ داشتند به اعلامیه‌هایی که از جانب آنها می‌رسید اعتماد می‌کردند. اما اهداف و خطمشی انقلاب به‌قدری توسط امام خمینی رَحمت‌الله‌علیه و انقلابیون واضح و شفاف شده بود که مردم می‌توانستند یک اعلامیه جعلی را از یک اعلامیه واقعی تشخیص بدهند.

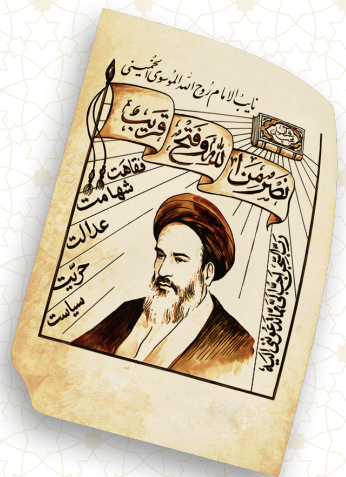
تنها اعلامیه جعلی چرا و کجا منتشر شد؟

طی چندین سالی که اعلامیه‌ها نقش رسانه‌های گروهی انقلابی را بین مردم ایفا می‌کردند تنها یک مورد پیش آمد که اعلامیه‌ای دروغین منتشر شود. این اعلامیه که به‌دست ساواک و با قصد و منظور از پیش تعیین شده منتشر شد، به نام امام خمینی رَحمت‌الله‌علیه بود. اما از آنجایی که اهداف انقلاب و مسیر حرکت‌های آن به روشنی از سوی امام رَحمت‌الله‌علیه مشخص شده بودند اهداف شوم این اعلامیه به‌زودی در بین مردم آشکار شد و قضیه جعلی بودن آن لورفت. وقتی مردم به مطالب درج شده در این اعلامیه مشکوک شدند برای اطمینان بیشتر آن را پیش امام خمینی رَحمت‌الله‌علیه بردند. امام هم فرمودند که این کار، باید کار ساواک باشد و مردم باید هوشیار باشند که گاهی ممکن است که دشمن چنین کارهای موزی انجام دهد. بعد از استفتا از امام رَحمت‌الله‌علیه این اعلامیه به سرعت جمع‌آوری شد. چون ساواک در بین جریان‌های مذهبی نفوذی نداشت این اعلامیه در اماکن مذهبی منتشر نشد، غیر از تعدادی از مساجد که آنها هم به سرعت جمع‌آوری شدند. تمام اعلامیه‌هایی که از سوی امام رَحمت‌الله‌علیه و افراد و گروه‌های انقلابی منتشر می‌شدند مستقیم خود شاه را مورد انتقاد قرار می‌دادند. اگر اعلامیه‌ای منتشر می‌شد که به جای شخص شاه به دیگر گروه‌ها می‌پرداخت معلوم بود که این اعلامیه متعلق به امام رَحمت‌الله‌علیه و گروه‌های انقلابی نیست.

هیات

مهم ترین اعلامیه تاریخی انقلاب اسلامی

هر یک از اعلامیه‌هایی که در طول تاریخ شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران منتشر شد در جایگاه خودش مهم و تأثیرگذار بود، اما بعضی از این اعلامیه‌ها نقش خاصی داشتند. اعلامیه‌ای که ضربه شدیدی به دستگاه حاکمیت شاهنشاهی وارد کرد اعلامیه تعطیلی ۱۵ خرداد در سال ۱۳۵۷ بود. برای حکومت غیرقابل تصور بود که همزمان در سراسر ایران بازارها و مغازه‌ها تعطیل شوند. اعلامیه‌ای که در نیمه شعبان سال ۵۷ منتشر شد و امام خمینی رحمت‌الله علیه طی این اعلامیه جشن در این روز را تحریم اعلام کردند، یکی از مهم‌ترین اعلامیه‌های تاریخ انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. ساواک برنامه‌هایی را ضمن اجرای این جشن طراحی کرده بود که با این کار تمام نقشه و برنامه‌هایشان خنثی شد. اعلامیه منصوب به ۱۷ شهریور یکی دیگر از اعلامیه‌های تاریخ‌ساز است. با اتفاقی که در ۱۷ شهریور افتاد و کشتار و خونریزی که حکومت به بار آورد همه وحشت کرده بودند و فکر می‌کردند که مبارزه به بن‌بست می‌رسد. اما با انتشار اعلامیه امام خمینی رحمت‌الله علیه که در آن بیان داشته بودند که‌ای کاش در بین شما بودم و به شهادت می‌رسیدم و مقایسه‌ای که بین شهدای ۱۷ شهریور با شهدای کربلا داشتند باعث شد نهضت انقلاب جان دوباره‌ای بگیرد و منفی‌بافی‌ها از بین برود.

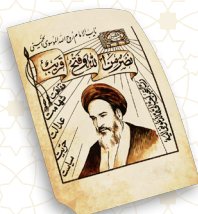


هیات



اعلامیه چگونه تکثیر و منتشر می‌شد؟

اعلامیه‌ها بعد از نوشته شدن باید تکثیر می‌شدند. تکثیر اعلامیه‌ها هم از طریق چاپ آنها اتفاق می‌افتاد که چاپ هم در آن زمان به وسیله دستگاه‌های استنسیل یا از طریق کپی کردن آنها انجام می‌شد. در بعضی موارد برای تکثیر اعلامیه‌ها از دستگاه‌های کپی ادارات و مدارس استفاده می‌شد البته به صورت مخفیانه. در موارد دیگر هم از دستگاه‌های مغازه‌های تکثیر استفاده می‌شد که با دادن پول قابل توجی به مغازه‌دار به صورت شبانه از دستگاه‌های آنها استفاده می‌شد. البته گاهی هم خود مغازه‌دارها که از نیروهای انقلابی محسوب می‌شدند امکانات خود را رایگان برای چاپ اعلامیه اختصاص می‌دادند و نیروهای انقلابی به طور مخفیانه و پشت درهای بسته از شب تا صبح را به تکثیر اعلامیه‌ها مشغول می‌شدند. اعلامیه‌ها بعد از تکثیر باید برای انتشار به بخش‌های مختلف شهر منتقل می‌شد. افرادی که کارتن اعلامیه‌ها را دریافت می‌کردند افراد مشخصی بودند. غیر از این افراد، کارتن‌های حاوی اعلامیه‌ها به مساجد، زیارتگاه‌ها، حرم امامزاده‌ها و مکان‌هایی که مردم به صورت جمعیتی در آنجا حضور داشتند مثل هیأت‌ها و مجالس، منتقل می‌شدند.



قدم به قدم با امام از فرودگاه تا مدرسه رفاه در روز ۱۲ بهمن ۵۷

مسیر سرنوشت انقلاب

هوا سرد است، خیلی سرد، اما انگار در دل ملت چشم و چراغی روشن شده که گرم و با حرارت آخرین دقایق انتظار ۱۴ ساله را سپری می کنند. همه نگران هستند، اما آن را با کسی تقسیم نمی کنند، مبادا ته دل استقبال کنندگان خالی شود. دلواپسی از ربوده شدن هواپیمای حامل امام، بیم از سوء قصد به جان ایشان و تهدیدهای مختلفی که از گوشه و کنار به گوش می رسد، بر نگرانی ها دامن می زند. شاپور بختیار گفته که از فرود هواپیمای حامل امام جلوگیری خواهد کرد و مردم با شعار «وای به حالت بختیار، اگر امام فردا نیاد» پاسخ این تهدید را می دهند. بیشتر مردم شب ۱۲ بهمن را در خیابان ها سپری می کنند و بی توجه به سرمای چند درجه زیر صفر هوا، در پی تدارک پرشکوه ترین استقبال تاریخ هستند. می گویند برای این استقبال برنامه ریزی های دقیق و حساب شده ای توسط نزدیکان امام و ستاد استقبال انجام شده است، اما استقبال بی سابقه مردم این برنامه ها را تغییر می دهد. آنچه در ادامه می آید لحظه نگاری ورود امام از فرودگاه تا مستقر شدن ایشان در مدرسه علوی است.

فرودگاه

انتظار به پایان رسید

هواپیمای حامل امام رأس ساعت ۹/۳۰ در باند فرودگاه مهر آباد تهران به زمین می نشیند و چند لحظه بعد ایشان بعد از ۱۴ سال دوری هوای وطن را نفس می کنند. مردم با دیدن ایشان، فریاد «الله اکبر» سر می دهند و عده ای از دانش آموزان در حالی که صدایشان می لرزد و اشک به چشم دارند برای نخستین بار سرود «خمینی ای امام» را مقابل ایشان اجرا می کنند. امام در فرودگاه با دیدن ازدحام مردم می فرمایند: «من از عواطف مختلف ملت تشکر می کنم. عواطف ملت بردوش من بار گرانی است که نمی توانم جبران کنم.» ایشان طرد شاه از کشور را نخستین گام بیروزی می دانند و همه را به وحدت کلمه و ادامه مبارزه تا قطع کامل ریشه های فساد ترغیب می کنند. ماشین حامل امام یک پلیرز است. «محسن رفیق دوست» راننده خودروی امام در آن روز تاریخی در خاطراتش می نویسد: «در روز پنجم بهمن که خبردار شدیم امام به تهران می آید، همراه یاران امام جلسه ای تشکیل دادیم. ماشین پلیرز هم جلوی در پارک شده بود. شهید مفتاح با دیدن آن گفتند چه کسی رانندگی خودرو امام را بر عهده گرفته؟ گفتیم هنوز تعیین نکرده ایم. ایشان گفتند چه کسی بهتر از خود شما، بلافاصله شهید بهشتی عنوان کردند که آقای مفتاح درست می گویند، خودتان رانندگی را انجام دهید و در این خصوص به کسی مطلبی نگویند. در فرودگاه، امام آمدند و کنار من نشستند. حاج احمد آقا نیز پشت سرمان بودند. تا میدان فرودگاه در اسکورت خودروهای کمیته استقبال بودیم.»

هیأت

یاف شهر

انتقال امام با آمبولانس

در مسیر بازگشت از جایگاه به محل استقرار هلی کوپتر در اثر ازدحام و فشار جمعیت حال امام بد می شود. مردم پا به پای بالگرد را گرفته اند و اوضاع بحرانی شده است. هلی کوپتر بدون امام از روی زمین بلند می شود. ناطق نوری در خاطراتش می نویسد: «زمانی که سخنرانی امام به پایان رسید، در اثر فشار جمعیت حال ایشان بد شد. کار از دست همه مان رها شده بود. می خواستیم سوار بالگرد شویم که از زمین کنده شد. عاجز مانده بودیم و نمی دانستیم چه کنیم. امام به جایگاه باز گشتند. عمامه هم از سرشان افتاده بود. نگاهم به آمبولانسی افتاد که در نزدیکی مان بود. امام را سوار آمبولانس کردیم. کنار راننده نشستیم و به مردم گفتم کنار بروند، حال یکی از علما بد شده است. اگر می فهمیدند امام داخل آمبولانس است ماشین را تکه تکه می کردند.» آمبولانس به سمت محله باقر شهر حرکت می کند. بالگرد آمبولانس را دنبال می کند و جایی در حومه باقر شهر، امام دوباره سوار بالگرد می شوند. ناطق نوری در ادامه خاطراتش می نویسد: «بعد از اینکه سوار بالگرد شدیم، نمی دانستیم کجا برویم. خلبان با اشتیاق گفت برویم نیروی هوایی، گفتیم می خواهی ما را به لانه زنبور بری؟ همان زمان یادم آمد ماشینم را کنار بیمارستان هزار تخت خوابی (امام خمینی فعلی) پارک کرده ام. به خلبان گفتم می توانی به آنجا بروی؟ گفت: هر جایی بخواهید می توانم فرود بیایم.»

ورودی بهشت زهرا

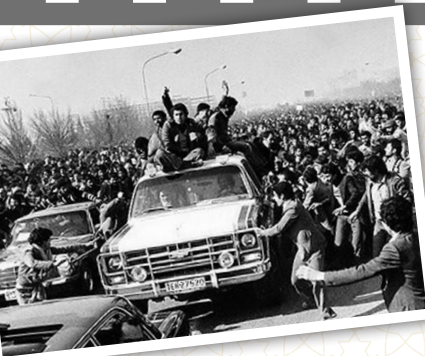
خودرو خراب می شود

آقای ناطق نوری نیز یکی از اعضای کمیته استقبال است و تمام زمان را در کنار امام سپری می کند. ایشان در خاطراتش می نویسد: «اگر بگویم جوان هایی، دسته در خودرو امام را گرفته بودند و از فرودگاه تا خود بهشت زهرا می دویدند، حقیقت دارد. نزدیک بهشت زهرا حدود ۱۰۰ متر مانده به هلی کوپتر، خودروی حامل امام خراب شد. شاید در حدود یک ساعت و نیم طول کشید تا آن را هل دهیم و به هلی کوپتر برسانیم. محمدرضا طالقانی از کشتی گیران معروف، همراهمان بود. خیلی کمک کرد تا از این مخمصه رها شویم.»

میدان انقلاب

تغییر محل سخنرانی

طبق برنامه کمیته استقبال قرار است امام در دانشگاه تهران نخستین سخنرانی را انجام دهد، اما ازدحام بیش از اندازه استقبال کنندگان مانع از حرکت خودروی امام در میدان انقلاب می شود. مردم از شب پیش، تمام طول مسیر حرکت امام را گلباران و آذین بندی کرده اند. خبرنگاران خارجی، جمعیت مردم در خیابان ها را بیش از ۶ میلیون نفر اعلام می کنند. طول مسیر گلباران شده نیز به ۲۲ کیلومتر می رسد. عده ای از چند روز پیش در دانشگاه تحصن کرده اند و می خواهند همزمان با ورود امام به دانشگاه، تحصن را بشکنند. جمعیت به قدری زیاد است که خودروی امام حرکت نمی کند. امکان سخنرانی نیست، به همین دلیل به دستور کمیته استقبال، خودروی امام از میدان انقلاب به سمت بهشت زهرا حرکت می کند.

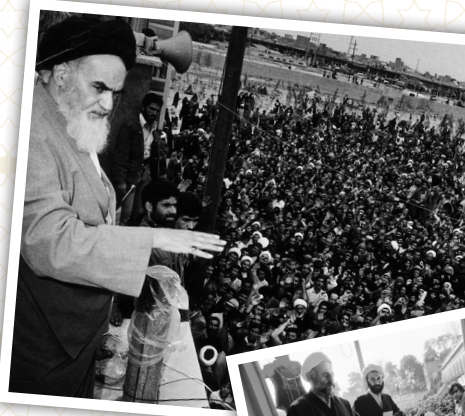




منزل اقوام

دیدار با برادرزاده

بعد از بیمارستان هزار تخت خوابی، پیشنهادهای مختلفی برای محل استقرار بعدی مطرح می شود. امام در راه می گویند که برای اقامه نماز به منزل برادرزاده شان (دختر آقای پسندیده) مقابل سینما صحرا می روند. پس از نماز مغرب و عشا، امام استراحت می کنند. حاج احمد آقا به کمیته استقبال خبر می دهد که نگران امام نباشند. خودرویی از طرف کمیته استقبال به محل استقرار امام می آید تا او را به مدرسه رفاه منتقل کنند.



بیمارستان هزار تخت خوابی

هلی کوپتر امام در بیمارستان

به محض فرود هلی کوپتر امام در بیمارستان هزار تخت خوابی، پزشکان و پرستاران به محوطه می ریزند. تصورشان این است که درگیری شده و مجروحان را با بالگرد به بیمارستان آورده اند. به محض اینکه امام را می بینند، ولوله ای برپا می شود. امام و همراهانش به زحمت سوار خودروی رئیس بیمارستان می شوند. خودرو بلافاصله از بیمارستان خارج می شود و پس از مدتی می رسند به بن بست که آقای ناطق، صبح خودرواش را در آن پارک کرده بود.

مدرسه رفاه

سخنرانی روی پله ها

خودروی کمیته استقبال امام را به مدرسه رفاه می رساند. امام با وجود خستگی زیاد، به محض ورود به مدرسه سخنرانی می کنند و خطاب به افسران و درجه داران می گویند که از حمایت دولت بختیار خودداری کنند؛ «اینجانب به واسطه رهبری مبتنی بر شرع و آرای اکثریت قریب به اتفاق ملت، دولت موقت را برای تشکیل مجلس مؤسسان و دیگر امور مقدماتی معرفی می کنم تا ارتش به وظیفه قانونی و ملی اش رفتار کند.» مقام معظم رهبری که آن شب در کمیته استقبال از امام بود، درباره ورود امام و احساسات اعضای کمیته استقبال از رؤیت ایشان می فرمایند: «در ستاد استقبال، در دبستان علوی نشسته بودیم. مشغول تنظیم روزنامه ای بودم که آن روزها به مناسبت ورود امام در همان ستاد منتشر می کردیم. داشتم می نوشتم که خبر آوردند کسی در پشت حیاط کوچک مدرسه را می زند. آن موقع اسلحه نداشتم. از آن در با چوب حفاظت می شد. خلاصه در را باز کردیم و دیدیم امام هستند. یادم نیست که تنها بودند یا حاج احمد آقا نیز با ایشان بود. صدای شوق انگیز «امام آمد، امام آمد» به همه رسید. ۲۰، ۱۰ نفر از کسانی که آن شب در مدرسه رفاه بودند امام را دوره کردند. امام نیز با وجود خستگی زیاد با روی خوش همه را مورد مرحمت قرار دادند. من تعجب می کردم که ایشان با وجود آن همه خستگی مسافرت و رفتن به بهشت زهرا و سخنرانی چطور می توانستند این چنین با روی خوش با مردم مواجه شوند. من هم جلوتر رفته بودم دم در و از فاصله یکی، دو متری مشغول تماشای ایشان شدم. سال ها بود امام را ندیده بودم، البته نزدیک تر فتم که مزاحمتی برای ایشان ایجاد نکنم. امام آمدند و به طرف پله های سرسرا که منتهی به طبقه دوم می شد، رفتند. حدود ۵۰ تا ۶۰ نفر پایین پله مشتاقانه رهبرشان را نگاه می کردند. ایشان از پله ها بالا رفتند و همین که به پاگرد رسیدند، رویشان را به طرف جمعیت چرخاندند و چهار زانو روی زمین نشستند. این حرکت بسیار جالب بود. امام شروع به صحبت کردند. آن ۱۰، ۱۵ دقیقه ای که امام روی پله ها با آن تبسم زیبایشان بر ایمان صحبت کردند، از خاطرات جالب و فراموش نشدنی من است.»

هیات



قطعه شهدای بهشت زهرا

نطق تاریخی در قطعه شهدا

شهید مطهری مسئول مراسم بهشت زهراست و مدام از مردم می خواهد آرام باشند تا امام به راحتی به جایگاه سخنرانی برسد. امام در این سخنرانی معروف پرده از وابستگی و دسیسه های انگلیس و آمریکا برمی دارد و ضمن تسلیت به خانواده شهدای انقلاب، از مردم می خواهد به مبارزه شان ادامه دهند: «من به مادرها و پدران جوان از دست داده تسلیت می گویم و در غمشان شریک هستم.» ایشان در ادامه می فرمایند: «من دولت تعیین می کنم. من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می کنم. من توی دهن این دولت می زنم. می گوید در یک مملکت که دو تا دولت نمی شود. خوب واضح است این، لکن دولت غیرقانونی باید برود. تو غیرقانونی هستی، دولتی که ما می گوئیم دولتی است متکی بر آرای ملت، متکی به حکم خدا...» مردم با شنیدن این سخنرانی ها به وجد می آیند. شعار «الله اکبر، خمینی رهبر» از گوشه و کنار قطعه شهدای ۱۷ شهریور بلند می شود.



وقتی که به واسطه اختناق موجود، دست انقلابیون از اشاعه تفکرشان کوتاه بود، دیوارنوشته‌ها نقش مهمی ایفا می‌کردند

دیوارهای انقلابی

شعارنویسی یکی از گویاترین و در دسترس‌ترین رسانه‌های مبارزاتی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی بود. دیوارنوشته‌های انقلاب به صورت گویاترین و صادق‌ترین زبان مسلمانان مبارز و همچنین اصلیت‌ترین و معتبرترین اسناد و مدارک انقلاب اسلامی در آمدند. در این دو صفحه می‌توانید نکات مهمی درباره دیوارنوشته‌ها مطالعه کنید که بیانگر نکات مهم ارزشمندی از نوع مبارزه، اندیشه و نوع نگرش مردم در زمان مبارزه با رژیم شاه است.

نگ بارنگ پاک نمی‌شود

شعارهای دیوارنوشته با ابزارهای گوناگونی نوشته شده و حتی بعضی از نوشته‌ها با خون نقش می‌بستند که فراتر از ظرفیت یک دیوار که هنوز هم وقتی از محله‌های قدیمی شهر عبور می‌کنید، آنها را دستخط‌ها و تصاویری که در کنار هم قرار گرفته‌اند بسیار گویا هستند. انقلاب اصلیت‌ترین و حس و حال مردم آن زمان‌اند. دیوارنوشته‌های دشمن از همان ابتدای تأثیر گذار بودن این سلاح اسلامی هستند. مسئولیت امنیتی خود را برای مقابله با آن بسیج کرد. مأموران حکومتی داشتند. از این‌رو شعار و دیوارنویسی معروف با این مضمون که ننگ بارنگ پاک نمی‌شود از این اینجا شکل گرفت و روی دیوارها نقش بست.



هیأت

دیوار علیه اختناق

شعارنویسی بر دیوارهای شهر تهران پس از سال‌های سیاه اختناق و خفقان در دوران شریف امامی، مصادف با ۴ شهریور تا ۴ آبان سال ۵۷، به اوج خود رسید و مردم بی‌سلاح را در مقابل قدرت متمرکز دستگاه حاکم یاری کرد. در این روزها که دستگاه‌های ارتباط جمعی تحت سانسور شدید حکومت بود، دیوارهای شهر زبان گویای مردم مبارز انقلابی بودند. آنچه به دور از چشم حاکمان وقت بر دیوارهای شهر نقش می‌بست، گاهی محرک بود، گاهی آگاه‌کننده و گاهی هم تهدیدکننده انقلاب در مسیر پیشرفت خود ابزارهای رسانه‌ای و مبارزاتی خود را می‌شناخت، ابزارهای ساده و پیش پا افتاده‌ای که در زندگی روزمره نقشی ابتدایی و آسان داشتند، اما به سلاحی تبدیل شده بودند که بسیار مؤثر و کارساز بود. هیچ فن و هنری در دیوارنوشته‌های آن زمان وجود نداشت چرا که نویسندگان آنها را مردمان عادی تشکیل می‌دادند. البته نکته مهم در شعارنویسی و دیوارنویسی‌ها این است که مجموعه شعارنویسی بر دیوارها بیشتر متوجه افراد باسواد جامعه بوده است و گرنه برای عموم مردم کارسازتر بود.

ابزارها علیه حاکمیت

برای شعارنویسی روی دیوار از ابزارهای مختلفی استفاده می‌شد. رایج‌ترین آنها فیکساتور بود که به صورت اسپری رنگ از آن استفاده می‌شد. استفاده همه جانبه از فیکساتور به دلیل سرعت و وسعت عمل و قدرت پوششی آن بوده است. دومین وسیله مورد استفاده در شعارنویسی ماژیک بود که به خاطر استفاده راحت و امکان اختفای آن بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفت. به همین خاطر مردمی‌ترین دیوارنوشته‌ها و البته خوش‌خطرترین آنها با ماژیک نوشته می‌شدند. با آن ابزار قلم مو بود که وسیله‌ای بود که هر کسی به راحتی نمی‌توانست از طرف کار کند و بیشتر توسط هنرمندان استفاده می‌شد و قلم موها از طرف خوشنویسان و در زمان‌هایی که آرامش نسبی برقرار بود، بسیار محدود به کار گرفته می‌شده است. شابلن چهارمین ابزار برای دیوارنویسی در شابلن‌ها به خاطر نبود امکانات کافی و البته وجود افراد متخصص در ساخت شابلن کمتر مورد استفاده قرار می‌گرفته است. نقوش شابلن را بیشتر تصاویر شخصیت‌های مبارز و شهدا تشکیل می‌دادند.

بالای شهر به علت دور بودن ذهنی و مکانی از وقایع و درگیری‌ها، کمترین دیوار نوشته‌ها را داشت. میان شهر چون مرکز تجمعات و راهپیمایی‌ها و تظاهرات بوده، بیشترین دیوار نوشته‌ها را داشت. در پایین شهر به این مناطق صورت می‌گرفت، تعداد دیوار نوشته‌ها نسبتاً زیاد بود. مردم در مناطق میان شهر حضور داشتند. راهپیمایی و هم برای شعار نویسی تظاهرات در میانه شهر وجود داشت، امکان شعار نویسی که به‌خاطر راهپیمایی‌ها و بیشتر می‌کرد. در پایین شهر هم وجود کوچه‌های تو در تو امنیت را برای دیوار نویسی تضمین می‌کرد. از آنجایی که خیابان‌ها مسیر راهپیمایی‌ها و تظاهرات بودند و معبر اصلی عبور و مرور مردم به‌حساب می‌آمدند، کوچه‌هایشان محل مناسبی برای نوشتن شعارهای انقلابی بود. شعارهای شعارهای خیابانی و تظاهرات بود و البته کارایی محدودتری هم داشت.



اسلام آباد
جمہوری اسلامی

نوار که پانداره
دیوار نوشته‌ها سه گونه بودند. یا شعر بودند یا نقاشی و در مواردی هم حدیث و سخن بزرگان مضمون دیوار نوشته‌های را تشکیل می‌دادند. بخشی که شعر و کاریکاتور و نقاشی بود، بیشتر در هجو رژیم پهلوی و جریانات مخالف با انقلاب بود که تلاش در تمسخر و تضعیف کردن چهره آنها در ذهن مردم داشت. دیوارنوشته‌های سال ۱۳۵۷ نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد شعارها در حمله به رژیم پیشین و کارگزاران آن، حمایت از امام، تأیید اسلام، تأیید حکومت اسلامی، کارگزاران آن، تلاش در جهت وحدت مردم برای تداوم مبارزه تمجید از شهدا و تلاش در جهت وحدت مردم می‌شد به جریانی که است. یکی از معروف‌ترین دیوارنوشته‌ها مکتوبید در تهران خبری از در آن از هاری، نخست‌وزیر وقت برای اینکه بگوید در تهران خبری از اعتراض و معترضان نیست و نیروهای مبارز را کوچک و ناچیز نشان دهد، گفته بود من با همسرم به پشت بام رفتم و دیدیم که صداها از ضبط صوت‌ها بیرون می‌آید. اما فردای همان روز دیوارها پر بود از این شعار «از هاری گوساله، بازم بگو نواره، نوار که پانداره»

منبرهای سخنرانی
رسانه‌ای در دست روحانیون

قیام باواژه‌ها



از کی
شروع شد؟



اینکه نخستین سخنرانی‌ها بر ضد حکومت دقیقاً توسط چه کسی و در کجا انجام شد مشخص نیست. اما سال ۱۳۴۱، و مطرح شدن لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بهانه آغاز سخنرانی‌ها در تهران و شهرهای دیگر بود. جشن‌های ملی که در این سال‌ها برگزار می‌شد و مراودات دربار با انگلیس و اسرائیل و آمریکا هم از موضوع‌های دیگری بود که در این سخنرانی‌ها به آن پرداخته می‌شد.

حکومت در پی این سخنرانی‌ها به روحانیون هشدار می‌داد تا جایی که ساواک عده‌ای از روحانیون را احضار کرده و از آنها خواسته بود درباره سه موضوع صحبت نکنند؛ شاه، اسرائیل و در خطر بودن دین. این موضوع یکی از بحث‌هایی بود که امام خمینی در سخنرانی تاریخی خود در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ به آن پرداخت. روحانیون در آن سال‌ها به واسطه سخنرانی‌هایشان معمولاً ممنوع المنبر می‌شدند. ساواک به آنها می‌گفت که دیگر حق بالا رفتن از منبر و سخنرانی را ندارند. بسیاری از روحانیون با بازی کردن با کلمه‌های حکم‌هایی که برایشان صادر می‌شد، دوباره سخنرانی را از سر می‌گرفتند؛ یا پایین منبر به سخنرانی می‌نشستند یا از واعظ و سخنران دیگری برای ادامه صحبت‌شان کمک می‌گرفتند. این موضوع باعث خشم ساواک می‌شد. روحانیون با توجیه‌هایی اینچنینی سخنرانی در مساجد و محافل را ادامه می‌دادند.

شاید برای شما عجیب باشد که چرا در روزهای انقلاب، سخنرانی و منبر، به چنین رسانه برنده‌ای تبدیل شد. برای درک این نکته، باید به شرایط ارتباطی و اجتماعی و فرهنگی آن روزها برگردید تا درک کنید که چرا منبرها، رسانه‌های رسمی و رادیو و تلویزیون رژیم وقت را به سخره گرفتند و باعث و بانی تسریع این انقلاب شدند. دست روحانیون مبارز انقلابی از رسانه‌هایی مثل رادیو و تلویزیون کوتاه بود و آنها از رسانه منبر برای بیان اندیشه‌ها و همچنین اطلاع‌رسانی به مردم از شرایط جامعه و آنچه قرار بود اتفاق بیفتد، استفاده می‌کردند. مساجد و منبرهای سخنرانی از پایگاه‌های مردمی بود و سخنانی که روحانیون در این محافل به زبان می‌آوردند، از هر رسانه و تربیونی تأثیرگذار تر بود. قبل و بعد از انقلاب، سخنرانی‌های تأثیرگذار زیادی انجام شدند که امروز نیز از آنها به عنوان سخنرانی‌های تاریخی یاد می‌شود. بسیاری از این سخنرانی‌ها به صورت مکتوب در کتاب‌ها به چاپ رسیدند و هنوز هم مخاطبان خاص خود را دارند. مردم در پای این سخنرانی‌ها به دنبال شنیدن حرف‌ها و درد دل‌های خود بودند که بیخ گلویشان بالا می‌آمد اما جسارت ابراز آن را نداشتند.

هیأت



در سخنرانی‌های انقلابی چه می‌گفتند؟



محتوای سخنرانی‌ها از دهه چهل، کم‌کم به سمت انتقاد از حکومت و تصمیم‌های سیاسی شاه روی آورد. مردم از زمان مشروطه همواره با حکومت اختلاف داشتند. جرأت ابراز این اختلاف‌ها به دلیل برخورداری شدید حکومت در مردم کمتر دیده می‌شد. روحانیون که این اختلاف‌ها را به خوبی احساس می‌کردند، پای منبرها و سخنرانی‌ها به انتقاد می‌پرداختند و مردم از این جرأت استقبال می‌کردند. اختلاف‌های علنی حکومت و روحانیون و در پی آن مردم، از همین سخنرانی‌ها آغاز شد. محمدرضا شاه هم در مقابله با این سخنرانی‌ها، سخنرانی‌هایی علیه روحانیت انجام داد.

ساواک گزارشگرانی در بین جمعیت در مساجد و پای مجالس سخنرانی‌ها داشت که رفت‌وآمدها را تحت نظر داشتند و به سخنرانی‌ها گوش می‌دادند و بعد آن را تجزیه و تحلیل می‌کردند که مثلاً چرا این سخنران امروز از فقر یا موضوع دیگری صحبت کرد.

آخرین تحولات و اتفاقات سیاسی از طریق منبرها به اطلاع مردم می‌رسید. محتوای این سخنرانی‌ها برای حکومت به قدری ناخوشایند بود که از راه‌های مختلف در آن اختلال ایجاد می‌کرد. مثلاً در سخنرانی امام خمینی در مدرسه فیضیه، دولت برق‌ها را قطع کرده بود و برای اینکه سخنرانی امام به گوش مردم برسد، از موتور برق استفاده کردند.

پای منبرهای فلسفی واعظ



«محمدتقی فلسفی» به واسطه منبرها و سخنرانی‌هایی که داشت به «فلسفی واعظ» مشهور شد. او که منبر رفتن و وعظ و خطابه را از دوران کودکی آغاز کرده بود، بیانی نافذ و صریح داشت و در سخنرانی‌هایش از بیان هیچ موضوعی ایبایی نداشت. مرحوم شیخ فلسفی سبک جدیدی را در سخنوری و منبر رفتن ابداع کرده بود که مخاطبان زیادی داشت؛ مطالعه کتاب‌های به روز در زمینه روانشناسی و جامعه‌شناسی و اخلاق و تعلیم و تربیت و... در کنار مطالعه و تحقیق بر احادیث و مقایسه این دو با هم، به او کمک می‌کرد تا بتواند موضوع‌های مورد نظرش را بازبانی گویند و امروزی‌تر به مردم انتقال دهد. همین روش‌های نوین منبرهای او را از گرایش‌های عوامانه و بیان مطالب خرافی دور کرد و با بررسی معضلات اجتماعی و نقد عملکرد مسئولان حکومتی، برای منبر یک رسالت اجتماعی و سیاسی قائل شد. این روش او در وعظ و سخنرانی به تدریج مورد توجه و تقلید بسیاری از واعظان کشور قرار گرفت. سخنرانی در مساجد محله بازار که به دلیل تأثیر اقتصادی زیاد، مورد توجه شاه بود، از فعالیت‌های فلسفی واعظ بود. سخنرانی‌های معروف و به یادماندنی‌ای از ایشان در زمان قبل از انقلاب باقی است. این سخنرانی‌ها از سال‌های ۱۳۲۰ آغاز شد و بیانات کوبنده و مستقیمی به اتفاق‌های روز مملکت داشت.

سخنرانی‌های تاریخی یک پیشوا



امام خمینی از جمله افرادی بود که سخنرانی‌های تند بر ضد حکومت انجام می‌داد. سخنرانی او در سیزدهم خرداد سال ۱۳۴۲، که با عاشورای حسینی هم مقارن بود، به عنوان سخنرانی‌ای تاریخی شناخته شده است و جرقه‌ای بود که شعله‌های انقلاب را روشن کرد. اتفاق حمله به مدرسه فیضیه قم و دستگیری امام و جمععی از روحانیون در پی همین سخنرانی اتفاق افتاد. ساواک در اسناد خود، سخنرانی ۱۳ خرداد امام خمینی در مدرسه فیضیه را اینگونه روایت می‌کند: «روز عاشورا عصر خمینی به مدرسه فیضیه قم آمد. جمعیت تمام صحن مدرسه فیضیه، صحن بزرگ حضرت، میدان جلوی صحن را گرفته بود... تعداد جمعیت را در حدود دویست هزار نفر می‌گفتند و اظهار می‌داشتند در تاریخ قم چنین جمعیتی دیده نشده است. دوازده بلندگو در مسجد اعظم مدرسه فیضیه، صحن بزرگ جلوی میدان نصب کرده بودند... خمینی را مثل امام وارد کردند و تمام جمعیت آنچنان صلوات می‌فرستادند که تا دو کیلومتر صدای آن می‌رفت، خمینی منبر رفت و بلافاصله گفت بسم الله الرحمن الرحیم و شروع کرد به صحبت و بدگویی شدید... (خطاب به شاه) می‌گفت بیچاره، چرا این کارها را می‌کنی، سر عقل بیا و مرتب کلمه بیچاره را با لحن دلسوزی تکرار می‌کرد. یک ساعت صحبت کرد و از منبر پایین آمده است. از نطق او هم نوار تهیه کرده‌اند و به تهران آورده‌اند.»

تربیت انقلابی در اطراف منبرها

و هنر دور از آموزه‌های مذهبی فعال بودند. منبرهای سخنرانی در مساجد این خلأ را جبران می‌کردند. افراد زیادی تربیت یافته منبرهای سخنرانی مساجد در این دوره بودند. روحانیون و طلاب هم در این جلسه‌ها حاضر می‌شدند و از آن درس می‌گرفتند. استادان بزرگ علوم و فقه و فلسفه مثل آیت الله سید محمود طالقانی، شهید مرتضی مطهری، شهید دکتر باهنر، دکتر شریعتی و دیگر بزرگان انقلابی

منبرها را سنگرهای مبارزه خود انتخاب کرده بودند و مسائل سیاسی روز، دستمایه سخنرانی‌هایشان بود. در خاطراتی که از سخنرانی‌های مرحوم فلسفی واعظ یاد می‌شود، آمده است که مردم، قبل و بعد از منبرهای سخنرانی ایشان پاکت‌های یادداشتی را به دست ایشان می‌دادند که در آن تقاضای دعا برای شفای بیمار و گله و شکایت از وضعیت جامعه و مدارس و بی‌عدالتی‌های جامعه بود.

علیان نژاد، پژوهشگر انقلاب، از نوارهای
انقلاب و انقلابیون در دهه پنجاه می گوید

داشتن این نوارها عواقب سنگینی داشت

میرزا باقر علیان نژاد، پژوهشگر انقلاب که در حال حاضر در دفتر پژوهش های انقلاب حوزه هنری سرگرم کار است، به دلایل استفاده انقلابی ها از نوارهای صوتی سخنرانی ها و... به کاستی های ارتباطی موجود در آن زمان اشاره می کند و می گوید: «فضای رسانه ها در دست ضدانقلاب بود و شرایط خوبی برای تبلیغات منفی و جوسازی علیه مبارزهای انقلابی برای حکومت فراهم می کرد. از طرفی نشریات هم بُرد زیادی نداشت تا آنچه در نظر انقلابیون است را برآورده کند.» باو در باره چند و چون تکثیر و توزیع این نوارها به گفت و گو نشسته ایم.

نوارهای صوتی با محتوایی از جمله

سخنرانی حضرت امام یا دیگر بزرگان انقلاب یا متن اعلامیه ها و بیانیه ها و مواردی از این دست، قبل از انقلاب بین مردم و انقلابیون دست به دست می شد. دلیل استفاده از این نوارها چه بود؟

در آن زمان تعداد رسانه ها زیاد نبود و ابزارهای اطلاع رسانی مثل تلویزیون در اختیار انقلابیون قرار نداشت. در عوض فضای این رسانه ها در دست ضدانقلاب بود و شرایط خوبی برای تبلیغات منفی و جوسازی علیه مبارزهای انقلابی برای حکومت فراهم می کرد. از طرفی نشریات هم بُرد زیادی نداشت تا آنچه در نظر انقلابیون است را برآورده کند. البته در نجف، موج رادیوی «نهضت روحانیون ایران» در اختیار انقلابی ها بود و از طریق آن پیام های امام از نجف به گوش می رسید که آن هم محدودیت های خاص خود را داشت.

در آن زمان نوارهای صوتی در دسترس بود و استفاده از این ابزار در برخی شرایط به خوبی راهگشا بود. یعنی گاهی تنها راه همین استفاده از نوارهای صوتی بود. مثلاً تلگراف های امام خمینی در زمان تبعید به دست مخاطبان نش نمی رسید یا گوش دادن به موج نهضت روحانیون ایران به رادیو نیاز داشت که در دسترس همه نبود. بنابراین پیام ها روی نوارها ضبط می شد و به

تهران و از آن به سایر شهرها ارسال می شد. در آن زمان برای اینکه این نوارها از مبدأ خود به مقصدهای از پیش تعیین شده برسد، چه نیازهایی وجود داشت و چه دشواری هایی بر سر این راه بود؟

ضبط این نوارهای صوتی در نجف یا نوفل لوشاتو انجام می شد. در نتیجه نگرانی های زیادی در رابطه با این مرحله وجود نداشت و کار در محیطی مطمئن انجام می گرفت. اما برای توزیع آن در ایران مشکلات زیادی بر سر راه وجود داشت. این مشکلات هم نشأت گرفته از حساسیت ساواک بود و دستگیری هایی که در پی کشف این نوارها صورت می گرفت. برای انجام چنین کاری به حلقه های مرتبطی نیاز بود تا توزیع نوارها همانطور که باید انجام شود. نیازهای این کار، تا حدودی قابل برآورده کردن بودند. طبیعی است که به یک دستگاه ضبط صوت برای ضبط صدا نیاز بود و نوار کاست. از طرفی مخاطبان هم به ضبط صوت برای گوش دادن به نوار نیاز داشتند. یک نوار ضبط شده به تهران می رسید و از روی آن نوارهای دیگری ضبط می شد و به شهرها و شهرستان های دیگر می رفت.

ساواک با کسانی که این نوارها را با خود به همراه داشتند، چگونه برخورد می کرد؟ ساواک نسبت به این موضوع حساسیت زیادی داشت.

طبعاً کسی هم که این نوارهای صوتی را همراه خود داشت به عنوان یک انقلابی دستگیر می شد و این نوارها نشانه انقلابی بودنش بود. دستگیری ها تنها به بازداشت فرد منتهی نمی شد و اگر نوارهای صوتی از کسی کشف می شد، تحت بازجویی شدید قرار می گرفت. ساواک به دنبال این بود تا با اعتراف گرفتن از متهمان، به سرشاخه های تکثیر و توزیع نوارها و اعلامیه ها برسد.

آیا در توزیع نوارهای صوتی و آوردن این نوارها از نجف یا پاریس به تهران تنها از افراد مرتبط با حلقه انقلابیون استفاده می شد یا از مردم عادی هم کمک می گرفتند؟

کنند و یک جریان موازی با رهبری به وجود بیآورند. یعنی این آزادی بیشتر از آنکه در اختیار مردم باشد در خدمت دولت های فرمانروای بود.

اما تئورهای اول آن زمان این مسئله را نشان نمی دهد و روزنامه ها همسو با حرکت مردمی و همصدا با جریان انقلاب اسلامی هستند؟

بله، ظاهر آینه طور نشان می دهد. به همین جهت آنها قصد دارند با استفاده از شور انقلابی و تئورهای نظیر شاه رفت و امام آمد صف های چندصدمتری مقابل کیوسک روزنامه فروشی ها ایجاد کنند و تیراژشان را به بیش از ۱ میلیون افزایش دهند. اما همه این کارها در خدمت عوامل بیگانه برای بهره گیری از فرصت انقلاب مردمی است. نمونه بارز هم یکی از روزنامه های اسم و رسم دار آن زمان که از سوی حزب توده هدایت می شد. البته این نکته را هم بگویم که بسیاری از روزنامه نگاران در آن روزها همصدا با مردم بودند و نیت شان تحقق انقلاب بود. اما مدیریت کلان روزنامه ها به دست عوامل خارجی بود که به صورت هوشمند اداره می شد. همانطور که گفتیم آنها با مردم همصدا بودند تا به نیت های بعدیشان برسند.



هیأت

گفت و گو با دکتر محمدصادق کوشکی درباره نقش مطبوعات در سیر انقلاب اسلامی

رسانه اصلی انقلاب رهنمون های امام بود

دکتر محمدصادق کوشکی،

عضو هیأت علمی دانشگاه

تهران و تحلیلگر مسائل

سیاسی نظرات

جالبی درباره شیوه

فعالیت مطبوعات

در ماه های منتهی

به پیروزی انقلاب

اسلامی دارد. او معتقد

است که مطبوعات آن

زمان برعکس آنچه دیده

می شد برای انقلاب چندان

جریان ساز نبود و هدایت آنها

را عوامل غیرمنطقه ای به عهده

داشتند.



پژوهشگر تاریخ معاصر از نقش اعلامیه‌ها در شکل‌گیری انقلاب می‌گوید اعلامیه حرف اول را می‌زد

به زمانی بیندیشید که هیچ تلفن همراه، ماهواره و کامپیوتری وجود نداشت. پس پیام‌ها، سایت‌ها، ایمیل‌ها، شبکه‌های اجتماعی، تالارهای گفت‌وگو و هر آنچه از طریق این سیستم‌ها امکان اطلاع‌رسانی را فراهم می‌کردند نیز وجود نداشتند. آن وقت یک گروه انقلابی را تصور کنید که بدون در دست داشتن روزنامه یا شبکه‌های تلویزیونی می‌خواهند اهداف خود و دشمنانشان را به گوش یک ملت برسانند. درست در زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران، گروه‌های انقلابی از هیچ‌یک از امکانات اطلاع‌رسانی بر خوردار نبودند، اما یک رسانه منحصر به فرد و ویژه داشتند که به آن اعلامیه می‌گفتند. اعلامیه‌ها گرچه تنها کاغذهایی ساده بودند، اما یک انقلاب بزرگ و تأثیرگذار در سطح خاورمیانه را رقم زدند. بررسی رسالت اعلامیه‌ها در وقوع انقلاب اسلامی ایران هدف ما در گفت‌وگو با یکی از معروف‌ترین پژوهشگران تاریخ معاصر، یعنی قاسم تبریزی بود.

اعلامیه‌ها قبل از انقلاب اسلامی نقش یکی از رسانه‌ها را در بحث اطلاع‌رسانی ایفا می‌کردند. با توجه به این نکته از تاریخچه شکل‌گیری و چگونگی ایجاد این رسانه و ترویج آن در بین افشار مختلف مردم بگویید؟

باید ابتدا موقعیت نیروهای مذهبی در آن زمان را بیان کنیم. انقلابیون در آن دوران نه روزنامه‌ای داشتند، نه مجله‌ای و نه امکانات رسانه‌ای به معنای امروزی مثل سایت و وبلاگ که بتوانند با کمک آن پیامشان را به مردم برسانند. از این رو تنها ۱۲ امکان برای رساندن پیامشان وجود داشت که یکی اعلامیه بود و دیگری نوارهای کاست. اعلامیه‌ها را می‌توان در ۳ بخش تقسیم کرد اعلامیه‌های حضرت امام رحمت‌الله علیه که از نجف و پاریس می‌آمد، اعلامیه مراجع تقلید و جامعه مدرسین و روحانیت و مواردی که خطاب و شخصیت‌ها می‌نوشتند، سوم اعلامیه‌هایی بودند که در جریانات اسلامی و در مسیر روش امام رحمت‌الله علیه توسط گروه‌هایی مثل فجر اسلام، ندای اسلام، ندای امت و اخوان المسلمین نوشته می‌شدند. در حقیقت اینها اسم‌هایی بودند که وقتی افرادی در یک گروه با هم یک کار مشترک را شروع می‌کردند برای خود می‌گذاشتند. لذا سیستم اطلاعاتی ساواک نمی‌توانست آنها را پیدا کند. اعلامیه‌ها توسط همین جریانات اسلامی تکثیر می‌شدند و افراد خاص با ارتباطات خاصی که داشتند آنها را منتشر می‌کردند. محل انتشار هم اکثراً در مساجد، حسینیه‌ها، اماکن مقدس و گاهی در هیأت‌ها بود، از این رو افراد پخش کنند همیشه ناشناس بودند مثلاً اگر کسی را با اعلامیه دستگیر می‌کردند می‌گفت من از جامهری مسجد یا از لای مغایب‌تر داشتم. اعلامیه‌ها در بین رسانه‌های انقلابیون حرف اول را می‌زد و توانسته بود در سطح وسیعی نفوذ پیدا کند و بعد از آن نوارها بودند که در مرتبه دوم اطلاع‌رسانی قرار داشتند. با توجه به تشنگی مردم و عطششان به دانستن، اعلامیه‌ها با استقبال خوبی از سوی آنها مواجه می‌شد.

انقلابیون چرا برای اطلاع‌رسانی از اعلامیه استفاده می‌کردند؟ اصلاً اعلامیه‌ها چه ویژگی داشت که از باقی رسانه‌ها تأثیرگذارتر بودند؟

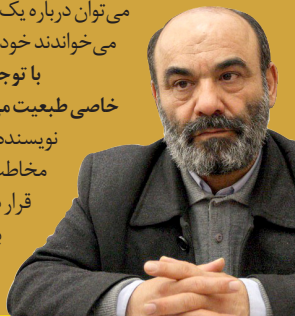
در آن زمان انقلابیون رسانه دیگری در اختیار نداشتند و کتاب هم متعلق به خواص بود. اما اعلامیه‌ها تک صفحه‌ای بودند یا در نهایت به ۳ صفحه می‌رسیدند از این رو مطالعه آنها راحت و سریع بود و به سادگی هم می‌شد آنها را به دیگری منتقل کرد. انتقال و جابه‌جایی سریع، سرعت انتقال پیام و دسترسی راحت از ویژگی‌های اعلامیه‌ها بودند مثلاً کسانی که اعلامیه همراه داشتند حتی اگر به پست ساواکی‌ها می‌خورند به راحتی می‌توانستند آن را از بین ببرند، اما مثلاً مطالعه کتاب چندین ساعت وقت لازم داشت و انتقالش سخت‌تر بود.

اعلامیه‌ها شامل چه نوع اطلاعاتی می‌شدند و در پی چه نوع آگاهی بخشی و تأثیریاتی بر افراد و جامعه بودند؟

اعلامیه‌ها در آن دوران ۳ ویژگی داشتند. یک اینکه تحلیلی از اوضاع روز می‌دادند و حوادث، وقایع و جریانات را روشن می‌کردند، دوم اینکه راه مبارزه را نشان می‌دادند و سوم اینکه ضریب هوش، نگرش و بینش افراد را عمیق می‌کردند. لذا حتی وقتی امروز هم ما برای تحقیقات تاریخی به اعلامیه‌ها رجوع می‌کنیم متوجه می‌شویم که اعلامیه تا چه اندازه به‌صورت فشرده در خود اطلاعات جای داده‌اند. برای اینکه بفهمیم یک اعلامیه در چه دوره‌ای، با چه موضوعی، برای چه قشری و در رابطه با چه جریانی انتشار پیدا کرده است نزدیک به چندین صفحه اطلاعات می‌توان درباره یک اعلامیه نوشت، چرا که افرادی که اعلامیه‌ها را در آن زمان می‌خواندند خودشان در جریان حوادث و کوران وقایع بودند.

با توجه به خاص بودن اعلامیه‌ها پس باید نگارش آنها از دستور خاصی طبیعت می‌گرفت یا به‌دست افراد خاصی نوشته و تنظیم می‌شدند؟

نویسنده اعلامیه نه تنها باید یک فرد سیاسی و آگاه باشد، بلکه باید هم مخاطب را بشناسد، هم دشمن را و هم راه عمل را فراروی مخاطب قرار دهد. نویسنده اعلامیه باید از طریق اعلامیه‌ای که می‌نویسد بتواند ضریب هوش مخاطب خود را نسبت به جریان‌سازی موانعی که ممکن بود دشمن انجام دهد بالا ببرد لذا هر کسی نمی‌تواند اعلامیه بنویسد.



تمام افرادی که نوارهای صوتی را از خارج از کشور و از نزد امام به تهران می‌آوردند و در شهرستان‌ها آن را توزیع می‌کردند از افرادی بودند که مستقیماً با جریان انقلاب در ارتباط بودند و فعالیت‌های انقلابی داشتند. در انجام چنین کارهایی از افراد عادی غیر مرتبط استفاده نمی‌کردند. چون هم احتمال به خطر افتادن مأموریت خودشان زیاد بود، هم احتمال دستگیری افراد. کسانی که برای دیدن امام به پاریس یا نجف می‌رفتند یا به واسطه مأموریت‌های انقلابی راهی این شهرها می‌شدند، از افرادی بودند که نوارهای صوتی حاوی پیام‌ها و صحبت‌ها و اعلامیه‌های امام را با خود به تهران و سایر شهرها می‌آوردند.

پس چرا آنها با در اختیار داشتن تریبون‌های رسمی کشور نتوانستند به مقاصدشان برسند؟

چون آنها تصور می‌کردند که رسانه اصلی انقلاب هستند، در حالی که مرجع تعیین‌کننده و خط‌دهنده اصلی همان رهبری امام رحمت‌الله علیه و سازوکارهای مذهبی بود. گوش مردم بیشتر به اعلامیه‌ها و شب‌نامه‌ها توجه داشت تا خبرهای داغ روزنامه‌ها. اشتباه آنها هم همین جا بود و تصور می‌کردند می‌توانند افکار عمومی را با خودشان همراه سازند و به مصادره انقلابی که به‌دست مردم پیروز شده بود بپردازند.

این جریان تا کی ادامه داشت و دست آنها چه زمانی رو شد؟

پس از انقلاب جریان کاملاً باز سیاسی بر مطبوعات کشور حاکم شد. به گونه‌ای که بیشتر به آشفته‌گی شباهت داشت تا آزادی بیان. در این برهه رفتارهای خلاف اعتقادات و حتی امنیت ملی از سوی برخی نشریه‌ها صورت می‌گیرد. اما با شناخت برخی عوامل و هوشیاری انقلابی‌های واقعی نیت خیلی‌ها آشکار می‌شود و سهم‌خواهی آنها و مصادره انقلاب به نام خودشان علنی می‌گردد.



نیم نگاهی به فیلم‌هایی که انقلاب را، موضوع اصلی خودشان قرار دادند

نگاتیوهای معترض

هیأت



جای امن

جای امن یکی از نخستین فیلم‌هایی بود که با پیرنگ داستانی تظاهرات مردمی ساخته شد. داستان این فیلم درباره خواهر و برادری به نام سعید و فاطمه است که قصد فیلمبرداری و عکاسی از صحنه‌های خونین تظاهرات مردمی انقلاب را دارند. سعید هنگام فیلمبرداری مورد اصابت تیر قرار می‌گیرد و دوربین را به فاطمه می‌سپارد. مردم سعید را به بیمارستان منتقل می‌کنند. ثابت‌پور که از مأموران ساواک است، شاهد این ماجرا است و به تعقیب فاطمه می‌پردازد. فاطمه به خانه‌ای پناه می‌برد و دوربین را در آنجا به امانت می‌گذارد. ثابت‌پور که از پیدایش فاطمه در مانده شده، خلع مقام می‌شود و به بیمارستان می‌رود. سعید در بیمارستان شهید می‌شود. ثابت‌پور برای یافتن فاطمه به بهشت زهرا سلام‌الله علیها می‌رود و در آنجا با گزارش یک مأمور مخفی ساواک به فاطمه برخورد می‌کند و به دلیل کینه‌ای که از او دارد، او را مورد اصابت تیر قرار می‌دهد. در نهایت فاطمه هم که در آستانه شهادت است، ثابت‌پور را می‌کشد و از پا در می‌آورد. جای امن به کارگردانی مجتبی‌راعی ساخته شده است. محمود پاک‌نیت، سودابه آقاچانیان، فرانک آراسته‌جو، فربرز سمندرپور، حسن جوهرچی و حسین باری هم از بازیگرانی هستند که در آن ایفای نقش کرده‌اند.



تشریفات

این فیلم یکی از خاطره‌انگیزترین ساخته‌های سینمایی کارگردان و بازیگر سینما، مهدی فخیم‌زاده به حساب می‌آید. تشریفات درباره جوانی به نام حسن مطرب است که برای دزدی به خانه‌ای می‌رود. در خانه کناری روحانی به نام توحید در حال سخنرانی کردن برای مردم است. او آنها را به مخالفت با رژیم ستمشاهی می‌شوراند. در همین هنگام محله توسط نیروهای امنیتی محاصره می‌شود و حسن مطرب نیز هنگام فرار دستگیر شده و در زندان به علت شباهت با روحانی مذکور، مورد شکنجه قرار می‌گیرد. بعد از انجام بازجویی مأموران پسی می‌برند که او توحید نیست اما او را با ددعه و وعید یک زندگی مرفه به شکل توحید در می‌آورند و در یک مصاحبه تلویزیونی شرکت می‌دهند. او نقشش را به خوبی ایفا می‌کند و به تعریف از رژیم شاه می‌پردازد و از زندگی مرفهی برخوردار می‌شود. اما بر خوردهای مردم کوچه و بازار و پدر توحید به او تلنگر می‌زند و او علیه رژیم شاه سخنرانی می‌کند. حسن مطرب را زندانی می‌کنند و پس از مدتی به دار می‌آویزند. مهدی فخیم‌زاده، احمد هاشمی، علی شاعی، مهوش صبرکن، نعمت حقیقی، احمد قدکچیان و هوشنگ نیک رفتار از بازیگران این فیلم به یادماندنی هستند.



بحران

داستان این فیلم ماندگار در آخرین روزهای حکومت پهلوی و در بحبوحه انقلاب اسلامی می‌گذرد. وقتی کاخ‌ها مورد هجوم نیروهای انقلابی مردمی قرار می‌گیرد، چند تن از وابستگان به دربار و صاحب منصبان شاه در کاخی به دام می‌افتند و نمی‌توانند از آن خارج شوند. کیف‌های آنها حاوی اسناد و مدارک و جواهرات است. آنها نمی‌خواهند این کیف به دست نیروهای انقلابی بیفتد؛ به همین دلیل آن را در محوطه کاخ مخفی کرده و بعد از آن اقدام به خودکشی دسته جمعی می‌کنند. یکی از این افراد به‌طور اتفاقی زنده می‌ماند و موفق می‌شود از کاخ بیرون بیاید. او بعد از مدتی از کشور خارج می‌شود و به آمریکا مهاجرت می‌کند. در آنجا او با دیگر عمال رژیم نقشه‌ای می‌کشد تا بتواند کیف حاوی اسناد و مدارک و جواهرات را از محوطه کاخ خارج کنند اما هنگام این عملیات توسط نیروهای انقلابی شناسایی و کشته می‌شوند. کارگردانی این فیلم را علی اصغر شادروان به‌عهده داشته است و بازیگرانی مانند محمد کاسبی، جعفر دهقان، علی پویان، فرید کشن فلاح، اکبر منصور فلاح، محمد رضا باقری، اعظم بهرامی و ناز به شاملو در آن به نقش آفرینی پرداخته‌اند.



سریال‌هایی که در بستر انقلاب شکل گرفتند وقتی تصویر فریاد می‌زند

ساخت سریال‌هایی با موضوع انقلاب اسلامی کمی فراتر از آثار مناسبی است. متولیان رسانه ملی در سال‌های گذشته ثابت کرده‌اند که حساسیت زیادی در ساخت این سریال‌ها نشان می‌دهند و همین باعث توفیق این سریال‌ها از نگاه مردم شده است. بعضی از این سریال‌ها به دلیل داشتن قصه‌ای محکم و استفاده از بازیگران مطرح، در نظر سنجی‌های مردمی اقبال بیشتری داشته‌اند. ساخت این دست سریال‌ها همچنان ادامه دارد تا نسل امروز هم با روزهای پر حادثه انقلاب آشنا شوند.

تا صبح

این سریال در زمان پخش خود با اقبال عمومی زیادی همراه شد. فیلمنامه این اثر کار عباس نعمتی است و کارگردانی آن را مجید جوانمرد و محمد باشه‌آهنگر به‌عهده داشته‌اند. بخشی از این سریال در دوران پیش از انقلاب و بخش دیگرش مربوط به سال‌های پس از انقلاب اسلامی می‌شود. پروانه معصومی، محمد کاسبی، مجید مظفری، امین زندگانی، ستاره اسکندری و زنده یاد عسل بدیعی از بازیگران مطرحی بودند که در این سریال به نقش آفرینی پرداختند.

ارمغان تاریکی

کارگردانی این سریال موفق را جلیل سامان به‌عهده داشته است. ارمغان تاریکی محصول سال ۱۳۸۹ است و در زمان پخش خود توانست عده زیادی را با خود همراه کرده و به سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی ببرد. داستان این سریال درباره دانشجوی رشته عکاسی به نام مجید است که در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب جذب گروهک‌های سیاسی ضدانقلاب می‌شود و به دلیل هوش و ذکاوتی که دارد، مورد اعتماد سران آن قرار می‌گیرد و مأموریت مهمی را به او واگذار می‌کنند. آرش مجیدی، امیر آقایی، سودابه بیضایی، لیلا زارع، مجید مشیری، سعیده عرب، حمیدرضا هدایتی و امیر غفار منش از بازیگران شناخته شده این سریال به یاد ماندنی هستند. تیتراژ این سریال با شعر از عبدالجبار کاکایی، شاعر

و ترانه‌سرای معروف و صدای زیبایی محمد اصفهانی خیلی‌ها را به دیدن این اثر تشویق کرد. این تیتراژ به دلیل هماهنگی زیادی با اثر و لطافت هنری به‌عنوان یکی از تیتراژهای برگزیده سال‌های گذشته معرفی شد.

یک مشت پر عقاب

خیلی از منتقدان بر این باور هستند که سریال یک مشت پر عقاب با قصه محکمی که در اختیار داشت، توانست تحولی در سریال‌های انقلابی به‌وجود آورد. استفاده از بازیگران مطرح سینما، شخصیت پردازی‌های دقیق، بازی بدون اغراق و باورپذیر و فیلمنامه روان و دارای ساختار، از مؤلفه‌هایی بود که باعث استقبال مردمی از این سریال شد. این سریال با فیلمنامه فرهاد توحیدی در ۱۴ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای روی آنتن رفت. حضور بازیگران شناخته شده‌ای مانند رضا کیانیان، حامد بهداد، خزر معصومی، فریبا کامران، پرویز پورحسینی، احمد آقاقلو، آهو خردمند، ساره بیات و اشکان خطیبی جذابیت ویژه‌ای به این سریال خاطره انگیز بخشید.

روزهای اعتراض

زمان پخش این سریال در بهمن سال ۱۳۸۴ با ماه محرم تلاقی پیدا کرد. با این حال نظر سنجی‌ها نشان دادند که مخاطبان این سریال از آن رضایت داشته‌اند و قصه آن را تا پایان دنبال کردند. طرح این سریال از سوی علیرضا کاظمی‌پور به حسین سهیلی‌زاده داده شد و او کارگردانی این اثر را به‌عهده گرفت. روایت داستان سریال روزهای اعتراض به سال‌های پیش از انقلاب اسلامی بر می‌گردد. زمانی که بیشتر افراد در قشر روشنفکر جامعه دچار بحران هویت شده بودند و هر یک به دنبال راهی برای فرار از این بحران می‌گشتند و کمتر آن را می‌یافتند. این دستمایه داستانی باعث شد روزهای اعتراض داستان چند بعدی داشته باشد. شخصیت پردازی‌های دقیق و حساب شده، کارگردانی خوب و حرفه‌ای، فیلمنامه هوشمندانه و موسیقی زیبایی این اثر تلویزیونی باعث شد این سریال از محبوب‌ترین سریال‌های مناسبی در سال ۸۴ شود. پژمان بازغی، مینا لاکانی، حبیب دهقان نسب، رضا توکلی، سارا خویی‌ها و عبدالرضا اکبری از بازیگرانی بودند که در این سریال به ایفای نقش پرداختند.

هیات



تیر باران

این فیلم برگرفته از زندگی واقعی و مبارزات انقلابی شهید سیدعلی اندرزگو است. از آنجا که داستان زندگی این شهید والا مقام مورد استقبال زیاد مردم قرار گرفت، فیلم تیر باران بیش از دیگر فیلم‌های انقلابی از شبکه‌های مختلف صدا و سیما به نمایش درآمده. شهید سیدعلی اندرزگو از جمله مبارزان انقلابی بود که هیچ باکی از شکنجه و زندان و مرگ نداشت. او زندگی در کنار زور و استبداد را خاری می‌دانست و به پیروی از سیدو سالار شهیدان به قیام پرداخت و به‌طور مخفیانه اعلامیه‌های امام خمینی را در میان مردم پخش می‌کرد و در جمع بر ضد حکومت ستمشاهی سخنرانی می‌کرد. او بارها برای فرار از دستگیری و ادامه مبارزات خود به تغییر چهره پرداخت. به‌طوری که حالا در اسناد محرمانه ساواک بیش از ۱۲ چهره مختلف از او به ثبت رسیده. این تغییر چهره جذابیت ویژه‌ای به داستان فیلم تیر باران بخشیده. شهید اندرزگو در نهایت به محاصره نیروهای ساواک درآمد و توسط آنان تیرباران شد. کارگردانی این فیلم را علی اصغر شادروان به‌عهده داشته است و بازیگران به نامی مانند مجید مجیدی، جعفر دهقان، رضا چراغی، ناصر فروغ و مسعود نیک نام در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند.



حرفه‌ای

داستان فیلم حرفه‌ای هم به سرشت مبارزه علیه رژیم ستمشاهی می‌پردازد. سرگرد تیموری از طرف تیمسار برای کشتن یک سرهنگ نیروهای کماندو به دلیل سرکوب نکردن مخالفان رژیم در شهر قم، مأمور می‌شود. سرگرد تیموری بعد از به قتل رساندن سرهنگ، زندانی و با یک مخالف و مبارز به نام حاج‌هاشم هم سلول می‌شود. تیمسار در یک ملاقات از تیموری می‌خواهد خود را به‌عنوان یک مبارز معرفی کند و با حاج‌هاشم طرح دوستی بریزد. تیموری در راه انتقال از زندان به زندانی دیگر حاج‌هاشم را به قتل می‌رساند تا به‌عنوان نفوذی با دوستان او همراه شود. اما دوستان حاج‌هاشم به او ثابت می‌کنند که متوجه نفوذی بودن او شده‌اند. از طرفی تیمسار به علت مصلحت‌های سازمانی تصمیم به قتل تیموری می‌گیرد و سرگرد مهدوی را مأمور این کار می‌کند. تیموری از این نقشه اطلاع پیدا می‌کند و به جرگه مبارزان می‌پیوندد. در نهایت هنگام فرار با خانواده‌اش، تیمسار و مهدوی را به قتل می‌رساند و خود نیز توسط نیروهای ساواک کشته می‌شود. کارگردانی این فیلم پر حادثه را اسماعیل فلاح‌پور به‌عهده داشته و بازیگرانی چون چنگیز وثوقی، پرویز پورحسینی، حسن خان بیک و... در آن نقش آفرینی کرده‌اند.

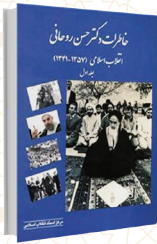


ای ایران

ماجرای این فیلم ناصر تقوایی، کارگردان صاحب نام سینمای ما، هم در بنبوخته انقلاب می‌گذرد. لوکیشن این فیلم ماسوله است و داستان جذاب آن هنوز هم در خاطر بسیاری از ما زنده و دست نخورده باقی مانده است. هنگام اوج تظاهرات مردمی گروهبان مکوندی به ماسوله می‌رود و مردم را مورد آزار قرار می‌دهد. او برای اینکه منطقه تحت نفوذش از دیگر شهرها کم نیابد، در ماسوله هم اعلام حکومت نظامی می‌کند. مردم این شهر کوچک که از این همه استبداد به تنگ آمده‌اند، اعتراض‌ها را آغاز می‌کنند. معلم مدرسه، کسبه بازار، دانش‌آموزان و زنان کوچه و بازار با هم یکصدا می‌شوند و به وضع موجود اعتراض می‌کنند و این یکصدایی گروهبان را بر سر جای خود می‌نشانند. به گمان بسیاری از منتقدان برتر سینما، اکبر عبدی در خشان‌ترین بازی خود را در این فیلم به نمایش گذاشته است. حسین سرشار، ثریا حکمت، مهران محمدی، حمید جبلی و غلامحسین نقشبند هم از دیگر بازیگران بنام این فیلم سینمایی ماندگار شدند. کلیپ این فیلم با آهنگسازی عالی ناصر چشم‌آذر هم تبدیل به یکی از خاطره‌انگیزترین آواهای انقلابی شد که در خاطره‌ها مانده است.

با کتاب‌های خاطره و شعر
دوران وقوع انقلاب اسلامی بیشتر آشنا شوید

خاطره‌بازی با انقلاب



یادداشت‌های یک رئیس‌جمهور

مرکز اسناد انقلاب اسلامی که به فرمان حضرت امام (ره) متولی تدوین تاریخ انقلاب اسلامی شده، در سال‌های گذشته اقدام به ضبط خاطرات رجال سیاسی و مذهبی انقلاب اسلامی کرده است. یکی از چهره‌هایی که پس از چندین سال پیگیری مکرر، موفق به ضبط خاطرات او گردید، حجت‌الاسلام دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشور است. او خاطرات خود را در چند جلد منتشر کرده و جلد اول آن از تولد تا مقطع زمانی تسخیر لانه جاسوسی را شامل می‌شود. این مجموعه خاطرات را می‌توان یکی از اسناد مهم شکل‌گیری انقلاب اسلامی یاد کرد، چرا که روحانی در آن رخداد‌های سال ۴۱ تا ۵۷ را به خوبی آورده است. در جداول کتاب «خاطرات دکتر حسن روحانی» ۱۱ فصل وجود دارد که سه فصل پایانی با عنوان‌های اوج‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، هجرت امام خمینی (ره) به پاریس و تثبیت انقلاب آمده است. حسن روحانی نخستین کسی بود که واژه «امام» را برای آیت‌الله خمینی به کار برد، عنوانی که خیلی زود توسط مردم پسندیده شد و از آن پس همه سیدبزرگوارشان را با عنوان امام می‌شناختند. این کتاب از دل مصاحبه‌هایی بیرون آمده که اولین‌شان در اردیبهشت سال ۱۳۸۱ انجام شده است.

شاید خاطره‌ها تنها میراث معنوی باشد که از گذشته برای انسان‌ها باقی می‌ماند. میراثی که همچون مادیات این دنیا قابل تقسیم‌اند. خاطره‌ها همانند فیلم‌هایی هستند که در ذهن ما ذخیره شده‌اند. کافی است بر این مجموعه فیلم‌هایی که هر کدام قصه بخشی از عمر شمارا روایت می‌کنند، سرک بکشید و ببینید که چگونه همه چیز مثل همان روز اول در آرشبو باقی مانده است. خاطره‌ها گاه اندوه را به یاد می‌آورند و گاه شادی و در برخی مواقع ترکیبی از هر دو. انسان‌ها یک جورهایی بخشی از هویت و بودن‌شان را از همین خاطره‌ها می‌گیرند. سروش صحت در این باره تعبیر زیبایی دارد: «ما همان چیزهایی هستیم که در خاطره‌هایمان به یاد داریم و می‌خواهیم.» بخشی از این خاطره‌ها باز می‌گردد به بزرگ‌ترین کارهایی که در عمرمان کرده‌ایم، به یک حادثه بزرگ که در زندگیمان رخ داده یا یک تغییر اساسی. انقلاب اسلامی را می‌توان در این بخش گنجانید. پدیده‌ای که در خاطره‌های چند نسل به خوبی حک شده و هرگز فراموش نشدنی نیست. برای دیدن انقلاب و به خاطر سپردن آن کافی بود به خیابان‌های آمدند و دوربین چشمشان را روی جمعیت زوم می‌کردند. حالا خاطره‌ها به همین راحتی در حال ذخیره شدن بودند. عده‌ای اما کاری فراتر کردند، آنها این تصاویر را به فیلم‌نامه‌هایی از جنس خاطرات کاغذی بدل ساختند تا میراث‌شان را با دیگران به اشتراک بگذارند. در این گزارش با چند مجموعه خاطره از این پرتب و تاب انقلاب آشنا می‌شویم.



من زنده‌ام

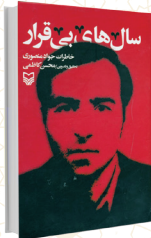
معصومه آباد، عضو شورای اسلامی شهر تهران همین اواخر کتابی از مجموعه خاطرات سال‌های کودکی تا پایان دوران اسارتش در جنگ تحمیلی را منتشر کرده است. نام کتاب با عنوان «من زنده‌ام» برگرفته از متن یکی از نامه‌هایی است که پس از اسارت در جنگ به خانواده‌اش نوشته است. فصل سوم با عنوان «انقلاب» مجموعه خاطرات آباد از رخداد‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزهای پیش و پس از انقلاب را روایت می‌کند. معصومه آباد متولد آبادان است و به همین دلیل اتفاقات و حوادث مربوط به این شهر در دوران انقلاب اسلامی را به خوبی شرح می‌دهد. کتاب من زنده‌ام در ۵۵۲ صفحه توسط انتشارات بروج روانه بازار شده است. در بخشی از این کتاب آمده: «بعضی‌ها فکر می‌کردند مثل مرداد ۱۳۳۲ باز هم شاه بر می‌گردد. او فرار کرده بود، اما هنوز مأموران نظامی دور مجسمه‌اش مسلح ایستاده بودند. در خیلی از شهرها مجسمه شاه را انداخته بودند. اما در آبادان به زور اسلحه از مجسمه محافظت می‌شد. عصر یکی از روزهای دی ماه بود. سلمان و محمد شتاب زده به خانه آمدند و با سرعت با ماشین رحیم به میدان مجسمه رفتیم. لحظه به لحظه به جمعیت تظاهرکنندگان افزوده می‌شد و سرانجام فریادهای مردم مجسمه سنگی شاه را فروریخت.»

خاطره‌های پررنگ یک نوجوان

انقلاب در هنگام تولدش از همه سو قابل مشاهده و خاطره‌سازی بود. هر کجا که می‌ایستادی و به جمعیت نگاه می‌کردی بعدها می‌توانستی روایت‌گر بخشی از این تاریخ برای نسل‌های بعدی باشی. اما روایت انقلاب از زبان یک نوجوان که همه این اتفاق‌ها را از پشت بام خانه‌شان تماشا کرده، می‌تواند برای نوجوانان امروزی جالب باشد. مجموعه «بالای پشت بام» عنوان کتابی است که خاطرات یک دختر نوجوان از روزهای شهر بور تا بهمن سال ۵۷ را روایت می‌کند. این کتاب توسط افسانه گیویان نگارش شده که حوادث ذکر شده از زبان دختری نوجوان را شامل می‌شود. جالب‌ترین بخش از این کتاب به خاطره دیدار حضوری این دختر نوجوان با حضرت امام خمینی (ره) در روز ۱۵ بهمن سال ۵۷ بازمی‌گردد. کتاب بالای پشت بام یک مجموعه سبک ۸۰ صفحه‌ای است که با قلم و تنظیم ویژه گروه سنی نوجوانان نگارش شده و می‌تواند اطلاعات مناسبی از اتفاقات انقلاب اسلامی را برای این نسل تصویرسازی کند. کتاب بالای پشتبام می‌تواند منبعی مناسب برای ساده‌نویسی خاطراتی باشد که در خودشان رخداد‌های پیچیده‌ای را به صورت نهفته دارند. خواندن این کتاب برای نوجوانان امروزی خالی از لطف نخواهد بود.

هیأت





آیت الله از انقلاب می گوید

مجموعه کتاب های «سال های بی قرار»، «از تبعید تا پیروزی» و «برای تاریخ می گویم» عنوان سه کتابی است که توسط انتشارات سوره مهر به موضوع خاطره نگاری انقلاب اسلامی پرداخته است. کتاب سال های بی قرار، در بردارنده خاطرات جواد منصوری،

نخستین فرمانده سپاه است که در آن شرح مبارزات او علیه رژیم شاه و فعالیت های منصوری پس از پیروزی انقلاب در روزهای نخست را شامل می شود. علیان نژاد، کار نگارش و تدوین مجموعه خاطرات آیت الله مکارم شیرازی را به عهده داشته است. او کتاب را با عنوان «از تبعید تا پیروزی» به چاپ رسانده و در آن به نقل خاطرات این عالم برجسته از روزهای پرهیجان انقلاب و پیروزی آن نوشته است. در این کتاب مجموعه خاطرات آیت الله در سال های پیش از انقلاب و تبعید به شهرهای انارک، مهاباد و چابهار و فعالیت های او نیز اشارتی شده است. کتاب «برای تاریخ می گویم» نیز اثری است درباره خاطرات محسن رفیق دوست، که چند روز پس از پیروزی انقلاب مسئولیت کمیته استقبال از امام (ره) را به عهده داشت. در این کتاب می توانید رد پای پررنگی از حوادث و شرح مافوق آنچه بر پایتخت کشور گذشت را بخوانید. مجموعه این سه کتاب، از زبان سه شخص مختلف در برگیرنده اطلاعات جالبی از روزهای پرحادثه انقلاب است: اطلاعاتی که خواندنش برای هر کسی، جالب توجه است.



گفتم بز، ترسید و نزد

حجت الاسلام حسینی را می توان یکی از چهره های تأثیرگذار در رویدادهای انقلاب بخش شمال غرب کشور دانست. او در زمان حیاتش مجموعه خاطراتش را به نگارش در آورده که آن را می توان روایت تاریخ شفاهی روزهای پرشور قم و شهرهای شمال غرب کشور دانست. شجاعت مرحوم حسینی، امام جمعه شهر ارومیه در همه دوره های زندگی اش زبان زد بوده و این موضوع را می توان در خاطر آتش هم جست و جو کرد. خودش در یکی از خاطرات مربوط به دوران پیش از انقلاب اسلامی می گوید، «ما را به شهربانی بردند، سرهنگی به او گفت که این شخص مخالف اعلیحضرت است. من گفتم: با شخص خاص بد نیستم با اعمال خلاف شرع مخالفم. یک مرتبه یکی از پاسبان ها شهربانی اسلحه اش را کشید و لوله آن را بیخ گوشم قرار دارد. همه جا سکوت بود. بدون اینکه خودم را بیازم لبخندی زدم و گفتم: من نصمم کردستانی است چون بزرگ شده کردستان هستم و با برادران کردار تباط دارم. نصف دیگرم آذربایجانی است چون تبار و زبانم آذری است. در کردستان معمول است می گویند: مرد نباید اسلحه بکشد. اگر کشید باید بزند و اگر نزد از زن کمتر است. می دانستم جرأت ندارد و می خواهد مرا بترساند. او با آن غرور و تکبرش، آتش گرفت. یکی دیگر بلند شد و سیلی محکمی به گوش من زد.»



روایت مسلمان از پرواز امام (ره)

شاید برایتان جالب باشد که پسوند «مسلمان» جزو فامیلی مرحوم حبیب الله عسگرولادی است. خودش در کتاب خاطراتش می گوید، «من در محله امامزاده یحیی کوچه صاحب دیوان متولد شدم. به این دلیل پسوند فامیلی ما مسلمان است که در محله ما غیر از مسلمانان، افراد یهودی زیادی نیز زندگی می کردند. لذا اداره ثبت احوال منطقه به خاطر مشخص شدن نوع مذهب افراد، آن را در شناسنامه و قیل از اسم افراد قید می کرد.» عسگرولادی از جمله افراد فعال در دوران انقلاب اسلامی بود و همواره تلاش می کرد تا در کنار حضرت امام (ره) قرار بگیرد. سفر به پاریس، دیدار با امام و بازگشت به ایران با پرواز انقلاب پایان بخش کتاب خاطرات عسگرولادی است که در بخش هایی از آن آمده، «حرکت امام به سمت ایران باید در روز پنجم بهمن صورت می گرفت، ولی چون فردگاه مهر آباد بسته بود، پرواز انجام نشد. امام در روز نهم فرمودند که ما به تهران می رویم. خدمت ایشان عرض کردند که آقاراه بسته است و ممکن است ما را بزنند، ولی امام مصمم بود که به ایران باز گردد. روز دهم دوستان تلاش زیادی کردند و دو هواپیما تهیه کردند. امام پرسیدند که مگر چه تعدادی هستیم، عرض کردیم تعدادمان از یک هواپیما بیشتر است و ناچار شدیم دو تا هواپیما بگیریم. امام فرمودند یک هواپیما کافی است، تعدادی را کم کنید.»

مجموعه اشعار انقلاب اسلامی رودخانه جاری احساسات ادبی است شعر، حماسه، انقلاب

پس از وقوع انقلاب اسلامی موج نوینی از اشعار حماسی و انقلابی با محوریت حوادث سیاسی در اواخر دهه ۱۵۰ ایجاد شد. موجی که تأثیراتش تا چند دهه به صورت ملموس قابل مشاهده بود و توانست بخشی از پیام انقلاب را به دنیا و دیگر نسل های کشور منتقل کند. حالا در این عرصه کتاب ها، مجموعه ها و اشعار زیبایی بسیاری سروده و به چاپ رسیده است. در این بخش با تعدادی از این آثار آشنا خواهیم شد.

مجموعه ای همراه با نقد

مجموعه شعر انقلاب که به واکاوی و تحلیل شعر انقلاب اسلامی می پردازد، از جمله آثار اخیر محمدرضا سنگری است. او در این کتاب تلاش کرده تا مجموعه ای تقریباً کامل از کتاب های شعر حوزه انقلاب اسلامی را جمع آوری کرده و بررسی قطعات آن را به عهده بگیرد. او معتقد است که در چند دهه گذشته تلاش ها و رویش های شعر و ادبیات فارسی با شتاب بیشتری گسترش یافته و با دوره های گذشته قابل مقایسه نیست. سنگری معتقد است که در سال های اخیر تنها در حوزه انقلاب اسلامی حدود ۱۰۰۰ شاعر به تولید شعر پرداخته اند. کتاب مجموعه شعر انقلاب اخیراً به چاپ رسیده است.

به یاد سلمان هراتی

حوزه شعر انقلاب اسلامی با نام هایی گره می خورد که نمی توان بی تفاوت از کنارشان گذشت. سلمان هراتی از جمله این نامهاست، شاعر جوانی که متأسفانه بهار عمرش زود به خزان گرایید و به دیار باقی شتافت. به همین دلیل اشعار زیادی از او به ثبت نرسیده است. اما همان اشعار باقیمانده می تواند فضای اجتماعی و حال و هوای انقلاب را به خوبی متجلی سازد. اشعار انقلابی این شاعر متعهد را می توان جزو برترین اشعار مرتبط با پدیده انقلاب اسلامی برشمرد. مجموعه کامل اشعار این شاعر انقلابی در دو دوره متفاوت چاپ شده است.

قیصر برای انقلاب می سراید

پس از انقلاب به تدریج، شعر در وزن های نیمایی در حاشیه قرار گرفت و شاعران به شکل های شعری حاصل از این وزن ها، چه در حالت شکسته و ترکیبی و چه در حالت غیر شکسته و غیر ترکیبی، اقبال چندانی نشان ندادند. قیصر امین پور از جمله معدود شاعرانی بود که در شعر به وزن های نیمایی هم پایبند ماند و آن را وارد اشعار حماسی و انقلابی خود کرد. امین پور حدود یک ربع قرن شعر گفت و اندک اندک خوانندگان در خور توجهی را به آثارش جلب کرد. برخی از این خوانندگان به دلایل ادبی و برخی دیگر به دلایل اجتماعی - فرهنگی به سروده های او علاقه داشتند. یعنی به آن جلوه هایی از آثار وی که در دوره نخست شعر گوایی وی، متوجه فضای جنگ و آرمان های دینی و انقلابی شد. مجموعه اشعار او در حوزه انقلاب هنوز هم جزو منابع اصلی تاریخ موزون این برهه از تاریخ کشورمان به شمار می رود. خود قیصر درباره اشعار انقلابی اش می گوید: «شاید شعر، اصلاً نقطه شروع نداشته باشد، بلکه خط شروع داشته باشد. و آدم موقعی بفهمد دارد شعر می گوید که روی خط شروع افتاده باشد. و شاید آن موقع هم نفهمد، و فقط در نقطه پایان بفهمد که دسته گلی را که به آب داده یا سنگی را که در چاه انداخته است، شعر می گویند. و شاید هم شعر، نه نقطه و نه خط، بلکه حجم شروع داشته باشد. اصلاً وقتی که نقطه، هیچ باشد خط هم مجموعه ای از حاصل جمع هیچ هاست، یعنی هیچ است. و شاید هم شعر خطی بی آغاز و انجام باشد. نمی تواند با او اداری بر خورد کند و بگوید فردا بیایید. چون اگر رفت، معلوم نیست که دوباره کی برگردد.»

شعر انقلاب با او بیدار است

سیدعلی موسوی گرماردی شاعر متعهد و انقلابی نیز از جمله کسانی است که توانست با آثارش رنگ و بوی حماسه مردمی را تغییر دهد. به طوری که خیلی ها او را با اشعار انقلابی و آیینی اش می شناسند و به جامی آورند. او ۴ سالی را در زندان های رژیم سابق سپری کرده و در همان ایام نیز به سرایش اشعارش می پرداخته است. گرماردی که در قالب های غزل، قصیده، رباعی و شعر نو توانسته طرحی نو دراندازد توانسته نسخه ای از ترجمه قرآن کریم را نیز به دوست داران کلام وحی هدیه کند.

مرور سریع مهم‌ترین اخبار و عکس‌هایی که در روزنامه کیهان روزهای انقلاب چاپ می‌شد و به دست انقلابیون می‌رسید

تیتريهای داغ عکس‌های داغ

کیهان - شماره ۱۰۶۲۳ - ۸ بهمن ۵۷

امروز خبر سفر بختیار به پاریس برای دیدار با امام رحمت‌الله علیه در روزنامه‌ها منتشر شده است. اما تیتیر یک روزنامه کیهان به واکنش رهبر انقلاب ایران نسبت به این خبر اختصاص دارد: «امام خمینی: بختیار را تا استعفا ندهد، نمی‌پذیریم.» عکس‌های صفحه اول هم مربوط به تشییع شهدای تظاهرات روز جمعه گذشته از مقابل بیمارستان مصدق و مبارزات مسلحانه مردم با مأموران ارتش است. روزنامه کیهان، خبر بازداشت ۵ روزنامه‌نگار روزنامه‌های کیهان، اطلاعات و آیندگان در منطقه ما توسط فرماندار نظامی تهران را نیز امروز منتشر کرده است.

کیهان - شماره ۱۰۶۲۵ - ۱۰ بهمن ۵۷

تیتیر «زن، سرباز...» هم یکی از تیتیرهای ماندگار روزنامه کیهان در روزهای قبل از پیروزی انقلاب به حساب می‌آید که به پیشنهاد محمد بلوری، معاون سردبیر وقت در صفحه اول روزنامه امروز قرار می‌گیرد. قرار گرفتن این تیتیر کنار عکسی از یک سرباز، که یک دانشجو را مقابل دانشگاه با اسلحه نشانه گرفته، باعث جذاب شدن صفحه اول شده است. همین عکس و تیتیر باعث می‌شود که کیهان امروز، خیلی سریع و زودتر از ششماه‌های قبل به چاپ دوم برسد. خبر سنگربندی خیابانی در تهران در روزنامه‌های امروز منتشر می‌شود که نشان‌دهنده شدت مبارزات است.

کیهان - شماره ۱۰۶۲۶ - ۱۱ بهمن ۵۷

آمدن امام رحمت‌الله علیه قطعی شده است و روزنامه کیهان با تیتیر بزرگ «امام صبح فردا در تهران است» به استقبال این خبر می‌رود. نقشه مسیر حرکت امام رحمت‌الله علیه از فردگاه تابهشت زهرا سلام‌الله علیها در صفحه اول کشیده شده و خبرهای مربوط به استقبال و حفاظت از رهبر انقلاب، به چاپ رسیده است. چاپ اول روزنامه به سرعت نایاب می‌شود و خیلی زود، چاپ دوم به دست مردم می‌رسد. تهران روزهای شلوغ‌تری را نسبت به روزهای قبل تجربه می‌کند چون میلیون‌ها نفر از سراسر کشور، خودشان را به اطراف فردگاه مهرآباد رسانده‌اند تا از پیر و مرادشان استقبال کنند.

کیهان - شماره ۱۰۶۲۸ - ۱۳ بهمن ۵۷

«من توی دهن این دولت می‌زنم» تیتیری است که روزنامه کیهان روز ۱۳ بهمن‌ماه در صفحه اول خود ثبت می‌کند. درباره این تیتیر، مهدی فرقانی، سرپرست گروه خبری آن زمان کیهان در بهشت زهرا سلام‌الله علیها می‌گوید: «آن روز باید اخبار مربوط به حضور امام و سخنرانی ایشان را پوشش می‌دادم. هر لحظه اخبار ضدو نقیض می‌رسید و همه در انتظار حادثه‌ای بزرگ بودند. ناگزیر بودم به حالت ایستاده تمام سخنرانی را یادداشت کنم. غروب بود که توانستم به روزنامه برگردیم و وقتی که چاپ سوم روزنامه و آن تیتیر را دیدیم خستگی از تن بیرون رفت.»

خواب و خوراکی وجود نداشت، که شب و روز معنایی داشته باشد. فقط حواس‌شان به حول و حوش ساعت ۴ و ۵ بعد از ظهر بود که روزنامه‌های عصر از راه می‌رسیدند؛ کیهان و اطلاعات. رادیو و تلویزیون زیر نظر رژیم بود و خبری از انقلاب به دست مردم نمی‌داد، اینترنت هم که هنوز به دنیا نیامده بود، می‌ماند فقط روزنامه‌ها که آن روزها حکم کیمیا را داشت. جلوی دکه روزنامه‌فروشی، غلغله می‌شد. انقلابی‌ها صف می‌کشیدند تا خبرهای داغ روزهای انقلاب را از دست ندهند. کیهان آن موقع آنقدر طرفدار داشت که نسخه‌های روزنامه اصلاً به کیوسک هم نمی‌رسید و دکه‌دار، همان میانه‌راه آنها را توزیع می‌کرد. ساختمان روزنامه اطلاعات هم در نزدیکی میدان امام خمینی (ره)، میدان شاه سابق، بود. این روزنامه هم از منطقه ما به دیگر نقاط تهران می‌رفت. اگر می‌خواهید اخبار آن روزها تبدیل نشود به یک مشت خاطره گنگ و محو، با ما در مرور مهم‌ترین اخبار آن روزهای این روزنامه همراه شوید.

کیهان - شماره ۱۰۶۱۸ - ۱ بهمن ۵۷

اولین خبر مربوط به بازگشت امام خمینی (ره) به ایران، امروز در روزنامه کیهان و اطلاعات منتشر می‌شود. عکس یک امروز روزنامه کیهان، تصویری از امام را نشان می‌دهد که میان گروهی از ژاندارم‌های فرانسوی و علاقه‌مندان قرار گرفته است. تحریریه کیهان، تیتیر «امام خمینی جمعه در تهران نماز می‌خواند» را برای صفحه اول انتخاب کرده و در صفحه‌های داخلی به نقل یکی از نزدیکان امام، نوشته که رهبر ۷۸ ساله شیعیان ایران برای نماز مغرب و عشا در مسجد اصلی شهر روز جمعه وارد تهران می‌شود و سپس در پیشاپیش جمعیت به بهشت زهرا سلام‌الله علیها خواهند رفت.

کیهان - شماره ۱۰۶۲۰ - ۳ بهمن ۵۷

امروز نخستین مصاحبه امام خمینی رحمت‌الله علیه با خبرنگاران ایرانی در روزنامه کیهان منتشر شده است. امام در بخش‌هایی از این گفت‌وگو درباره آزادی بیان و عقیده می‌فرماید: «اگر مضر به حال ملت نباشد، بیان همه چیز آزاد است. چیزهایی آزاد نیست که مضر به حال ملت ما باشد.» ایشان همچنین درباره نقش زنان در حکومت اسلامی می‌گویند: «زنان همچون مردان در ساختن جامعه اسلامی فردا شرکت دارند. آنان از حق رای دادن و رای‌گرفتن برخوردارند. در مبارزات اخیر ایران، زنان هم سهمی چون مردان دارند. ما همه گونه آزادی را به زن خواهیم داد. البته جلوی فساد را می‌گیریم.»

هیات

سلطنت خلاف حقوق بشراست

امام‌آما

روزنامه کیهان - شماره ۱۰۶۲۳ - ۸ بهمن ۵۷

اطلاعات

آخرین پیام امام خمینی در پاریس

بخش مستقیم



کیهان - شماره ۱۰۶۲۹ - ۱۵ بهمن ۵۷

امروز دولت بختیار از شوک اولیه ورود امام رحمت الله علیه و استقبال میلیونی از ایشان خارج شده است و نخستین واکنش هایشان در روزنامه‌ها دیده می‌شود. تیتیر یک روزنامه کیهان، به گفته‌های نخست‌وزیر رژیم پهلوی اختصاص دارد و شاید به همین دلیل از روزنامه امروز زیاد استقبالی نمی‌شود و کیهان به چاپ دوم نمی‌رسد. بختیار گفته است که در برخی از اصول، نه با شاه سازش می‌کند، نه با خمینی. اکثر شهرستان‌های ایران همچنان صحنه نبردهای خیابانی است و خبرهای مربوط به آمار شهید و مجروحان روز گذشته در روزنامه‌های امروز به چاپ رسیده است.

کیهان - شماره ۱۰۶۳۰ - ۱۶ بهمن ۵۷

تصویر در آغوش کشیدن یک کودک توسط امام رحمت الله علیه، عکس یک روزنامه کیهان است که مردمی بودن نهضتی را نشان می‌دهد که در ایران به پا شده است. روزنامه‌نگاران کیهان، امروز بر اساس شنیده‌ها و تحلیل‌هایشان، پیش‌بینی کرده‌اند که امام، فردارنیس دولت موقت را معرفی می‌کند. بخش‌هایی از گفت‌وگوی شب گذشته شاهپور بختیار با رادیو تهران هم منتشر شده است. او می‌گوید: «من میل دارم که رژیمی در این مملکت استوار شود که نه رژیم دیکتاتوری شاه است و نه شبیه جمهوری لیبی و پاکستان. متأسفم که آیت الله خمینی به پیام‌هایم توجه نکردند...»

کیهان - شماره ۱۰۶۳۲ - ۱۸ بهمن ۵۷

خبر معرفی بازگان به عنوان نخست‌وزیر موقت، تقریباً به گوش همه رسیده است. مردم تهران هم برای حمایت از این فرمان مهم امام رحمت الله علیه به خیابان‌ها آمده‌اند. عکس یک روزنامه کیهان امروز هم به همین حضور گسترده راهپیمایان اختصاص دارد که در حال حرکت به سمت مدرسه رفاه هستند. کیهان در مطلب اول امروز با تیتیر «مذاکرات پشت پرده درباره سرنوشت شاه» نوشته است: «منابع آگاه می‌گویند به زودی مذاکرات پشت پرده مهمی درباره سرنوشت شاه آغاز خواهد شد... یک سوءظن مهم این است که از تشیخ‌خواه برای بازگشت شاه دست به کودتا بزنند...»

کیهان - شماره ۱۰۶۳۲ - ۱۹ بهمن ۵۷

امروز همافران نیروی هوایی در مدرسه علوی با لباس نظامی حاضر می‌شوند و با فرمان رژه، از برابر امام رژه می‌روند و با او بیعت می‌کنند. حسین پرتوی، عکاس روزنامه کیهان، عکسی از پشت‌سر در این مراسم می‌گیرد که در صفحه نخست روزنامه امروز چاپ می‌شود. پرتوی با تیزهوشی خاصی که داشت، توانست تنها عکاسی باشد که در مراسم بیعت همافران با امام حضور پیدا می‌کند. او به مسئولان حفاظت مدرسه علوی قول می‌دهد که در عکسش صورت هیچ‌کس از همافران دیده نشود. بعد از چاپ این عکس در روزنامه کیهان، به همافرا حمله می‌شود.

کیهان - شماره ۱۰۶۳۲ - ۲۱ بهمن ۵۷

بختیار، شب گذشته اعلام کرده که عکس روزنامه کیهان از رژه همافران در مقابل امام رحمت الله علیه یک مونتاژ بچگانه بوده است. اما امروز اعلامیه‌ای از طرف کمیته تبلیغات دفتر امام درباره این عکس کیهان منتشر می‌شود که تأیید کردن این عکس توسط امام را بیان می‌کند. ماجرای چاپ عکس بازتاب‌های دیگری هم در روزهای قبل داشته که مهم‌ترین آن‌ها، جنگ خوئین لشکر گارد شاهنشاهی با مأموران نیروی هوایی بوده است. کیهان خبر می‌دهد که در مبارزات مربوط به نیروی هوایی، ده‌ها نفر شهید و صدها نفر به شدت مجروح شده‌اند. مردم مسلح به یاری همافران رفته‌اند.

درباره یکی از مهم‌ترین تیتیرهای آن روزهای روزنامه اطلاعات

تیتیر: «شاه رفت»

تیتیر «شاه رفت» یکی از ماندگارترین تیتیرهای انقلاب ۱۳۵۷ است که در ۲۶ دی‌ماه در صفحه نخست روزنامه اطلاعات نقش می‌پندد.

مرحوم غلامحسین صالحیار، سردبیر وقت روزنامه اطلاعات در خاطرات شفاهی خود که سیدفرید قاسمی آن را نقل می‌کند، می‌گوید: «چون رفتن شاه قطعی است و توانسته‌ایم تاریخ و حتی ساعت پرواز را هم به دست بیاوریم باید پیش‌بینی کارها را بکنیم. می‌دانم در ساعتی که پرواز انجام می‌شود، رساندن عکس به روزنامه و انعکاس جزئیات چگونگی انجام این حادثه مهم مقدور نیست. از این رو از فرصتی که پیش آمد استفاده کردم و عباس مژده بخش، رئیس شعبه صفحه‌بندی و مسئول آرایش صفحه اول روزنامه را به کنج خلوت می‌کشیم و با او به صحبت می‌نشینم. از مدتی قبل مسئله تیتیر اول روزنامه در روز رفتن شاه فکر مرا به خود مشغول کرده است.

همان دو کلمه را روی یک تکه کاغذ کوچک نوشتم و دادم دست مسئول فنی و پرسیدم: می‌توانی این دو کلمه را با دستگاه «آگران» طوری بزرگ کنی که تمام عرض بالای صفحه اول را بپوشاند؟ یک‌بار خورد و گفت مگر تمام شد؟ گفتم: می‌شود، اما فعلاً فقط بین من و تو باشد. می‌خواهم کارمان را جلو بیاوریم.

ضمناً هم خودت در آرشو بگرد و یک عکس از شاه و فرح با لباس زمستانی در فرودگاه مهرآباد پیدا کن که آنها را پشت به دوربین در حال نزدیک شدن به هواپیما نشان دهد. طوری باشد که دارند می‌روند، دور می‌شوند. آن را هم سه ستونی بساز. فیلم تیتیر و گراور را هم، بعد از که به من نشان دادی، بگذار در کشویت و درش را هم قفل کن. فکر نمی‌کنم زیاد در کشور بماند.

به عباس مژده بخش اطمینان صد درصد داشتم. هنوز ۲ ساعت نگذشته بود که این بار او مرا به همان کنج خلوت کشاند و نمونه کار را نشان داد. درست همان چیزی بود که خواسته بودم. خندیدم و از هم جدا شدیم...

۲۶ دی‌ماه از همان نخستین ساعات صبح، خبرهای رسیده از درباره، نخست‌وزیری، فرودگاه مهرآباد و منابع دیگر نشان می‌دهد که امروز خروج شاه قطعی است. مهم‌ترین قسمت تدارک کار امروز قبلاً دیده شده و فقط مسائلی نظیر استقرار خبرنگار و عکاس در فرودگاه و نظایر آن باقی مانده است... ناگهان صدای رئیس دفترم بلند شد که گوشی دیگری را به دستم داد و گفت: فرودگاه... صدای خبرنگار مستقر در فرودگاه را شنیدم و کلماتش را به این شرح یادداشت کردم.

هواپیمای بوئینگ ۷۲۷ شهباز حامل شاه و فرح سر ساعت ۱۲:۳۰ از زمین بلند شد و من الان دارم با چشم مسیر اوچ گرفتن آن را در آسمان دنبال می‌کنم. گوشی را گذاشتم و عین جمله‌ای را که یادداشت کرده بودم در گوشی تلفنی که به دانشجویان ایرانی وصل بود با صدای بلند برای آنها و همچنین جماعتی که دور میز و در سالن تحریریه اجتماع کرده بودند، قرائت کردم. صدای نماینده دانشجویان خطاب به دوستانش با فریاد بلند شد: بچه‌ها! خبر رسمی، شاه رفت. غریو شادمانی را از یک سو به وسیله خط تلفنی از هزاران کیلومتر دورتر در لس‌آنجلس می‌شنیدم و از سوی دیگر از اجتماعی که در سالن تحریریه و به خصوص کنار میز من حلقه زده بود. در این میان قیافه مژده‌بخش جلب نظر می‌کرد که از پشت حلقه جمعیت با حرکات دست و سر و گردن می‌خواست مرا متوجه خود کند. وقتی دیدم چشمم به او افتاده است فریاد زد: برم؟! جواب دادم: برو. او کار اصلی‌اش را در صفحه اول، برای نخستین بار دو روز زودتر انجام داده بود.

تیتیر «رژیم متلاشی شد» هم از تیتیرهای مهم دوران انقلاب است. عضو شورای سردبیری روزنامه اطلاعات درباره این تیتیر گفته است: «تیتیرهای مهم دوران انقلاب به جز تیتیرهای «شاه رفت» و «امام آمد»، تیتیر «رژیم متلاشی شد» بود که سقوط رژیم سلطنتی در ایران را در تاریخ ۲۲ بهمن با تیتیر درشت نشان می‌داد. آن همزمانی بود که تمام دژهای حکومتی فرو ریخته بود و برای روزنامه مسجل شد که دوران سلطنت به پایان رسیده است.»

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲



از سال ۴۲ تا سال ۵۷، اتفاق‌هایی در بعضی از مسیرها افتاده است که سرانجامش، پیروزی انقلاب بوده؛ اتفاقاتی که این مسیرها را، ماندگار کرده

مسیرهای انقلاب؛ مسیرهای آزادی



هیچ انقلابی توی خانه‌ها به پیروزی نمی‌رسد. انقلاب‌ها، توی خیابان‌ها و میدان‌ها بوده که به پیروزی و سرانجام رسیده‌اند. تا وقتی که بسیاری از مردم، وارد خیابان‌ها و میدان‌ها نشده و عملاً حضور خودشان را، به‌رغم همه مخاطرات، اعلام نکنند، اتفاقی نخواهد افتاد. انقلاب اسلامی ایران نیز، از درون مساجد و خانه‌ها و... شروع شد و در مسیرها و خیابان‌ها به سرانجام رسید؛ آنجا که سیل خروشان مردم، به‌رغم همه خطر، اعلام کردند که رژیم پهلوی را نمی‌خواهند و طالب حکومت اسلامی هستند. حالا که سالروز پیروزی انقلاب است، باز خوانی چند مسیر اصلی انقلاب، خالی از لطف نخواهد بود.

هیات

بیدار سازترین مسیر

۱۳ شهریور، نماز عید فطر در تپه‌های قیطریه

در ایران، سال ۵۷، واقعه‌ای رخ داد که در مسیر شکل‌گیری انقلاب و تاریخ ایران بسیار مؤثر بوده است. در ۱۳ شهریور سال ۵۷، تهران بزرگ‌ترین تظاهرات تا آن روز را تجربه کرد. جمعیت تظاهرکنندگان که به بیش از چند میلیون نفر می‌رسید، خیابان‌های تهران را به سمت محل برگزاری نماز عید فطر پوشانده بودند. رژیم شاه که تا آن زمان از عمق فاجعه و نارضایتی مردم خبر نداشت، یکباره از خواب غفلت بیدار شد. در روز ۱۳ شهریور سال ۱۳۵۷، نماز و راهپیمایی میلیونی تاریخی عید فطر، به امامت حجت‌الاسلام دکتر مفتاح در تپه‌های قیطریه برگزار شد. رهبری این تظاهرات را روحانیت مبارز تهران به‌عهده داشت. این تظاهرات بسیار آرام برپا شد و سربازان مستقر در بین راه با شاخه‌های گل مردم مسلمان روبه‌رو شدند. بعد از نماز شرکت‌کنندگان در خیابان‌ها علیه رژیم دست به راهپیمایی زدند. آنچه در تهران موجب وحشت رژیم شد، حضور میلیونی مردم در خیابان‌های تهران بود. تهران، هرگز چنین جمعیتی به‌خود ندیده بود. درباریان درباره این روز در خاطراتشان نقل کرده‌اند که شاه با هلی‌کوپتر از بالا، با چشم خود می‌دید که سیل بی‌پایان جمعیت پس از اقامه نماز عید فطر، فریاد زنان به مرکز شهر رسیده‌اند. او هنگام بازگشت، حاضران از جمله فرماندهان نظامی و هویدا و درباریان را به سخت‌ترین ناسزاها گرفت. سرانجام از شدت خشم، لگدی بر بدن اتومبیل کورسی لامبورگینی محبوبش کوفت. سوار بر آن شده و رفت. گویا صدای آن یک میلیون تن در گوشش بود که تا فردا هیچ‌کس را نمی‌رفت. در این زمان، حتی فرح نیز امکان ملاقات با او را نیافت. نماز عید فطر و تظاهرات پس از آن، مسیری بود برای تعین هویت مبارزات مردمی. این مسیر هویت انقلاب ایران را کاملاً اسلامی به جهانیان معرفی کرد و بین مبارزه و مذهب پیوند برقرار کرد.

خونین‌ترین مسیر

۱۷ شهریور، میدان ژاله

نماز عید فطر، موجب شد تا شاه مقابل خشونت آمیز با انقلاب اسلامی را انتخاب کند که نتیجه آن کشتار مردم در جمعه سیاه یعنی ۱۷ شهریور ۵۷ بود. این واقعه به قدری خونبار و تأسف‌بار بود که مسیری هموار و گشوده برای پایان یافتن سلطنت را در ۵ ماه می‌سر کرد. دعوت‌کننده اصلی راهپیمایی روز هفده شهریور روحانی‌ای به نام علامه یحیی نوری بود. این فرد از مبارزین ضدنظام شاهنشاهی بود که اطراف میدان ژاله زندگی می‌کرد. از نخستین ساعات صبح روز جمعه، مردم برای شرکت در راهپیمایی و نماز جمعه به امامت علامه یحیی نوری راهی میدان ژاله شدند. غافل از آنکه از ساعت ۶ صبح، حکومت نظامی توسط فرماندار تهران ارتشید غلامعلی اویسی اعلام و در حال اجرا و اجتماع بیش از سه نفر هم ممنوع بود. در صبح جمعه، ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷، مردم تهران پس از ادای فریضه صبح، برای چهارمین روز متوالی از خانه‌های بیرون آمده و سیل آسا به سمت خیابان‌ها آمدند. مرکز تجمع آنان میدان ژاله (میدان شهدای کنونی) بود. همین که مردم به خیابان‌ها رسیدند، ناگهان بادیدن تانک‌ها و زره‌پوش‌های نظامی و مأموران مسلسل به‌دست حکومت، غافلگیر شدند، ولی بدون اعتنا به سربازان، به حرکت خود ادامه دادند. از خیابان‌های اطراف، سیل انبوه جمعیت با سر دادن شعارهای انقلابی، به سمت میدان ژاله در حرکت بود. مأموران مسلح پس از چندبار اخطار، از زمین و هوا جمعیت را ناجوانمردانه هدف رگبار مسلسل قرار دادند. حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه، در ۱۸ شهریور سال ۱۳۵۷، با ارسال پیامی به ملت شریف و شجاع ایران، ضمن ابراز همدردی با ملت، کشتار وحشیانه رژیم شاه را محکوم اعلام کردند و اجر شهدای این واقعه را با شهدای کربلا قیاس کردند. از این‌رو مردم وحشت‌زده دوباره جرأت و توان خود را باز یافتند و به شکلی جدی‌تر به مبارزات خود ادامه دادند به گونه‌ای که مسیر خونبار ۱۷ شهریور را با فاصله ۵ ماه به مقصد انقلاب رساندند.

موفق‌ترین مسیر

۲۲ بهمن، تهران در تسخیر مردم

روز ۲۲ بهمن را می‌توان اصلی‌ترین و گسترده‌ترین مسیر طی شده توسط ملت ایران برای رسیدن به پیروزی نهایی دانست. این مسیر در گام‌های متوالی توسط ملت طی شد تا آنها را به مقصد پیروزی قطعی رساند. نخستین گام صبح ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بود که فرماندهان ارتش آماده شدند تا در جلسه شورای عالی ارتش حاضر شوند. طی این جلسه فرماندهان به تشریح وضعیت نیروهای ارتش و مشکلات آنها پرداختند. آنچه در این جلسه گفته شد، همه حکایت از ناتوانی ارتش در برابر موج خروشان انقلاب داشت. گام دوم در ساعت یک بعدازظهر بود که اعلامیه ارتش مبنی بر بی‌طرفی از رادیو پخش شد. شورای عالی ارتش در این اعلامیه از سربازان خواست تا به پادگان‌ها بازگردند. امام خمینی رحمت‌الله علیه نیز در پیامی خطاب به ملت ایران از آنان خواست در عین هوشیاری و مراقبت و آمادگی برای در هم کوبیدن هر نوع حمله تازه‌ای از سوی ارتش، از حمله، آزار و درگیری با آنها در پادگان‌هایشان خودداری شود. گام سوم وقتی بود که نمایندگان مجلس شورای ملی به سفارش رئیس مجلس به‌طور دسته‌جمعی استعفا دادند. تمام مسیرها یک به یک برای رسیدن به هدف نهایی به سوی انقلابیون گشوده می‌شدند. همان روز مراکز حساس دولتی یکی یکی به تصرف انقلابیون در آمدند. رادیو تهران که از ساعت ۱۱ ظهر ۲۲ بهمن در محاصره نیروهای مردمی قرار داشت، در گام چهارم، ساعت ۲ بعدازظهر کاملاً در اختیار آنان قرار گرفت. در ساعت ۴۵/۵ پیام امام خمینی رحمت‌الله علیه از رادیو پخش شد و امام در این پیام مردم را از اعمال غیرقانونی برحذر داشت. گام پنجم بعدازظهر ۲۲ بهمن اتفاق افتاد. زمانی که سپهبد رحیمی، فرماندار نظامی تهران، نیک‌پی، منصور روحانی و نصیری، رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) توسط مردم دستگیر شدند. گرچه شهیدان بسیاری در این روز تقدیم اهداف والای انقلاب شدند، اما پیروزی نهایی بعد از ۲۵۰۰ سال تحمل رژیم شاهنشاهی به سرانجام رسید.

دانش‌آموزی‌ترین مسیر

۱۳ آبان، دانشگاه تهران

۱۳ آبان سال ۱۳۵۷ نیز مسیری دیگر از مسیرهای پرافتخار انقلابیون است که این بار توسط دانش‌آموزان و دانشجویان ایرانی گشوده شد. در روز ۱۳ آبان سال ۱۳۵۷، دانش‌آموزان مدارس تهران در حمایت از حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه خود را تعطیل کرده و به سمت دانشگاه تهران حرکت کردند. آنها به همراه دانشجویان و گروه‌های دیگری از مردم در محوطه دانشگاه گرد آمدند تا از حقوق خود دفاع کرده و اعتراض خود به حکومت شاه را آشکار کنند. مأموران دولتی که از این اقدام باخبر شده بودند، دانشگاه را به محاصر خود در آوردند تا هر گونه حرکت و اعتراضی را همانجا سرکوب کنند. ساعت یازده صبح، دانش‌آموزان و دانشجویان با شعارهای کوبنده «الله اکبر»، «درود بر خمینی» و «مرگ بر شاه» اعتراضات خود را آغاز کردند. مأموران برای آنکه تجمع کنندگان را پراکنده سازند، ابتدا چند گلوله گاز اشک‌آور در میان دانش‌آموزان پرتاب کردند، اما تجمع کنندگان نه تنها پراکنده نشدند، بلکه با تمام توان به شعار دادن ادامه دادند تا اینکه تیراندازی آغاز شد و دانش‌آموزان یکی پس از دیگری در خون غلتیدند. در این واقعه ناگوار، ۵۶ تن شهید و صدها تن دیگر مجروح شدند. مسیری که دانش‌آموزان پیمودند، گرچه خونبار و تلخ بود اما برای همیشه در تاریخ ایران و در ذهن دیگر دانش‌آموزان این مرز و بوم ثبت شد. مسیر آنها راهی گشوده به سوی دانش‌آموزان علیه ظلم و مبارزه با تمام بی‌عدالتی‌ها است. حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه زمانی که این خبر ناگوار را در پاریس شنیدند، در پیامی برای امت ایران فرمودند: «عزیزان من صبور باشید که پیروزی نهایی نزدیک است و خدا با صابران است. ایران امروز جایگاه آزادگان است... من از این راه دور چشم امید به شما دوخته‌ام... صدای آزادیخواهی و استقلال طلبی شما را به گوش جهانیان می‌رسانم.»

اولین مسیر

۱۵ خرداد ۵۷، بازار و ادارات تهران

قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ نقطه عطفی در مبارزه با رژیم پهلوی بود. از این مقطع دیگر کاملاً آشکار شد که حکومت، بنا ندارد هیچ گونه حق انتقاد و اعتراضی را برای منتقدان و مخالفانش به رسمیت بشناسد. از این رو این قیام مسیر جدیدی برای ادامه مبارزات انقلابیون گشود. امام خمینی طی پیامی ۱۵ خرداد را تعطیل اعلام کردند. در خرداد سال ۵۷ از چند روز قبل اعلامیه‌هایی در مشهد و چند شهر دیگر پخش شد که در آن، از مردم خواسته شده بود روز دوشنبه، پانزدهم خرداد در خانه‌های خود متحصن شوند و تا ساعت ۵ بعد از ظهر، تدارک آذوقه ببینند تا مجبور به خروج از خانه نشوند. در این اطلاعیه آمده بود «سکوت باشکوه سراسر مملکت، گویاترین زبان ملت و کوبنده‌ترین مشت بر دهان استبداد خواهد بود. بهانه از دست دشمن گرفته و مجال برای خرابکاری و میدان برای آدمکشی به او ندهیم.» با انتشار اعلامیه‌های مختلفی که مخفیانه میان مردم پخش می‌شد، بازاریان، کارمندان و دانشجویان نیز اعلام کردند که روز دوشنبه به محل کار و درس خود نخواهند رفت. دولت طی بخشنامه شدیدالحنی به کارمندان اخطار کرد چنانچه روز دوشنبه در محل کار خود حضور نیابند، اخراج خواهند شد. جمشید آموزگار، نخست‌وزیر وقت نیز گفت: «مردم اتفاقاً باید در این روز بیشتر به خیابان بیایند. باید مغازه‌ها باز باشند تا نشان بدهند که یک عده معدود گمراهی نمی‌توانند پیشرفت یک مملکت را متوقف سازند.» این اعتصاب، بخش‌هایی زیادی از شهر تهران و بسیاری از شهرهای کشور را به صورت نیمه تعطیل در آورد. دانشجویان نیز در بعضی از دانشگاه‌ها دست به اعتصاب زدند و کلاس‌ها را تعطیل کردند. هیچ‌گاه حکومت تصور نمی‌کرد که به یکباره شهر تعطیل شود. این اعتصاب و تعطیلی که کل کشور را درگیر کرده بود، نشان داد که عده بسیاری همگام با انقلاب پیش می‌روند و وحدت مردم انقلابی را بیش از پیش آشکار کرد.

عاشرایی‌ترین مسیر

۱۹ آذر، محرم از پیچ شمیران تا میدان آزادی

مسیری که امام حسین علیه‌السلام برای همیشه در تاریخ شیعیان گشود هیچ‌گاه به بن بست نخواهد رسید و در تاریخ کشور ما نقطه عطف تمام مبارزات به شمار می‌رود. مسیر امام حسین علیه‌السلام همان مسیری است که خون را بر شمشیر پیروز کرد. در محرم سال ۵۷ مصادف با وقایع روز نوبت ایرانی‌ها بود تا این مسیر را به سمت پیروزی نهایی ببیمایند. در آن سال جامعه روحانیت مبارز، آیت‌الله طالقانی و جمعیت ایرانی دفاع از حقوق بشر به وسیله اعلامیه‌هایی، از مردم دعوت کردند تا در راهپیمایی روز تاسوعا و عاشورا شرکت کنند. آیت‌الله طالقانی گفته بود که در ساعت ۹ صبح روز یکشنبه از مقابل منزل خود در پیچ شمیران حرکت خواهد کرد. مطبوعات در اعتصاب به سر می‌بردند و رادیو و تلویزیون در دست دولت نظامی بود، اما اعلامیه‌ها، دیوار نوشته‌ها و جوانان با نوشتن خبر روی مقوا و چرخ در شهر این اخبار را در تهران به گوش مردم رساندند. از این رو صبح عاشورا عزاداری مردم به تظاهرات ضد دولتی تبدیل شد. دولت نظامی اعلام کرد برپایی عزاداری در تاسوعا و عاشورا آزاد است و یک ساعت نیز از ساعات منع عبور و مرور کم کرد، اما مردم که به جای علم و کتل، هزاران پلاکارد با جمله‌هایی تند علیه حکومت و هزاران عکس از دشمنان تاریخی شاه و مبارزین و شهدا را حمل می‌کردند، هر لحظه منتظر وقوع حادثه‌ای تازه یا آغاز درگیری یا تیراندازی بودند. آنها حتی اسم، نشانی خود و کودکانشان را نوشته و در جیب لباس‌هایشان گذاشته بودند تا در صورت درگیری یا شهادت، قابل شناسایی باشند. مسیر اصلی راهپیمایی در تهران از پیچ شمیران تا میدان شهیدان، که مردم آن را آزادی می‌نامیدند، بود. آن روز این راهپیمایی عظیم، که یک رفرا ندوم باشکوه بود، به پایان رسید و همه وعده دادند که فردا (عاشورا) نیز به این حرکت ادامه دهند. رفرا ندوم تاسوعا، عمق نفوذ حضرت امام رحمت‌الله علیه، بر مردم را نشان داد و مشخص کرد انقلاب مردم ایران یک انقلاب مذهبی است و بایدین گره خورده است.



رسالت نوارهای صوتی

در مبارزات انقلاب چه بود و چگونه رد و بدل می شدند؟

نوارهایی که پا داشتند روح داشتند

نوارهای صوتی از ابزارهایی بودند که در زمان مبارزات انقلابی، به کمک مبارزین آمدند و بخشی از بار اطلاع رسانی و انتقال پیام‌ها را به دوش کشیدند. صاحبان اندیشه‌های انقلابی در مساجد سخنرانی می کردند و نوارهای ضبط شده این سخنرانی‌ها دست به دست و شهر به شهر می گشت و گوش به گوش می پیچید. مردم در مساجد به این نوارها گوش می دادند و بعد از خارج شدن از مسجد، محتوای این سخنرانی‌ها و پیام‌ها را به گوش دیگران می رساندند و آن را برای همدیگر نقل می کردند. محتوای این نوارها گاهی هم اعلامیه‌ای می شد که از یک صبح تا شب، توی تمام خیابان‌ها و خانه‌های شهر پخش شده بود.

هیات

اعلامیه‌های صوتی؛ کوتاه و برنده

اعلامیه‌های صوتی، پیام‌های کوتاهی بودند که حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه در نوار کاست‌ها به ایران می فرستادند. این پیام‌های کوتاه برای توزیع راحت‌تر، روی کاغذ پیاده شده و به سرعت در تمام کشور توزیع می شدند. این صحبت‌ها معمولاً با امضای گروه‌های انقلابی مثل «فجر اسلام» و مواردی از این دست به صورت اعلامیه توزیع می شدند؛ گروه‌هایی که به صورت محلی، در مساجد شکل می گرفتند و روحانیون نقش اساسی‌ای در هدایت آنها داشتند.

اواخر سال ۱۳۵۷ بود و اوج تظاهرات مردمی. پای نوارهای صوتی انقلاب از مراکز راهپیمایی به دانشگاه‌ها هم باز شده بود. دانشجویها دسته دسته کنار هم جمع می شدند و به این نوارها گوش می دادند و درباره آنها بحث و گفت‌وگو می کردند. تکثیر نوار کاست‌های انقلابی، سخنرانی‌های امام خمینی و دکتر شریعتی و استاد مطهری و دیگر بزرگان، با سرعت و تعدد بیشتری انجام می گرفت. نمایشگاه‌هایی از عکس‌های شهدای انقلاب در گوشه و کنار شهر برپا می شد. این نمایشگاه‌ها هم به محل‌های عرضه نوارهای صوتی انقلابی تبدیل شده بودند. اواخر سال ۱۳۵۷، دشواری‌های توزیع نوارهای صوتی کمتر شده بود و این ابزار انتقال دیدگاه‌ها، راحت‌تر به دست مردم می رسید. گاهی در نمایشگاه‌های عکس شهدای انقلاب یا محل‌هایی این چنینی، این نوارها به فروش هم می رسید.

توزیع نوارهای صوتی انقلابی

توزیع نوارهای انقلابی، به اندازه توزیع اعلامیه‌ها و شب نامه‌ها دشوار بود. نوارهایی که در زمان حضور امام خمینی در نجف و نوفل لوشاتو پُر می شد، توسط مسافران به داخل کشور آورده می شد. برای اینکه محتوای این نوارها شناسایی نشود، روی این نوارها برچسب می زدند «موسیقی شرقی».

نوارها در تهران به دست انقلابی‌ها می رسید. از روی آن نوارهای دیگری، حدود بیست، سی نوار کاست، تکثیر می شد و به استان‌های دیگر، به دست روحانیون و معتمدان می رسید. مساجد و حوزه‌های علمیه از جمله جاهایی بودند که این نوارها در آنجا توزیع می شد و طلاب و مردم به آن گوش می دادند.

از مهرماه سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۵۶، به دلیل کم شدن فعالیت‌های سیاسی، حجم نوارها هم کمتر شد. از سال ۱۳۵۶ با از سرگیری فعالیت‌ها، نوارها هم دوباره دست به دست می شد؛ این بار در تظاهرات‌ها و راهپیمایی‌ها هم می شد سراغی از نوارهای صوتی گرفت.

گاهی نوارهای سخنرانی را روی نوارهای دیگر ضبط می کردند؛ ابتدای نوار موسیقی بود و همین باعث می شد تا در صورت دستگیری و لو رفتن نوارها، شناسی برای فرار از دست مأموران ساواک وجود داشته باشد. بعد از مدتی از تکثیر نوارهای سخنرانی، ساواک این موضوع را می فهمد. این موضوع باعث می شود تا مأموران ساواک هر نوار صوتی مشکوکی را از ابتدا تا انتها با دقت گوش کنند؛ این موضوع از اسناد و گزارشات ساواک به خوبی روشن است.

معروف ترین نوار انقلابی

معروف ترین نوار صوتی‌ای که در جریان انقلاب دست به دست می شد و هیاهوی زیادی هم در شهرهای مختلف ایجاد کرد، نوار سخنرانی امام خمینی رحمت‌الله علیه در ۱۳ خرداد سال ۱۳۴۲ در قم بود. آن سال‌ها قم به مرکزی برای مبارزه روحانیت علیه رژیم تبدیل شده بود. امام خمینی رحمت‌الله علیه در اعتراض به تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی سخنرانی تند و کوبنده‌ای علیه شاه در مدرسه فیضیه انجام داد. نمونه‌ای از نوار صوتی این سخنرانی به زودی در تمام استان‌های شهر توزیع شد و طلاب در مدارس علمیه و مساجد به آن گوش می دادند. مأموران امنیت و اطلاعات تمام استان‌ها به جست و جوی این نوارها برآمده و نامه‌نگاری‌های بسیاری در این زمینه از استان‌های کشور به تهران صورت گرفت. امام خمینی در این سخنرانی که در عصر عاشورا اتفاق افتاد، ضمن اخطارها و نصیحت‌هایی به شاه، حکومت را همدست اسرائیل خواند و از بی حرمتی‌ها نسبت به روحانیت گلایه کرد. این سخنرانی موجب دستگیری امام خمینی و قیام پانزده خرداد شد.

امام خمینی در بخشی از این سخنرانی می گوید: «گفته‌اند شما سه چیز را کار نداشته باشید، دیگر هر چه می خواهید بگویید، یکی شاه را کار نداشته باشید، یکی هم اسرائیل را کار نداشته باشید، یکی هم نگویید دین در خطر است... خوب اگر این سه تا مرا کنار بگذاریم، دیگر چه بگوییم؟! ما هر چه گرفتاری داریم از این سه تاست...»

محتوای نوارهای صوتی انقلابی

استفاده عمده از نوارهای صوتی برای انتقال پیام‌ها در زمان انقلاب، از آنجایی شروع شد که امام خمینی رحمت‌الله علیه به نجف و بعد به پاریس تبعید شد. یعنی دلیلی که باعث شد استفاده از نوارهای صوتی بین انقلابیون رواج پیدا کند، دوری از امام بود و نیاز به ابزاری که بتواند امانتدارانه، صحبت‌های ایشان را به مردم منتقل کند. محتوای این نوارها، صحبت‌ها و سخنرانی‌هایی بود که امام خطاب به مردم داشتند. محتوای این نوارها گاهی تلفنی به دست انقلابیون در داخل کشور می رسید یا سوغاتی بود که از سفر برگشته‌ها با خود به ایران می آوردند. زمان اقامت امام خمینی در نجف، نوارهایی با محتوای درسی برای شاگردان امام به ایران می رسید. شاخص ترین نوارهای صوتی انقلابی متعلق به سخنرانی‌های امام خمینی است. با این حال محتوای سخنرانی‌های افرادی مثل دکتر علی شریعتی، آیت‌الله محمود طالقانی و دیگر اندیشمندان و انقلابی‌ها هم دست به دست میان مردم می گشت.

در سال ۱۳۵۷، با نزدیک شدن به سرنگونی حکومت شاهنشاهی، سرودهای انقلابی هم به محتوای نوارهای انقلابی اضافه شد. حسینی‌ه ارشاد جایی بود که سرود معروف «خمینی‌ای امام» در آن ضبط شد و با بازگشت امام به ایران، اجرا شد. البته پیش از تبعید امام خمینی هم استفاده‌هایی از نوارهای صوتی به عنوان رسانه‌هایی برای انقلاب صورت گرفت. بارزترین نمونه‌ی آن هم در جریان سخنرانی تاریخی امام خمینی رحمت‌الله علیه در خرداد سال ۱۳۴۲ اتفاق افتاد.

سبک زندگی



هیأت



آبامی توان در مأثور تغییری داد؟

این موضوع هم بسیار مبتلا به است که متأسفانه برخی به اشتباه در دعاهای مأثور تغییری می دهند و فکر می کنند که مضمون دعا را بهتر کرده اند. حضرت آیت الله مجتبی تهرانی رحمت الله علیه در این خصوص گفته است: «ما می بینیم که بعضی در ادعیه مأثوره دست می برند. اینجا جای تعبد است. تعبد معنایش همین است، عبودیت معنایش همین است که همان آدابی را که گفته اند من باید حفظ کنم. از نفسم باید مراقبت کنم و نگذارم که در دعای معصومین دخالت کند. حفظ قالب یعنی اینکه همان چیزی که رسیده است را تکرار کنی. چرا که از معصومین اینطور رسیده است. پس چیزی به آن اضافه نکن. معصومین علیه السلام بهتر از من و تو رابطه بین دعا و اثر مترتبه بر دعا را می دانند. آنها رابطه و اثر گذاری دعا و آن حاجت در نظر گرفته من و تو را خوب می دانند.» محدثین ما هم در این زمینه بسیار دقت کرده اند که حتی یک واو پس و پیش نشود.



تقسیم بندی دعاهای مأثور

دعاهای مأثور هم دارای تقسیم بندی مشخصی میان علما دین ما هستند. یک تقسیم بندی از نظر زمان است. یعنی یک دسته دعاهای مأثور موقت است و یک دسته از دعاهای مأثور غیر موقت هستند. موقت یعنی دعاهایی که باید در زمان خاصی خوانده شود. مثلاً دعاهایی که ما در ماه مبارک رمضان داریم؛ در روز اول ماه این دعا را، روز دوم این دعا را و روز سوم این دعا را بخوان! اینها موقت هستند؛ یعنی وقت خاصی برایشان تعیین شده است. بعضی دعاهای مأثور برای «روز» خاصی بیان شده و بعضی دیگر برای «شب» خاصی، مثل شب قدر. تقسیم بندی بعدی از نظر مکان خواندن دعا است. همان طور که ما از نظر زمان خاص می بینیم که بعضی دعاهای مأثور برای زمان خاص است، برای مکان های خاص هم دعاهایی آمده است؛ یعنی در چه مکانی چه بگو و چه دعایی بخوان. مثلاً در روایات آمده هنگامی که وارد مسجد می شوی، فلان دعا را بخوان.



دعاهای قرآنی چیست؟

حتماً تا به حال دعای «امن یجیب...» را در هیأت ها و مراسم های مذهبی خوانده اید. خوب این دعا، بخشی از آیات قرآن است که همان دعاهای قرآنی محسوب می شوند. در قرآن دعاهای فراوانی از پیامبران الهی نقل شده است؛ از جمله آدم، نوح، ابراهیم، لوط، یوسف، موسی، سلیمان، زکریا، عیسی علیه السلام و... در ضمن در قرآن دعاهای متعددی به پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم تعلیم داده شده است. این دعاها طیف وسیعی از درخواست ها را در بر می گیرد که از جمله آنها می توان به طلب غفران و رحمت الهی؛ طلب غفران برای خود، والدین و مؤمنان، پوشاندن گناهان، مؤاخذه نکردن بر نسیان و خطا، استواری در ایمان و هدایت، صبر و ثبات قدم، پیروزی بر کافران و... اشاره کرد. از این ادعیه قرآنی به خوبی معلوم می شود که از دیدگاه قرآن دعا در همه ادیان وجود داشته است. یادتان باشد بسیاری از دعاهای قرآنی با کلمه های «ربنا» و «رب» شروع می شود.

مثل یک سلاح برای مومنان

با دعا و انواع آن بیشتر آشنا شوید

هیأت

دعا کردن و درخواست از خداوند متعال، بخشی از زندگی همه ماست. یعنی حتی کسانی که به ظاهر اهل دین و دینداری هم نیستند، هنگامی که مضطر شوند دست به دعا بلند می کنند. حتماً بارها هم درباره آثار دعا کردن چیزهای مختلفی شنیده ایم، فضیلت هایی که همگی از دل روایات مختلف معصومین علیه السلام بیرون آمده است. مثلاً گفته شده که دعا محبوب ترین اعمال نزد خداوند است، یا انسان را از گزند دشمنان و مخالفان نجات می دهد یا درهای روزی را به روی او می گشاید. از رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم نقل شده است که دعا، سلاح مؤمنین و ستون دین و علت روشنایی آسمان ها و زمین است. خوب حالا که دعا این همه فضیلت و اهمیت دارد، ما باید با دعا و انواع آن بیشتر آشنا شویم و درباره آن بیشتر بدانیم. در این صفحه نکات مهمی در این زمینه بیان شده است.



تفاوت دعاهای مأثور و غیر مأثور

در یک تعریف کلی باید گفت که دعای مأثور یعنی دعایی که از معصومین نقل شده است و دعای غیر مأثور هم یعنی دعایی که خودمان می کنیم که مضمون و قالب آنها، ربطی به دعاهای مأثور یا احادیث معصومین ندارد. حضرت آیت الله مجتبی تهرانی رحمت الله علیه درباره دعاهایی که از ائمه معصومین علیه السلام نقل شده اند می گوید: «دعاهایی هست که از معصومین برای ما نقل شده که شخص اگر این دعا را بخواند، ثوابی هم بر آن مترتب شده است. تا اینجا اتفاق نظر است که آن ثواب را به او می دهند می خواهد سندش آن دعا تمام باشد، یا سندش تمام نباشد. این مورد اتفاق نظر است.» ایشان همچنین درباره دعاهای غیر مأثور گفته اند: «دعای غیر مأثور عبارت از آن دعایی است که قالب ریزی آن در دست بنده است. یعنی می توانی دعایت را در هر قالبی و در هر عبارتی بریزی. مثل حاجت هایی که به هر لفظی و به هر زبانی از خدا می خواهیم.»



آیا خواندن دعا و شنیدن آن اثر یکسان دارد؟

اولین نکته این است که بدانیم دعای جمعی در روایات سفارش شده است و سریع تر از دعای فردی به اجابت می رسد. اما درباره این سؤال که آیا خواندن و شنیدن دعا، اثر یکسان دارد یا نه باید گفت؛ واژه «دعا» به معنای خواندن و حاجت خواستن و استمداد است و حتی گاهی آن را مطلق خواندن معنی کرده اند. درست است که خداوند متعال به هر آنچه در اعماق قلب بندگان خود می گذرد، آگاه است، اما با وجود این، بر زبان آوردن دعاها و خواسته های آنان را به عنوان موضوعی اعلام می کنند که مورد پسند پروردگار بوده و پاداش فراوانی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین نباید به دلیل راحت طلبی، شنیدن دعا را جایگزین خواندن آن کرد. البته اگر موانعی وجود داشته باشد مثل بی سوادی که خواندن دعا را ناممکن می کند، شنیدن دعا نیز اگر با توجه و خشوع انجام شود، می تواند انسان را به خدای خود نزدیک کند.



تفاوت زیارت با دعا در چیست؟

قطعاً وقتی به کتاب های ادعیه مثل مفاتیح الجنان مراجعه کنید، از برخی مطالب به عنوان دعا نام برده شده و برخی دیگر به عنوان زیارت. مثل ما هم دعای ندبه داریم و هم زیارت عاشورا یا زیارت جامعه کبیره و امین الله و... خب تفاوت این دو در چیست؟ تفاوت دعا با زیارت در همین است که زیارت با سلام شروع می شود و ادعیه باللهم و مانند آن شروع می شود. در دعا، درخواست از خداوند است، ولی در زیارت مخاطب امام معصوم علیه السلام و یا بزرگان دیگر است. ما در این زمینه اصطلاحات دیگری هم مثل نیایش، مناجات و نجوا هم داریم. فرقی اساسی بین معنای دعا و نیایش نیست، زیرا نیایش نوعی دعا کردن است. گفته شده که معانی مناجات و نجوا نیز از همدیگر جدا نیستند، بلکه ریشه واحد دارند و شاید نوعی دعا و نیایش باشند که همزمان با پنهانی و خصوصی بودن است و گفت و گویی بین عبد و مولا در خلوت دل محسوب می شود.



چرا گاهی دعاها را مستجاب نمی شود؟

حتماً برای شما هم پیش آمده که دعا کنید و مستجاب نشود، در حالی که خود خداوند فرموده اند که مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. اما در مورد اجابت نشدن دعا، بزرگان دلایل متعددی را بیان کرده اند که از جمله مهم ترین آنها می توان به این موارد اشاره کرد؛ گاهی ما خدا را به زبان می خوانیم، اما در قلب چشم امیدمان به خلق خداست. خب این مانعی برای استجاب دعا محسوب می شود. گفته شده که هنگام دعا باید واقعا «مضطرب» بود. مضطرب نبودن هم می تواند دلیل اجابت نشدن باشد. دعا کردن آدبی دارد که اگر رعایت شود دعا در معرض اجابت قرار می گیرد، خب وقتی این آداب را رعایت نکنیم نباید توقع اجابت داشته باشیم. دعا در صورتی اجابت می شود که خود شخص تمام تلاش خود را برای هدفش کرده باشد و در این زمینه کوتاهی صورت نگرفته باشد. در ضمن اجابت ممکن است تا مدتی به تأخیر بیفتد و این به معنای عدم اجابت نیست. در نهایت باید گفت که وقتی دعا می کنیم باید باور داشته باشیم که خداوند اگر مصلحت بداند حتماً حاجت ما را می دهد.



توصیه های آیت الله مجتبی تهرانی برای دعا کردن چند کلید دعا

وقتی قرار است از دعا برای خواستن در خواست هایمان از خداوند استفاده کنیم، باید درست دعا کردن را هم یاد بگیریم. برای یاد گرفتن دعا، یک راه این است که ببینیم بزرگان دینی ما چه توصیه هایی در این زمینه داشته اند. اینجا چند توصیه را از زبان حضرت آیت الله آقا مجتبی تهرانی (ره) برایتان آورده ایم که حتماً برای دعا کردن به کارتان می آید.

چطور دعا کنیم؟

وقتی می خواهی از خدا تقاضا کنی، نگاهی هم به سوابق گذشته ات بکن. اگر اشتباه کرده ای، اول معذرت خواهی کن و بگو: خدا یا! مرا ببخش و بعد هم وقتی که می گویی بد کرده ام، نیت این باشد که دیگر خطایی مرتکب نشوی و بعد با صدق نیت، استغفار کن.

راه ها مسدود نیست

وقتی در شدت گرفتاری قرار گرفته ای، خیال می کنی که همه راه ها به سوی تو مسدود شده. در حالی که به هیچ وجه این طور نیست. وقتی به بالا رو کنی و سراغ آن موجودی که محدود نیست و لایتناهی است بروی، خواهی دید که هیچ راهی برای او مسدود نیست.

از خدا زیاده طلبی نکنید

ما بحث «جمع حوائج دنیا و آخرت» را داریم؛ اما مسئله این است که این حوائج مادی سقف دارد. انسان نباید در امور دنیایی از خدا زیاده طلبی کند. چون اثر سوء دارد و بدترین اثر سوئش، تعلق قلبی به دنیا است. وقتی انسان می خواهد از این دنیا برود، دل بستگی به دنیا او را بیچاره می کند.

در اجابت دعا عجله نکنید

شخص در اجابت استعجال دارد و بعد به تأخیر می افتد مأیوس می شود. مأیوس که شد، دعا را کنار می گذارد. اگر کسی دعا را ترک کند، خدا به او غضب می کند و از او خشمگین می شود. اگر در اجابت کمی تأخیر شده، نباید سرخورده بشوی و دعا را کنار بگذاری.

به خدا اطمینان داشته باشید

دعا، آنچه را از خدا درخواست می کند، باید نسبت به آن توجه داشته باشد. به هر مقدار قلب او متوجه به خدا و امید او به خدا بستگی داشته باشد، دعا او وارد نمی کند. به تعبیر من، نسبت به دریافت حاجتش حالت قطعیت داشته باشد که به اجابت نزدیک است.

مقابل مخلوق اصرار نکنید

آن طور که خدا در ابتدا برای بنده اش، مراجعه کردن به مخلوق را دوست ندارد و می گوید: باید سراغ من بیایی، همانطور هم اصرار کردن در مقابل مخلوق را دوست ندارد؛ یعنی اینکه سراغ مخلوق بروی و بعد هم مرتب اصرار کنی. اصل رفتن و پافشاری بعدش را بدش می آید.

راه استجاب دعاها

یکی از دستوراتی که در شیوه دعا کردن وارد شده، این است که اگر انسان بخواهد دعایش مستجاب شود، اول خودش را از گناهان تطهیر کند و بعد دعا کند. من این نکته را غالباً تذکر می دهم که اول صلوات بفرستید، بعد استغفار کنید، بعد دوباره صلوات بفرستید و بعد حاجت های خودتان را بخواهید.



گفت و گویی با
حاج غلامرضا سازگار
پیر غلام آستان
اهل بیت علیهم السلام

خود اهل بیت روزی ما را می دهند

[نقیسه خانلری]

هیأت

همه آن‌هایی که ارادت خاصی به خاندان اهل بیت علیه السلام دارند، به خوبی می‌دانند که گرچه ورود به دستگاه اهل بیت به لطف بزرگواری این خاندان کار چندان دشواری نیست اما ماندن در این وادی و کسب عزت و آبرو به راحتی نصیب هر کسی نمی‌شود و آنچه این ارزش‌های گرانقدر را برای یک خادم واقعی به ارمغان می‌آورد، چیزی نیست جز اخلاص و معرفت در راه خدمت به خاندان اهل بیت. ویژگی‌های منحصر به فردی که ریشه در اعتقادات عمیق دارد و با باورهای قلبی خادمان گره خورده است. چه بسا اگر امروز شاهد حضور بزرگانی

همچون حاج غلامرضا سازگار در این عرصه هستیم، نباید از رموز معنوی او و اساتید امثال او در مسیر خدمت به اهل بیت غافل شده و ماهیت پیرغلامی آن‌ها را نادیده بگیریم. استاد سازگار مداح و شاعر بنام اهل بیت علیهم السلام از آن دسته افرادی است که برای اذن ورود به این دستگاه، به معنای واقعی ریاضت کشیده و عزت امروز خود را نیز مدیون ۶۰ سال خدمت خالصانه در این راه پرپرکت است. به سراغ این پیرغلام اهل بیت رفته‌ایم تا روایت او را از زبان خودش برایتان نقل کنیم.



حاج آقا! وقتی حرف از استاد سازگار به میان می‌آید، خیلی‌ها دوست دارند روایت ورود این پیرغلام به دستگاه اهل بیت را بدانند، لطفاً این موضوع را بر ایمان شرح دهید.

علاقه به هیأت و مداحی ریشه در کودکی من دارد. آن زمان‌ها پدر و مادر ارادت زیادی به اهل بیت داشتند و از راهی برای معرفی این بزرگواران استفاده می‌کردند که یکی از مهم‌ترین این راه‌ها، بردن ما به روضه و هیأت بود. هر وقت به روضه می‌رفتند، مرا با خود می‌بردند. البته ما علاوه بر روضه‌ها، هر شب به نماز جماعت می‌رفتیم و روزهای جمعه نیز در نماز جمعه شرکت می‌کردیم تا در فضاهای معنوی رشد کنیم، بنابراین توفیقاتی که امروز به‌دست آورده‌ام را تا حد زیادی مدیون خانواده خود هستم.

و خودتان از چه زمانی وارد عرصه مداحی شدید؟

از سن ۱۲، ۱۰ سالگی، عشق به خوانندگی برای امام حسین علیه السلام در من جان گرفت. همه چیز از آنجایی شروع شد که در یکی از روضه‌ها با مداحی نوجوانی هم سن و سال خودم، بسیار منقلب شده و همان جازا امام حسین علیه السلام خواستم تا مرا در این راه قرار داده و دستم را بگیرد که این اتفاق افتاد و از همان دوران نوجوانی مداحی را شروع کردم.

البته شنیده‌ایم که آن دوران علاوه بر مداحی در مشاغل دیگری هم فعالیت داشته‌اید.

همینطور است. شغل‌های دیگری هم داشتم. مثل کار در چاپخانه و نانوائی اما حدود ۴۰ سال پیش بود که از همه این مشاغل دل‌کندم و تمام زندگیم شد امام حسین علیه السلام. البته این اتفاق به همین سادگی‌ها نبود. برای حضور تمام قد در دستگاه اهل بیت ۴۰ هفته تمام به حرم حضرت عبدالعظیم رفتم، تا اینکه بالاخره در هفته چهارم، درهای رحمت به رویم باز و مهر ورودم زده شد. آن روز حاج احمد رحیم زادگان که خود نانوا و از سخنرانان مذهبی بود، بدون هر گونه اطلاع از تصمیمی که گرفته بودم، نزد من آمد و عباپی جولیم گذاشت. او به من گفت که تو برای خدمت به اهل بیت ساخته شده‌ای و دیگر نباید به نانوائی بروی! همانجا بود که تصمیم نهایی خود را گرفتم؛ برای همیشه با شغلم خداحافظی کردم و شدم خادم اهل بیت علیهم السلام.

یعنی مداحی شد شغلتان؟

هیچ‌گاه به دید شغل به آن نگاه نکرده و نمی‌کنم و معتقدم که خود اهل بیت روزی ما را می‌دهند. همیشه در سخنرانی‌هایم برای مداحان، رنمای هیأت‌ها و حتی مستمعین نیز گفته‌ام که اگر یک مداح بداند، خداوند چه قداسی به او داده و مستمع بداند که چه سعادت‌ی نصیبش شده، هیچ وقت از بعد مادی به مراسم‌ها نگاه نمی‌کند و قدر این نعمت الهی را بیشتر و بیشتر می‌داند.

حاج آقا! سال‌های سال است برای اهل بیت می‌خوانید و در وصف آنها شعر می‌گویید. فکر می‌کنید در جهت خدمت به اهل بیت به

اهدافتان رسیده‌اند؟

در طول تمام این سال‌ها هدفی نداشته‌ام جز رضای خدا. من فقط و فقط به عشق اهل بیت شعر گفته‌ام و تمام کتاب‌هایم نیز آیینی، انقلابی و یا مربوط به شهادت است که امیدوارم خداوند راضی باشند. درست است که به لطف خدا تا به امروز، جامعه مرا به‌عنوان مداح و شاعری پرکار پذیرفته، اما مهم‌تر این است که خداوند مرا بپذیرد.

خود شما، غلامرضا سازگار را در قالب شاعر بیشتر دوست دارید یا مداح؟

هر دوی اینها خدمت به اهل بیت است اما من شاعری را بیشتر دوست دارم، زیرا شعر ماندگار است و صدافانی. امروز بیش از ۳۵ جلد کتاب شعر دارم که بعد از من هم باقی خواهند ماند.

به عنوان یک استاد در عرصه شعر آیینی، برایمان از ویژگی‌های یک شعر خوب بگویید و توضیح دهید که چرا امروزه جای خالی شعر خوب در هیأت‌ها بسیار احساس می‌شود؟

شعر آیینی خوب باید چند خصلت داشته باشد که مهم‌ترین آن، حفظشان و گفتار اهل بیت است. شعر آیینی باید در چارچوب شعر گفته شده و موردپسند خاص و عام باشد، درست مثل اشعار سعدی که همه از قبیل عارف و عابد و عامی، به آن احسنت می‌گویند. همچنین در یک شعر آیینی باید اخلاص باشد و شعر سست نباشد، زیرا یک شاعر آیینی، با خدا معامله می‌کند و شعر باید خودشان را آنقدر بالا برند تا به ممدوح برسند. ما هم اکنون با کمبود شاعر و شعر خوب مواجه نیستیم اما واقعا جای تأسف است که با این حال برخی مداحان، شعر خوب ندارند. در این خصوص، مشکل از مداح است که به دنبال شعر خوب نمی‌رود، در حالی که یک مداح موظف به انتخاب شعری است که مفید و مؤثر باشد.

با توجه به ضعفی که از آن صحبت کردید، اوضاع و احوال کلی جامعه مداحی را چگونه ببینید؟ درست است که شرایط غیرخوب هم داریم اما

من معتقدم که آمار خوب‌هایمان بیشتر است. ما مداحان خوبی داریم که یک مقتل سیار هستند اما در مقابل وجود دارند کسانی که آشنا به روایات و آیات نبوده و مطالعه‌ای در این زمینه ندارند. متأسفانه برخی از مداحان جوان، فکر می‌کنند که هر چه بگویند و مردم گریه کنند، خوب است اما واقعا اینطور نیست و باید از آفت‌های مداحی یعنی بی‌استادی، بی‌سوادی و بی‌تقوایی دوری کرد. مطمئن باشید که اگر در این ۳۰ کوچه را ببندیم، هیچ آفتی وارد مداحی نمی‌شود.

استاد! اخلاص نیز به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی مداحان خوب مطرح می‌شود. در این باره بر ایمان توضیح دهید.

اخلاص یک چیز عجیب و غریب نیست. اخلاص این است که من مداح یا من شاعر، برای آنچه که می‌خواهم بسرایم و آنچه که می‌خواهم بگویم، اول رضایت خدا را در نظر بگیرم. یعنی وقتی می‌خواهم چیزی را در منبر بگویم، قبل از آنکه جمعیت را در نظر بگیرم، خدا را در نظر بگیرم. منبر که می‌خواهم بروم، در بین راه بسم الله گفته، توسل پیدا کرده و در دل بگویم که خدایا چیزی را بر زبانم جاری کن که خودت می‌خواهی. به واقع اینهاست که اخلاص می‌آورد و انسان رامی‌سازد.

به طور کلی مداحان برای داشتن منبری خوب و مؤثر باید به چه نکاتی توجه داشته باشند؟

ما ۴ نوع منبر داریم. منبری که مردم می‌پسندند و خدا نمی‌پسندد. منبری که خدا می‌پسندد و مردم نمی‌پسندند. منبری که نه خدا می‌پسندد و نه مردم و نهایتاً منبری که هم مردم می‌پسندند و هم خدا که طبیعتاً بهترین منبر هم، همین منبر است. در این منبر، هم هنر به کار رفته، هم علم، هم مطالعه و هم صدای خوب. البته صدای خوب در ده آخر قرار می‌گیرد. درست همانطور که رهبر هم می‌فرماید: «صدای مستحبات است و می‌شود با حرف خوب و بدون صدا هم، روی مردم اثر گذاشت.»

حالا که از مقام رهبری یاد کردید، می‌خواهیم اشاره داشته باشیم به دیدارهایتان

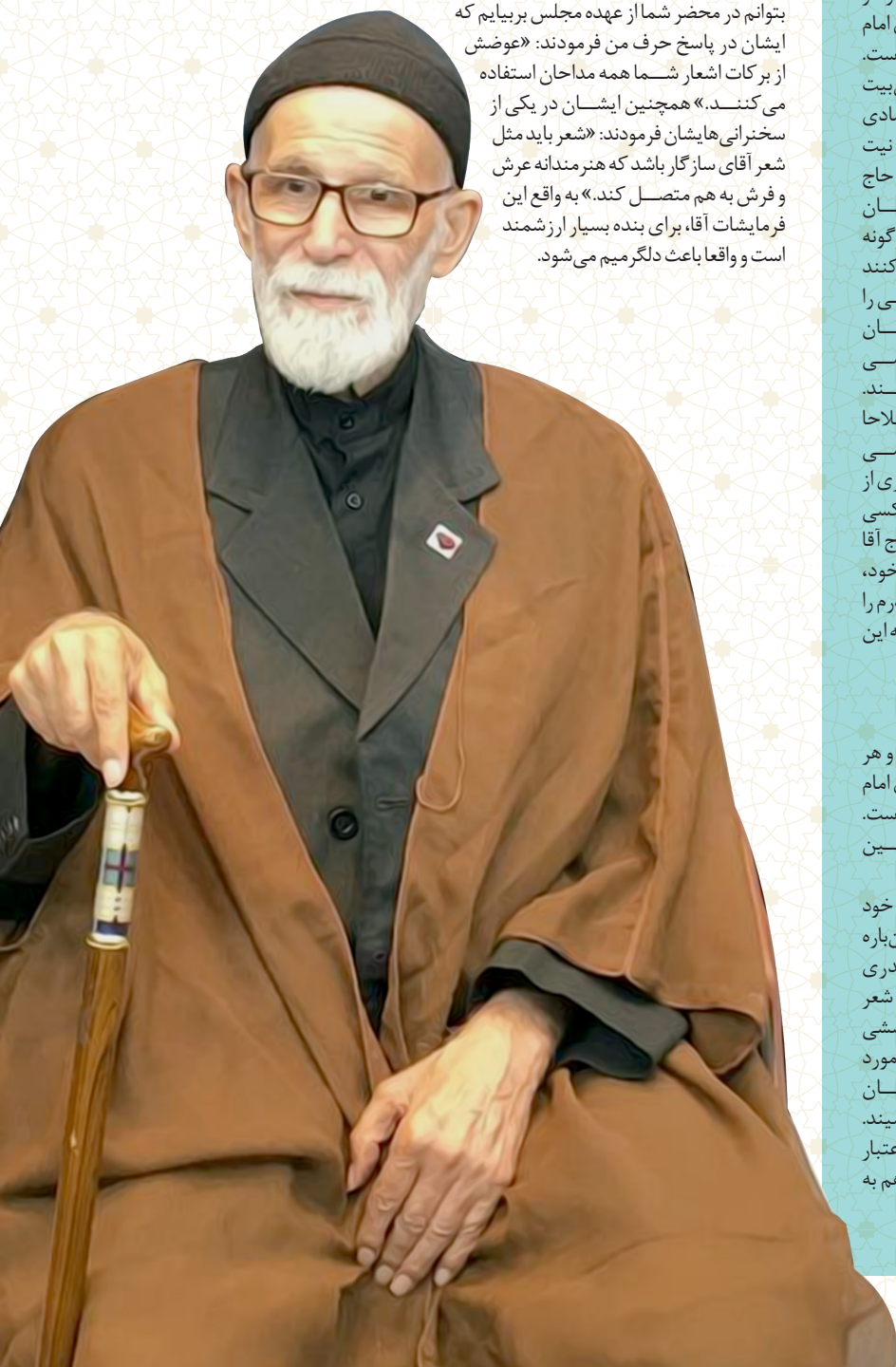
حاج آقا! می خواهیم کمی هم از خانواده تان برایمان بگویند. یعنی چهره استاد غلامرضا سازگار در قاب خانواده.

قبل از هر چیز باید به این نکته اشاره کنم که من واقعا مدیون خانواده ام هستم، چون در همه حال همراهیم کرده اند. حتی زمانی که می خواستم کتاب هایم را چاپ کنم، همه اشعارم پراکنده بود و جمع آوری این اشعار، اصلا کار ساده ای نبود اما خانمم زحمت زیادی کشید تا کتب شعرهایم به چاپ برسد. خود ایشان از خادمان اهل بیت هستند و خیلی خوب مرا درک می کنند. به همین خاطر هر گاه که می خواهم شعر جدیدی بگویم، محیط مناسبی را برایم فراهم می کنند تا در آرامش به کارم برسم.

در بسیاری از مواقع سبک زندگی مداحان مورد توجه قرار دارد و خصوصا مردم دوست دارند که خانواده هایشان از پیر غلامان اهل بیت الگو بگیرند، بنابراین می خواهیم کمی از روابطتان با اهل خانه برایمان بگویند. خدا را شکر همسرم بیشتر از من به اهل بیت

با ایشان و خاطراتی که از این دیدارها دارید. یکبار که نزد حضرت آقا رفته بودم با بیان حکایتی برای ایشان عرض کردم که روزی فردی خدمت امام موسی ابن جعفر علیه السلام رسید و عرض کرد: یا بن رسول الله! من چیزی نداشتم که به خدمت شما بیاورم، جز سه خط شعر که در ثنای امام حسین علیه السلام سروده ام. لذا به اذن امام علیه السلام شعر را قرائت کرد و امام علیه السلام نیز در جواب این سروده و اظهار ارادت، تمام هدایایی که از صبح نزد ایشان آورده بودند را به او داد. پس از نقل این حکایت به آقا (مقام معظم رهبری) عرض کردم که من نیز ۳۰ خط شعر سروده ام که ایشان نیز با شوخ طبعی همیشگی خودشان، آب پاکی را روی دستم ریختند و فرمودند: «ولی برای ما هدیه نیاورده اند!»

البته شما همیشگی یکی از شاعران مورد توجه ایشان هستید. به لطف خداوند همینطور است. در یک ملاقات خصوصی که به همراه جمعی از مداحان با حضرت آقا داشتیم، به ایشان عرض کردم که من دیگر پیر شده و آن صدای جوانی را ندارم که بتوانم در محضر شما از عهده مجلس بر بیایم که ایشان در پاسخ حرف من فرمودند: «عوضش از برکات اشعار شما همه مداحان استفاده می کنند.» همچنین ایشان در یکی از سخنرانی هایشان فرمودند: «شعر باید مثل شعر آقای سازگار باشد که هنرمندانه عرش و فرش به هم متصل کند.» به واقع این فرمایشات آقا، برای بنده بسیار ارزشمند است و واقعا باعث دلگرمی می شود.



زهیر سازگار:

برای پدر یک آفرین از امام حسین مساوی است با تمام دنیا

زهیر پسری است که به لطف بزرگ شدن در آغوش پدری همچون حاج غلامرضا سازگار، از کودکی علاقه زیادی به مداحی داشته و سرانجام نیز توانسته قدم در مسیر او بگذارد. کسی که تمام داشته هایش را مدیون پدر است و از داشتن چنین استادی به خود می بالد. او در توصیف پدر خود می گوید: «ایشان هر کاری می کنند و هر قدمی برمی دارند، فقط و فقط برای امام حسین علیه السلام و رضای خداوند است. ایشان خودشان را کاملا وقف اهل بیت کرده اند و به هیچ عنوان در گیر دنیای مادی امروزی نشده اند. چه بسا که خلوص نیت و تواضع، مهم ترین درسی است که از حاج آقا گرفته ام.» او ادامه می دهد: «ایشان آنقدر متواضع هستند که عاری از هرگونه خودستایی و تکبر با مردم رفتار می کنند و واقعا هیچ وقت ندیده ام که روی کسی را زمین بیندازند. گاهی می بینیم که ایشان ساعت ها در حال مکالمه تلفنی با کسی هستند که خیلی هم او را نمی شناسند. به واقع هیچ وقت ندیده ام که اصطلاحا برای کسی کلاس بگذارند و روی کسی را زمین بیندازند، در حالی که بسیاری از مداحان بنام، حتی وقت ملاقات هم به کسی نمی دهند؛ شاید باورتان نشود اما حاج آقا هیچ وقت بین من و جوانان نزدیک به خود، فرق نگذاشته اند، به طوریکه خیلی ها پدرم را حتی بیشتر از پدر خود دوست دارند و به این موضوع اذعان می کنند.»

و دیگر؟

خلوص نیت. ایشان هر کاری می کنند و هر قدمی برمی دارند، فقط و فقط برای امام حسین علیه السلام و رضای خداوند است. برای حاج آقا، یک آفرین از امام حسین مساوی است با تمام دنیا.

زهیر سازگار که در برابر پدر پیر غلامش، خود را قطره ای در مقابل دریا می داند، در این باره می گوید: «توانایی من در شاعری، آنقدری نیست که هر وقت اراده کنم، بتوانم شعر بگویم اما دلم می خواهد شعرهایم جوشی باشد نه کوشی؛ درست مثل پدرم که مورد عنایت قرار گرفته اند و همه شعرهایشان جوشی بوده و واقعا به دل مردم می نشیند. امیدوارم با دعای خیر پدرم که صاحب اعتبار نزد ائمه هستند، این بزرگان، نگاهی هم به بنده حقیر داشته باشند.»

هیأت

حاج خانم منصوری از همسرش
حاج غلامرضا سازگار می‌گوید:

در اخلاق و زندگی حرف ندارند

قطعا زندگی با یک مداح آنهم مداحی که تمام زندگیش را وقف ائمه اطهار علیهم‌السلام کرده است، کار آسانی نیست اما حاج خانم منصوری سال‌های سال در چنین شرایطی زندگی کرده و همواره از بودن در کنار حاج آقا سازگار خوشحال و راضی بوده است. حاج خانم منصوری که خود نیز از خادمان اهل بیت به شمار می‌رود به تفسیر و سخنرانی در روضه‌ها می‌پردازد. او در رابطه با همسر خود می‌گوید: «همیشه دلم می‌خواست با یک روحانی ازدواج کنم که خداوند ایشان را پیش رویم قرار دادند، بنابراین در تمام این سال‌ها نه تنها مشکلی با کارشان نداشتم، بلکه از این اتفاق بسیار راضی بودم. ایشان تمام زندگیشان را وقف اهل بیت علیهم‌السلام کرده‌اند که البته در این زمینه با هم بسیار تفاهم داریم. حاج آقا نگاه مذهبی فوق العاده‌ای دارند و دستورات ائمه اطهار را سرلوحه خود قرار داده‌اند که همین مسائل باعث می‌شود تا همسر و پدر ایده آلی برای خانواده باشند. به واقع ایشان در اخلاق و زندگی، حرف ندارند و همیشه در پی رضایت اطرافیان بوده‌اند.» او با اشاره به مهم‌ترین ویژگی‌های حاج آقا سازگار می‌گوید: «ایشان آنقدر خوش اخلاق و خوش رفتار هستند که گاهی فکر می‌کنم اصلا به این دنیا تعلق ندارند. به نظر من، کسی که خداترس باشد، خواه ناخواه به انسانی نمونه تبدیل می‌شود و همه از مصاحبت با او لذت می‌برند. حاج آقا در قبال همه، حتی آن‌هایی که قبلا به ایشان بدی کرده‌اند نیز همینطور هستند. گذشت و صبر از خصوصیات اصلی‌شان به شمار می‌رود. چه بسیار پیش آمده که چشمشان را به روی بدی‌ها بسته و حتی برای کنار گذاشتن کدورت‌ها پیشقدم شده‌اند. گاهی در این مواقع به ایشان اعتراض می‌کنم اما ایشان در پاسخ می‌گویند که هدفشان رضای خدا بوده است. من فکر می‌کنم، لطف خداوند است که می‌تواند این چنین با رفتارشان، درس زندگی و گذشت به اطرافیان بدهند.» حاج خانم منصوری ادامه می‌دهد: «ایشان همچنین در برابر مشکلات بسیار سرسخت هستند و همانطور که ائمه می‌فرمایند در سخت‌ترین مشکلات مثل کوه باشید، حاج آقا نیز در چنین شرایطی فقط می‌گویند: «این نیز بگذرد» که قطعا این دیدگاهشان از ایمان قوی و صبوری نسبت به مصلحت خداوند نشأت می‌گیرد.»



آقا زهیر از همان دوران کودکی، علاقه زیادی به مداحی داشت و خوشبختانه با همت و تلاش فراوان توانست به مداحی نامی و البته شاعری توانمند تبدیل شود. ۳۴ سال سن دارد و امروز یک مداح مطرح است، در حالی که خود من در سن او، از چنین جایگاهی برخوردار نبودم که با این شرایط، آینده بسیار خوبی را پیش روی او می‌بینم. البته آقا زهیر در راه شاعری نیز موفق خواهد بود.

آقا زهیر در انتخاب این راه آزاد بود یا از جانب شما هم اصرار و اجباری وجود داشت؟
نوکر امام حسین علیه‌السلام باید خودش به این کار علاقه داشته باشد و مهم‌تر اینکه، امام حسین علیه‌السلام باید او را انتخاب کند که به لطف اهل بیت علیهم‌السلام، آقا زهیر به این کار علاقه داشت و من هم تشویقش کردم. همه چیز فقط تشویق بود و هیچ اجباری وجود نداشت. البته باید بگویم که امروز واقعا از ورود پسر من به این وادی خوشحالم و حس خوبی دارم از اینکه می‌دانم بعد از من، آقا زهیر نام امام حسین علیه‌السلام را زنده نگه می‌دارد.

زنده نگه داشتن نام امام حسین علیه‌السلام توسط پدر و پسری که تنها مداحان خانواده سازگار هستند.
بله همینطور است. برادرهای من همگی در کار فرش هستند و راه من از آنها سواست. اتفاقا گاهی که با آنها صحبت می‌کنیم، به شوخی به برادرهایم می‌گویم شما در فرش هستید و من در عرش!

به عنوان سؤال پایانی می‌خواهیم بدانیم که چه کسی بیش از همه حق استادی بر گردنتان دارد؟
امروزم را مدیون لطف خداوند و اهل بیت هستم اما می‌خواهم یادی هم بکنم از استاد مرحوم حسین مولوی که در تکامل و ترقی من، زحمت بسیاری کشیدند. ایشان هم مداح بودند و هم شاعر که هیچ وقت زحماتشان را فراموش نمی‌کنم.

علاقه دارند و انسان مومنی هستند، بنابراین تفاهم زیادی داریم و کمتر با اختلاف سلیقه مواجه می‌شویم. البته اختلاف سلیقه میان زوج‌ها همیشه بخشی از زندگی است که رویارویی با آن، اهمیت زیادی دارد. خود ما در صورت وجود چنین شرایطی، پس از صحبت کردن به توافق می‌رسیم و هیچ وقت پیش نیامده که کار به بحث‌های بزرگ و جدی برسد.

پس خانواده خوشبختی هستند.

به لطف خدا همینطور است. همه دلخوشی ما، حاصل همین تفاهمی است که با هم داریم. من واقعا از انتخاب احساس رضایت می‌کنم و خدا را شاکرم که همیشه مرا به سمت بهترین انتخاب‌ها سوق داده است. درست مثل همین قدم گذاشتن در راه اهل بیت که سعادت بسیار بزرگی است.

برای رسیدن به خوشبختی توصیه‌ای هم برای جوان‌ها دارید؟

خداوند در قرآن می‌فرماید که زن و مرد باید لباس یکدیگر باشند. لباس به انسان‌ها زیبایی می‌دهد و آبرو، بنابراین جوان‌ها باید به اهمیت این مسئله پی برده و قدر یکدیگر را بدانند. به نظر من اگر زن و مرد، با هم رفیق باشند و همدیگر را درک کنند، تمام تلاش خود را برای برآورده ساختن انتظارات طرف مقابل به کار می‌گیرند و کمتر و کمتر با اختلاف مواجه می‌شوند و خوشبختی را احساس می‌کنند. متأسفانه امروز می‌بینیم که زن و شوهرها در دوران جوانی هیچ نشاطی ندارند و تمام وقتشان را به دعوا می‌گذرانند. این جوان‌ها زمانی به خود می‌آیند که فرصت عشق ورزیدن را از دست داده‌اند و هیچ لذتی از زندگیشان نبرده‌اند.

حاج آقا! از آقا زهیر هم برایمان بگویید. پسری که تنها وارث راه پدر خواهد بود.

چیزهایی که باید درباره یکی از گناهان کبیره رایج بدانید، درباره غیبت

درگوشی‌های شیطانی

یکی از معروف‌ترین آیه‌های قرآن در نکوهش گناهان کبیره، آیه ۲۱ سوره مبارکه حجرات است، آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «...و لا یغتب بعضکم بعضا...» احدکم این‌ها را به کل لحم اخیه میتافکر هتموه... و برخی از شما از دیگری غیبت نکنند. آیا هیچ‌یک از شما دوست دارد گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ البته از آن کراهت دارد و...» خیلی‌ها این آیه را در مذمت غیبت کردن شنیده‌اند. غیبت جزو گناهان کبیره است که این آیه به خوبی میزان زشتی و بزرگی آن را در مقایسه با خوردن مردار نشان می‌دهد. یک جست‌وجوی ساده اینترنتی هم انجام بدهید به کلی روایات از پیامبر صل‌الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام در نکوهش این گناه کبیره می‌رسید. اما شاید خیلی از ما با جزئیات مربوط به این موضوع آشنا نباشیم و مصداق‌های آن را ندانیم. یا ندانیم که وقتی دیگران مقابل ما غیبت می‌کنند وظیفه دینی ما چیست. در این صفحه سعی شده این جزئیات بیان شود.

آیا بیان چیزی که همه می‌دانند غیبت است؟

همانطور که در تعریف غیبت گفته شد، باید بیان چیزی باشد که از دیگران پنهان است. بنابراین اگر بیان یک عیب شخص غایب طوری باشد که همه بدانند دیگر غیبت محسوب نمی‌شود. البته ممکن است گناهان دیگری مثل مسخره کردن دیگران باشد. یک نکته مهم هم این است که پنهان یا ظاهر بودن این عیب باید عرفی باشد، نه براساس مخاطب شما. پنهان عرفی زمانی است که معمولاً کسی از آن عیب خبر ندارد یا بیشتر مردم اطلاعی ندارند. ظاهر عرفی هم آن است که مردم معمولاً می‌دانند این شخص دچار این عیب یا نقص است؛ اگر چه عده‌ای هم بی‌اطلاع باشند.

آیا تقلید لهجه شهرهای دیگر غیبت است؟

این هم یکی از موارد مبتلا به باشد که زیاد در زندگی روزمره با آن مواجه می‌شویم. در پاسخ کلی به این سؤال باید گفت که این کار غیبت محسوب نمی‌شود، چون نه لهجه یک شهر از کسی پنهان است و نه اصلاً برای افراد آن شهر یک عیب محسوب می‌شود. اما تقلید از لهجه‌های مناطق مختلف، در صورتیکه برای تمسخر و استهزاء باشد، در حرام بودن آن هیچ شکی نیست. فرقی هم نمی‌کند که لهجه عمومی شهری را تقلید کند، یا شخص خاصی را. فقط فرقی در حلالیت طلبیدن است، یعنی در تقلید لهجه یک شخص باید فقط از همان شخص حلالیت بطلبید. این نکته را هم بدانید که گاهی تقلید لهجه برای تمسخر نیست، خوب در این صورت این کار حرام نخواهد بود.

بیان عیب فرد، بدون قصد گفتن بدی او غیبت است؟

این هم در مواردی است که در تعریف غیبت به آن اشاره شده است. یعنی اگر شما از بیان عیب یک نفر، قصد بیان بدی او و مزمت کردنش را نداشته باشید غیبت محسوب نمی‌شود. شاید با یک مثال بیشتر مشخص شود که چنین چیزی چطور ممکن است. مثلاً یک نفر به پدری بگوید که فرزند تو فلان گناه را انجام می‌دهد. اینجا قصد فرد بیان بدی آن فرزند نیست، بلکه قصد اصلاح او به کمک پدرش را دارد. یا مثلاً به یک نفر اتهام جنایتی داده شده است و شما می‌گویید که فلانی آنقدر ترسو است که چنین کاری نمی‌تواند انجام بدهد. شما دارید ترسو بودن فرد را به عنوان یک عیب بیان می‌کنید، اما قصدتان مزمت و بیان بدی او نیست، بلکه می‌خواهید او را از این اتهام نجات دهید.

غیبت می‌تواند در مورد یک گروه هم باشد؟

نکته مهم در این زمینه این است که شما بدانید غیبت‌شونده باید مشخص باشند. اگر عیبی غایبی بیان شود که شنونده میان چند نفر مردد باشد که منظور چه کسی است، این غیبت محسوب نمی‌شود. مثلاً شما بگویید که یک نفر از میان آن جمع دروغگو است. اما اگر شما عیب را به تمام آن جمع غایب نسبت دهید این غیبت به حساب می‌آید. مثلاً بگویید که همه اعضای آن خانواده دروغگو هستند.

غیبت چیست و چه شرایطی دارد؟

تعریف: غیبت یعنی در غیاب یک نفر، عیب پنهان او را به قصد مذمت و بیان نقص‌هایش بگوییم. جزئیات این تعریف اهمیت خاصی دارد و باید مدنظر قرار گیرد. چون اگر شرایط گفته شده در تعریف محقق نشود، عنوان غیبت که یک گناه کبیره است به آن گفته نخواهد شد.

نکته ۱: گناه کبیره بودن غیبت بسیار اهمیت دارد. چون اگر عملی از نظر اسلام جزو گناهان صغیره باشد، نه از گناهان کبیره، با یک بار انجام دادن آن، یک فرد از عدالت نمی‌افتد. ولی اگر بر این گناه صغیره اصرار کند، از عدالت می‌افتد. اما اگر عملی از گناهان کبیره باشد، با یک بار انجام دادن، فرد از عدالت ساقط می‌شود. عدالت هم شرط بسیاری از مسائل در احکام شرعی است. مثلاً یکی از شروط امام جماعت، داشتن عدالت است.

نکته ۲: کسب درآمد از راه غیبت هم جزو درآمدهای حرام در احکام شرعی بیان شده است.

گفتن خوبی یک نفر هم غیبت است؟

در غیبت باید عیب یک نفر گفته شود، اما آیا گفتن خوبی یک نفر با وجود راضی نبودن طرف هم غیبت محسوب می‌شود؟ پاسخ فقها به این سؤال این است این موضوع غیبت محسوب نمی‌شود. در حقیقت بیان یک ویژگی فرد که جزو موارد خوب است، ولی پنهان بوده و گفتن آن هم باعث ناراحتی فرد می‌شود، غیبت به حساب نمی‌آید. حتی اگر یک فرد قصدش از بیان این خوبی، مزمت شخص غایب باشد باز هم غیبت نیست. مثلاً بگوید که فلانی هر چه دارد به فقرا می‌دهد و به همین دلیل همیشه جیبش خالی است. یادتان باشد که یک خصوصیت زمانی عیب است که از نظر شرع و عرف ناروا باشد.

چه چیزهایی در تعریف غیبت، عیب است؟

همانطور که گفته شد این عیب باید مبنای عرفی و دینی داشته باشد. اگر این مبنا وجود داشت، بیان هر نقصی از یک فرد غایب، غیبت به حساب می‌آید. حالا ممکن است این عیب و نقص در دین او باشد یا در دنیای او، می‌تواند خصوصیتی از او باشد یا کارهایی که انجام می‌دهد. حتی این عیب می‌تواند در خصوص حرف‌هایی که او می‌زند باشد. یا اینکه بدن او دارای عیبی است و آن را بیان کند. در ضمن ممکن است شما عیب متعلقات یک نفر را در غیاب او بگویید. اگر بیان این عیب متعلق، به نوعی بیان عیب خود فرد غایب بشود غیبت خواهد بود، مثلاً بگویید که لباس‌های یک نفر کثیف است و منظور هم این باشد که طرف فرد کثیفی است. خوب این غیبت است. اما زمانی که گفتن عیب یک متعلق، بیان عیب فرد غایب نباشد غیبت نخواهد بود.

هیأت

آیا غیبت ر حال سیاسی جایز است؟

اگر مقصود بر ملا کردن عیب‌هایی در امور شخصی و خصوصی یک فرد سیاسی به قصد مزمت او باشد قطعاً غیبت خواهد بود. اما گاهی در مقام مشورت و نصیحت در بحث‌های سیاسی، ما درباره ر حال مختلف صحبت می‌کنیم. اگر کسی درباره امری با شما مشورت می‌کند و این امر مستلزم غیبت از فرد دیگری است؛ مثلاً کسی در مورد خواستگار دخترش با شما مشورت می‌کند، اگر بخواهید به او مشورت بدهید و نصیحت کنید، ناچارید از خواستگار غیبت کنید. یا کسی می‌خواهد با دیگری شراکت مالی داشته باشد و با شما مشورت می‌کند. یا شخصی در نظر دارد فردی را در منصب مهمی بگمارد و با شما مشورت می‌کند. در اینجا لازم است که از آن شخص غیبت کنید. در ضمن غیبت کردن اگر برای اطلاع دادن به مسئولی که می‌تواند جلوی یک تخلف را بگیرد، جایز است. یا اگر در انتخابات، برای انتخاب اصلح اگر در مورد شخصی سؤال بکنند گفتن آن مسائلی که مربوط و مؤثر در آن انتخاب است و مرتبط با مسئولیت خواهد بود اشکالی ندارد.

آیا غیبت را باید گفت، یعنی باید به زبان باشد؟

در پاسخ به این سؤال هم باید گفت که غیبت، ظاهر کردن عیب یک فرد غایت است، حالا یا با زبان یا با هر کار دیگر. مثلاً چنانچه با اشاره دست، عیب کسی بیان شود، مثلاً کم عقل بودن کسی را بفهمانند؛ این اشاره غیبت محسوب می‌شود. یا با کار یکتاتور، بخل یا سارق بودن کسی را بفهمانند یا در کتابی نوشته شود؛ هر چند این کتاب هم اکنون خواننده ندارد، اما چند سال دیگر منتشر شده، خواننده پیدا می‌کند، این هم غیبت است. مثلاً کسی که از عیب یک نفر فیلم می‌گیرد و آن را به دیگران نشان می‌دهد این هم نوعی غیبت است. یا مثلاً در فضای مجازی، عیب یک نفر را برای دیگران بیان می‌کند که باز هم حکم غیبت را دارد.

غیبت کودک و آدم دیوانه جایز است؟

اگر کودک به سنی رسیده باشد که بفهمد از او بدگویی می‌کنند و از این بدگویی ناراحت شود و چنانچه از او تعریف و ستایش کنند، خوشحال شود، بدگویی از او غیبت و حرام است. اما اگر آنقدر کوچک باشد که از بدگویی‌اش ناراحت نشود. غیبت کردن فرد دیوانه هم درست مثل همین کودک است. اگر فرد دیوانه بدگویی را می‌فهمد و ناراحت می‌شود بدگویی در غیاب او غیبت خواهد بود، در غیر این صورت غیبت نیست.

آیا غیبت حلال هم داریم؟

پاسخ این سؤال «بله» است، اما بحث آن بسیار مفصل خواهد بود که شاید در آینده صفحه‌ای را به این موضوع اختصاص دهیم. اما به طور کلی بدانید که غیبت فاسق متجاهر، یعنی کسی که ابایی نداشته باشد از اینکه مردم گناهش را ببینند یا بفهمند جایز است. اگر فردی مورد ظلم قرار گرفته هم می‌تواند به عنوان مظلوم غیبت آن ظلم ظالم را بکند که همان شکایت کردن است. یک مورد دیگر هم وجود دارد که در اصطلاح فقهی به آن «تزاحم بین دو حکم» می‌گویند. یعنی هرگاه بین حرام بودن غیبت و حکم دیگری تداخل وجود داشته باشد، به گونه‌ای که مصلحت آن حکم مهم‌تر از مصلحت ترک غیبت، یا مهم‌تر از مفسده غیبت باشد، در اینجا آن حکم اولویت دارد.

آیا غیبت غیر مسلمان را می‌توان کرد؟

حرام بودن غیبت مربوط به غیبت مسلمانان است. پس شما اگر عیب یک فرد غیر مسلمان را بگویید غیبت محسوب نمی‌شود. حالا شاید این سؤال مطرح شود که آیا گفتن عیب فرد غایبی که سنی است و شیعه نیست هم غیبت محسوب می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال گفته‌اند که غیبت مسلمان به طور کلی حرام است، چه شیعه ۱۲ امامی باشد یا سنی و غیر امامی. البته فرقه‌هایی از میان مسلمانان که محکوم به کفر هستند در این حکم استثنا شده است.



هیأت

گفت و گو با حجت الاسلام کدخدا رستم پیرامون وظایف منبری ها و جایگاه منبر

منبری ها باید تاریخ را به مقتضای زمان تفسیر کنند

این روزها به مناسبت فرارسیدن ایام فاطمیه و شهادت بانوی دو عالم حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها دوباره هیأت های مذهبی رونق گرفته اند و در گوشه گوشه شهرهای توان بیرق عزای فاطمی را دید. قطعاً یکی از مهم ترین اجزای هیأت های عزاداری، منبرها هستند. درباره نقش و کارکردهای منبر در هیأت که از اصلی ترین ارکان تبلیغ دین از زمان رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بوده با حجت الاسلام کدخدا رستم به گفت و گو نشستیم. این که در ادامه این گفت و گورامی خوانید.

آیا این ایراد به منبری ها وارد است؟ باید

برای جذب مستمع چه کرد؟

بنده ایراد را خیلی اوقات به منبری نمی گیرم به امنای می گیرم. آیا پیش آمده که یک هیأتی منبری را دعوت نکند و به او بگوید که در فلان موضوع صحبت کنید؟ بلکه فقط دعوت می کنند و نشده که موضوع صحبت را انتخاب کنند. به طور مثال من یک مبحثی انتخاب می کنم که دهه اول در مورد آن سخنرانی کنم منبری دوم با من ارتباط ندارد و او همان مبحث را در قالب دیگری می گوید ولی

و می گویند منبر محوری واقعیت این است که نه سخنرانی محوری است نه منبر محوری بلکه مداح محوری است و اگر منبری هم هست مقدمه ای برای جمع شدن یک عده از دوستان و طرفداران اهل بیت برای مداحیست. که البته آنهم مورد قبول است. این دو دیدگاه وجود دارد اما دیدگاهی که در هیأت های محلی و مساجد داریم تقریباً منبر محور است و برنامه اصلیشان منبر است. بعد منبر حدود ده دقیقه عزاداری انجام می دهند. در دیدگاه دوم منبری یا واعظ فرد مطرحی هم است همچنین صاحب سخن ولی بدون تعارف بگوئیم منبر جایگاهی ندارد.

در این سال های اخیر وضعیت منبرها و

استقبال مخاطبین در هیئات را چطور می بینید؟

در هیأت های پیمان در مورد منبر دو نوع برخورد می شود ابتدا یک سری هیأت های قدیمی را داریم که هیأت های اصطلاحاً خیلی مطرحی نیستند اما سالیان سال است که برقرار هستند و به تعبیری شاید شصت هفتاد سال قدمت دارند. در این هیأت ها عموماً منبر رکن است. مردم به منبر توجه می کنند و اما متأسفانه یک پدیده ای که اخیراً به وجود آمده این است که بعضی هیأت ها منبر در حاشیه قرار می گیرند. در واقع به رغم شعاری که داده می شود



منبر جای تئوری دادن نیست

حجت الاسلام کدخدارستم به یکی از آسیب‌های منبرها در سال‌های اخیر اشاره می‌کند و می‌گوید: «یک نکته‌ای که بارها هم در جلسات مختلف با خود دوستان عرض کردم این است که منبر به جایگاه تئوری پردازی تبدیل شده است و بالای منبر تئوری ارائه می‌دهند. کاری به موضوعش نداریم در صورتی که منبر جای تئوری دادن نیست. منبر که دانشگاه تهران یا مثلا حوزه علمیه نیست که مخاطبینت خاص باشند شما یک چیزی را می‌گویید و می‌روی و به قول حاج آقای مجتهدی که می‌گفتند: سنگی را می‌اندازی و می‌روی این بیچاره چه جور این را بلند بکند کاری ندارد و این می‌شود یک مصیبت یکی از ایرادهای دیگری گفتن احادیث معنوی و معرفتی بالای منبر است که اینها نیاز به مقدماتی دارد. جایش بالای منبر است اما اینها کلاس درس می‌خواهد من اعتقادم این است که اگر می‌خواهیم بحث‌های معرفتی، بحث‌های عرفانی اهل بیت را بگوئیم خیلی باید حواسمان جمع باشد چراکه مخاطب منبر ما مخاطب عام است.»

وظیفه‌امنا دو چیز کلی است، اول آسیب شناسی؛ آسیب شناسی از آن جمع و مکانی که در آن قرار گرفته‌اند تا براساس آن آسیب شناسی بتوانند جذب داشته باشند و اگر می‌گوئیم آسیبی نیست بینیم چه چیزی باعث رشد و تعالی است آن را شناسایی کنیم براساس آن دوباره برنامه‌ریزی کنیم این دو کار عمده است که باید امنا انجام بدهند به رغم کارهای دیگری که انجام می‌دهند.

آیا مخاطب شناسی در منبرها اتفاق

افتاده است؟

مخاطب ممکن است جوان، مسن، زن، مرد و یا مخلوطی از اینها باشد و این دیگر هنر آن منبری است که مخاطب شناسی کند که این بحث را چطور ارائه بکند تا به دل بنشیند و به نظر مردم دوستان تا حدی در این زمینه موفق بوده‌اند.

آیا جمله سیاست ما عین دیانت ما و

دیانت ما عین سیاست ماست در منبرها تجلی

پیدا کرده است؟

من معتقدم احکام هم می‌تواند سیاسی باشد. همینطور تاریخ، اخلاق و... منتهی این هنر منبری است که تطبیق به زمان کند. به قول مرحوم علامه طباطبایی که می‌فرمایند «تاریخ فی نفسه به درد ما نمی‌خورد. بلکه این فلسفه تاریخ است که به درد ما می‌خورد. یعنی از این تاریخی که ما می‌گوییم چه برداشتی می‌خواهیم بکنیم چه الگویی خواهیم گرفت. اینجا باید منبری بتواند از دل تاریخ آنچه مقتضای زمان است را بیرون بکشد. سال‌ها پیش یکی از خطبای جمعه می‌فرمود که اوایل خطبه که می‌خواندیم خطبه اول سیاسی و خطبه دوم هم سیاسی بود امام اعتراض کرد و فرمودند اینکه نمی‌شود شما دو خطبه نماز جمعه را همه‌اش را سیاسی کرده‌اید. یک خطبه لاقال عبادی باشد. و بعد تقسیم شد که یک بخشی به سیاست و یک بخشی به اخلاق و دیانت بپردازد. نباید منبر دچار سیاست زدگی بشود. بنده معتقدم که سیاست ما باید چاشنی منبر باشد. در مقابل وقتی که ما از مردم می‌گیریم باید در روز قیامت جوابگو باشیم.

به نظر شما علت اینکه برای شروع منبر

استقبال و شور کم است چیست؟

نکته اول اینکه منبری باید همیشه مطلب برای گفتن داشته باشد و مطلبش هم نو باشد، مردم یک شبه در مورد واعظ یا منبری نظر نمی‌دهند بلکه چندین جلسه پای منبر من نوعی نشسته‌اند. وقتی که مستمع می‌بیند که من حرف‌هایم تکراری شده و حرف نو برای گفتن ندارم و تنها یک دوره‌ای به قول معروف در دهان‌ها افتاده‌ام متوجه می‌شود که همان حرفی که در یک هیأتی زده‌ام اینجا هم می‌زنم و حرف‌هایم تکراری است باید حق بدهیم که مستمع برود. نکته دوم این است که یک زمانی سخنران حرف نو دارد اما مستمع اعتماد و اعتنا نمی‌کند بهتر است که یک نوع ترتیب اثرهایی بدهند مثل کارهایی که استاد قرائتی برای سخنرانی می‌کنند مسابقه بگذارند و جایزه بدهند یا مثلا ملزم به اینکه مستمع قبل از سخنرانی بداند سخنران چه خواهد گفت براساس آن سه تا چهار سؤال طرح کرده باشند و پخش شود.



اصل همان است و چیزی عوض نشده پس باید به مستمع حق بدهید که گوش ندهد چراکه مستمع حرف تکراری با چهار داستان و روایت متفاوت را می‌شنود ولی موضوع ثابت است. در نتیجه مستمع بی‌رغبت می‌شود. پس راه جذب مستمع چه جوان چه غیر جوان این است که امنای هیأت‌ها یک چارچوب و برنامه درازمدتی داشته باشند. مثال می‌زنم شما الان دعای جوشن کبیر را آشنا هستید همه مردم حداقل سالی یک بار می‌خوانند. هزار اسم خداوند در آن بیان شده و صد بند دارد. اگر شما صد منبری را دعوت کنید و هر منبری یک بند را در موردش شرح بدهند شما صد منبر نو دارید. درست است شرح اسما الحسنی خداست ولی موضوع جدیدی است. این جذب می‌کند اما وقتی ما چنین دستورالعملی نداریم و تکرار پشت تکرار خب حق بدهید که مستمع جذب نشود. من می‌خواهم اینجا از مداحی دفاع کنم چرا مستمع به سمت مداحی می‌رود؟ چرا که شعر و سبک نو دارد که جذب کننده است و سبک یک مداح در این دهه با دهه قبل فرق دارد. من عرض این است اگر کسی می‌خواهد کاری کند باید ابتدا یک تصمیم‌گیری و یک برنامه‌ریزی و براساس آن برنامه منبری دعوت کند. معتقدم باید در این قضایا حتماً منافعال باشند که مستمع هم جذب شود. چرا که آن کسی که ثابت در این هیأت حضور دارند امنا هستند.

وظایف امنای هیئات را چه می‌دانید؟



هیأت

در کنار هیأت‌ها و مراسم‌های عزاداری
می‌توانید خودتان هم مقتل خوانی کنید

خودمان روضه بخوانیم

این روزها، نیازی نیست که دنبال مجلس عزاداری بگردید؛ همه جای شهر، مجلس عزاداری است. کافی است پایتان را بیرون بگذارید، آن وقت است که می‌بینید همه‌جا، حسینی شده است. حتی نیازی نیست پای‌تان را بیرون بگذارید؛ دسته‌های عزاداری داخل کوچه و محله‌تان می‌آیند و روضه‌ای و عزاداری‌ای و... حتی اگر پنجره دوجداره هم داشته باشید، کافی است تلویزیون و رادیو را روشن کنید، آن وقت است که می‌توانید پای روضه‌ها و عزاداری‌ها و... بنشینید. گفتیم که: همه‌جا حسینی شده است. اما می‌دانید، گاهی وقت‌ها آدمی، همه اینها را می‌رود، اما دلش می‌خواهد که خودش بخواند و خودش بگرید. گاهی وقت‌ها، حتی از مجلس روضه و عزا و مسجد هم که بر می‌گردیم، باز هم دل‌مان می‌خواهد بخوانیم و بگرییم. و نیز وقت‌هایی هم هست که مجلس‌ها، به حالت استراحت‌اند تا بتوانند خودشان را برای مراسم و مجلس بعدی آماده کنند؛ مثل ساعت‌هایی در تاسوعا و عصر عاشورا و نیز روزهای بعدترش. پیشنهاد ما، این است که برای چنین لحظه‌هایی، در کنار مجالس روضه و عزا و مساجد، به روضه‌خوانی‌های شخصی هم فکر کنید.

حال روح‌تان را میزان کنید

است؛ پس اگر نشاط روحی نداشتید، نباید انجامش دهید؛ چون اثری ندارد. لحظه‌هایی که خواستید روضه‌خوانی شخصی کنید، ببینید وضعیت روحی‌تان چطور است. اگر نشاط روحی داشتید، روضه‌خوانی شخصی کنید. در این صورت، روضه‌خوانی روی شما حسابتی اثر می‌گذارد و اشک‌هایتان را جاری می‌کند. چنین روضه‌خوانی، حسابتی هم به شما می‌چسبد و روح‌تان را، ترو تازه می‌کند.

یادتان باشد که مستحبات، زوری نیستند. حضرت امیر علیه‌السلام، حدیثی دارد بدین منوال که حال روح شما، بعضی وقت‌ها خیلی خوب است و خیلی سر حال است، و بعضی وقت‌های دیگر هم حال روح شما، خوب نیست. وقت‌هایی که حال روح‌تان خوب است و نشاط دارد، آن را به مستحبات ببندید. وقتی هم که روح شما نشاط ندارد، به واجبات اکتفا کنید و بیشتر از آن انجام ندهید؛ چون زده می‌شوید. روضه‌خوانی هم یک مستحب موکد

هیأت

نگران اشک‌های زیادی نباشید

یک نکته طب سنتی را هم اگر بدانید، خیلی به شما کمک می‌کند. طبق گفته متخصصان طب سنتی، مغز انسان طبیعتی مرطوب و سرد دارد. طبق گفته همین اشخاص، گریه هم ۲ مدل دارد؛ گریه‌ای که سرد و تر است و نیز گریه‌ای که گرم و تر است. گریه‌های سرد و تر، گریه‌هایی هستند که بر مصیبت خودمان می‌کنیم؛ در نتیجه بر سردی و رطوبت مغز اضافه می‌کنند. هر چقدر سردی و رطوبت مغز افزایش پیدا کند، غمی هم که احساس می‌کنیم، بیشتر می‌شود. در این صورت، حتی ممکن است به افسردگی هم برسیم. اما اشک بر اهل بیت، نه تنها افسردگی نمی‌آورد، که حتی نشاط و شغف به همراه دارد. چرا؟ این متخصصان این مدل اشک‌ها را، اشک گرم می‌نامند که هدفدار بوده، ابتدا با سوز همراه است و سپس، به اشک منتهی می‌شود. پس زیاد نگران زیاد شدن اشک‌های اهل‌بیتی‌تان نباشید.

جای ساکتی را انتخاب کنید

معمولاً اعمال معنوی، جدا از ذکرهایی که در همه احوال گفته می‌شود، باید با حضور قلب و سکوت و تمرکز همراه باشد. وقتی که می‌خواهید در ساعت‌های آزادماه محرم، برای خودتان روضه‌خوانی کنید، بهتر است که جای ساکتی را انتخاب کنید. حالا یا اتاقی جدا باشد، یا اگر خانه‌تان شلوغ و کوچک است، به بیرون خانه بروید و جای خلوتی را که به شما تمرکز و حضور قلب می‌دهد، انتخاب کنید. سعی کنید که با وضو هم باشید. اگر قبل از روضه‌خوانی هم یک زیارت عاشورایی بخوانید، که دیگر فوق‌العاده است. اما حتی اگر زیارت عاشورا را هم نخوانید، بهتر است که وضو داشته و جای ساکتی را انتخاب کنید. حتی می‌توانید به اعضای خانواده بسپارید که سکوت را رعایت کنند.

درباره فلسفه عاشورا مطالعه کنید

است که می‌توانیم هم شور داشته باشیم و هم شعور. در این صورت، روضه‌هایی که می‌خوانیم، بر ایمان ملموس‌تر است. به این منظور، می‌توانید کتاب‌هایی را مطالعه کنید؛ مانند امام حسین شهید فرهنگ پیشرو انسانیت از علامه جعفری، حسین علی‌اثر موبد، جلد شانزدهم نقش‌نامه در احیای دین از علامه عسکری، ۷۲ سخن عاشورایی از مقام معظم رهبری، فتح خون از آوینی، حماسه حسینی از علامه مطهری و...

پیش از روضه‌خوانی، کمی هم باید از فلسفه عاشورا و قیام حسینی بدانید. در طول تاریخ، مظلومان بسیاری قربانی ظالمان شده‌اند؛ باشد کم و زیادتر از واقعه عاشورا. حتی برهه‌هایی داشته‌ایم که جمعیت ده‌ها هزار نفری از مردم شهری، به علت اینکه تسلیم نشده‌اند، قتل شده‌اند. یاد همین عصر ما، سربازان داعشی مردان را، جلوی همسران‌شان سر می‌برند! اما چرا عاشورا و چرا امام حسین علیه‌السلام؟ مگر این قیام، چه تفاوتی با دیگر قیام‌ها دارد؟ باید این تفاوت‌ها را بدانیم و بشناسیم. در این صورت

چه کتاب‌هایی برای روضه‌خوانی خوب‌اند؟

و اما بعد، می‌رسیم به کتاب‌هایی که لازم است داشته باشید تا بتوانید از روی آن‌ها، روضه‌خوانی کنید؛ کتاب‌هایی که حتی می‌توانید از دیگران، به عاریت بگیرید. البته وقتی می‌گوییم روضه‌خوانی، منظورمان روضه‌های به سبک مداحان ما نیست؛ که مثلاً با لحن و صوت خاصی باشد و دستگاه‌های موسیقی خاصی هم داشته باشد. منظور، این است که بالاخره این روضه‌ها، خوانده شوند؛ توسط خود شما و به سبک معمولی یا کمی نزدیک به سبک ترتیل‌وار؛ همین. مطالعه کتاب زیتون، که ترجمه الخصائص الحسینیة دانشمند شهیر شیخ جعفر شوشتری است، می‌تواند گزینه خوبی برای شروع باشد. این کتاب، هم می‌تواند هدف قبلی شما را عملیاتی کند، هم هدف روضه‌خوانی را، یعنی در آن، هم درباره مقام بلند امام حسین علیه‌السلام سخن گفته شده است، هم درباره وقایع روز عاشورا و رفتارها و سختی‌هایی که به او وارد شده است.

دیگر چه کتاب‌هایی بخوانیم؟

و دیگر کتاب‌هایی که می‌تواند منابع معتبری برای روضه‌خوانی شما باشند، می‌توان به کتاب مقتل جامع سیدالشهدا علیه‌السلام که پیشوایی نوشته است، اشاره کرد. این کتاب را، پیشوایی همراه با گروه محققان نوشته و منبع نابی برای این کار محسوب می‌شود. آیت‌الله ری‌شهری هم کتاب‌های خوبی در حوزه تاریخ اسلام و موضوعات مذهبی دارد؛ از جمله کتاب شهادت‌نامه امام حسین علیه‌السلام. به کتاب کامل الزیارات ابن قولویه قمی هم می‌توان به عنوان منبعی ناب برای مرثیه‌سرایی و روضه‌خوانی مراجعه کرد. علاوه بر این منابع، می‌توانید به کتاب روضه‌الشهدای ملا حسین واعظ کاشفی هم مراجعه کنید. یکی از دلایل نامگذاری مراسم‌های امام حسین به مراسم روضه‌خوانی، به این موضوع بر می‌گردد که در گذشته، کسانی که می‌خواستند مداحی امام حسین علیه‌السلام را بکنند، از روی این کتاب می‌خواندند. باز خوانی کتاب‌های از مدینه تا مدینه محمد مهدی تاج لنگرودی، منتهی الآمال شیخ عباس قمی و مقتل مرقم سیدعبدالرزاق مرقم هم خالی از لطف نیست.

روضه همراه یک پیشنهاد برای این روزهای شما

اگر نیت کرده‌اید که هر از چندی، در کنار هیأت و مساجد و مراسم‌های عزاداری، روضه‌ای هم بخوانید و اشک بیش‌تری هم بریزید، البته همه چیز، به کتاب‌های چاپی ختم نمی‌شود. این روزها تلفن‌های همراه، واقعاً می‌توانند در بسیاری از زمان‌ها، همراهان خوبی هم برای شما باشند.

■ از جمله اینکه می‌توانید فایل‌های صوتی روضه‌های مختلف را، دانلود کنید روی گوشی هایتان و در وقت‌های آزاد، از آنها استفاده کنید. می‌توانید هر فایل صوتی را هم نامگذاری کنید تا در هر نشستی، یک یا دو روضه را گوش کنی. متأسفانه فایل‌های صوتی روضه‌ها را، غالب مردم درهم گوش می‌کنند و نظم خاصی در این کار ندارند؛ شما این اشتباه را نکنید.

■ کتاب‌های الکترونیکی هم، جزو امکانات دیگری هستند که می‌توانید از آنها استفاده کنید. همین مقتل‌هایی که معرفی کردیم، بعضی هاشان به صورت پی‌دی‌اف در اینترنت موجود هستند و می‌توانید دانلودشان کنید. ضمن اینکه برخی از مراکز مثل صدا و سیما و نیز سازمان تبلیغات و... نیز، پکیج‌های مجازی تولید کرده‌اند که می‌توانید در دستگاه‌های همراه هوشمند یا گوشی هایتان، از آنها استفاده کنید.

■ مراجعه به سی‌دی فروش‌ها، نمایشگاه‌های محصولات فرهنگی، بورس‌هایی مثل پاساژ مهستان و انقلاب و... نیز، می‌تواند شما را در معرض جدیدترین روضه‌خوانی‌ها و محصولات فرهنگی عاشورایی قرار دهد که غالباً هوشمند هم هستند. ضمن اینکه با مراجعه به پورتال‌هایی چون تبیان و عقیق و راسخون و آوینی و... در فضای مجازی، می‌توانید فایل‌ها و امکانات بیش‌تری را هم دریافت کنید.



لهوف را حتماً بخوانید

شاید معروف‌ترین مقتلی را که بتوان نام برد، لهوف ابن طاووس باشد. بیش‌تر مداحان و مرثیه‌خوانان و روضه‌خوانان، به این کتاب مراجعه می‌کنند. این کتاب را، ابن طاووس، جمع‌آوری کرده است؛ که فقیهی بزرگ و مورد اطمینان فقها و علمای شیعه بوده. این مقتل، بسیار خلاصه و البته گویاست. وقتی هم که آمد، آن قدر سر و صدا کرد و مقبولیت و محبوبیت یافت که دیگر مقتل‌هایی که در آن زمان وجود داشتند، زیر سایه‌اش رفتند. می‌توانید این کتاب معروف و البته معتبر را، تهیه کنید و همراه‌تان داشته باشید. به راحتی خوانده می‌شود. البته پیشنهاد می‌کنیم همه را، یکبارہ نخوانید و برای هر نشست، یکی، دو مجلس را انتخاب کنید تا خوب هضمش کنید. فارسی این کتاب هم در بازار موجود است و بیش‌تر کتاب‌فروشی‌های دارندش.



آیت‌الله ممدوحی، عضو سابق مجلس خبرگان رهبری:

هیچ جای دنیا ظرفیت هیأت‌های ما را ندارد

هیأت

بدون تردید هیأت‌های مذهبی نقش بزرگی در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی داشتند. حتی در دوران دفاع مقدس این هیأت مذهبی بودند که به واسطه ارتباط نزدیک، صمیمی و مخلصانه‌ای که با مردم داشتند، به تبیین درست شرایط برای مردم جامعه پرداختند و زمینه حفظ وحدت جامعه و پیروزی در جنگ هشت ساله را فراهم کردند. اما از دهه ۷۰ بود که بار شد کمی هیأت مذهبی، بعضاً با ضعف‌هایی در بعد کیفی روبه‌رو بودیم. ضعف‌هایی که بیشتر خود را در منابر مذهبی متجلی می‌کرد. در گفت‌وگو با آیت‌الله ممدوحی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و همچنین نماینده سابق مردم کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری به آسیب‌شناسی هیأت مذهبی پرداختیم. متن کامل این گفت‌وگو پیش روی شماست.

شاهد بیشترین اثرگذاری در این بخش بودیم. ما چنین کاری را باید حتماً صورت بدهیم و بسترهای لازم برای رشد و ارتقای محتوایی هر چه بیشتر منبرهای مذهبی مان فراهم کنیم تا اثرات مثبت آن را در جامعه به نظاره بنشینیم. ما هیأت را داریم و باید هم داشته باشیم. برکاتی که در این هیأت‌ها و در این تجمعات مذهبی عاید مردم و کشور می‌کند قابل وصف نیست. در حقیقت این هیأت‌ها هستند که بنای شکل‌گیری حرکت عظیم و حماسی اربعین را به شکل گسترده و جدی در بین عموم مردم پایه‌گذاری و بسط دادند. مراسم باشکوهی که پیر و جوان و حتی اقلیت‌های مذهبی را به خود می‌بندد از دل همین هیأت‌ها به مردم منتقل شده است. لذا این را به هیچ وجه نباید فراموش کنیم و باید به یاد داشته باشیم که زمینه ارتقای سطح منبرها را افزایش دهیم، حتی به وسیله تذکر برخی از آنها را آگاه کنیم تا این گرفتاری‌هایی که با آن روبه‌رو هستیم برطرف شود.

به نظر می‌رسد برخی از روحانیون ما که در هیأت‌های مذهبی و یا حتی مساجد حضور دارند نیاز به بالا بردن غنای محتوایی خود دارند. شاید بخشی از آن به نشناختن دایقه مخاطب بازگردد. همانطور که فرمودید در بسیاری از هیأت‌ها یا مساجد، مستمع سختی راه را به جان می‌خورد و برای استفاده از بیانات منبری، خود را به محل مورد

منابر باید چه فکری اندیشیده شود؟ یک نکته مهم و حیاتی، آموزش‌هایی است که باید جامعه منبری‌ما از آن بهره‌مند شود. جامعه ما هم‌اکنون با مسائل روز و رفتاری‌های مختلف روبه‌رو است، روحانی حاضر در هیأت‌های مذهبی و مساجد می‌بایست این نکته را در نظر داشته باشد که بر مبنای نیازهای امروز مردم جامعه صحبت‌های خود را تنظیم کند تا از بیشترین اثرگذاری برخوردار باشد. آگاهی بخشی و دغدغه‌مندی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های یک منبری است. حال اگر خود شخص روحانی نسبت به مسائل روز جامعه آگاهی لازم را نداشته باشد و از خدادهای پیرامون خود در دنیایی خبر باشد و مطالعه لازم را برای ارائه محتوا به مستمعین نکرده باشد، بدون تردید نمی‌تواند آنطور که شایسته است در مسیر ارتقای مختصات اخلاقی در جامعه گام بردارد.

اگر مسائلی که مانعی بر سر راه تشدید اثرگذاری مثبت هیأت‌های مذهبی بر اصلاح سبک زندگی جامعه است، حل شود، می‌توانیم شاهد بهبود وضعیت اخلاق در جامعه نیز باشیم؟ حتماً همینطور است. قطع به یقین فعالیت‌های روحانیون ما می‌تواند اثرات مثبت خود را در جامعه و حتی سبک زندگی مردم بگذارد. کما اینکه در پیش و پس از انقلاب

اگر منبر و عرصه مداحی را به عنوان دو بال پرواز برای حرکت در مسیر دین و دیانت در هیأت مذهبی در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد یکی از این بال‌ها یعنی منابر مذهبی آنطور که باید در راستای ارائه محتوای پر بار و جذب حداکثری مخاطب گام بر نمی‌دارند. همین عامل زمینه حرکت هیأت‌های مذهبی به سوی مداح محوری را فراهم کرده است. تا چه اندازه با این نگاه موافق هستید؟ همینطور است. به نظر می‌رسد طی دو دهه اخیر ضعف‌هایی شامل حال منبرهای مذهبی ما شده است که البته جای بررسی و واکاوی جدی دارد و باید یک آسیب‌شناسی دقیق در این زمینه صورت گیرد. به نظر من برای رفع این مسئله نیازمند ارشاد و ارائه تذکر هستیم. این تذکرها می‌تواند بخشی از جامعه روحانیت ما را در برگیرد و بخشی از آن هم شامل حال هیأت‌های محترم و افرادی است که به نوعی هیأت داری می‌کنند. نکته عیان و بدیهی این است که هیأت‌های ما نقش اساسی در احیای فرهنگ عاشورایی و حماسه حسینی حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام دارند. با توجه به میدان اثرگذاری حیاف است که به واسطه برخی مسائل و نه معضلات، نتوانیم آنطور که باید مستمعین را از این خوان نعمت سیراب نکنیم.

به نظر تان چطور باید این معضل را در هیأت‌های مذهبی برطرف کرد؟ در حقیقت برای



هیأت

هنوز منبری ها حرف اول را می زنند

آیت الله ممدوحی معتقد است که مداح محوری هیأت های مذهبی هنوز تبدیل به یک تهدید نشده است. او می گوید: «ببینید، این به خودی خود و هم اکنون مبدل به تهدید نشده است. اما باید بگویم که اگر شرایط فعلی تدام یابد قطع به یقین با یک تهدید روبه رو خواهیم شد. به لطف خدا هنوز بسیاری از جوانان و نوجوانان به واسطه منبرهای قدرتمند و پربار، خود را به مساجد و هیأت های مذهبی می رسانند. هنوز منبرهای ما در بسیاری از نقاط کشور حرف اول را در هدایت جامعه و افکار عمومی می زنند و بسیاری از افراد از جاهای دور و نزدیک فقط برای استفاده از بیانات برخی روحانیون ما در منبرهای مذهبی خود را به مسجد یا هیأت مورد نظر خود می رسانند. این یک برکت است. اما باید این نکته را در نظر داشت که باید به هیأت ها از بعد محتوایی کمک کرد، دست آنها را گرفت و آنها را با آسیب های مداح محوری آگاه کرد.»

دارند، نماز می خوانند و به اصول نظام معتقد هستند. حتی اگر برخی از آنها به این مبانی هم پایبند نبوده باشند، کارکرد مثبت هیأت آنها را با این مبانی آشنا کرده و چشم آنها را رو به حقایق گشوده است. صد در صد باید از هیأت این انتظارات را داشت و اگر هیأت ها نتوانند اینگونه کار کردها و ظرفیت های خود را بالفعل کنند باید تعجب کرد.

حرف پایانی تان به هیأت ها چیست؟

مردم ما مردم متدین و معتقدی هستند، مردمانی انقلابی و دوستدار اهل بیت و دین و مخالف قطعی و صددردی دشمن. البته باید بدانیم در راستای بهبود اوضاع هیأت ها یا حتی جامعه انتقاد و نگاه سلبی به تنهایی چاره ساز نیست و به درد نمی خورد، داشتن نگاه سلبی صرف غلط است و به تضعیف مجالس ابا عبدالله الحسین و ائمه معصوم علیهم السلام می انجامد. در شرایطی که شاهدیم رسانه های بیگانه تمام تلاش شان را در افزایش و رشد تصاعدی شبخون فرهنگی به کار گرفته اند باید برای بهبود وضعیت از ظرفیت هیأت های مذهبی نهایت استفاده را برد. هیأت های مذهبی می تواند بهترین دستاورد ما و بزرگ ترین پتانسیل ما محسوب شود، پتانسیلی که در هیچ جای دنیای نمی توان آن را یافت و یا حتی با این وسعت و قدرت آن را به دست بیاورد.

نظر می رساند. اما بعضا هم دیده می شود برخی از مستمعین در هنگام سخنرانی روحانی منبری، گندهایی را تشکیل می دهند یا از محل خارج می شوند و موقع مداحی و سینه زنی خودشان را به هیأت می رسانند.

بله. همانطور که گفته شد اینها مسائلی است که باید هم به هیأت امنای هیأت ها و هم به روحانیون هیأت ها و مساجد تذکر داد. این موارد با تذکر قابل حل است. انصافا ابقای عزاداری و ابقای این سیستم عظیم وحدت بخش در جامعه نیازمند همت و تلاش است. نباید سیستم را به حال خود گذاشت. باید از بعد معنوی از سوی نهادهایی که کار محتوایی انجام می دهند حمایت های لازم صورت گیرد.

کارکرد تربیتی هیأت تا به کجاست؟ آیا

هیأت ها می توانند در سبک زندگی مردم و جوانان هم اثرگذار باشند؟

قطعا باید اینطور باشد و اگر به این شکل نباشد قطعا باید تعجب کرد و در راستای رفع مشکلات موجود گام های لازم را برداشت. من خیلی از جوانان را دیدم که قدری آزاد هستند و شاید در ظاهر هم چندان مذهبی به نظر نرسند، اما فقط و فقط افتخارشان این است که بچه هیأتی هستند. بالاخره ماهیت هیأت های مذهبی در بسیاری از جوان ها تأثیر مثبت دارد، منتهی نه تأثیر تام، بلکه تأثیر ناقص. ولیکن قالب جوان هایی که با هیأت ها ارتباط

حجت الاسلام ثمری، کارشناس مذهبی:

مادحین و ذاکرین در کلام و رفتار خود مراقبت کنند

[میثم آخوندی]

برخی هیأت‌ها به واسطه شور و احساس جوانان بیشتر را برای حضور پررنگ مادحین فراهم می‌کنند و از سویی دیگر نقش منبرها را کم رنگ جلوه می‌دهند. این کار عامدانه یا غیر عامدانه آسیب‌های مختص به خود را دارد که به طور مستقیم در جامعه نمود مشخص دارد. می‌توان برش‌هایی از آن را در سطح جامعه به نظاره نشست. واقعا تا چه اندازه می‌توان از هیأت‌های مذهبی در راستای ارتقای سطح اخلاق در جامعه و ایجاد نشاط و زندگی بهتر برای خانواده‌ها ناظر به اصلاح سبک زندگی، انتظار داشت؟ موانعی که بر سر راه تحقق این مهم وجود دارد چیست؟ در این خصوص با حجت الاسلام علی ثمری، کارشناس مسائل مذهبی به گفت‌وگو نشستیم. متن کامل این گفت‌وگوی تفصیلی پیش روی شماست.

شور و شعور دو مقوله مهم و اساسی در مجموعه هیأت‌های مذهبی به حساب می‌آید. در این میان به نظر می‌رسد طی دو دهه اخیر مقوله شور زلف محکم‌تری با هیأت‌ها گره زده و در این بین مسائل معرفتی در برخی از محافل و مجالس عزاداری اباعبدالله الحسین و ائمه معصومین کم‌رنگ‌تر شده است. ریشه این موضوع را در چه می‌دانید؟

یکی از پدیده‌هایی که متأسفانه امروز نه فقط هیأت‌های ما را، بلکه مساجد و نسل جوان ما را تهدید می‌کند و باید نسبت به آن توجه و دقت داشته باشیم، ارائه محتوا بر اساس احساسات و شور صرف است. گاهی اوقات می‌بینیم حرکت کردن بدون توجه به اینکه این احساسات و شور باید به شعور و معرفت تبدیل شود به یک مبنای کلی مبدل شده است. باید همه جا به این معنا توجه شود. بالاخره محبت آل محمد با همه وجود جامعه ما عجین شده است. مردم ما مردمی ولایت محور هستند و کسی هم با مقوله شور مخالفتی ندارد. جوانی که با مختصات خاص خودش در اوج حس و توجه قرار دارد ابتدا به ساکن مقدس و خوب است، مشروط بر اینکه همین جانمانند و درجا نزنند. آن احساسات مقدس و پاک و ارزشمند باید به معرفت تبدیل شود. این شورهای آن چنانی در هیئات مذهبی باید مقدمه‌ای برای شعور باشد.

یعنی معتقدید که باید این شور، هدایت شده و در نهایت به شعور برسد، همینطور است؟

بله دقیقا. نکته‌ای که به عنوان تهدید باید به آن نگاه شود و می‌بایست از آن ترسید، اینکه جوان با این شور و احساسات در مسجد و هیأت حضور می‌یابد، آن وقت ما این شعور و حس مقدس را نتوانیم درست هدایت کنیم. این مقوله یک وظیفه سنگینی بر دوش هیأت‌ها محسوب می‌شود. مدیریت این احساسات مقدس و این شورها لازم‌اش تربیت مداح پر بار از جهت محتوایی و اهل مطالعه است. کنار دست هیأت‌ها و متولیان هیأت‌ها خود برادران عزیز مداح ما باید به این معنا توجه داشته باشند که جهت دهی به شور و احساسات جوانان در راستای تکامل معرفتی یکی از وظایف حیاتی آنها به حساب می‌آید. در این زمینه باید مراعات شود و همه با هم هماهنگ شوند.

قبل از پیروزی انقلاب، منابر مذهبی نقش بسیار حیاتی در شکل‌گیری مسیر و در نهایت پیروزی انقلاب اسلامی داشتند. در آن دوران، پس از پیروزی انقلاب و حتی در دوران هشت ساله دفاع مقدس، منابر به عنوان رسانه‌ای قدرتمند، اثرگذار و پویا نقش جدی در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی داشت. منتهی بعد از دوران دفاع مقدس به نظر می‌رسد منبرها از بعد محتوایی، دیگر اثرگذاری آن دوران را نداشت. آیا نباید منابر ما در ارتقای سطح اخلاقی جامعه و در راستای اصلاح سبک زندگی و حتی بهبود جنبه تربیتی جامعه گام بردارد؟

اکنون با دو مبحث روبه‌رو هستیم. یک مسئله این است فضایی که در برخی هیأت‌های ما غالب شده فضای درستی نیست. هیأت‌ها به نوعی مدیران خود را نمی‌شناسند و اصلا معلوم نیست کی به کی هست. برخی رفتارهای غلط، حرکت کسانی را که دغدغه دارند هم تحت الشعاع قرار می‌دهد.

هیأت

عمر بن الخطاب و عمر فاروق و عمر ابن الخطاب



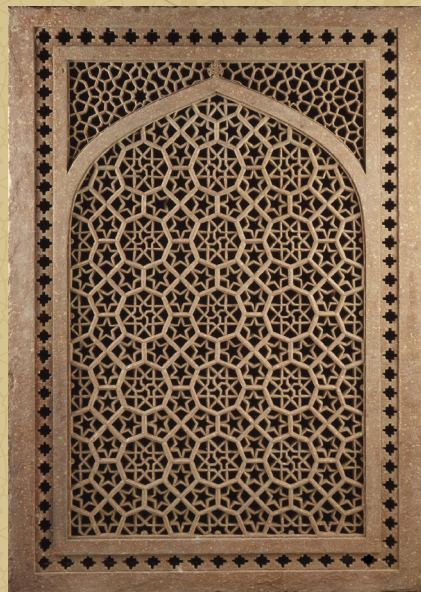
باید فکری به حال کسانی شود که میکروفون در دست می گیرند و هر چه به دهانشان آمد را بر زبان جاری می کنند. معمولاً پای تریبون ها این افراد را می بینید. آدم جا افتاده ای که منطق و عقل برایش مفهوم و معنای آن چنانی داشته باشد کم دیده می شود. متولیان هیأت ها باید توجه کنند کسانی که به هر دلیلی صاحب تریبون می شوند مدیریت شوند تا هر مفهوم اشتباهی را نخوانند.

شاید برخی بگویند کار مداح ساخت شور است و تنها می تواند یک بال مستمع را به سوی معرفت کامل کند و بال دیگر وظیفه منبر است.

نه. این منطقی نیست. بله، مداحی و منبر مکمل هم هستند، ولی همه یک هدف عالی دارند و آن رسیدن به نقطه هویتی است. اگر شوری ایجاد می شود، باید مقدمه ای برای شور باشد. اگر یک مداحی توانست شور ایجاد کند، اما نتوانست آن را در مسیر درست قرار دهد و به شور برساند، این مداح کار را خراب کرده است.

خب این موضوع در خصوص منبر هم صدق می کند، اینطور نیست؟

همانطور که اشاره کردید برخی خطبا و اهل منبر ما گاهی نسبت به آن وظایف و رسالت آسمانی و الهی که بر عهده دارند بی توجهی می کنند. گاهی اوقات می بینیم که مخاطب شناسی این بزرگواران صفر است. جوانی که به تعبیر حضرت آقا از قتلگاه فضای مجازی پای منبر من آمده باید برایش جاذبه ایجاد کند تا در اینجا ماندگار شود. البته این مهم یک سری ریزه کاری دارد. بسته به نوع مباحثی که مطرح می شود، بیان و شیوه گفتار و ارتباطی که با مستمع برقرار می شود. متأسفانه در هیأت ها با آفات مختلفی روبه رو هستیم. گاهی اوقات می بینیم یک دخمه درست کرده اند و عده ای داخل هستند. مداح و روحانی را - تازه اگر منبری داشته باشند - از سوراخی وارد و مقابل



حوزه های علمیه و مراکز مرتبط پژوهشی

از حجت الاسلام علی ثمری می پرسیم که حوزه های علمیه و مراکز مرتبط پژوهشی در بعد تولید محتوا و خوراک معنوی برای هیأت ها چه کرده اند؟ او در پاسخ می گوید: «امروز به برکت خون شهدا بعد از ۴۰ سال انقلاب واقعا ما متن ها و محتوایی داریم که غنی و حساب شده است و از فیلترهای متعدد و درستی رد شده. اما متأسفانه این مواد غنی دست آشپزهای ناشی افتاده است، لذا نگاه کنید در هیأتی که مراقبت می شود و روی انتخاب متن و مداح درست پیش می روند خروجی های خوبی نیز پیدا می کنند.» او به کارکردهای خوب مجالس مذهبی هم اشاره کرده و می افزاید: «با همه این تفاسیر آنچه در فتنه ها دشمن را ناکام گذاشته خروجی همین مساجد و هیأت های ماست. ما ناشکری نمی کنیم، منتهی می گویم این کافی نیست و به نظر می رسد اگر یک سر و سامانی خصوصا در جامعه مداح ما صورت پذیرد قطعاً شرایط از اینی که هست بهتر خواهد شد. متأسفانه الان بعضی از ترانه های زمان طاغوت را با بعضی از اشعاری که بعضی از ذاکرین ما می خوانند و شور می گیرند کنار هم بگذاریم، می بینیم که هیچ فرقی با هم ندارند. حالا که تریبون دستستان است هر چیزی را نخوانید، آن شخص در اوج شور منتظر است ببیند من چه می گویم تا با من بالا و پایین کند. نیم ساعت نه، گاهی دو ساعت. بعضی از جلساتی که خودم منبر می رفتم گاهی تا یک یا دو شب عزاداری می کردند و جمعیت قابل توجهی شان همگی صبح نماز شان قضا بود. خب من می نشینم بالای منبر نصیحت می کنم به عنوان منبری که ان شاء الله دلسوز باشم و می گویم پسر خوب، عزیزم، تو که تا دو شب اینجا میمانی مگر زن و بچه یا پدر و مادر نداری؟ مگر صبح نماز نداری؟ در هسته مرکزی بعضی جلسات وارد شویم، می بینیم که بعضی از آدم های پایه ثابت هیأت، خانواده شان را از دست داده اند. برخی خانواده ها هم که انگار از درون پوکیده و از این جهت که بچه شان تا سحرگاه هیأت است نگران نیستند. برایم جالب است که وقتی نصیحت می کنم یک وقت نماز صیحت قضا نشود، آن شخص مداح برای اینکه بازارش تعطیل نشود، می گوید نماز صبح که قضا شد خیالی نیست قضای نماز چوب ندارد. گفتن قضایش را بخوان، تو حواست به امام حسین علیه السلام باشد که یک وقت عزاداری قضا نشود. حالا که به برکت خدا و خون شهدا این بستر فراهم شده نباید همینطور بالای منبر برویم و سخنان اشتباه بر زبان جاری کنیم.



که آش اینقدر شور شد که آشپز هم صدایش درآمد. یک وقت‌هایی حضرت آقا در دیدار با ذاکرین و مادحین سیدالشهدا علیه‌السلام حرف‌های اساسی و ناب‌ی را فرمودند، ولی متأسفانه به یک شکلی در فضایی افتادند که اصلاً به روی خودشان نمی‌آورند. این تکلیفی است که به دوش جامعه مادحین ذاکرین و اهل منبر است و آن اینکه جلسات، مقدمه‌ای برای بندگی خدا و تبلیغ سبک زندگی درست ایرانی و اسلامی باشد، نه اینکه جلسات را محل تسویه حساب‌های قومی و شخصی کنیم.

خب بالاخره چه کنیم تا هیأت‌ها، کار کرد اصلی خود را پیدا کنند؟

برخی از هیأت‌ها به واسطه منیت‌ها، مقابل همدیگر قرار گرفتند. هم‌اکنون هر کسی می‌خواهد طرحی نو دراندازد و یک عده‌ای را جمع کند. ریشه گرفتن عوامل ناپسند در بدنه برخی هیئات مذهبی سبب شده برای جذب مخاطب بیشتر و شهرت افزون تر، قالب هیأت‌ها را از بار شعور و محتوایی تهی کنند و هیأت را میدانی برای رقابت بپندارند. در همین راستا نیز مقام معظم رهبری هر سال بیاناتی دارند. اگر بیانات ایشان را درباره هیأت و هیأت داری از اواخر دهه ۶۰ مورد ارزیابی قرار دهید، ملاحظه خواهید کرد که ایشان بارها و بارها نسبت به انحراف در مقوله هیأت و هیأت داری و نحوه برگزاری مراسم تذکرات لازم را داده‌اند. اگر اینطور شد و گره‌ها رفع شد، آن وقت آن کار کرد مدنظر شما نیز قطعاً به وقوع خواهد پیوست. حضرت آقا می‌خواهند ما مسیر را اشتباه نرویم. چون دلخور هستیم این را می‌گوییم که حضرت آقا فرمودند و تذکر دادند که قلبی و زبانی با لخت شدن مخالف هستند. یک عده از این بزرگواران مداح گوش نکردند و بعداً هم برای خودشان محل شرعی درست کردند که آقا فتوا نداده است. این یعنی ما در فضایی غیرمعنوی افتاده‌ایم که سبب شده مسیر اصلی را گم کنیم.



این موضوع را می‌بینیم. منبری که در ایام محرم و ماه مبارک رمضان برگزار می‌شود و یک سری از سخنرانان را به خود می‌بیند که همچون آهنربا جمعیت جوان و نوجوان را به خود جذب می‌کند. با توجه به شرایط امروز در عرصه فضای مجازی می‌توانیم از هیأت‌های مذهبی این انتظار را داشته باشیم که عرصه تبیین سبک زندگی ایرانی - اسلامی را در دستور کار قرار دهند و ما نیز شاهد اثرپذیری جامعه از این مهم باشیم؟ شکی در این نیست و چنین توقعی کاملاً بجای و درست است. خوب است در این خصوص آسیب شناسی کرد و جایگاه مناسب را در هیأت‌ها ارتقا داد. من می‌خواهم از تعبیر مداح محوری که شما فرمودید فراتر بروم و از این بگویم که چه شده ما با نسل جوان نمی‌توانیم ارتباط برقرار کنیم؟ ما با شور و احساسات اینها چه کار کردیم؟ چرا برخی از آنها به حرف ولی خود گوش نمی‌کنند و چشم‌شان در دهان مداح است؟ این آفت خطرناکی است. چه کار کردیم؟ چه قوای برای این جایگاه پر نور دوختید

جمع می‌آورند. بعد هم می‌نشینند یک سری حرف که آن شالوده حساب شده است، می‌زند و بعد تمام می‌شود. قدیم اینطور نبود. یادم هست در هیأت بعد از پناه پدر و مادری که بالای سر ما بودند نام روحانی هیأت مطرح بود که به‌عنوان مربی تربیتی و پرورشی پا به پای ما می‌آمد. الان متأسفانه اینطور نیست. مطلق این حرف را نمی‌زنم، ولی اکثراً دنبال کار خودشان هستند.

خب چه باید کرد، منبری‌ها چه وظیفه‌ای برعهده دارند؟

قطعاً من به اندازه وقتی که می‌خواهم از مستمع بگیرم باید زمان بگذارم، مطالعه کنم و نیازسنجی دقیق از مخاطب خود داشته باشم. شما ببینید؛ امروز چند درصد بچه‌های هیأتی‌ها ما بچه مذهبی هستند؟ اول وقت مقیدند نماز بخوانند؟ من آخوند و آن برادر مداح هر دو وظیفه‌مان این است که مشوق جوانان باشیم و بگوییم، برادر و خواهر من مقدمه همه عزاداری‌ها برای ابا عبدالله علیه‌السلام و هیأت گرفتن‌ها، نماز است. اگر نماز پذیرفته شود یعنی شور و احساسات تو، سکوی پرتاب تو می‌شود. ولی بعضاً می‌بینیم که گاهی اوقات متأسفانه هیأت قتلگاه نماز می‌شود. تازه بعضی از مداح‌های موجه و چهره ما هم می‌گویند، وقتی خوابیدید قضا شد که مواخذه ندارد، مگر می‌شود اینقدر بی‌رمق و بی‌تعهد. با این گوش‌های خودم شنیدم گفت تو کارت را بکن، عزاداری بکن، صبح نماز قضا شد، اشکالی نیست، به خاطر نماز قضا کسی را چوب نمی‌زنند.

استنباط من از سخنان شما این است که شاید روحانیت شناخت و ارزیابی دقیق از ذائقه جوان امروز ندارد. محتوایی که ارائه می‌شود با اقبال نوجوانان و جوانان از منابر مذهبی نسبت مستقیم دارد. یک سری افراد بر این نکته تأکید می‌کنند که شرایط جامعه تغییر کرده و اساساً با منبر دیگر نمی‌توان ارتباط برقرار کرد، اما عکس



هجدهمین نشست سخنرانان
مرتبط با هیأت رزمندگان اسلام برگزار شد

در ستایش سبک زندگی فاطمی

فاطمیه فرصتی است برای شناخت شخصیت و جایگاه حضرت زهرا سلام الله علیها، حضرت زهرا سلام الله علیها محور هدایت‌ها و درس‌هاست. آفرینش و زندگی زهرا سلام الله علیها این نکته را به اثبات رساند که می‌توان احساسات و انعطاف زنانه را با شعور و درایت حماسی پیوند زد. می‌توان از محیط خانه منشأ تحولات اجتماعی و تاریخی شد. می‌توان در محراب عبادت با ملک هم‌نوا شد و از آنجا پای به مسجد گذاشت و بلاغت را در ادبیات سیاسی و فرهنگی به اوج رساند، می‌توان اوج اقتدار زنانه را در خضوع به همسر، پرورش فرزندان، خانه داری، توجه به علم و معرفت و حضور مؤثر در مهم‌ترین عرصه‌های سیاسی و اجتماعی تعریف کرد و عمر کوتاه زندگی مادی را تا همیشه تاریخ جاودانه ساخت. در هجدهمین نشست سخنرانان مرتبط با هیأت رزمندگان اسلام که توسط مدیریت آموزش در اوایل بهمن ماه برگزار شد تعداد ۸۵ نفر از سخنرانان مرتبط با هیأت رزمندگان اسلام از شهرستان‌ها حضور داشتند. اینجا بخشی از سخنان عزیزانی که در این نشست و گردهمایی به ایراد سخن و ارائه نظرات خود پرداختند می‌خوانید.

یافتن مهر زندگی

www.TDEL.ir



حجت الاسلام والمسلمین دکتر رفیعی

به اصول زندگی حضرت زهرا عمل کنیم

مردم امروز هم سخت گیر تر شده اند و هم دقیق تر. از این رو بدون فکر و دقت نباید منبر رفت؛ از طرف دیگر باید توجه داشت که مردم به منبرهای کاربردی نیاز دارند. حجت الاسلام رفیعی با بیان روایتی از کتاب «ینابیع المودة» بحث خود را آغاز کرد و گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «گر خدا علم داشت که در زمین کسانی بالاتر از این پنج نفر وجود دارد، مرا امر می کرد که با آنها به مباحله بروم؛ اما مرا امر به مباحله به این پنج تن کرد و آنها برترین خلق خدا هستند.» این روایت و روایاتی از این دست نشان از فضیلت اهل بیت علیهم السلام دارد.

هیأت

صفات در حضرت زهرا سلام الله علیها نیز وجود داشت و ایشان دارای صفات ممتاز ذاتی و غیر ذاتی انحصاری و غیر انحصاری بودند.

وی در ادامه به بررسی سه گونه الگو در قرآن پرداخت و ابراز کرد: مادر قرآن سه نوع الگو داریم که عبارتند از الگوی عام؛ مانند صادقین در آیه «کونوا مع الصادقین»، الگوی خاص؛ مانند ادریس و آسیه زن فرعون و الگوی اخص؛ مانند رسول الله که اسوه حسنه معرفی شده اند. حضرت زهرا سلام الله علیها کسی است که الگوی اخص دست او را بوسیده است. در روایات آمده وقتی حضرت زهرا سلام الله علیها بر پیامبر وارد می شدند، پیامبر چهار کار را انجام می داد؛ خوش آمد می گفت، بلند می شد و به استقبال او می رفت، او را در جای خود می نشاند، دست او را می بوسید.

این کارشناس دینی به تغییرات مردم در طول زمان اشاره کرد و گفت: مردم امروز هم سخت گیر تر شده اند و هم دقیق تر. از این رو بدون فکر و دقت نباید منبر رفت؛ از طرف دیگر باید توجه داشت که مردم به منبرهای کاربردی نیاز دارند. اگر در منبر خود از فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها و شخصیت ایشان می گوئید، طوری بیان نکنید که با یک غیر معصوم یکسان به نظر برسند.

حجت الاسلام رفیعی با تأکید بر لزوم کاربردی تر شدن منبرها اظهار داشت: زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها متعلق به ۱۴ قرن پیش بوده است. الگو گرفتن از زندگی ایشان به این معنی نیست که ما هم برویم و از کاسه گلی و حصیر استفاده کنیم. سبک زندگی فاطمی به معنی استفاده از مواد آن نیست، بلکه اصول حاکم بر زندگی حضرت زهراست.

وجود ایشان هست که در هیچ کس دیگری نبوده و نیست.

حجت الاسلام رفیعی سپس به تقسیم بندی کمالات در انسان پرداخت و عنوان داشت: کمالات انسان دو قسم است: کمالات غیر اختیاری و ذاتی، کمالات اختیاری و اکتسابی، برخی کمالات در ذات انسان است؛ مثل اینکه در روایت داریم سه چیز در هر که باشد کامل است. عقل و جمال و فصاحت کلام و این سه در بخش زیادی ذاتی هستند. حضرت موسی برای رفتن به سوی فرعون از خدا طلب می کند که اجازه دهدارون را با خود ببرد زیرا او افصح است. خدیجه کبری سلام الله علیها بنابر روایات، زیباترین، عاقل ترین و تصمیم گیرنده ترین زنان بود. دسته دوم که کمالات اختیاری هستند، خود دو قسم دارد: انحصاری و غیر انحصاری. مثل اینکه فقط یک نفر در طول یکسال می تواند در کنکور اول شود. حضرت خدیجه دارای برخی صفات انحصاری بودند که در کسی جز ایشان نمی توان یافت. مثل اینکه ایشان نخستین زن مسلمان بودند، مادر حضرت زهرا سلام الله علیها بودند، مادر همه ائمه بودند و حتی به جهتی مادر امیر المومنین علیه السلام هم بودند زیرا ایشان را بزرگ کردند. ایشان حائز صفات غیر انحصاری مانند زهد و تقوا و ایمان و... نیز بودند تا جایی که برخی علمای بزرگ شیعه ایشان را «مجمع الاضداد» دانستند. ثروت مندی که زاهد بود، زنی که شجاع بود و بسیاری صفات متضاد دیگری که در وجود ایشان بود و نشان از درجات رفیع کمال ایشان داشت. البته در همین صفات نمره داریم و حضرت خدیجه بالاترین نمره را در این صفات داشتند. همه این

وی برخی فضایل را اختصاصی حضرت زهرا سلام الله علیها خواند و عنوان داشت: روزی حضرت زهرا سلام الله علیها برخی رفتارهای مردم را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به ایشان فرمودند: بهترین پیامبران منم و من پدر تو هستم؛ بهترین اوصیاء علی است و شوهر تو است، بهترین شهداء حمزه است و عموی تو است، سبطان این امت حسن و حسین هستند که فرزندان تو هستند و قسم به خدایی که جانم در دست اوست، مهدی این امت از فرزندان تو است.» مانند این سخن را امیر المؤمنین علیه السلام در نامه ای خطاب به معاویه در معرفی فضائل خاندان خود آورده اند.

این کارشناس دینی با اشاره به شکوه ایام فاطمیه بعد از انقلاب اسلامی اظهار داشت: در جلسه ای محضر مقام معظم رهبری بودیم و ایشان فرمود: من از دو چیز بعد از انقلاب راضی هستم. یکی فاطمیه، دوم مهدویت. این دو موضوع اصلاً قبل از انقلاب مطرح نبود و به برکت انقلاب الآن از رونق خوبی برخوردار هستند.

حجت الاسلام رفیعی حضور عالمانه در ایام فاطمیه را لازم دانست و در این رابطه چند کتاب معرفی کرد: ۱. دانشنامه فاطمی ۲. فاطمه بهجة قلب المصطفی ۳. در مکتب فاطمه ۴. فاطمه از تولد تا شهادت ۵. فاطمه در آئینه القاب ۶. گفتار فاطمی ۷. فرهنگ فاطمی.

وی با اشاره به مادر گرمی حضرت زهرا سلام الله علیها گفت: خوب است که مبلغان در منبرهای خود به حضرت خدیجه سلام الله علیها بپردازند. از مقام معظم رهبری شنیدم که می فرمود: حضرت خدیجه مظلوم است. برخی فضائل و کمالات در



حجت الاسلام والمسلمین حیدری کاشانی

خانواده علوی فاطمی و تربیت مهدوی

خانواده علوی فاطمی و تربیت مهدوی موضوع بحث ما است. جایگاهش در موضوع بحث ما که زندگی جهادی حضرت زهرا سلام الله علیها هست، در قسمت جهاد کبیر، جهاد فرهنگی و تربیتی که به ویژه در خانواده‌ها باید سامان بیابد. جهاد اکبر داریم که جهاد اخلاقی و تهذیبی ماست. جهاد کبیر داریم که جهاد فرهنگی و تربیتی ماست، جهاد صغیر داریم که جهاد اقتصادی ماست و جهاد اصغر داریم که جهادی نظامی است.

هیات

شیطان ستیزانه.

سوم خانواده یعقوبی با سلوک منتظرانه.

چهارم خانواده یوسفی با سلوک عقیقانه و گناه گریزانه.

پنجم خانواده شعبی با سلوک حیا محورانه؛ تمشی علی استحیاء توصیف می کند دختر این خانواده را که حتی راه رفتن او حیگونه است.

ششم خانواده موسوی با سلوک در یادلانه، شرح صدر در خانواده‌ها، خیلی از طلاق‌ها نوعی بی صبری است. دوری از فضای شرح صدر است.

هفتم خانواده ایوبی با سلوک صبورانه.

هشتم خانواده داوودی با سلوک سحر خیزانه.

نهم خانواده سلیمانی با سلوک شاکرانه.

دهم خانواده زکریایی با سلوک سابقانه و خاشعانه؛ یسار عون فی الخیرات.

یازدهم خانواده محمدی با سلوک محبوبانه و محبانه.

دوازدهم که کاملترین خانواده است و نمی توانیم یک سلوک خاص نام آن را بگذاریم، جامع تمام سلوک‌های تربیتی پیامبران و خوبان عالم است خانواده علوی فاطمی است که اگر بخواهیم نامی بگذاریم که حقش ادا شود باید بگوییم سلوک عاشورایی.

رمز پرورش رهبران آینده جهان در مقام مهدی یاوران، آن آرامش خانوادگی و مقام امام المتقینی است، رمز پیوندش و این دوازده الگوی قرآنی از خانواده‌های رحمانی.

یک مقدمه‌ای دارد خانواده‌های سه گانه قرآنی:

۱- خانواده‌های شیطانی که سرآمدش خانواده ابولهبی است.

۲- خانواده نیمه رحمانی و نیمه شیطانی که نیمی از فضا شیطانی است مثل خانواده حضرت لوط و حضرت نوح.

۳- خانواده رحمانی که حرف اصلی ما اینجاست و در ایام فاطمیه که بحث استحکام بنیان‌های خانواده‌های الگوهای خانواده‌های علوی فاطمی به عنوان جامع ترین، کاملترین، زیباترین، پیشرفته ترین خانواده جهان باید مورد تأکید قرار بگیرد در شرایطی که دستگاه ابلیس بنیان خانواده‌ها را مورد حمله جدی قرار داده است.

اولین خانواده، خانواده آدمی حوایی است، با سلوک تائبانه. نقش توبه، استغفار، استمرار توبه و استغفار. هنوز فرهنگ استغفار آنگونه که از ساحت نبوی به ما رسیده در متن خانه‌ها و خانواده‌ها و جامعه ما جاری و ساری نشده است.

دوم خانواده ابراهیمی با سلوک بت شکنانه و

۱۱۵ آیه پایانی سوره فرقان منشور و یزگی عباد الرحمن و سیمای آنها است. آیه ۷۴ سوره فرقان به اهتمام عباد الرحمن به خانواده می پردازد که بالاترین بیشترین و پرتکرارترین دعای قرآنی مولای ما امام علی علیه السلام هم همین آیه بوده است؛ ربا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرۃ اعین و اجلعلنا للمتقین اماما. که باید بیشترین دعای قرآنی ما در مقام مهدی یآوری، در مقام یارپروری همین باشد.

دو مقام والای خانوادگی از این آیه تمنا می شود؛ یکی مقام آرامش خانوادگی که مقام قرۃ العینی نامیده می شود. زمینه ساز تربیت خانوادگی آن هم در افق امام المتقینی، رهبری، طلایه داری، الگو بودن، مقتدا بودن برای متقین عالم، آرامش خانوادگی است که ۱۲ زیر شاخه دارد.

دومین مقام مقام پیشوایی پارسایان به صورت خانوادگی است که مقام امام المتقینی نامیده می شود. ۱۲ الگوی قرآنی داریم از خانواده‌های رحمانی.

اما رمز پیوند این دو مقام خانوادگی این است که پرورش رهبران آینده جهان در جایگاه مهدی یاوران که نجعلهم ائمه آنها را امامان قرار دادیم در شأن مهدی یاوران و یاران حضرت حجت هست.

چطور در منبرها تفسیر بگوییم؟



بعضی از سخنرانی‌های ما بدنه‌اش شعر است و خواب است و قصه است و تحلیلی سیاسی است و روضه. اینطور نیست که وقتی از پای منبر ما بلند می‌شوند دوتا آیه قرآن هم بلد شده باشند. گاهی هم که تفسیر نقل می‌کنیم اینقدر اقوال را نقل می‌کنیم که باز مزه قرآن را نمی‌چشند. من فکر کردم آیاتی از سوره بقره را بررسی کنیم تا شیوه و سبک بیان تفسیر را بگوییم. بعد از ماجرای فرعون و موسی و غرق شدن فرعون، یک طاعوت دیگر پیدا شد به اسم جالوت. عده‌ای از بنی اسرائیل آمدن نزد پیامبرشان و درخواست فرمانده کردند که به جنگ جالوت بروند. پیغمبر فرمود من که نمی‌توانم به هر شعاری گوش بدهم من نگرانم قول شما قول نباشد. گفتند چرا؟ چرا به ما سوء ظن دارید؟ ما خونمان به جوش آمده است، اینها بچه‌ها را از ما گرفته‌اند، خانه و زندگی ما را گرفتند می‌خواهیم بجنگیم و تنها مشکل ما فرمانده است.

سوره البقره، آیه ۲۴۸

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُم مِّن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

پیامبرشان به آنها گفت: نشانه حکومت او این است که تابوت (عهد) به سوی شما خواهد آمد، (همان صندوقی که) آرامشی از پروردگارتان و یادگاری از میراث خاندان موسی و هارون در آن است، در حالی که فرشتگان آن را حمل می‌کنند، همانا در این موضوع، نشانه روشنی برای شما است، اگر ایمان داشته باشید.

نکته‌ها:

برای اینکه یهود به فرماندهی طالوت اطمینان و یقین پیدا کنند، پیامبرشان به آنها گفت: مراد از تابوت همان صندوق چوبی بود که مادر موسی، نوزاد خود را در آن گذاشت و به فرمان خدا در آب نیل انداخت و مأموران فرعون صندوق را گرفته و نوزاد را با آن به نزد فرعون بردند. آن صندوق همچنان در دربار فرعون بود. وقتی موسی علیه‌السلام به پیامبری رسید، الواح تورات را در آن قرار داد و به هنگام رحلت نیز زره و سایر یادگارهای خود را در آن گذاشت و به وصی خود «یوشع بن نون» سپرد. این صندوق، به صورت صندوقی مقدس که صندوق عهد نام گرفته بود، در میان بنی اسرائیل بود و آن را در جنگ‌ها پیشاپیش سپاه حمل می‌کردند، ولی کم‌کم قداست آن شکسته و مفقود شد. این صندوق ربوده شده را در زمان ریاست طالوت، خداوند از طریق ملائکه به آنان بازگرداند تا موجب آرامش و اطمینان خاطر آنان باشد.

پیام‌ها:

اگر صندوقی که با بدن موسی و الواح تورات تماس داشته، مقدس و آرام بخش است، پس مقدس شمردن صندوقی که روی قبر اولیای الهی است، خلاف قرآن نیست. زیرا در همه آن صندوق‌هایی که در مشاهد مشرفه است، «بَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» قرار دارد. «بَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ» قابل توجه و هابی‌ها.

سوره البقره، آیه ۲۴۷

«۲۴۷» وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَّن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

پیامبرشان به آنها گفت: همانا خداوند «طالوت» را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است، گفتند: چگونه او بر ما حکومت داشته باشد در حالی که ما از او به فرمانروایی شایسته‌تریم و به او ثروت زیادی داده نشده است؟ پیامبرشان گفت: خداوند او را بر شما برگزیده و توان علمی و جسمی او را افزون نموده است و خداوند ملکش (فرماندهی و رهبری) را به هر کس بخواهد می‌بخشد و خداوند (احسانش) وسیع و (به لیاقت‌ها و توانایی‌های افراد) آگاه است.

نکته‌ها:

۱- در این آیه ریزش دوم اتفاق افتاد ریزش سیاسی؛ قالوا انی یكون له الملك
۲- رهبر باید مخ داشته باشد برای مدیریت و تدبیر و بازو برای اجرا «بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»؛ شما به جیش چه کار دارید؟ خدا می‌خواهد او رهبر باشد. خدا خواست تار عنکبوت جان پیامبر را نجات داد، یک همداد سبب مسلمان شدن یک کشور شد.



سوره البقره، آیه ۲۴۶

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِن بَنِي إِسْرَءِيلَ مِن بَعْدَ مُوسَىٰ إِذْ قَالُوا لَنَبِيِّ لَّهُمْ أَوْعَظْ لَنَا مَلَكًا نَّقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَ مَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَانَنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

آیا ندیدی گروهی از بزرگان بنی اسرائیل را که بعد از موسی به پیامبر خود گفتند: برای ما زمامدار (و فرماندهی) برانگیز تا (تحت فرماندهی او) در راه خدا پیکار کنیم، او گفت: آیا احتمال می‌دهید که اگر دستور جنگ به شما داده شود (نافرمانی کرده و) پیکار و جهاد نکنید؟ گفتند: چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه و فرزندانمان رانده شده ایم؟ پس چون دستور جنگ بر آنان مقرر گشت، جز عده اندکی، سرپیچی کردند و خداوند به ظالمان آگاه است.

نکته‌ها:

۱- مسلمانان باید با دقت تاریخ را بنگرند طوری که انگار الان داستان را می‌بینند «أَلَمْ تَرَ»
۲- فرمانده کل قوا انبیا بوده‌اند، از همین آیه می‌توان فهمید که رهبر باید فرمانده کل قوا باشد. پیامبر فرمانده کل قوا بود که از او فرمانده خواستند برای جنگ.
۳- جهاد برای رفع ظلم و دفاع از وطن، جهاد در راه خداست. «وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَانَنَا»
درست است که این حرف بنی اسرائیل است اما هر جاقران سخنی را نقل کرد و بعد از آن کلا یا بل نیاورد یعنی آن حرف را تأیید می‌کند.
۴- انقلابی بودن مهم نیست بلکه انقلابی ماندن مهم است. کسانی که شعار می‌دهند به هر شعاری تکیه نکنید.
۵- در این داستان چهار ریزش است. نخستین ریزش در این آیه است که می‌فرماید تولوا. اینجا ریزش مکتبی است.
۶- پیمان شکنان و شعار دهندگان بی‌عمل، ظالمند. هر کس شعار بدهد و پای آن نایستد ظالم است چون در آیه غیر از این ظلمی در کار نبود که آیه می‌گوید «عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ»

قرآن معدن است

ما در ۳۷ دقیقه دو صفحه قرآن را بیان کردیم و نکاتش را هم گفتیم. باید یک دور تفسیر کل قرآن را مطالعه کنید. آخوند بی قرآن یعنی آخوند بی نور و نمی تواند یخرج الناس من الظلمات الى النور باشد. از فیلم دیدن‌ها و کارهای غیر ضروری کم کنید و به مطالعه بپردازید.

ژست علمایی به خود نگیرید اول تفسیر نمونه را ببینید و بعد تفسیر نور را. چون تفسیر نور مال من است و من ملا نبودم بلکه معلم بودم لذا خیلی روان گفته‌ام که همه بفهمند. تفسیر نمونه مثل تاریخ کربلا است و تفسیر نور مثل شعارهای کربلا.

مثال: ابراهیم به عمویش گفت اینها چیست که می پرسید ما هذه التماثل. از این آیه باید اصول درآوریم مثل:

اصل اول: در اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر سن شرط نیست؛ قال لایبه.

اصل دوم: در اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر، تعداد شرط نیست؛ ابراهیم به تنهایی به عمو و قومش گفت.

اصل سوم: در اصلاح اول از بستگان خود شروع کن، اول به عمویش گفت، و اندر عشیرتک الاقربین.

اصل چهارم: در اصلاح و امر به معروف منکرات اصلی را بگو؛ ان الشرک لظلم عظیم.

اصل پنجم: در اصلاح و امر به معروف، از خود شخص اقرار بگیر، نگو سیگار نکش بگو سیگار چه فایده‌ای دارد؟ حضرت ابراهیم گفت ما هذه التماثل. بعد از آن یک دور نهج البلاغه را بخوانید. به این آیه عمل کنید: خدا کتاب بقوه.

ما باید یک نگاه جدیدی داشته باشیم، از الفاظ قرآن خارج نشویم ولی از الفاظ قرآن نکته بیرون بکشیم. «هن لباس لکم و انتم لباس لهن»، ۵۰ نکته از این آیه در یادداشت‌های من است.

قرآن معدنی است! اگر خواب هم می‌گوییم خواب قرآن را بگوییم، تاریخ هم تاریخ قرآن بگوییم.

در تفسیر قرآن به قرآن، المیزان حرف اول را می‌زند، در ادبیات زمخشری حرف اول را می‌زند، در روایات نورالثقلین و البرهان حرف اول را می‌زنند. همانطور که پارچه‌ها جنسشان مختلف است تفاسیر هم مختلف است. قرآن می‌گوید آخوند ربانی، آخوند قرآنی است. دلیلش این آیه است که؛ کونوا ربانیین بما کنتم تعلمون الكتاب و بما کنتم تدرسون.



سوره البقره، آیه ۲۴۹

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بَنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

پس هنگامی که طالوت، سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت:

خداوند شمارا به یک نهر آب آزمایش می‌کند، پس هر که از آن بنوشد از من نیست و هر کس از آن نخورد از من هست، مگر آنکه با دست، مشتی برگیرد (و بیاشامد). پس (همین که به نهر آب رسیدند)، جز اندکی همه از آن نوشیدند، سپس هنگامی که او و یاوران با ایمان او از آن نهر گذشتند، (و دشمن را دیدند) گفتند: امروز ما توانایی مقابله با جالوت و سپاهیان او را نداریم. اما آنها که اعتقاد داشتند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز قیامت ایمان داشتند) گفتند: چه بسا گروهی اندک که با اذن خدا بر گروهی بسیار پیروز شدند و خداوند با صابران (و استقامت‌کنندگان) است.

پیام‌ها:

- ۱- ریزش سوم در اینجا اتفاق افتاد ریزش اقتصادی که نتوانستند جلوی خود را از آب خوردن بگیرند.
- ۲- ریزش چهارم هم در مواجهه با جالوت اتفاق افتاد یعنی ریزش روانی. تا آنها را دیدند گفتند: لا طاقه لنا اليوم بجالوت و جنوده.
- ۳- فراوانی عده و عده دشمن در برابر اراده خداوند چیزی نیست. از نظر قرآن بیست نفر شما در مقابل دویست نفر است؛ «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»



سوره البقره، آیه ۲۵۰

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أقدامنا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ و هنگامی که در برابر جالوت و سپاهیان او قرار گرفتند، گفتند: پروردگارا صبر و شکیبایی بر ما فرو ریز و قدمهای ما را ثابت و استوار بدار و مارا بر گروه کافران پیروز فرما.

پیام‌ها:

۱- همیشه و به خصوص در جبهه‌ها، دعا همراه با حرکت لازم است، نه دعا به جای حرکت. «بَرَزُوا لِجَالُوتَ... رَبَّنَا أَفْرِغْ...»

سوره البقره، آیه ۲۵۱

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ

سپس آنها (طالوت و یاران او) به اذن خداوند، سپاه دشمن را درهم شکستند و داوود (که جوانی کم سن و سال، ولی مؤمن، شجاع و از یاران طالوت بود)، جالوت را (که فرمانده سپاه دشمن بود) کشت، و خداوند حکومت و حکمت به او عطا نمود و از آنچه می‌خواست به او آموخت. و اگر خداوند (فساد) بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، قطعاً زمین را فساد می‌گرفت. ولی خداوند نسبت به جهانیان لطف و احسان دارد.

نکته‌ها:

بر اساس روایات، داوود علیه‌السلام بر اثر همین شجاعت و دلوری به مقام نبوت رسید و فرزندش سلیمان علیه‌السلام نیز از انبیای الهی گردید. داوود یک نوجوان ۱۵، ۱۶ ساله بود که شجاعت از خود نشان داد. اگر داوود که جالوت را کشت خدا به او ملک و حکمت و علم داد، امیرالمؤمنین هم عمرو بن عبدود را کشت، خدا هم به او ملک و حکمت و علم داد.

حجت الاسلام والمسلمین باقرزاده:

زوایای زندگی حضرت زهرا باید روشن شود

یکی از سؤالات مهم و اساسی در زندگی حضرت صدیقه زهرا «علیها السلام» که باید به شکلی تفصیلی و مستند به نسل امروزی پاسخ داده شود روشن شدن زوایای زندگی و اصول حاکم بر زندگی حضرت زهرا «علیها السلام» در حد یک الگو و زندگی ایده آل است. چرا که بعضی از کج اندیشان از طرفی و بعضی از دوستان مشتاق پیروی از آیین زندگی حضرت زهرا «علیها السلام» سؤال می کنند که زندگی فاطمه «علیها السلام» چگونه می تواند برای ما الگو باشد. اینک به مواردی اشاره می کنیم.

اصل ایمان و معنویت

اصول جمع اصل، به معنای اساس و بیخ و بن است. اصول حاکم بر زندگی انسانی که نه تنها الگوی ما، بلکه الگوی بزرگترین اولیای الهی، امامان معصوم و امام زمان ما است، اصولی قابل توجه و با اهمیت، که می تواند تعالی بخش دیگر زندگی ها باشد.

۱-۱- معنای ایمان

۲-۱- آثار ایمان

۳-۱- نمونه ایمان حضرت زهرا سلام الله علیها

۱-۳-۱- عبادت

۲-۳-۱- باور به قیامت

۱-۳-۳- انس با قرآن کریم

اصل ساده زیستی

ساده زیستی با مفهوم زهد و بی رغبتی، ارتباط تنگاتنگی دارد. استاد مطهری می گوید: «زهد، حالتی است روحی و زاهد از آن نظر که دل بستگی های معنوی و اخروی دارد، به مظاهر مادی زندگی بی اعتناست. این بی اعتنایی و بی توجهی تنها در فکر و اندیشه و احساس قلبی نیست و در مرحله ضمیر پایان نمی یابد. زاهد در زندگی عملی خویش، سادگی و قناعت را پیشه خود می سازد و از تنعم تجمل و لذت گرایی پرهیز می نماید. زاهد جهان آنها هستند که به حداقل تمتع و بهره گیری از مادیات اکتفا کرده اند.

۱-۲- ساده زیستی حضرت

۱-۱-۲- حضرت زهرا سلام الله علیها در شب پیوند آسمانی اش با امیر مؤمنان، لباس عروسی اش را به سائل می دهد و با تنها پیراهن کهنه ای که دارد به خانه شوهر می رود.

۲-۱-۲- حضرت زهرا سلام الله علیها زمانی به ازدواج با امام علی علیه السلام پاسخ مثبت داد که علی علیه السلام هیچ سرمایه ای نداشت و تنها دارایی او برای ازدواج، یک زره بود که آن هم صرف تهیه وسایل ضروری زندگی مشترکشان شد که عبارت بود از: حصیر، لیوان، گلیم، کوزه، آسیاب دستی، مشک، پوست گوسند، پرده و...

۳-۱-۲- مراسم ازدواج حضرت زهرا سلام الله علیها همراه دعا و اطعام فقرا و صدقه و نیز تهلیل و تکبیر

بود. مراسم عروسی هم خالی از سرور و شادمانی نبود، پیامبر صل الله علیه و آله و سلم هنگام بردن عروس به خانه داماد، به دختران عبدالمطلب و زنان مهاجر و انصار فرمان داد که همراه فاطمه سلام الله علیها بروند، شادمانی کنند و تکبیر و تحمید بگویند، اما چیزی نگویند که خداوند راضی نباشد.

۴-۱-۲- سلمان، روزی به خانه دختر پیامبر صل الله علیه و آله و سلم می رود و می بیند که ایشان چادری کهنه و وصله دار به سر دارد سلمان متعجب و اندوهناک می شود و به یاد شاهزاده های ایرانی و شکوه و جلال آنها می افتد، در حالی که یگانه دختر رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم چادرش فرسوده است. گریه کنان می گوید: غم و اندوه بر ما باد، دختران پادشاهان ایران و روم بر تخت های طلا می نشینند و پارچه های زربفت و حریر بر تن می کنند و این دختر محمد صل الله علیه و آله و سلم است که چادری ساده با دوازده وصله به سر دارد. حضرت زهرا سلام الله علیها در پاسخ من فرمود: «یا سلمان! ان الله ذکر لنا الثیاب و الکراسی لیوم آخر ای سلمان! خداوند بزرگ، لباس های زینتی و تخت های طلایی را در روز قیامت برای ما ذخیره کرده است.»

۵-۱-۲- یکی دیگر از جلوه های ایثار و از خودگذشتگی که ثمره و محصول ساده زیستی است، در زندگی مشترک حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها زمانی محقق می شود که آن دو بزرگوار همراه با فرزندان شان، سه روز، روزه می گیرند و در هر سه روز، هنگام غروب سائلی در خانه علی علیه السلام می رسد و طلب کمک می نماید. علی علیه السلام و زهرا سلام الله علیها شکر خدا را به جا آورده، مختصر غذایی را که تهیه دیده بودند، به سائل می دهند و خودشان سه شبانه روز گرسنه می مانند؛ و در این باره، خدای سبحان آیاتی را نازل می فرماید. نمونه های ساده زیستی زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها تمام شدنی نیست و اینک این وظیفه ماست که با الگو برداری از زندگی حضرت، ساده زیستی را برای زندگیمان انتخاب کنیم، از دل بستگی های دنیوی دور شویم و با افتخار نسبت به این انتخاب آرامش و آزادی را برای خود به ارمغان آوریم.

اصل عفت ورزی و عفاف محوری

یکی از عوامل استحکام خانواده و اجتماع، ملکه نفسانی عفاف است که اگر در جان پرورنده شود به ثمر نشسته و حاصل آن مصونیت و در نتیجه قرب و نزدیکی به خداوند خواهد بود. دین مبین اسلام، به عنوان آیین جامع و کامل خداوند متعال، در حمایت از شخصیت انسانی و معنوی زن در جهت حفظ عفت عمومی، دستورهای حکیمانه ای مبتنی بر

هیأت

پس از رحلت پیامبر عظیم الشان اسلام به رغم همه سفارشات پیامبر ولایت و امامت در مخاطره قرار گرفت و باند منافقین فرصت طلب با استفاده از شیوه‌ها و شعارهای قابل تأثیر در توده مردم خواسته‌های خود را محقق ساختند و انحرافی خسارت بار را پایه‌ریزی نمودند. در این شرایط قوی‌ترین و مؤثرترین و انقلابی‌ترین واکنش‌ها از سوی فاطمه زهرا سلام‌الله در ابعاد گوناگون فرهنگی و مبارزاتی در جامعه بروز و ظهور داشته است.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: در آن لحظه که امام علی علیه‌السلام را به سوی مسجد می‌کشیدند و هیچ‌کس در آن غربت و تنهایی دفاع نمی‌کرد. حضرت زهرا خود را به امام رسانید و دامن عمر را گرفت و سخت کشید و فرمود: ای پسر خطاب سوگند به خدا اگر کراهت نداشتم که بیگانگان مدینه گرفتار بالای الهی شوند نفرین می‌کردم و آنگاه می‌فهمیدید که نفرین من خیلی زود تحقق می‌پذیرد.

و در بعضی اخبار وارد شده که امیرالمومنین علیه‌السلام تا حضرت فاطمه زنده بود هر گز با خلیفه و هوادارانش بیعت نکرد چنان که محدث بزرگ حاج شیخ عباس قمی در کتاب بیت الاحزان به نقل از ابن قتیبه درباره چگونگی بیعت با امیرالمومنین علیه‌السلام می‌نویسد در آخرین لحظاتی که وصی رسول خدا در مقابل ابوبکر قرار گرفت. ابوبکر ساکت بود و سخنی نمی‌گفت عمر به او گفت: آیا علی را به بیعت امر نمی‌کنی. ابوبکر گفت: تا فاطمه نزد علی است او را به چیزی اجبار نمی‌کنم.

دفاعیات و مبارزات حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها به عنوان نخستین یاور حضرت علی علیه‌السلام پس از رحلت پیامبر اکرم از آن جهت مهم و سرنوشت ساز بود که الگویی برای مبارزه وجود نداشت و آن حضرت، طراح مبارزه با تحریف گردید. بعدها مسلمانان راه را شناختند، توطئه‌ها را فیهند و با آن مقابله کردند.

همچنین در شرایطی که جناح‌های سیاسی جامعه نمودار شد و درگیری‌های جناح مخالفان جبهه‌های که خواستار به قدرت رسیدن حضرت علی علیه‌السلام بودند، شدت یافتند؛ دختر رسول خدا فاطمه زهرا سلام‌الله علیها یکی از سرسخت‌ترین و نیرومندترین مدافعان حضرت علی علیه‌السلام بود اگر چه آن حضرت پس از پدر بزرگوارش مدت چندانی زندگی نکرد و نخستین کسی بود که به پدر خود ملحق شد اما مخالفت‌های دلیرانه او راه مبارزه را در برابر یاران امام گشود و بدین سان به آنان روش مبارزه آموخت و عزم آنان را استوار کرد.

- ۱.۵: ویژگی‌های افراد ولایت مدار
- انسان کامل قرآنی که مصداق بارز آن ولی الله است پنج ویژگی دارد که عبارتند از:
- ۱.۵: عشق و محبت آتشین به حضرت حق - جلت عظمه - و اولیای خاص او.
- ۲.۱.۵: تعقل و معرفت برتر (علم عالی)
- ۳.۱.۵: قدرت و توانایی برتر
- ۴.۱.۵: وحدت در عین کثرت (تلازم با اجتماع و لوازم آن)
- ۵.۱.۵: حماسه یا ستیز با ضدارزش‌ها



موارد تفاهم در زندگی:

- ۱.۴: تقسیم کار منزل با همسر
- ۲.۴: خوب شوهرداری کردن
- ۳.۴: تربیت و رفتار با فرزندان
- ۴-۴: حاکمیت روح مشورت بر زندگی
- ۵.۴: پاک نگه‌داری محیط خانه و خانواده از گناه
- اصل دفاع همه‌جانبه از حریم ولایت و امامت
- فاطمه سلام‌الله علیها شیداترین پروانه شمع امامت بود؛ پروانه عاشقی که با سوختن و فداسازی خویش، به همگان آموخت که امام بر حق چنان کعبه است: «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تَوْتَى وَ لَا تَأْتِي» کعبه‌ای که مردم بایستی بر گردش طواف نمایند؛ نه او بر گرد مردم. این، فاطمه بود زیباترین شعار ولایت‌مداری را در گوش جان پیروان خویش طنین انداز ساخت: «يَا أَبَا الْحَسَنِ! رُوحِي لِرُوحِكَ الْفِدَاءُ وَ نَفْسِي لِنَفْسِكَ الْوَفَاءُ، إِنْ كُنْتُ فِي خَيْرٍ كُنْتُ مَعَكَ وَ إِنْ كُنْتُ فِي شَرٍّ كُنْتُ مَعَكَ» ای آباالحسن! روحم به فدای روح تو و جانم سیر بالای تو! همراه تو خواهم بود؛ چه در خیر و نیکی به سر بری و چه در سختی و بلا گرفتار شوی!

یکی از ضروری‌ترین عرصه‌هایی که در آن بایستی به فاطمه زهرا اقتدا نمود عرصه دفاع از حریم ولایت است. در فرهنگ شیعیان به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران حضرت صدیقه طاهره سلام‌الله علیها به عنوان حامی و فدایی ولایت لقب گرفته‌اند، چرا که او در کوتاه دوره زندگانی خویش پس از هجران رسول خدا صل‌الله علیه و آله و سلم زیباترین جلوه پاسداری از حریم ولایت را به تصویر کشید و یگانه‌ترین اسوه‌گری را در این گستره به تارک تاریخ جاودانه گردانید.

لزوم رعایت عفت و حیا در ابعاد گوناگون صادر نموده است. «البته عفاف مخصوص زنان نیست و مردان نیز باید عفاف باشند ولیکن چون مردان به دلیل داشتن قدرت جسمانی و برتری جسمانی این توانایی را دارند که به زن ظلم کنند و برخلاف میل او رفتار نمایند، از این رو اسلام روی عفت زن تأکید بیشتری نموده است».

- ۱.۳: عفاف در آیات و روایات
- ۲.۳: زهرا اطهر نمونه بارز عفت
- ۱.۲.۳: حضرت زهرا سلام‌الله علیها و عفاف در گفتار
- ۳.۲.۳: عفت در پوشش
- ۴.۲.۳: عفت در کردار

اصل تفاهم در زندگی مشترک

زن و مرد، یک عمر شریک هم در زندگی هستند و اکثر اوقات را با هم می‌گذرانند. پس تحت تأثیر عقاید و افکار و اخلاق یکدیگر قرار خواهند گرفت. بدون تردید، مرد یا زن معتقد و دیندار و پایبند به اخلاق، نه تنها همسر خود را به دینداری، تقوا و پیشرفت تشویق می‌کند، بلکه می‌تواند فضای خانواده را به محیطی امن، با نشاط و دور از گناه یادگیری و تنش، تبدیل کند. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «به خدا سوگند! در سراسر زندگی مشترک با فاطمه سلام‌الله علیها تا آنگاه که خدای عزیز و جلیل او را قبض روح فرمود هر گز او را خشمگین نساختم و بر هیچ کاری او را اکراه و اجبار نکردم، و او نیز مرا هرگز خشمگین نساخت و نافرمانی من نکرد؛ هر وقت به او نگاه می‌کردم رنج‌ها و اندوه‌هایم برطرف می‌شد.

حجت الاسلام والمسلمین پناهی مقدم: نکاتی درباره بحث نقد معصوم

به نظر می‌آید که جلسه ما نباید خالی از این موضوع باشد. مستقیم سراغ مباحث اصلی می‌روم. شخص گوینده (روحانی) صحبتش را در چند قسمت تنظیم کرده بود. در قسمت اول می‌گوید همه باید نقد شوند همه مسئولین استثناء ندارد. ما در کشور معصوم نداریم. در این قسمت چندان بحثی نیست چون مسئله مسلم هم هست. کسی هم ادعا نکرده ما در کشور معصوم داریم.

ما در کشور معصوم نداریم ولی به خاطر اینکه رهبر نایب معصوم است نایب عام، احکام عصمت را دارد؛ واجب اطاعه است، حق تنفیذ دارد، حق تشکیل حکومت دارد اینها می‌خواهند اینها را بزنند و گر نه کسی ادعا نکرده در کشور معصوم هست. و بعد تطهیر آقای هاشمی، چون ایشان از کسانی است که در موارد بسیاری - سالگردش هم بود و این چیزها در بیرون مطرح شد - از حضرت امام و رهبر انقلاب اطاعت نداشته، در دسرهایی درست کرده، اینها می‌خواهند بگویند ما اگر نقد می‌کنیم ایشان که معصوم نیست، اگر ما اطاعت نکردیم. مسئله سوم تثبیت راه و رسم خودشان که در جلسات مخفی اینها را گفته‌اند.

در قسمت دوم صحبتش می‌گوید حالا اگر یک وقتی امام دوازدهم هم ظهور کند آن وقت هم می‌شود نقد کرد. از این قسمت گوینده برای جا انداختن ادعای قبلیش می‌خواهد نقد را تعمیم بدهد. ببرد سراغ معصومین علیهم السلام و بگوید خب وقتی آنها قابل نقد هستند وقتی منوب عنه قابل نقد است پس نایب هم قابل نقد است. درواقع چنین کسی باید با مسئله عصمت کنار نیاید. آدمی که این حرف را می‌زند، عنوان حضرت را اینطوری می‌گوید یک امام دوازدهمی!! این پیدا است که مسئله مهم است و می‌خواهد بگوید آنها قابل نقد هستند، درحالی که اعتقاد شیعه این است که مدار کش را در قسمت دوم بحث آورده‌ایم که از نظر مدارک مسلم، معصومین چه شرایطی دارند و آیا قابل نقد هستند یا نه. آن وقت نقد به این معنا که یک کسی بگوید شما اشتباهت این است به این دلیل و این دلیل حرف من درست است این با عصمت می‌سازد؟

در قسمت سوم می‌گوید پیامبر هم اجازه نقد می‌داد. دیگر بالاتر از پیامبر که در تاریخ نداریم.

این قسمت هم می‌خواهد دلیل قسمت دوم شود. در این قسمت دو اشکال اصلی متوجه سخن اوست؛ یکی اینکه اصلاً چنین سخنی از هیچ معصومی صادر نشده، اگر کسی سراغ دارد بیاورد که معصومی گفته باشد بیا بید من را نقد کنید. البته اجازه پرسش داده‌اند اما اجازه نقد نداده‌اند. مثلاً امیرالمؤمنین فرموده سلونی، اشکال دوم اینکه اصلاً این حرف غلط است کسی که خودش را معصوم می‌داند می‌تواند بگوید بیا بید من را نقد کنید؟ از یک طرف به مردم بگوید از من اطاعت کنید از طرف دیگر بگوید من اشتباه هم دارم بیا بید بگویند!

در قسمت چهارم می‌گوید وقتی پیغمبر صحبت می‌کرد طرف بلند می‌شد می‌گفت امن‌اللهام منک؟ آیا نظر خدا است یا نظر خودت. اگر می‌گفت من‌الله قبول می‌کرد و اگر می‌گفت منی، نقد می‌کرد. در این قسمت گوینده دارد یک واقعه تاریخی را نقد می‌کند. باز مقصود اصلی‌اش این است که بگوید معصومین قابل نقد هستند. در این قسمت در سؤال آن شخص دو بخش مطرح است یکی اینکه از حضرت سؤال کرده امن‌اللهام منک و بعد گفته اگر منک است قبول ندارم. قسمت اول را چندبار در تاریخ داریم ولی قسمت دوم را نداریم که کسی گفته باشد اگر منک است بگوید من قبول ندارم. اما قسمت اول یکی در روز غدیر است در قضیه حارث بن نعمان که درخواست عذاب کرد و سنگی آمد و او را هلاک کرد. یکی هم وقتی پیامبر امر کردند که علی را با لقب امیرالمؤمنین خطاب کنند و بعضی سختشان بود از پیامبر سؤال کردند امن‌اللهام منک؟ حضرت محکم کاری کردند و فرمودند من‌الله و رسوله.

نتیجه اینکه در این قسمت هم دلیلی بر این مسئله وجود ندارد و به علاوه کار حارث بن نعمان اعتراض

بود نه نقد.

یک مورد دیگر تفسیر نمونه جلد ۳ ص ۱۴۳ که حضرت در جنگ بدر اردوگاه را مشخص کردند. حباب بن منذر سؤال کرد از خودتان است یا از خدای متعال؟ حضرت فرمود در این مسئله دستوری نرسیده. گفت آقا به نظر من برویم کنار آب اردو بزیم بهتر است. البته اینجا ندارد که حرف او درست در آمد یا نه؛ ولی باز اینجا ندارد که طرف گفته باشد اگر از خودت هست من قبول ندارم، یعنی قسمت دوم سؤال اینجا نیست. حالا در این نقل ندارد که آیا حرف آن طرف درست در آمد.

صدق این قضیه هم این بوده است که پیغمبر صلی‌الله علیه و آله همه نطقشان ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی این نطق مطلق است چه وحی و چه غیروحی، زندگی پیغمبر همه‌اش قول و فعل و تقریرش حجت است. اما حضرت در امور جزئی نه در کلیات افراد را دخالت می‌دادند تا براساس و شاورهم فی الامر اینها را در میدان بیاورند و زمینه می‌دادند، نظر خواهی می‌کردند و عمل هم می‌کردند و گاهی هم متحمل زحمت هم می‌شدند. مرحوم میرزای نایینی در تنبیه الامة نقل کرده‌اند که در احد هم نظر حضرت این بود که داخل شهر بمانند و بجنگند ولی نظر خواهی کردند و نظر نهایی این شد که بیرون شهر بروند و به همین هم عمل شد و متحمل زحمت زیادی شدند، ولی می‌خواستند یاد بدهند اینطوری باید زندگی کرد. و باز هم این ربطی به صحبت این آقا ندارد که بگوید اگر از خودت است من قبول ندارم. این نشان می‌دهد که در مسائل جزئی اهل بیت علیهم السلام مثل مردم داخل مردم زندگی می‌کردند و در مسئله قضاوت از علوم خود استفاده نمی‌کردند تا به مردم زندگی دینی را یاد بدهند. و این هم اسمش نقد و قابل

زندگی فاطمی زندگی جهادی



اگر بخواهیم در مورد خود حضرت زهرا سلام الله علیها بحث کنیم باید تاریخ را مطالعه کنیم. اما من معتقدم در این بحث اول باید جهاد را روشن کرد که اصلاً جهاد چیست بعد زندگی جهادی حضرت زهرا سلام الله علیها.

خیلی جالب است کتاب زندگی به سبک جهادی از بیانات و فرمایشات رهبر معظم انقلاب کتاب خوبی است در این موضوع که آقای محمدی نوشته اند. آنجا در موضوعات بسیار مختلف اول دسته بندی کرده که زندگی به سبک جهادی یعنی چه؟ اصلاً جهاد یعنی چه؟ یعنی انسان تمام تلاش و کوشش خود را برای مبارزه با دشمن قرار بدهد در هر سطح حال دشمن یا دشمن ظاهر است یا نفس است یا شیطان و همه قسم خورده هستند و همه با هم تداخل دارند یعنی همه دست به دست هم می دهند برای دشمنی. که معنای خاص جهاد را از لسان مقام معظم رهبری آورده است، حال این یا مبارزه آشکار است یا پنهان، یا اقتصادی است یا سیاسی یا نظامی، مبارزه اقتصادی همان اولش بود چون می دانستند اگر چیزی در دست اهل بیت باشد قطعاً اینها به فقر می رسند چون خود امیر المؤمنین فرمودند از آنچه آفتاب بر آن می تابد فقط یک باغچه سهم ما بود و آن را هم نتوانستند ببینند چرا؟ چون تمام عایدات فدک در اختیار فقرای مدینه قرار می گرفت. لذا راه اقتصادی را بستند. حالا حضرت باید چه می کردند؟ با همین مطالبه فدک و احقاق حق کردند ثانیاً چهره های که در مقابل اسلام قرار گرفت را باید مشخص می کردند. یا در رابطه با مسئله سیاسی همان احتجاجاتی که کردند در خطبه حضرت. شما قبل و بعد خطبه یا ضمن خطبه اگر نگاه کنید حضرت احتجاجاتی کردند که نشان می دهد آن کسانی که بر سر کار آمدند از نظر سیاسی هم هیچ چیزی بلد نیستند. از نظر نظامی هم همینطور. خود بی بی دفاع کردند، درست در مقابل آنها وقتی آمدند خانه را آتش بزنند گفتند در این خانه فاطمه است گفتند و آن... یعنی هر چند فاطمه باشد، در اینجا چه کسی باید بیاید؟ خود امیر المؤمنین باید بیاید؟ نه اینجا آن کسی که باید دفاع کند آمد پشت در و دفاع کرد.

زندگی جهادی حضرت برای چه انجام شد؟ برای اینکه در بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی حضرت زهرا سلام الله علیها فعالیت کرد.

نکته دوم: خصوصیات فردی جهادگر و مجاهد است.

نکته سوم این است که جهاد یکی از پایه های ایمان از نظر اسلام است، یعنی اگر جهاد نباشد ایمان هم نیست. کسی که نظریه نقد معصوم را داد برای این است که این عناوین از بین بروند، یعنی جهاد از بین برود. وقتی که اولش می گویند کدخدا برای این است که جلوی مبارزه با کدخدا را بگیرند.

و اما این مبارزه و جهاد تا کی ادامه خواهد داشت؟ تا وقتی که انسان هاز کابوس دشمنی با دشمنانی که در مقابلشان هستند در بیاید. اگر یک روز احساس کردیم مایی که در جامعه هستیم به عنوان رهبران یاهادیان جامعه این احساس در ما خاموش شد یقین کنیم که جامعه از دست رفته و به انحطاط کشانده شده. هر گاه روح مبارزه در رهبران و هادیان جامعه خاموش شود یقیناً آن جامعه به انحطاط کشیده خواهد شد.



نقد بودن معصوم نیست. این استفاده اصحاب از یک فرصت تمرینی است که معصومین علیهم السلام می دادند و این هم در امور جزئی بوده، نه در مسائل اصولی و مهم؛ پس این کجا و اینکه آقا دارد به طور کلی می گوید. خوب اگر اینطور بوده پس چطور کارها پیش رفت؟ اگر بناست واجب اطاعه بودن که قرآن می گوید عمل شود که با این جور در نمی آید! معصوم اگر واجب اطاعه نبود که کار پیش نمی رفت. قصه این امور معلوم است قصه معصوم این است.

طرح اصلی اینها این است که حزبی در کشور راه افتاده است بسیار اساسی، بسیاری از افرادش در قم هستند از آیت الله العظمای صاحب رساله دارند تا پایین تر و به هیچ چیز کار ندارند و فقط حمایت می کنند. لذا این حرف ها را می زنند که جا بیفتد و هر کس هم صحبت کند می گویند تو داری حزبی کار می کنی، تو مشکل انتخاباتی داری برای اینکه جواب ندهند. یک عده هم در حوزه راه افتاده اند می گویند اصالة الصلحه جاری کنید. در حالی که اگر همه قابل نقد هستند پس چرا این همه نقد به هاشمی هست، ولی شمایی چون و چرا از او تبعیت می کنید. سروسش هم می گفت همه چیز نسبی است اما به حرف خودش که می رسید می گفت قطعی است. به علاوه ما این جور اعتراضات را در تاریخ داریم و اهل بیت علیهم السلام در بخش دوم این بحث می آید. ان شاء الله که معصومین به قدری با شدت برخورد کرده اند با این افراد معترض، آن وقت شما باید بیایی کارهای این افراد را که ضدارزشی بوده اند و اهل بیت با اینها تند برخورد کرده اند این را به عنوان ارزش مطرح کنید؟! جمله آخر اینکه این مسئله دارد مسکوت گذاشته می شود. اگر خطبا سکوت کنند اینها موفق می شوند.



حجه السلام والمسلمین صفدری:

خیلی ها با حقایق قرآن آشنا نیستند

هیأت

سیاسی داریم بتوانیم و تلاش کنیم اینها را در ذیل آیات قرآن و با بیان قرآنی بگوییم با اینکه روایات مفسر و مبین قرآن است.

آیه نور با همه لطافت هایی که دارد امام وقتی که آیه نور را خواندند فرمودند متأسفانه دست همه مفسرین از لطایف قرآن کوتاه مانده است بعد فرمودند همین تفسیر مجمع البیان که تفسیر خوبی هم هست؛ الله نور السموات والارض را منور السموات والارض معنا کرده است. این آیه نور خیلی جای بحث دارد که ارتباطش با ولایت چیست بعد می فرماید: فی بیوت اذن الله ان ترفع فی بیوت اهل سنت و در المنثور گفته اند این بیت حضرت زهرا سلام الله علیها است. نعم من افاضلها این آیه دارد بیت فاطمه زهرا را معرفی می کند و آیه بعد رجال لا تلهیهم؛ تربیت فاطمی را بیان می کند. بروید شاخصه های قرآنی تربیت فاطمی را پیدا کنید.

من تنبه را می دهم که ضمن اینکه ما باید فضای سیاسی اجتماعی کشور را توجه کنیم ولی واقعیت این است که خیلی از انحرافات نسل جوان ما با حقایق قرآن و مباحث معرفتی و باورهای دینی آشنا نیستند. شما فرمایشات امام را ببینید که در طول ده سال بعد از انقلاب که برای ما صحبت کردند و همچنین مقام معظم رهبری قنقدر مباحث معرفتی است، نه فقط توحید. یعنی شناخت و معرفت و افزایش معرفت مردم خیلی جوان ها نیاز دارند، ضمن اینکه بنده در ضمن همین مباحث قرآنی بحث؛ فان تنازعتم فی شیء را در آیه ولایت را می گوید حضرت زهرا سلام الله علیها در این تنازع به شهادت رسیدند. این قرآن فقط در یک جا طرح تنازع کردند، در بحث نماز نیامده چون نماز دعوا ندارد، فرمود حج، روزه اما هیچ کجا بحث تنازع را نفرمود، ولی به بحث ولایت که رسید طرح این دعوا را کرد فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و در این تنازع حضرت زهرا سلام الله علیها به شهادت رسیدند.

مقام معظم رهبری در جمع ائمه جماعات تهران فرمودند سعی کنید برای جوان ها جذابیت ایجاد کنید بلافاصله فرمایش خود را توضیح دادند که منظورم این نیست که میز پینگ بیاورید، تا ورزش و فعالیت بدنی کند، اگر اینها را بخواهند ورزشگاه می رود بلکه سعی کنید جوان ها را با بحث های توحیدی و عرفانی جذب کنید. این متن فرمایش حضرت آقا است. فرمود دل جوان از هر دلی بیشتر مجذوب عشق به خدا و معرفت حق است.

یک مقدار صبغه معرفتی و توحیدی و قرآنی و تفسیری را باید در مباحثمان بیشتر کنیم. در سوره مبارکه اسراء فرمود؛ و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناک الا مبشرا و نذیرا. تعبیر بزرگان این است که این قرآن صورت تنزل یافته آن حقیقت علمی عرشی آسمانی است. همه جا بحث از نزول است بحث از تنزل است بحث از پایین آمدن است، تعبیر علامه طباطبایی هم نزول قرآن به حق است و هم انزال آن. شاید در اوایل سوره مبارکه زخرف باشد که می فرماید و جعلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون این مرجع ضمیر جعلناه کجاست؟ مرحوم علامه می گوید قرآن همین متن مقرر است، این متنی که قابل قرائت است، مرحوم علامه از این صنف آیات استفاده می کنند که حقیقت قرآن این الفاظ نیست، باطن قرآن و ملکوت این قرآن این الفاظ نیست. آن حقیقت و باطن و ملکوت در این الفاظ ریخته شده و تنزل یافته است. این قرآن صورت تنزل یافته آن حقیقت آسمانی است که خدا در این الفاظ مبارکات و این متن قرار داد تا ما در آن ببیندیشیم.

نکته ای که خودم در سخنرانی های حضرت امام یادم هست امام جمله ای فرمودند که اگر قرار شود که این کلمات و الفاظ به حالت عین تعیین پیدا کند و تشخیص، آن تعیین و تشخیص خارجی این الفاظ و واژه های قرآن می شود وجود خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و اگر قرار باشد حضرت در عالم الفاظ در آید می شود این قرآن. این برای اهل بیت هم هست از حدیث ثقلین خوب بر می آید که اینها در هیچ مقامی از مقامات و هیچ مرتبه ای از مراتب عرشی و معرفتی از هم جدا نبوده اند و جدا نیستند و جدا نخواهند شد. لذا هر مرتبه نوری که برای

قرآن اثبات کنیم برای اهل بیت هم ثابت شده است. در ایام فاطمیه با توجه به قرآن و حضرت زهرا سلام الله علیها بحث کنیم. مثلا: قرآن می فرماید؛ لا تبطلوا صدقاتکم بالمن و الاذی: من در قرآن مذموم شمرده شده ولیکن در جاهایی برای اینکه وزن یک نعمت را معرفی کنند تعبیر من به کار می برند، یکی نعمت و جود نازنین خاتم الانبیاء که می فرماید؛ لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا. و یکی وجود خاتم الاوصیاء است و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا در این فضا که نعمت خاتم الانبیاء و نعمت خاتم الاوصیاء حلقه اتصال نبوت و ولایت است. سوره مبارکه حجر می فرماید؛ و لقد اتیناک سبعا من المثانی و القرآن العظیم. مرحوم علامه طباطبایی می نویسند هذه الایه فی مقام الامتنان علی النبی صلی الله علیه و آله؛ پس پیغمبر که خودش منت است بر همه عوالم به پیامبر که قرآن را عنایت می کند با تعبیر آتیناک می آورد. یکی هم نعمت کوثر است انا اعطیناک الکوثر باز هم علامه می نویسند الاعطاء بمعنی الامتنان خیلی لطیف است و خیلی قابل توجه است. قرآن کریم دو نعمت را با این عبارت بیان کرد. و لقد اتیناک سبعا من المثانی و القرآن العظیم؛ حال اینکه سوره فاتحه می دانید چه عظمتی دارد که کل قرآن است، تجلی تمام آیات قرآن و عصاره قرآن است. بنابر روایتی که فرمود انا النقطة تحت الباء و مرحوم علامه حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی بسمله صحیفه فضل و کمال و معرفت را حضرت زهرا سلام الله علیها معرفی کردند.

جاهایی که ولایت و توحید التقاء پیدا می کند خیلی جای بحث دارد. اگر بحث اجتماعی داریم، بحث اخلاقی داریم، بحث خانوادگی داریم، بحث های

نگاهی به اوضاع منطقه



سوریه

دخالت نظامی ترکیه

یک هفته است که شمال سوریه شاهد حمله نظامی ارتش ترکیه و تجاوز نظامیان آن به شهرهای این کشور از جمله «عفرین» شهر کرد نشین در شمال حلب است. بهانه ترکیه، افزایش تحرکات گروه‌های تروریستی کرد مانند پ.ک.ک است. ترکیه می‌گوید این گروه‌ها نباید در مرزهای ترکیه حضور داشته باشند. حدود دو سال پیش نیز در اوج فعالیت داعش در عراق، ترکیه برای سرکوب کردها تا مرزهای شمالی شهر موصل در خاک عراق پیشروی کرد. اما چه عواملی باعث دخالت ترکیه در سوریه شده است.

یکی از دلایل دخالت نظامی ترکیه، ناکارآمدی گروه‌هایی مانند «ارتش آزاد» و «جبهه النصره» به دلیل ضعف در امکانات نظامی و شرکت در مذاکرات ژنو با دولت سوریه است که عملاً کنترل ترکیه خارج شده و نمی‌خواهند اهداف آنکارا در سوریه را اجرا کنند. به همین دلیل ترکیه برای جلوگیری از حذف شدن از صحنه سیاسی سوریه ناچار به دخالت و حضور نظامی در این کشور شده است.

از سوی دیگر پیشروی‌های ارتش سوریه و همپیمانان آن نیز در مدت دو هفته گذشته توانست تا جنوب استان حلب را از وجود گروه‌های مسلح پاک کند. اما پیشروی ارتش سوریه نکته جدیدی نیست بلکه نحوه این پیشروی‌ها باعث نگرانی ترکیه شده است. ارتش سوریه برای جلوگیری از خونریزی در مناطق مختلف راهکار «آشتی ملی» و اجرای عفو عمومی برای گروه‌های مسلح مستقر در این مناطق استفاده کرد. ترکیه نیز به دلیل ترس از مصالحه میان گروه‌های تحت سیطره آنکارا و ارتش سوریه سعی در ایجاد منطقه حائل میان آنان دارد. اساسی‌ترین بهانه حمله ارتش ترکیه به شهرهای سوریه، جلوگیری از قدرت‌گیری گروه‌های کرد در شمال این کشور است. ترکیه اعلام کرده است که نیروهای آمریکایی مستقر در شمال سوریه در حال آموزش ارتش ۳۰ هزار نفری از گروه‌های کرد برای استقرار در مرزهای سوریه و ترکیه هستند و این موضوع امنیت آنکارا را تهدید می‌کند. اما این نکته قابل تأمل است که نیروهای تحت آموزش آمریکا در استان «حصکه» واقع در شمال شرق سوریه هستند ولی ارتش ترکیه به منطقه عفرین در شمال غرب سوریه حمله کرده است. شاید کسی نداند که کردهای ساکن شهر «عفرین» بیشترین همکاری نظامی و اطلاعاتی را با نیروهای ارتش سوریه و روسیه داشتند و در حقیقت ساکنان این شهر از همپیمانان جریان مقاومت هستند. آنچه تا اینجا کار مشخص شده این است که ترکیه برنامه‌ای برای آینده جنگ خود در سوریه ندارد و همین موضوع باعث شده تا نگرانی‌ها درباره رشد مجدد گروه‌های تروریستی در خلأ امنیتی به وجود آمده به دلیل حمله ترکیه افزایش یابد. همچنین دخالت نظامی ترکیه در سوریه بدون اخذ مجوز از شورای امنیت سازمان ملل باعث ایجاد بی‌ثباتی در روابط شکننده بین‌الملل خواهد شد و این دخالت‌ها در مورد سوریه، که اکنون صحنه بازی ده‌ها کشور شده است، ممکن است باعث بروز درگیری‌های گسترده‌تری در منطقه شود.



عراق

دست و پنجه با مشکلات

تحولات عراق همیشه غیرقابل پیش‌بینی است. روزی این کشور با مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کند مانند داعش و استقلال طلبی کردها در شمال این کشور که هر کدام به تنهایی می‌توانند کشوری را نابود کنند و روزی هم از آرامش، مسئولین این کشور دست به خلق مشکل جدیدی می‌زنند. وضع امنیتی در عراق بسیار مستقر شده و نیروهای امنیتی و ارتش با قدرت به دنبال نابودی گروه‌های باقی مانده داعش در گوشه و کنار این کشور هستند. اما پس از اتحاد بزرگی که میان دولت و مردم عراق برای مقابله با داعش شاهد بودیم؛ صحنه سیاسی عراق شاهد منفعت طلبی‌های جناحی و مذهبی پیش از انتخابات پارلمانی در این کشور است. حتی گروه‌های شیعی عراق که جزوی از ارتش مردمی علیه داعش بودند به دنبال کنار زدن هم‌زمان خود برای گرفتن جایگاه بالاتری در پارلمان هستند. جریان صدر عراق به ریاست مقتدی صدر یکی از مهم‌ترین جریان‌های سیاسی - نظامی شیعه در عراق محسوب می‌شود اما این جریان به دلیل ارتباط با عربستان و اردن و دیدارهای مکرر با مقامات این کشورها در صدد است تا با تأثیرگذاری بر دولت بغداد، دیگر جریان‌های مقاومت در عراق به خصوص حشد الشعبی را خلع سلاح کند. برخی معتقد هستند که خلع سلاح حشد الشعبی که گروهی متشکل از تمام فرقه‌ها و مذاهب عراق است، می‌تواند زمینه را برای نفوذ و گسترش مجدد داعش در عراق آماده کند. در جریان‌های سیاسی اهل تسنن عراق هم وضعیت به همین صورت است. گروه‌های سیاسی که از عربستان حمایت می‌شوند سعی دارند تا دیگر گروه‌های اهل تسنن را کنار زده و خود را به عنوان نمایندگان اهل تسنن در عراق معرفی کرده تا از این طریق منافع کشورهای حامی خود را تأمین کنند. روند سیاسی فعلی عراق آینده روشنی برای این کشور را رقم نخواهد زد. مهم‌ترین دلیل این موضوع این است که عراق به دلیل وجود سلاح در دست مردم، هر اختلاف سیاسی میان احزاب به درگیری مسلحانه در خیابان‌ها منجر خواهد شد. اما می‌توان امیدوار بود که مرجعیت دینی در عراق مانند زمانی که داعش بدون هیچ محدودیتی به اشغال مداوم مناطق مختلف عراق می‌زد با صدور فتوایی دینی، اختلافات سیاسی را برطرف کرده و مردم را به آرامش دعوت کند.



عربستان

تغییرات بی سابقه قرن

به نظر نمی‌رسد که دیگر در کوچه و خیابان کسی مانده باشد که درباره تغییرات در عربستان چیزی نداند. این کشور طی دوماه گذشته تغییراتی را تجربه کرده است که در قرن گذشته این تغییرات را نداشت. مهم‌ترین تغییر در عربستان، انتخاب پسر پادشاه فعلی یعنی محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد بود. در عربستان نظام پادشاهی به صورت پلکانی است به این ترتیب که برادر کوچک‌تر جای برادر بزرگ‌تر می‌نشیند و بعد از برادران، پسران آنان به ترتیب فرزندان برادر بزرگ‌تر به قدرت می‌رسند. اما محمد بن سلمان در رتبه قدرت‌گیری در پایین‌ترین جایگاه قرار داشت و تنها با ۳۵ سال سن، شب صد ساله را یک شبه طی کرد. ولیعهد عربستان پس از جانشینی اقدام به بازداشت تمامی شاهزادگان قدرتمند عربستان کرد و حتی دو نفر از آنان را که در برابر بازداشت مقاومت می‌کردند؛ کشت. عربستان به دلیل خرید سلاح از آمریکا و پرداخت ۴۵۰ میلیارد دلار با کسری بودجه شدید مواجه شد و این کسری بودجه را از طریق اخاذی از شاهزادگان بازداشت شده تأمین کرد. از سوی دیگر عربستان در صحنه بین‌المللی نیز اقدامات بی‌سابقه‌ای را انجام داد از جمله حمله نظامی به یمن و قطع روابط با قطر. در حمله به یمن قرار بود که این جنگ چندماه بیشتر به طول نیانجامد در حالی که تاکنون چهار سال از این جنگ گذشته و نیروهای ائتلاف عربی به رهبری عربستان که به یمن حمله کردند، هم‌اکنون دچار اختلاف شده و علیه هم دست به انجام عملیات می‌زنند. از سوی دیگر جریان‌های مردمی و مقاومت یمن که در ابتدای جنگ با سلاح‌های سبک مقابل پیشروی عربستان ایستادگی کردند، هم‌اکنون و با وجود تمام تحریم‌ها و محاصره مرزهای خود توانسته‌اند در ساخت موشک‌های دور برد به پیشرفت‌های قابل توجهی دست پیدا کرده و در جنگ با عربستان دست برتر را داشته باشند.

هیأت

قطع ارتباط با قطر

عربستان در جریان تأمین کسری بودجه صدها میلیارد دلاری خود از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس خواست تا بخشی از ذخیره ارزی خود را در اختیار عربستان قرار دهند. در میان سه کشور کویت، قطر و عمان از پرداخت مبالغ درخواستی عربستان امتناع کردند و تنها بحرین و امارات به عربستان پول پرداخت کردند. اما چرا قطر مورد خشم عربستان قرار گرفت؟ نکته مهم این است که قطر همواره در منطقه به عنوان یک رقیب مهم اقتصادی برای عربستان به شمار می‌رفته است. قطر سومین دارنده ذخایر گازی جهان بعد از روسیه و ایران است و از این طریق سرمایه بسیار زیادی کسب کرده و حجم ذخایر ارزی آن طی یک دهه اخیر به اندازه تمام اندوخته عربستان شده و نزدیک به ۳۹۰ میلیارد دلار رسیده است. عربستان برای تنبیه قطر تمام راه‌های مواصلاتی با قطر را بست و از امارات و بحرین خواست تا حریم هوایی خود را بر خطوط هوایی قطر و بنادر خود را ببندند. قطر در ابتدای اقدامات عربستان از نظر اقتصادی فلج شده بود. اما ایستادگی ایران، عمان و ترکیه در کنار قطر توانست این کشور را در کمتر از یک‌ماه به وضعیت سابق بازگرداند. عربستان در زمان پادشاهی سلمان بن عبدالعزيز تمام سرمایه‌گذاری خود را بر ریاست‌جمهوری ترامپ گذاشته است و تمام کشورهای همراه خود از جمله قطر را که در تمام برنامه‌های این کشور از جمله اقدام علیه سوریه به ریاض کمک می‌کرد از دست داد و در حقیقت در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دو دوستی به وجود آورده است. برخلاف تمام نشانه‌هایی که نشان از قدرت‌گیری عربستان است؛ این کشور در جبهه داخلی با مشکلات بزرگی از جمله احتمال کودتای شاهزادگان علیه محمد بن سلمان و همچنین شروع اعتراضات مردمی به دلیل افزایش قیمت‌ها و گرانی زندگی، دست و پنجه نرم می‌کند.

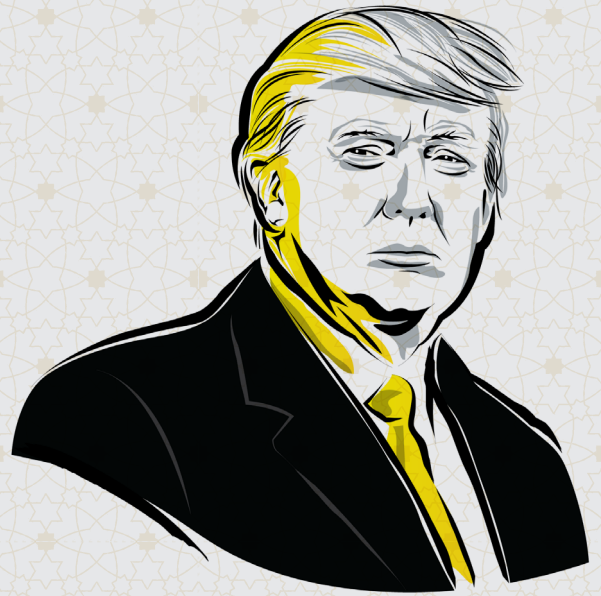


آفریقا

به دنبال جایگاه در سیاست بین‌الملل

به خصوص اسرائیل را در آفریقا به خطر انداخته است. یکی از مهم‌ترین ضربه‌ها به منافع آمریکا، توافق کشورهای آفریقایی بر سر سد النهضة بود. اسرائیل و آمریکا سال‌هاست با سرمایه‌گذاری در اتیوپی در حال ساخت یکی از بزرگ‌ترین سد‌های آفریقا بر سر راه سرچشمه رود نیل هستند. قرار بر این بود تا آمریکا و اسرائیل با کنترل آب، کشورهای عربی شمال آفریقا مانند سودان و مصر را در ازای آب رود نیل، با سیاست‌های خود همراه کنند. اما توهین ترامپ باعث شد تا اتیوپی، مصر و سودان بر سر مدیریت آب سد النهضة توافق کرده و تقسیمات آبی میان خود را منظم کنند. این موضوع باعث شد تا اسرائیل یکی از مهم‌ترین اهرم‌های فشار خود در آفریقا را از دست بدهد.

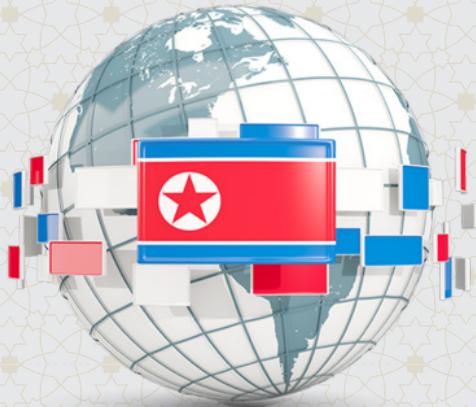
کشورهای آفریقایی ماه گذشته چندین جلسه مهم و تصمیمات مهم‌تر در خصوص جایگاه خود در سیاست بین‌الملل داشتند. مهم‌ترین اقدام کشورهای آفریقایی اتخاذ موضع صریح درباره توهین اخیر رئیس‌جمهور آمریکا بود. دونالد ترامپ در یکی از سخنرانی‌های خود، مردم آفریقا را بی‌مصرف خطاب کرد و کشورهای آفریقایی را زباله دان و توالت خوانده بود. ترامپ گفته بود که ما پول کشورهای آفریقایی را می‌دهیم و آنها باید در اختیار ما باشند. گفته‌های ترامپ به قدری برای آفریقایی‌ها سنگین بود که آنها تصمیم گرفتند که در سازمان ملل دیگر از طرح‌های آمریکا حمایت نکنند و به طور دسته جمعی، خواستار دریافت غرامت از آمریکا شدند. سخنان ترامپ بسیاری از منافع آمریکا و همپیمانانش



اروپا

مواضع مستقل بعد از ترامپ

اروپا، قاره‌ای که در تقسیم جهان در بلوک غرب و سیاست‌های آمریکا قرار می‌گیرد و همیشه زمانی که از سیاست‌های آمریکا انتقاد می‌شود ناخواسته از اروپا نیز به دلیل پیروی خواسته یا ناخواسته از واشنگتن انتقاد می‌شود. اما از زمان به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا، کشورهای اروپایی سعی کردند تا مواضع مستقلی نسبت به آمریکا بگیرند. این موضوع دلایل مختلفی دارد که مهم‌ترین آن، اقدام ترامپ در جداسازی اقتصاد آمریکا از اروپا و اهمیت ندادن به امنیت کشورهای اتحادیه اروپا از جمله آلمان و فرانسه بود. در اروپا هم با روی کار آمدن سیاستمداران مستقل مانند امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، شاهد موضع گیری‌هایی علیه آمریکا هستیم. اختلافات زیادی میان اروپا و آمریکا به وجود آمده که مهم‌ترین آنان اختلاف بر سر پرونده هسته‌ای ایران یا همان برجام و بی‌توجهی آمریکا به توافقنامه‌های تجاری و محیط زیست با اروپا، افزایش تنش میان آمریکا و روسیه و خروج انگلیس از این اتحادیه است. اروپا هم اکنون با بحران‌های مهمی از جمله موج مهاجرت از کشورهای آسیایی و آفریقایی و همچنین بازگشت تروریست‌های اروپایی عضو داعش از عراق و سوریه و فعالیت آنان در کشورهایی مانند فرانسه و آلمان روبه‌رو است که این بحران‌ها باعث تصمیم‌گیری‌های مهمی میان کشورهای اروپایی از جمله بستن مرزها و ایجاد گذرگاه‌های مرزی برای کنترل تردد شده ولی این موضوع ضربه بسیار سنگینی به اقتصاد آزاد در این قاره زده است. از دیگر مشکلات مهم اروپا، تنش میان آمریکا و روسیه است که تنها اروپا باید تبعات آن را به دوش بکشد. آمریکا به بهانه‌های مختلف علیه دولت و مقامات روسیه تحریم‌های مهمی اعمال می‌کند و اروپا باید از این تحریم‌ها تبعیت کند اما مشکل اصلی اروپا این است که روسیه بزرگ‌ترین و تنها تأمین‌کننده گاز برای اروپا است و در صورت واکنش نشان دادن روسیه به تحریم‌های آمریکا، اروپا در سرما و خاموشی فرو می‌رود و به همین دلیل اروپا می‌خواهد تا خود را از درگیری میان روسیه و آمریکا خارج کند. در حوزه اجتماعی نیز اروپا شاهد تغییراتی بوده است. طبق آمارهای اتحادیه اروپا، گرایش به اسلام در کشورهای اروپایی روند سریعی داشته است. دلیل اثبات این موضوع مسلمان شدن یکی از اعضای ارشد حزب افراط‌گرای راست آلمان است. «آرتور واکنر» که خود یکی از تئورسین‌های جریان ضدمسلمانان در آلمان بود پس از ۳ ماه تحقیق درباره اسلام، از حزب راست‌گرای آلمان استعفا داده و مسلمان شدن خود را به‌طور رسمی اعلام کرد. برخی از کشورها از جمله فرانسه سعی دارند تا با این جریان مقابله نرم انجام دهند. رسانه‌های فرانسوی از طرح دولت این کشور برای غربالگری مسلمانان و دادن فضای باز برای فعالیت به مسلمانان سکولار و به حاشیه راندن مسلمانان مذهبی خبر دادند و نوشتند که خطاب‌های اخیر رئیس‌جمهور فرانسه درباره آزادی دادن به مسلمانان تنها برای آرایش وجهه ضداسلامی فرانسه است.



شبه جزیره کره

گشایش مذاکره میان دو کره

شبه جزیره کره در حالی سال ۲۰۱۸ آغاز کرد که تغییر موضع کره شمالی درباره مذاکره با کره جنوبی بسیار سر و صدا کرد. «کیم جونگ اون» رهبر کره شمالی طی سخنرانی‌های آغاز سال نو میلادی با ابراز امیدواری به بهبود روابط با سئول و گشایش مذاکره میان دو کره، دست دوستی خود را به سمت کره جنوبی دراز کرد و اندکی بعد از آمادگی این کشور برای مشارکت و حضور در بازی‌های المپیک کره جنوبی و اتحاد احتمالی با سئول سخن گفت. این تغییر لحن کره شمالی پس از ماه‌ها تنش شدید در شبه جزیره کره بسیار سؤال برانگیز است. نگاهی به گذشته درمی‌یابیم که اتخاذ این ژست از جانب کیم جونگ اون مورد انتظار بوده است و این اتفاق تاکنون چندین بار در تاریخ تکرار شده و هر بار زمانیکه اوضاع کره شمالی به نقطه‌ای خطرناک رسیده، پیونگ یانگ به منظور تضعیف جبهه متحد دشمنانش، با کارت کره جنوبی بازی کرده و اینک نوبت دولت «مون جائه این» رئیس‌جمهوری کره جنوبی است که به این بازی تن دهد.

به اعتقاد این کارشناس، این اقدام نه تنها به کاهش فشار جامعه بین‌الملل بر کره شمالی کمک کرده، بلکه پیونگ یانگ با القای وجود راه‌حلی دیگر برای حل و فصل اوضاع جاری، خیال همسایگان خود را نیز راحت کرده است. نکته مهم این است که کره جنوبی ینبار بدون توجه به سیاست‌های آمریکا درباره کره شمالی اقدام به مذاکره کرده و به‌طور یکجانبه تمام مانورهای نظامی با آمریکا را لغو کرد تا از این طریق بتواند زمینه را برای مذاکره آماده کند. اما آمریکا در مقابل اقدام کره جنوبی را بی‌فایده خوانده و تنها راه گفت‌وگو با کره شمالی را راه حل نظامی عنوان کرده است. واشنگتن به سئول گفته است که حذف گزینه نظامی در برخورد با کره شمالی، مذاکرات دو کره را به شکست می‌کشاند. اما کره جنوبی کماکان درباره حل و فصل مسالمت‌آمیز مسائل اختلافی میان دو کره تأکید دارد.

هیات



اسرائیل تهدید موشکی حزب الله

حزب الله بار دیگر تأکید کرد که قواعد بازی و درگیری با دشمن صهیونیستی پس از پایان جنگ دوم در سال ۲۰۰۶، تغییر کرده است. خبرنگار شبکه ۱۳ تلویزیون رژیم صهیونیستی به نقل از منابع سیاسی و امنیتی بلندپایه تل آویو اعلام کرد که حزب الله بواسطه نیروهای «یونیفل» (نیروهای حافظ صلح سازمان ملل مستقر در مرز لبنان) پیامی شدید اللحن به تل آویو فرستاده و تهدید کرده که اگر اسرائیل از بنای «دیوار حائل» در امتداد مرزهای لبنان دست بر ندارد، حزب الله در شلیک موشک به این منطقه برای جلوگیری از ادامه ساخت این دیوار، در تگ نخواهد کرد.

یونیفل پس از دریافت این پیام و بخاطر اینکه تنش های امنیتی در منطقه به وجود نیاید، به سفرای انگلیس و آمریکا پیامی فرستاد تا این پیام ها را به «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی منتقل کنند.

این شبکه تأکید کرد که پاسخ اسرائیل در مقابل تهدید حزب الله پاسخی قوی و جدی بود. اسرائیل در این پیام در واکنش به حزب الله اعلام کرد که اگر حزب الله همانطور که تهدید کرده به سوی مرزهای اسرائیل موشکی شلیک کند، پاسخی شدید خواهد دید. مقامات اسرائیلی تأکید کردند که ساخت دیوار حائل همچنان ادامه دارد.

به نقل از روزنامه هآرتز، وزارت دفاع اسرائیل، در حال ساخت دیوار حائل جدیدی در دو منطقه در مرز لبنان است همانند دیوارهایی که در مرزهای مصر، سوریه و اردن ساخته شده است. دیوار اول در نزدیکی منطقه «راس الناقوره» در ساحل دریای مدیترانه قرار دارد در حالی که دیگری در نزدیکی منطقه مرزی «المطله» است. فرماندهی منطقه شمالی ارتش صهیونیستی این طرح را اولویت اول ارتش دانست. این طرح ۲۸ میلیون دلار هزینه دارد.

وزارت دفاع اسرائیل در اظهاراتی گفت که یک دیوار پیشرفته در دو منطقه در مرز لبنان و اسرائیل ساخته خواهد شد. این اظهارات درست چندماه پس از اینکه یک شهروند لبنانی از طریق منطقه المطله وارد اسرائیل شد و به شهر «کریات شمونا» که در چند کیلومتری مرز لبنان است، رسید. این امر منجر به برکناری معاون فرمانده منطقه شد و اقدامات تنبیهی علیه دستیار او انجام شد. علاوه بر این چهار سرباز اسرائیلی نیز با اقدامات تنبیهی مواجه شدند ولی ارتش اسرائیل تا به حال هیچ جزئیاتی درباره نقش آنها در این اتفاق، ارائه نکرد. بر این اساس قرار است دیوار حائل به طول شش متر در برخی مناطق در امتداد مرز اسرائیل-مصر و بلندی های جولان ساخته شود. این دیوار از فولاد و سیم خاردار تشکیل می شود و تکنولوژی پیشرفته اسرائیلی در آن به کار می رود. در بخشی از مناطق دیوارهای بتنی نصب می شود.

یکی از افسران که در نزدیکی مرز لبنان خدمت کرده بود، دیوار مرزی فعلی را برای مقابله با تهدیدات نامناسب توصیف کرد. این افسر افزود که طرح ساخت این دیوار جدید در واقع واکنش جدی به تحولات و تغییرات ایجاد شده در این منطقه است. مانند ایجاد نیروی ویژه رضوان حزب الله که هدف از آنم این بود که توانایی مبارزه در اسرائیل را داشته باشد نه تنها در لبنان.

براساس این روزنامه مدت طولانی است که ارتش اسرائیل آماده می شود برای تلاش هایی محتمل برای ورود به مجتمع های مسکونی اسرائیلی نزدیک مرز آماده می شود و موانع بتنی در امتداد مرز ایجاد کرده است. همچنین پستی و بلندی زمین را به شکلی تغییر داده است تا بتواند هر کسی که با پای پیاده وارد این منطقه شود را کشف کنند همچنین موانعی را کنده است و پست های کنترل مرزی

اضافی را ساخته است.

امر قابل توجه این است که این نشست اسرائیلی همزمان با هفتمین دیدار نتانیاهو به موسکو آمده است. که درباره تلاش های مستمر او برای مهار کردن اثرات پیروزی محور مقاومت بر گروه های تروریستی و تکفیری متمرکز بود. این چیزی است که تل آویو از گسترده گی و بزرگی توانایی دفاعی و تهاجمی آن هراس دارد. و از آن به عنوان مقابله با تمرکز ایرانی در سوریه و حمایت حزب الله با توانایی موشکی که توانست یک چتر محافظتی و دفاعی خوبی باشد و آن را طی سال های گذشته از محیط عربی متمایز کرد. به این منظور نتانیاهو، هر تسی هلیفی، رئیس اطلاعات نظامی اسرائیل را با خود به روسیه برد به امید اینکه در کی و کمکی در این باره بگیرد.

در مقابله با رشد محور مقاومت که تل آویو خود را در مقابل انتخاب زیادی می بیند، اسرائیل تلاش می کند که از روسیه کمک بگیرد که هیچ منفعتی در درگیری وسیعی با اسرائیل ندارد. پس از دیدار نتانیاهو تأکید کرد که به پوتین توضیح دادم که ما علیه تمرکز ایرانی در سوریه کار خواهیم کرد ولی طبق تلویزیون عبری، نتانیاهو به بشار اسد رئیس جمهور سوریه پیامی فرستاد و در آن نوشته بود که ایران در حال کار بر ساخت کارخانه موشک پیشرفته و بسیار دقیق در لبنان است و تأکید کرد که اسرائیل به هیچ وجه اجازه این کار را نخواهد داد و اشاره کرده که از نیروهای نظامی برای جلوگیری از پروژه ایرانی استفاده خواهد کرد. اما آنچه مشخص است اسرائیل در حال محاصره کردن خود در داخل خاک فلسطین است زیرا تمام جبهه شمالی و شرقی آن را گروه های مقاومت در اختیار داشته و هر لحظه ممکن است علیه اسرائیل اقدام کنند.